

الحديث

يحتوي على التصوُّص العربيَّة لإلحاديت وترجمتها باللغة الفارسيَّة

روايات ترتقي
از مكتب اهلبيت (ع)



الحديث

يحتوي على النصوص العربية للأحاديث وترجمتها باللغة الفارسية

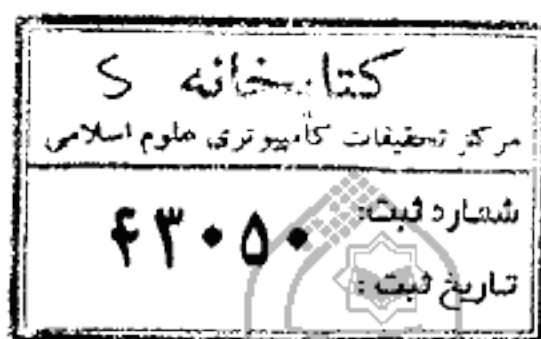


مرکز تحقیقات علوم دینی
روایات تربیتی

از مکتب اهل بیت (ع)

بخش دوم

چاپ اول: ۱۳۶۳، ۳ هزار جلد
 چاپ دوم: ۱۳۶۴، ۵ هزار جلد
 چاپ سوم: ۱۳۶۶، ۵ هزار جلد
 چاپ چهارم: ۱۳۶۷، ۳ هزار جلد
 چاپ پنجم: ۱۳۶۸، ۵ هزار جلد
 چاپ ششم: ۱۳۶۹، ۵ هزار جلد
 چاپ هفتم: ۱۳۷۲، ۳ هزار جلد



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

دفتر نشر فرهنگ اسلامی

نام کتاب: الحدیث (جلد دوم)
 احادیث و ترجمه: از کتابهای گفتار فلسفی
 گردآورنده: مرتضی فرید
 چاپ هشتم: ۱۳۷۳
 تعداد: ۵ هزار جلد
 چاپ و نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

تهران - خیابان فردوسی، روبه روی فروشگاه شهر و روستا.
 مرکز پخش: ۳۱۱۲۱۰۰

بِناَمِ اللهِ

دیباچه



بایاری خداوند متعال *تکلیف و تربیت* رسد

بخش دوم کتاب «الحديث، روایات تربیتی از مکتب اهل بیت علیهم السلام» که بشکل موضوعی تهیه و به ترتیب حروف الفبا [از حرف «د» تا آخر حرف «ق»] در ۶۵ موضوع تنظیم شده و در دسترس خوانندگان محترم قرار گرفته است.

الحديث، مجموعه‌ای است از احادیث و روایات تربیتی با ترجمه که تمام آنها اقتباس از متن کتابهای «گفتار فلسفی» تألیف استاد سخن، محقق دانشمند جناب آقای محمد تقی فلسفی می باشد.

کتاب الحديث، دارای دو فهرست فارسی و عربی است که اهل هر دو زبان می توانند از آن به آسانی استفاده نمایند.

الحديث، کتابی است که با کسب اجازه از معظم له جمع آوری و تنظیم شده است.

بخش اول آن در بهمن ماه ۱۳۶۳ چاپ و توزیع گردید و مورد

۶۱ . دانش
[الْعِلْم]

ارزش دانشمند و دانش

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا
يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْآلِیَابِ .

● ای رسول معظم ، بمردم بگو : آیا کسانی که عالمند با اشخاص
غیر عالم یکسانند؟ هرگز چنین نیست . افراد عاقل و خردمند به این تفاوت
اساسی توجه دارند .

مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْتَ شِعْرِي أَيْ شَيْءٍ أَدْرَكَ مَنْ فَاتَهُ
الْعِلْمُ بَلْ أَيْ شَيْءٍ فَاتَ مَنْ أَدْرَكَ الْعِلْمَ .

● علی علیه السلام درباره ارزش علم و تفاوت افراد عالم و غیر عالم
فرموده است : کاش میدانستم کسی که از علم بی نصیب مانده چه چیز بدست
آورده است . و آنکس که از علم بهره منده شده چه چیز بدست نیاورده
است .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ عَلَيْكُمْ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ فَإِنَّ
الْعَالِمَ يَكْرُمُ وَإِنْ لَمْ يَنْتَسِبْ وَيَكْرُمُ وَإِنْ كَانَ فَقِيرًا وَيَكْرُمُ

۱ - سورة ۳۹ ، آیه ۹ - ۲ - شرح ابن ابی الحدید ، جلد ۲۰ ، صفحه ۲۸۹ ،

کلمه ۲۹۹

وَإِنْ كَانَ حَدَّثًا^۱.

● علی علیه السلام فرموده است : در علم و ادب بکوشید چه آنکه عالم ، عزیز و گرانقدر است ، اگر چه به خاندان بزرگی منتسب نباشد ، اگر چه فقیر بی بضاعت باشد ، و اگر چه جوان باشد .

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : إِنْ اللَّهُ يُطَاعُ بِالْعِلْمِ وَ يُعْبَدُ بِالْعِلْمِ وَ خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ^۲.

● رسول اکرم (ص) فرموده : اطاعت از فرمان الهی و پرستش ذات اقدس او بر اثر علم است ، خیر دنیا و آخرت در پر تو علم بدست میآید ، و شر دنیا و آخرت از جهل و نادانی دامنگیر انسان میشود .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضَيِّفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْعُلَمَاءِ^۳.

● علی علیه السلام فرموده : شایسته مرد عاقل آنستکه نظر صائب خردمندانرا بر اندیشه خود بیفزاید و دانش خویش را بعلم دانشمندان پیوند دهد .

۱ - شرح ابن ابی الحدید ، جلد ۲۰ ، صفحه ۲۳۲ ، کلمه ۸۱۴

۲ - بهار ، جلد ۱ ، صفحه ۶۴

۳ - فرد الحکم ، صفحه ۳۸۴

دانش: علم و عمل

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُلُّمَا زَادَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَادَ عِنَايَتُهُ
بِنَفْسِهِ وَبَدَّلَ فِي رِيَاضَتِهَا وَصَلَاحِهَا جُهْدَهُ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : بهر نسبت که دانش آدمی زیادتیر
میشود توجه خود را بنفس خویش افزون میکند و برای نیل بسعادت
و صلاح ، سعی و کوشش خود را بکار میاندازد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَطُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَ
عِلْمَهُ وَحُبَّهُ وَبُغْضَهُ وَأَخَذَهُ وَتَرَكَهُ وَكَلَامَهُ وَصَمْتَهُ
وَفِعْلَهُ وَقَوْلَهُ .^۲

● علی علیه السلام در ضمن وصایای خود بحضرت حسین (ع)
فرموده : خوشبخت و رستگار کسی است که علم و عملش ، دوستی و
دشمنیش ، گرفتن و رها کردنش ، سخن گفتن و سکوتش ، رفتار و گفتارش
تنها براساس رضای الهی استوار باشد و برخلاف امر پروردگار قدمی
برندارد .

علم و عمل

قالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : اَلْعُلَمَاءُ عَالِمَانِ : عَالِمٌ عَمِلَ بَعِلْمِهِ
فَهُوَ نَاجٍ وَ عَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ فَقَدْ هَلَكَ .^۳

● رسول اکرم میفرمود : مردان عالم و دانشمند دو قسمند :
اول عالمی که بعلم خود عمل میکند ، برای او نجات و رستگاری است ،

۱ - مستدرک ۲ ، صفحه ۳۱۰

۲ - تحف العقول ، صفحه ۹۱

۳ - لثالی الاخبار صفحه ۱۹۲

و دیگر عالمی که عملاً از دانش خود پیروی نمی‌نماید ، او در هلاکت و بدبختی است .

أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ : لَا تَسْئَلْنِي عَنْ عَالِمٍ قَدْ اسْكُرْتَهُ حُبُّ الدُّنْيَا فَأُولَئِكَ قُطَاعُ الطَّوْبِقِ عَلَى عِبَادِي .^۱

● خداوند بدادود پیغمبر وحی فرستاد : درباره عالمی که علائق دنیوی و شهوات مادی او را مست کرده است از من پرسش مکن ، اینان راهزنانی برهندگان من هستند .



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرمود : ای اباذر ، در قیامت بدترین مردم نزد پروردگار عالمی است که در جهان از دانش خود عملاً استفاده نکرده و از آن پیروی ننموده است . و در حدیث دیگر فرمود :

أَشَدُّ النَّاسِ عَذَاباً فِي الْقِيَمَةِ عَالِمٌ لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ وَلَمْ يَنْتَفِعْهُ عِلْمُهُ .^۳

● شدیدترین عذاب در قیامت برای عالمی است که بعلمش عمل ننموده و دانشش ، او را بهره‌مند نکرده باشد .

عقل و علم

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : عقل که غریزه اختصاصی انسان و از سرمایه های طبیعی بشر است با علم آموزی و تجربه اندوزی افزایش می یابد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ مُؤَيَّدُ الْعَقْلِ الْعِلْمُ .^۲

● و نیز فرموده است : که تحصیل علم و دانش مایه تقویت و تأیید عقل آدمی است .

مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَثْرَةُ النَّظَرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ .^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده است : مطالعه بسیار و پی گیری در مسائل علمی، باعث شکفتگی عقل و تقویت نیروی فکر و فهم است .

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُلُّ عِلْمٍ لَا يُؤَيِّدُهُ عَقْلٌ مَضَلَّةٌ .^۴

● علی علیه السلام فرموده است : هر آن علمی که مورد تأیید و امضاء عقل نباشد گمراهی و ضلالت است .

۲ - مستدرک ، ۲ ، صفحه ۲۸۷

۱ - غررالحکم ، صفحه ۶۷

۴ - غررالحکم ، صفحه ۴۱۶

۳ - بحار ، ۱ ، صفحه ۵۲

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَبِّ عَالِمٍ قَتَلَهُ عِلْمُهُ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : چه بسا مردم عالمی که علمشان باعث قتل و نابودی آنان شد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : شَرُّ الْعِلْمِ مَا أَفْسَدَتْ بِهِ رَشَادَكَ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : علمی که با آن هدایت خود را فاسد و تباه سازی بدترین علم است .



قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَنْتَفِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرِسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ وَ سُكْرِ الْقُدْرَةِ وَ سُكْرِ الْعِلْمِ وَ سُكْرِ الْمَدْحِ وَ سُكْرِ الشَّبَابِ ، فَإِنْ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيَّاحٌ خَبِيثَةٌ تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَسْتَخِفُّ الْوَقَارَ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : شایسته است انسان عاقل ، خویشتن را از مستی ثروت ، از مستی قدرت ، از مستی علم و دانش ، از مستی تمجید و تملق ، از مستی جوانی مصون نگاه دارد . زیرا هر یک از این مستی ها بادهای مسموم و پلیدی دارد که عقل را زائل میکند و آدمی را خفیف و بی شخصیت مینماید .

۱ - فهرست غرر ، صفحه ۲۶۹

۲ - غررالحکم ، صفحه ۴۴۴

۳ - غررالحکم ، صفحه ۸۶۲

تجربه و علم

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اَعْتَبَرَ ابْصَرَ وَمَنْ اَبْصَرَ فَهِيَمَ
وَمَنْ فَهِيَمَ عَلِمَ.^۱

● علی علیه السلام فرموده است: هر کس از وقایع گذشتگان عبرت بگیرد بینا میشود، کسی که بصیرت و بینائی پیدا کرد می فهمد، و آنکس که فهمید عالم میشود.

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّجَارِبُ عِلْمٌ مُسْتَفَادٌ.^۲
● علی علیه السلام فرموده است: تجربه های زندگی، دانش مفید و ثمر بخشی است.

مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَفِي التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْنَفٌ.^۳
● و نیز فرموده است: تجربیات، بمردم دانش تازه می آموزد.

عَنْ اَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يُلْسَعُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرِ
مَرَّتَيْنِ.^۴

● امام صادق علیه السلام فرموده است: انسان عاقل از یک سو راخ مار دوبار گزیده نمیشود یعنی انسان عاقل همواره تجربیات خود را بخاطر می سپارد و عملاً بکار می بندد و اگر یک بار اشتباه کرد دوباره آنرا تکرار نمی کند.

۳ - بحار ۱، صفحه ۴۳

۴ - تحف العقول، صفحه ۹۶

۱ - سفینه «عبر» صفحه ۱۴۶

۲ - غرر الحکم، صفحه ۳۵

تعلیم و تعلم

خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَإِذَا فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ : مَجْلِسِ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسِ يَدْعُونَ اللَّهَ وَيَسْأَلُونَهُ . فَقَالَ : كَيْلَا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَيَّ خَيْرٌ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ وَأَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يَفْقَهُونَ الْجَاهِلَ ، هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ ، بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ .^۱

● رسول اکرم (ص) مشاهده کرد که در مسجد ، دو مجلس تشکیل شده است ، یکی مجلس علم که در آن از معارف اسلامی بحث میشود و دیگری مجلس دعا که در آن خدا را میخوانند . رسول اکرم (ص) فرمود : این هر دو مجلس خوب و مورد علاقه من است . آن گروه دعا میکنند و این گروه درس میخوانند و درس میگویند ، ولی گروه علمی برتر و بالاتر از گروه دعا هستند و من از طرف پروردگار برای تعلیم مردم ، مبعوث شده ام . سپس رسول اکرم (ص) به گروه معلمین و محصلین پیوست و با آنان در مجلس علم نشست .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بِأَمْعَشَرَ النَّفِثِيَّانِ حَصْنُوا أَعْرَاضَكُمْ بِأَلَا دَبٍ وَ دِينَكُمْ بِأَلْعِلْمِ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : ای گروه جوانان ، شرف انسانی و سجایای اخلاقی خود را با ادب آموزی و تربیت محافظت نمائید و سرمایه گرانبهای دین خویش را با نیروی علم و دانش از دستبرد ناپاکان و خطرات گوناگون برکنار نگاه دارید .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اُغْدُ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا وَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ لَاهِيًا مُتَلَدِّذَاً^۱.

● امام باقر (ع) از رسول اکرم (ص) حدیث کرده است که فرموده: صبح کن و روزت را بگذران که یا عالم باشی یا علم آموز، و پرهیز از اینکه عمرت در لذائذ غفلت زان و کامجوییهای زیانبخش سپری گردد.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ^۲ وَإِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْعُلَمَاءِ^۳.

● علی علیه السلام فرموده: منزه او است انسان عاقل رأی خردمندان را برای خود بیفزاید و دانش علماء را بر دانش خویش اضافه نماید.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَكْثَرَ التَّفِكْرَ فِيمَا تَعَلَّمَ اتَّقَنَ عِلْمَهُ وَفَهِمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ^۴.

● علی علیه السلام فرموده است: کسیکه در آموخته های خود بسیار بیندیشد دانش خود را استوار ساخته و بفهم مطالبی که نمی فهمد ناآل می گردد.

۱- مشکوٰۃ الانوار، صفحه ۱۳۳

۲- غرر الحکم، صفحه ۳۸۴

۳- فهرست غرر، صفحه ۳۱۶

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَسْتُ أُحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ : أِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَطًا فَإِنْ فَرَطَ ضَيَّعَ فَإِنْ ضَيَّعَ أَثِمَ وَإِنْ أَثِمَ سَكَنَ النَّارَ .^۱

● حضرت صادق علیه السلام میفرموده : دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر آنکه صبح کند و رفت و آمدش در یکی از این دو حالت باشد : یا عالم یا محصل . کسی که چنین نباشد در انجام وظیفه کوتاهی کرده و خودداری از ادای وظیفه، تضییع حق انسانیت است و چنین تضییعی گناه است و جایگاه گناهکار در آتش خواهد بود.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

رَأَى الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ اتِّسَاعَ الْفُتُوحِ يَقْضِي بَيَانَ يُتَعَلَّمُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ صَنْعَةَ الدَّبَابَاتِ وَالْمَجَانِقِ وَالضُّبُورِ فَأَرْسَلَ إِلَى جَرَشِ الْيَمَنِ اثْنَيْنِ مِنْ أَصْحَابِهِ يَتَعَلَّمَانِهَا .^۲

● رسول اکرم (ص) مشاهده کرد که گسترش فتوحات مسلمین و توسعه امور نظامی حکم میکند که بعضی از اصحابش با سلاحهای جدید آشنا شوند و طرز استفاده از آنها را بیاموزند، بهمین جهت دو نفر از اصحاب خود را به «جرش» که یکی از روستاهای یمن بود فرستاد تا از آنجا وسائل یادگیری و تعلیم خود را فراهم آورند .

طالبان علم

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: طَلَبَةُ الْعِلْمِ ثَلَاثَةٌ فَأَعْرِفَهُمْ بِأَعْيَانِهِمْ وَصِفَاتِهِمْ: صِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلْجَهْلِ وَالْمِرَاءِ وَصِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلْإِسْطِطَالَةِ وَالْخُتْلِ وَصِنْفٌ يَطْلُبُهُ لِلنِّفَقَةِ وَالْعَقْلِ.^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده است: طالبان علم، سه گروهند و تو آنان را به ذات و صفاتشان بشناس: گروهی برای کارهای جاهلانه و بحثهای خصومت آمیز درس میخوانند. گروهی برای گردن فرازی و فریبکاری تحصیل میکنند، و گروه سوم، علم را برای فهمیدن و تعقل کردن فرامیگیرند.

فَصَاحِبُ الْجَهْلِ وَالْمِرَاءِ مُؤَذِّمٌ مُتَعَرِّضٌ لِلْإِسْقَالِ فِي آثِدِيَةِ الرِّجَالِ بِتَذَاكُرِ الْعِلْمِ.

● گروه اول با سخنان خود مردم را میآزارند و در بحثهای علمی مجادله و لجاجت میکنند، اینان درس میخوانند تا در مجالس عمومی با حضور مردم سخن علمی بگویند، معلومات خود را به رخ این و آن بکشند و با نیروی دانش دیگران را شکست دهند و برتری خود را اثبات نمایند.

وَصَاحِبُ الْإِسْطِطَالَةِ وَالْخُتْلِ ذُو خَبٍّ وَمَلَقٍ يَسْتَطِيلُ عَلَى مِثْلِهِ مِنْ أَشْبَاهِهِ وَبِتَوَاضُعٍ لِسُلَاغْنِيَاءٍ مِنْ دُونِهِ.

● گروه دوم، وقتی با اقران و امثال خود مواجه میشوند، تکبر میکنند و بر اثر غرور علمی، آنان را بادیده، تحقیر مینگرند و موقعیکه با ثروتمندان

پست‌تر از خود برخوردار مینمایند به مکر و فریب دست میزنند و تملق میگویند تا توجه آنانرا بخود جلب کنند و از ثروتشان بهره‌مند گردند .

واضح است که تنها گروه سوم در تحصیل علم ، هدف صحیح و منزّه دارند و ممکن است در پرتو دانش خود به کمال انسانی نائل گردند، ولی گروه اول و دوم گرچه درس میخوانند و از پی تحصیل علم میروند اما اخلاق بد و رفتار ناپسندشان سدّ راه سعادت آنها است و نمیتوانند از معلومات خویش به شایستگی استفاده نمایند .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِ الْمَلَقُ وَلَا الْحَسَدُ إِلَّا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ .
● علی (ع) فرموده است : تملق گفتن و حسد بردن از خلیقات مردان با ایمان نیست مگر در راه فرا گرفتن علم و دانش .

پرسش و علم

عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ .^۱

● حضرت رضا (ع) فرمود : علم گنجینه‌های کمال است و کلید - های آن گنجینه‌ها پرسش کردن است .

پرس آنچه ندانی که ذلّ پرسیدن

دلیل راه تو باشد بعزّ دانائی

سوادآموزی

(توانایی خواندن و نوشتن)

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى
ذُلِّ التَّعَلُّمِ سَاعَةً بَقِيَ فِي ذُلِّ الْجَهْلِ أَبَدًا.^۱

● رسول اکرم (ص) میفرمود : آنکس که ساعتی بذلت علم آموزی
تن ندهد در همه عمر گرفتار ذلت و خواری جهل خواهد بود .

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَسْتَحْيِ الْجَاهِلُ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ
يَتَعَلَّمُ.^۲

● علی علیه السلام فرموده است : کسیکه چیزی را نمیداند حیا نکند
از اینکه آنرا بیاموزد .

مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی

وَلَا يَسْتَحْيِي أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ.^۳

● علی علیه السلام میفرمود : البته هیچکس حیا نکند از اینکه
اگر چیزی را نمیداند یاد بگیرد .

وَلَا يَسْتَحْيِي أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمْ أَنْ
يَقُولَ لَا أَعْلَمُ.

● علی (ع) میفرمود : هیچکس حیا نکند وقتی از او بپرسند چیزی
را که نمیداند صریحاً بگوید نمیدانم . اولیاء اسلام در موارد بسیاری
مردم را از حیاء احمقانه و خجالت کشیدنهای بی‌وردی برحذر داشته‌اند .

۱ - نهج البلاغة فیض صفحه ۱۱۱۲

۱ - بحار جلد ۱۷ صفحه ۴۶

۲ - نهج البلاغة فیض صفحه ۱۱۱۳

۲ - بحار ، جلد ۱ ، صفحه ۵۷

مهار علم

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) أَنَّهُ دَعَا بَنِيهِ وَبَنِي أَخِيهِ فَقَالَ :
 إِنَّكُمْ صِغَارُ قَوْمٍ وَ يُوْشِكُ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ قَوْمٍ آخَرِينَ
 فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِيعْ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ
 فَلْيَكْتُبْهُ وَلْيَضَعْهُ فِي بَيْتِهِ .^۱

● حضرت مجتبی (ع) روزی فرزندان خود و فرزندان برادر خود را دعوت کرد و بآنان فرمود : همه شما کودکان اجتماع امروز هستید و امید می رود که بزرگان اجتماع فردا باشید ، دانش بیاموزید و در کسب علم کوشش کنید و هر کدام که حافظه قوی ندارید و نمیتوانید در مجلس درس مطالب استاد را ضبط کنید آنها را بنویسید و نوشته هارا در منزل نگاهداری نمائید تا در موقع لزوم مراجعه کنید .

اجتماع و تحصیل علم

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ صِغَاراً تُسَوِّدُوا بِهِ كِبَاراً .^۲
 ● علی علیه السلام فرموده است : در خرد سالی علم بیاموزید تا در بزرگسالی به برتری و سیادت نائل آئید .
 وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ .^۳

● و نیز فرموده است : کسیکه در کوچکی تحصیل علم نکند در بزرگی تقدّم اجتماعی نخواهد داشت .

۱- بحار جلد ۱ صفحه ۱۱۰

۲- شرح ابن ابی الحدید ۲۰، کلمه ۹۸، صفحه ۲۶۷ ۳ - غرر الحکم، صفحه ۶۹۷

دانش: اجتماع و تحصیل علم

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَلْعِلْمُ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ يُحَاطَ بِهِ فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ اَحْسَنَهُ.^۱

● علی علیه السلام فرموده: علم و دانش بیش از مقداری است که قابل احاطه باشد و یک فرد نمی تواند بر همه آنها واقف گردد پس از هر علمی بهتر و شایسته ترش را فرا گیرید.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَوَّلَى الْأَشْيَاءِ اَنْ يَتَعَلَّمَهَا الْأَحْدَاثُ الْأَشْيَاءُ الَّتِي إِذَا صَارُوا رِجَالًا اَحْتَاجُوا إِلَيْهَا.^۲

● و نیز فرموده: بهترین مطالبی که شایسته است جوانان یاد گیرند چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشد و بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته های دوران جوانی خود استفاده نمایند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ يُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وَجْهَ النَّاسِ إِلَىٰ نَفْسِهِ وَيَقُولَ أَنَا رَأْسُكُمْ فَلْيَتَّبِعُوهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ.^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده است: کسیکه تحصیل علم میکند برای آنکه بمردان عالیم فخر فروشی نماید، یا به جنگی بیسوادان برود و آنان را شکست دهد، یا آنکه بوسيله علم، مردم را بخود متوجه کند و بگوید من رئیس شما هستم، جایگاه چنین انسانی از آتش خواهد بود.

۱ - فهرست غرر، صفحه ۲۶۵ - ۲ - شرح ابن ابی الحدید، ۲۰، کلمه ۸۱۷،

۳ - مستدرک، جلد ۲، صفحه ۳۲۲

تغذیه جان

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ . ۱

● البته لازمست آدمی غذای خود را با دیده دقت و چشم بصیرت
بنگرد .

امام باقر و امام صادق علیهما السلام غذا را در این آیه بعلم تفسیر
کرده اند .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى « فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ »
قَالَ : عَلِمَهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى
طَعَامِهِ

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى « فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ »
قُلْتُ مَا طَعَامُهُ ؟ قَالَ عَلِمَهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ . ۳

● آدمی نگاه کند به علمی که آنرا میآموزد یعنی طعام روحش و ببیند
از چه کسی آنرا فرا میگیرد . علاوه بر این دو حدیث، در موارد دیگری
در لسان ائمه علیهم السلام، تعالیم معنوی به « غذا » تعبیر شده و فرا گرفتن
علم را تغذیه جان بشر دانسته اند .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ مَالِي أَرَى النَّاسَ إِذَا قُرِبَ إِلَيْهِمْ
الطَّعَامُ لَبَلًا تَكَلَّفُوا إِنْارَةَ الْمَصَابِيحِ لِيَبْصُرُوا مَا يُدْخِلُونَ
بُطُونَهُمْ وَلَا يَهْتَمُّونَ بِغِذَاءِ النَّفْسِ بِيَأْنِ يُنِيرُوا مَصَابِيحَ

۱- سورة ۸۰ آیه ۲۴

۳ و ۲- تفسیر برهان صفحه ۱۱۷۳

دانش: تغذیه جان، رشد علمی

الْكَابِبِيهِمْ بِالْعِلْمِ لِيَسْلَمُوا مِنْ لَوَاحِقِ الْجَهَالَةِ وَالذُّنُوبِ
فِي أَعْتِقَادَاتِهِمْ وَأَعْمَالِهِمْ^۱.

● علی (ع) میفرمود: چرا مردم موقع غذا خوردن در شب چراغ روشن میکنند تا با چشم خود ببینند چه طعامی میخورند ولی در تغذیه روانی خود همت ندارند که چراغ عقل را با شعله علم روشن کنند تا از غذای آلوده مصون بمانند و دچار عوارض نادانی و گناه در عقاید و اعمال خود نشوند.

قالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) عَجِبْتُ لِمَنْ يَتَفَكَّرُ فِي مَا كُؤِلَهُ
كَيْفَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ فَيُجَنَّبَ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَيُودِعَ
صَدْرَهُ مَا يُرْدِيهِ^۲.

● تعجب میکنم از کسانی که در غذای جسم خود فکر میکنند ولی در امور معنوی و غذای جان خویش تعقل نمی نمایند، شکم را از طعام مضر حفظ میکنند ولی باله ندارند که افکار پلیدی در روان آنها وارد شود!

رشد علمی

سُئِلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَنِ التَّوْحِيدِ فَقَالَ:
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلِيمٌ أَنَّهُ يُكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَقْوَامٌ مُتَعَمِّقُونَ
فَإَنْزَلَ اللَّهُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَالآيَاتِ مِنْ سُورَةِ الْحَدِيدِ إِلَى

۱ و ۲ - سفینه (طعم) صفحه ۸۴

قَوْلِهِ « وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ » .^۱

● از حضرت سجاد علیه السلام درباره توحید سؤال شد در جواب فرمود: خدا میدانست که در آخر زمان افراد عالم و مردان دقیق و کنجکار خواهند آمد . خداوند « قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ » و چند آیه از سوره حدید را تا « وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ » نازل فرمود .

جمله « وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجُ فِيهَا » از سوره حدید و جزء آیات پیش از « عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ » است که در حدیث حضرت علی بن الحسین (ع) آمده است . اینکه امام سجاد (ع) در فهم این آیه، بعمق دانش مردمی در آخر زمان اشاره میکند شاید ناظر به مطلبی باشد که دنیای امروز بدان متوجه شده است .

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) : يَا مُؤْمِنُ إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ تَمَنُّ نَفْسِكَ فَأَجْتَهِدْ فِي تَعَلُّمِهِ فَمَا يَزِيدُ مِنْ عِلْمِكَ وَآدَبِكَ يَزِيدُ فِي ثَمَنِكَ وَقَدْرِكَ.^۲

● علی علیه السلام مرد با ایمانی را مخاطب ساخت و فرمود: علم و ادب ارزش وجود تو است . در تحصیل علم کوشش نما، چه بهر مقداری که بردانش و ادب افزوده شود قدر و قیمت افزایش می یابد .

۱- تفسیر برهان ، صفحه ۱۲۲۸

۲- مشکوة الانوار، صفحه ۱۳۵

دشمن ترین دشمنان

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : هَوَاكَ اَعْدَى اَعْلَيْكَ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ فَاغْلِبْهُ وَالاَ اَهْلَكَكَ^۱.

● علی علیه السلام فرموده : هوای نفست دشمن ترین دشمنان تو است .
کوشش کن که بر آن غالب و پیروز گردی و گرنه هلاکت خواهد کرد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَعْدَا عَدُوٍّ لِلْمَرْءِ غَضَبُهُ وَشَهْوَتُهُ .
فَمَنْ مَلَكَهُمَا عَظُمَتْ دَرَجَتُهُ وَبَلَغَ غَايَتُهُ^۲.

● و نیز فرموده است : دشمنترین دشمنان آدمی غضب و شهوت
او است . آنکس که بتواند این دو غریزه سرکش را مهار کند و آنها را
بفرمان خود درآورد ، مقام عظیمی دارد و میتواند باوج انسانیت برسد .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَادَةُ عَدُوٌّ مُتَمَلِّكَ^۳.

● علی علیه السلام فرموده : عادت بد ، دشمنی است که با قدرت بر
صاحبش حکومت میکند .

۱ - غررالحکم ، صفحه ۷۹۷

۲ - غررالحکم ، صفحه ۳۳

۳ - غررالحکم صفحه ۲۰۳

انگیزه‌های دشمنی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تُعَادُوا الْأَيَّامَ
فَتُعَادِيَكُمْ^۱.

● رسول اکرم (ص) فرموده : با روزگار دشمنی نکنید تا اونیز باشما
دشمنی کند و شکستان دهد .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَابَرَ الزَّمَانَ عَطِبَ^۲.
● علی علیه السلام فرموده است : آنکس که با روزگار دشمنی کند،
هلاک خواهد شد :



عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عُبُوسُ الْوَجْهِ وَسُوءُ الْبِشْرِ
مَكْسَبَةٌ لِلْمَقْتِ وَبُعْدٌ مِنَ اللَّهِ^۱.

● امام باقر علیه السلام فرموده : تلخ‌رویی و گرفتگی رخسار باعث
جلب دشمنی مردم و دوری از پروردگار است .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِيطُ
عَلَيْهِ^۲.

● علی علیه السلام فرموده : کسیکه از خود راضی و خویش‌تر باشد
باشد ، غضب‌کننده به وی بسیار خواهد بود .

۱ - سفینه ۵ جرم ۲ صفحه ۷۴۱ ۲ - تحف العقول ، صفحه ۸۵

۳ - بحار ۱۷ ، صفحه ۱۶۴ ۴ - فیه البلاغه ، کلمه ۶

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تُشَارَ مَنْ فَوْقَكَ وَلَا تُسَخَّرَ بِمَنْ هُوَ دُونَكَ.^۱

● و نیز امام صادق علیه السلام بعبده الله بن جندب فرموده است : با کسانی که از تو بالاترند متیزه مکن و کسانی را که از تو پایین ترند مورد استهزاء و تمسخر قرار مده.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ الْفَقْرَ مَنْقَصَةً لِلدِّينِ ، مَذْهَبَةً لِلْعَقْلِ ، دَاعِيَةً لِلْمَقْتِ.^۲

● امیرالمؤمنین بفرزند خود محمد حنفیه فرموده است : فقر و بی چیزی ، زمینه مساعدی برای شکست دین و حیرت زدگی خرد و جلب عداوت و دشمنی است.

دوست مآل اندیش

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ : لَا تُطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوْ أُطْلِعَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوًّا يَوْمًا.^۳

● امام صادق علیه السلام ببعضی از اصحاب خود فرمود : دوست خود را از اسرار زندگیت آگاه مکن مگر آن سرتی که اگر بفرض دشمنیت بداند بتوزیان نمیرساند، زیرا دوست کنونی ممکن است روزی دشمن تو گردد.

۱ - تحف العقول ، صفحه ۲۰۴

۲ - نهج البلاغه ، کلمه ۳۱۱

۳ - امالی صدوق ، صفحه ۳۹۷

قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ اتَّخِذْ أَلْفَ صَدِيقٍ وَأَلْفَ قَلِيلٍ وَلَا تَتَّخِذْ عَدُوًّا وَاحِدًا وَالْوَاحِدُ كَثِيرٌ^۱.

● لقمان حکیم بفروزندش فرمود : برای خود هزار دوست بگیر و هزار دوست کم است و یک دشمن برای خویشتن بگیر که یک دشمن هم زیاد است .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : وَلَيْسَ كَثِيرًا أَلْفُ خَلٍّ وَصَاحِبٍ وَإِنْ عَدُوًّا وَاحِدًا لَكَثِيرٌ^۲.
● علی علیه السلام فرموده : هزار دوست و همنشین بسیار نیست . ولی یک دشمن برای آدمی البته زیاد است .

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَرْبَعَةٌ الْفَقِيرُ مِنْهَا كَثِيرٌ النَّارُ الْفَقِيرُ مِنْهَا كَثِيرٌ وَالنَّوْمُ الْفَقِيرُ مِنْهُ كَثِيرٌ وَالْمَرَضُ الْفَقِيرُ مِنْهُ كَثِيرٌ وَالْعَدَاوَةُ الْفَقِيرُ مِنْهَا كَثِيرٌ^۳.

● امام علیه السلام میفرماید : چهار چیز است که مقدار کم آنها هم بسیار است . آتش ، خواب ، بیماری و دشمنی . یعنی مقدار کم هر یک از این چهار را ناچیز تلقی نکنید بلکه مقدار کم آنها نیز بسیار است و میتواند منشاء آثار زیاد باشد .

۲۰۱ - امالی صدوق ، صفحه ۳۹۷

۳ - بحار جلد ۱۴ ، صفحه ۲۶۴

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْحَسَدُ يُفْنِي وَ اَلْحَقْدُ
يُذَرِّي .^۱

● حضرت امیر میفرمود : حسد جسم را فرتوت و فانی میکند و
کینه توزی آدمی را افسرده میکند و سرانجام همه چیزش را برباد میدهد.

فایده دشمن

مردی بنام «جمیل» سالیان دراز منشی دربار ساسانیان بود . او عصر
علی علیه السلام را درك كرد و در ایام حکومت آنحضرت سخت فرسوده
و پیر شده بود . موقعیکه امیرالمؤمنین (ع) به نهر روان آمد و از حال جمیل
پرسش فرمود گفتند در قید حیات است . دستور داد احضارش کنند ، وقتی
شرفیاب شد حضرت در اولین برخورد دید که هوش و حواس و ذهن پیر-
مرد سالم است و تنها چشم خود را از دست داده است از او سؤال کرد :
كَيْفَ يَنْبَغِي لِإِنْسَانٍ يَا جَمِيلُ أَنْ يَكُونَ ؟ قَالَ يَجِبُ أَنْ
يَكُونَ قَلِيلَ الصَّدِيقِ كَثِيرَ الْعَدُوِّ قَالَ أَبَدَعْتَ يَا جَمِيلُ ؟ فَقَدْ
اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى أَنْ كَثْرَةَ الْأَصْدِقَاءِ أَوْلَى فَقَالَ لَيْسَ
إِلَّا مَرُوعًا مَا ظَنُّوا فَإِنَّ الْأَصْدِقَاءَ إِذَا كُلَّفُوا السَّعْيَ فِي حَاجَةٍ
إِلَّا نَسَانِ لَمْ يَنْتَهَضُوا بِهَا كَمَا يَجِبُ وَيَنْبَغِي وَالْمَثَلُ فِيهِ مِنْ
كَثْرَةِ الْمَسْلُوحِينَ غَرِقَتِ السَّفِينَةُ . فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) :
قَدَامَتْ حَنْتٌ هَذَا فَوَجَدْتُهُ صَوَابًا .

● ترجمه : ای جمیل شایسته است انسان چگونه باشد؟ جواب داد

باید دوستانش کم باشند و دشمنانش بسیار . فرمود ای جمیل سخن تازه و بیسابقه ای میگوئی . همه مردم در این نظریه متفقند که داشتن دوست زیاد بهتر است . عرض کرد : مطلب آنطور نیست که گمان کرده اند و سپس توضیح داد که :

دوستان زیاد وقتی به انجام حاجت آدمی دست میزنند آنطور که باید و شاید به انجام وظیفه قیام نمیکنند و نتیجه معکوس عاید میگردد . مثل آنکه زیادی کشتی بان باعث غرق کشتی میشود . حضرت فرمود : اینک میگوئی صحیح است چه آنکه من آنرا آزمایش کرده ام .
فَمَا مَنَفَعَةُ كَثْرَةِ الْأَعْدَاءِ قَالَ إِنْ الْأَعْدَاءَ إِذَا كَثُرُوا يَكُونُ
الْإِنْسَانُ أَبَدًا مُتَحَرِّزًا مُتَحَفِظًا إِنْ يَنْطِقُ بِمَا يُؤْخَذُ عَلَيْهِ
وَيَتَّبِدُوا مِنْهُ زَلَّةٌ يُؤْخَذُ عَلَيْهَا فَيَكُونُ أَبَدًا عَلَى هَذِهِ
الْحَالَةِ سَلِيمًا مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ فَاسْتَحْسَنَ ذَلِكَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۱ .

● پس از آن فرمود : بسیاری دشمن چه فائده دارد ؟ جواب داد وقتی دشمنان انسان زیاد باشند آدمی همواره مراقب کارهای خویشتن است ، میکوشد تا سخنی نگوید که از وی خرده بگیرند ، یا لغزشی از او بروز نکند تا مورد مواخذه واقع شود و بر اثر مراقبتها و دقتهای پی گیر برای همیشه از خطا و لغزش مصون خواهد ماند . علی علیه السلام گفته پیرمرد را پسندید و نیکو شمرد و مورد تأییدش قرار داد .

دشمنان

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ الشَّيْخَ الْجَاهِلَ وَالْغَنَى الظَّلُومَ وَالْفَقِيرَ الْمُخْتَالَ.^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده : خداوند ، پیر نادان ، ثروتمند ستمکار ، و فقیر متکبر را دشمن دارد .

قال أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ زَرَعَ الْعَدَاوَةَ حَصَدَ مَا بَدَرَ.^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده است : کسیکه بذردشمنی و عداوت در دل مردم بکارد ، سرانجام کشته خود را درو خواهد کرد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ زَرَعَ الْعَدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.^۳

● علی علیه السلام فرموده است : هر کس تخم عداوت بپفشانند ، زیان و خسارت می‌درود .

قالَ النُّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ أَعْطَى عَدُوَّهُ مُنَاهُ.^۴

● امام جواد علیه السلام فرموده است : آنکس که از هوای نفس خود اطاعت و فرمانبرداری نماید ، با این عمل آرزوهای دشمن خویش را برآورده است .

۱- بحار ، جلد ۱ ، صفحه ۳۱

۲- کافی ۲ ، صفحه ۳۰۲

۳- سفینه ۲ «هوی» ، صفحه ۷۲۸

۴- ضررالحکم ، صفحه ۹۳۰

۶۳ . دعا

[الدُّعَاءُ]

امانت‌های الهی

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِيْ اَوَّلَ كَرِيْمَةٍ
نَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِيْ وَاَوَّلَ وَدِيْعَةٍ تَرْجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ
نِعَمِكَ عِنْدِيْ .

● علی علیه السلام در مقام دعا پیشگاه خداوند عرض میکند :
بارالها از تمام نعمت‌های بزرگی که بمن عطا فرموده‌ای ، جان مرا اولین
نعمتی قرار ده که از من سلب میکنی ، و از تمام امانت‌هایی که بمن
سپرده‌ای حیات مرا اولین امانتی قرار ده که از من پس میگیری .

حضرت حسین (ع) در ضمن دعای عرفه عرض میکند :

وَمَتَّعْنِيْ بِجَوَارِحِيْ وَاجْعَلْ سَمْعِيْ وَبَصَرِيْ الْوَارِثَيْنِ مِنِّيْ .
● خدایا ، مرا از تمام اعضا و جوارحم بهره‌مند فرما و چشم و گوش
مرا وارث من قرار ده ، یعنی تا موقع مرگ ، مرا از کوری و کوری و
نقص عضوی ، محفوظ بدار .

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام ضمن دعا به این مطلب اشاره نموده است :

۱ - نهج البلاغه فیض ص ۶۷۰

... وَ عَمَّرْنِي مَا كَانَ عُمْرِي بِذِلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ فَإِذَا كَانَ عُمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ إِلَيَّ أَوْ يَسْتَحْكِمَ غَضَبُكَ عَلَيَّ.^۱

● بارالها، عمر مرا ادامه بده، مادامی که هر روزش در طاعت تو مصروف گردد. اما اگر موقعی فرا رسد که عمرم چراگاه شیطان باشد، جانم را بگیر و به حیاتم پایان بخش پیش از آنکه بغض تو متوجه من شود یا خشم در باره ام استقرار یابد.



كَلَّمْتُ الْإِنْسَانَ عَنْ غَايَةِ صِفَتِهِ وَالْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِهِ.^۲
● امام سجاد علیه السلام در باره عظمت و رفعت حضرت باری تعالی می گوید : زبانها از بیان صفات کمالش و عقلها از شناخت حقیقت ذاتش عاجز و ناتوان است.

أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْإِوْهَامُ عَنْ ذَاتِيكَ وَعَجَزْتَ الْإِلَافْهَامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ.^۳

● و نیز در دعای عرفه به پیشگاه الهی عرض می کند : بارالها توئی که ادراکات از شناخت ذاتت نارسا و کوتاه است و فهمها در شناخت چگونگیست . عاجز و ناتوان.

۱- صحیفه سجادیه ، دعای ۴۰ (مکارم الأخلاق)

۲- صحیفه سجادیه ، دعای یوم الاثنین ۳- صحیفه سجادیه ، دعای روز عرفه

دعوت به اسلام

پیشوای عالیقدر اسلام

موقعیکه از طرف خداوند مأمور شد بخاندان خود را باسلام دعوت کند مجلسی تشکیل داد و در ضمن یک سخنرانی کوتاه مأموریت خویش را از طرف پروردگار بااطلاع آنان رسانید و سپس فرمود :

وَاللّٰهُ يَابْنِي عَبْدَ الْمُطَّلِبِ مَا اَعْلَمُ شَيْئًا جَاءَ قَوْمَهُ بِمَا فَضَّلَ مِنَّا جِئْتُكُمْ بِهِ اِنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِمَا مَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ .^۱

● ای فرزندان عبدالمطلب ، بخدا قسم سراغ ندارم جوانی را که برای خیر و سعادت قوم خود چیزی بهتر از تعالیم من آورده باشد، من برای امور دنیا و آخرت شما برنامه جامع آورده ام .

موقعیکه اسلام در مسیر پیشروی قرار گرفت و تدریجاً مردم بآن آئین الهی متوجه شدند قریش نزد ابوطالب رفتند و گفتند اگر فقر و تهی-دستی ، برادرزاده‌ات را باین کار واداشته ما حاضریم برای او پولی جمع آوری کنیم و در اختیارش بگذاریم و بقدری متمکنش سازیم که از همه قریش ثروتمندتر باشد .

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا لِي حَاجَةٌ فِي الْمَالِ فَمَا جِئُونِي تَكُونُوا مُلُوكًا فِي الدُّنْيَا وَ مُلُوكًا فِي الْآخِرَةِ .^۲

دعوت : دعوت به اسلام

● رسول اکرم فرمود : من بمال احتیاج ندارم دعوت مرا اجابت نمائید تا در دنیا باوج سلطنت و عزت برسید و در آخرت نیز در کمال بزرگی و عظمت باشید .

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ
إِنَّكُمْ لَمْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَالْقَوَاهُمْ بِطِلَاقَةِ التَّوَجُّهِ
وَحُسْنِ الْبِشْرِ .^۱

● رسول اکرم (ص) بفرزندان عبدالمطلب فرمود : شما نمیتوانید با ثروت و سرمایه های خود محیط وسیع پرمهری را بوجود آورید که همه مردم را در برگیرد و دلهای آنانرا بشما متوجه سازد ، پس با روی بشاش و چهره گشاده با آنان برخورد نمائید و بدینوسیله محبتشانرا جلب کنید .

امام صادق (ع) میفرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقٍ الْحَدِيثِ وَدَاءِ الْأَمَانَةِ .^۲
● خداوند تمام برگزیدگان خود را مأموریت داد که مردم را براستگویی و اداء امانت که ندای فطرتست دعوت نمایند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا

۱ - کافی ۲ ، صفحه ۱۰۲

۲ - سفینه «صدق» صفحه ۱۸

يُخَيِّكُم^۱ .

قرآن میگوید وقتی خدا و پیغمبر، شما را بحیات روحانی و زندگی عقلی و انسانی دعوت میکنند لیبیک گوئید و تعالیم آنها را بکار بندید . تمام شرکها و بت پرستیها و کلیه جنایتها و دختر زنده بگور کردنها معلول کشتن خرد و خاموش کردن چراغ عقل است . علی (ع) میفرمود:

إِنَّ لِلْجِسْمِ سِتَّةَ أَحْوَالٍ الصِّحَّةُ وَالْمَرَضُ وَالْمَوْتُ وَالْحَيَاةُ وَالنَّوْمُ وَالْيَقَظَةُ وَكَذَلِكَ الرُّوحُ فَحَيَاتُهَا عِلْمُهَا وَمَوْتُهَا جَهْلُهَا وَمَرَضُهَا شَكُّهَا وَصِحَّتُهَا يَقِينُهَا وَنَوْمُهَا غَفْلَتُهَا وَيَقَظَتُهَا حِفْظُهَا^۲ .

● جسم آدمی شش حالت دارد : سلامت و مرض ، مرگ و حیات ، خواب و بیداری . جان آدمی نیز دارای این شش حالتست : حیات جان علم است و مرگش جهل ، مرض جان شک و تردید است و سلامتش یقین ، خواب جان غفلت و بیخبریست و بیداریش حفظ و مراقبت است .

۱- سورة ۸ آیه ۲۴

۲- بحار جلد ۱۴ صفحه ۳۹۸

آغاز خلقت دنیا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنْ مُوسَى سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَعْرِفَهُ بَدْءَ الدُّنْيَا مِنْذُ كَمْ خُلِقَتْ . فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى تَسْأَلُنِي عَنْ غَوَامِضٍ عَلِمِي . فَقَالَ : يَا رَبُّ أَحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ ذَلِكَ . فَقَالَ : يَا مُوسَى خُلِقَتْ الدُّنْيَا مِنْذُ مِائَةِ أَلْفِ أَلْفِ عَامٍ عَشَرَ مَرَّاتٍ .

● رسول اکرم (ص) فرمود: که حضرت موسی در پیشگاه الهی از آغاز دنیا سؤال کرد و گفت چه مدت است که آنرا آفریده‌ای. خداوند فرمود: از مشکلات علم من می‌پرسی؟ گفت پروردگارا دوست دارم این حقیقت را بدانم. فرمود: از آفرینش دنیا صد هزار هزار سال که ده بار تکرار شود گذشته است. این عدد همان است که امروز آن را یک میلیارد می‌خوانند.

تعریفی از دنیا

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا وَدَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهِمَ عَنْهَا وَدَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَدَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا مَسْجِدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ وَمُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَمَهَبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَمَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَرَبَّحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : دنیا سرای راستی است برای کسی که آنرا بر راستی و درستی تلقی نماید، خانه ایمنی و سلامت است برای کسی که آنرا بدرستی درک کند، جایگاه توانگری است برای کسی که از آن توشه بردارد، سرای موعظه است برای کسی که از آن پند گیرد، سجده گاه دوستان خدا و نمازخانه فرشتگان الهی است، محل نزول وحی پروردگار و تجارتخانه دوستداران حضرت حق است، در آن به کسب رحمت الهی پرداختند و سودی که نصیبشان گردید بهشت جاودان است.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : اصْبِرُوا عَلَى الدُّنْيَا فَإِنَّمَا هِيَ سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهُ فَلَا تَجِدُ لَهُ الْكَمَالَ وَلَا سُورًا ، وَمَا لَمْ يَجِبْ . فَلَا تَذَرِي مَا هُوَ وَإِنَّمَا هِيَ سَاعَتُكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَاصْبِرْ فِيهَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَاصْبِرْ فِيهَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ .^۱

● و نیز فرموده است : مجموع عمر آدمی در دنیا ساعتی بیش نیست آنچه از این ساعت گذشته است معدوم شده و لذت و الهی از آن احساس نمیکنید و آنچه از آن هنوز نیامده است نمیدانید چیست ، سرمایه موجود و پر ارزش عمر ، تنها همان لحظات نقدی است که اینک در اختیار شما است و در آن بسر میبرید . مالک نفس خود باشید و در حال حاضر برای اصلاح و رستگاری خود بکوشید، در مشکلات و وظیفه شناسی و اطاعت از اوامر الهی پایداری و از آلودگی بگناه و نافرمانی خداوند ، خودداری کنید .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «الدَّهْرُ يَوْمَانِ : يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ ، فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطِرْ وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِرْ»^۱

● علی علیه السلام فرموده است : دنیا برای تو دو روز است . یک روز بنفع تو و طبق تمایلات تو است و یک روز بضرر تو و برخلاف خواهشهای تو است . روزی که بنفع تو است و نعم الهی را در اختیار داری طغیان و سرکشی منما ، و روزی که بضرر تو است و گرفتار ناملاثماتی ، صابر و بردبار باش .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «مَا أَقْرَبَ الدُّنْيَا مِنَ الذَّهَابِ وَالشَّيْبِ مِنَ الشَّبَابِ»^۲

● و نیز فرموده است : چه نزدیک است دنیا را گذران و رفتن و چه نزدیک است جوانی را ، پیری و درهم شکستن .

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «وَمَا فَاتَكَ مِنْهَا فَلَا تَأْسَ عَلَيْهِ جَزَعًا»^۳

● علی علیه السلام در ضمن نامه ای که بعبدالله بن عباس نوشته ، فرموده است نسبت به چیزی که از دنیایت فوت شده و از دست داده ای غمگین و بی تاب مباش .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «فَلَا تَحْمِلْ هَمَّ سَنَتِكَ عَلَى هَمِّ يَوْمِكَ كَفَاكَ كُلُّ يَوْمٍ مَا فِيهِ»^۴

۲ - غرر الحکم ، صفحه ۷۵۴

۱ - نهج البلاغه ، کلمه ۳۹۰

۳ و ۴ - نهج البلاغه فیض ، صفحه ۸۶۴ و ۱۲۶۵

● و نیز فرموده است : غم و اندوه سال نیامده را بر امروز خود تحمیل
منما که هر روزی هر آنچه در آن هست برای تو کافی است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ
وَالْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ^۱ .

● علی علیه السلام فرموده : ای مردم جهان ، دنیا سرای گذران و
آخرت منزل جاودان است . شما از دنیائی که رهگذر شماست برای
قرارگاه خود ذخیره ای اندوزید و سرمایه ای بردارید .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ
نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا^۲ .

● حضرت سجاد علیه السلام میفرمود : کسی که بکرامت نفس و
شخصیت روحانی نائل آمده است مادیات پست ، نزد او حقیر و
ناچیز است .

عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ
وَدِينَهُ لِدُنْيَاهُ^۳ .

● حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرموده : از ما نیست و بما
بستگی روحانی ندارد آنکس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را
برای دنیای خویش ترك گوید .

۱ - نهج البلاغه ، خطبه ۱۹۴

۲ - تحف العقول صفحه ۲۷۸

۳ - بحار ، جلد ۱۷ ، صفحه ۲۰۸

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ الْأَيَّامُ ثَلَاثَةٌ ، فَيَوْمٌ مَضَى لَا يُدْرَكَ وَيَوْمٌ النَّاسُ فِيهِ فَيَنْبَغِي أَنْ يَغْتَنِمُوهُ ، وَغَدٌ إِنَّمَا فِي أَيْدِيهِمْ أَمَلُهُ^۱ .

● امام صادق علیه السلام فرموده است : ایام زندگی سه روز است : اول روزیکه گذشته است و برگشت ندارد ، دوم روز موجود است که مردم در آن قرار دارند و در اختیار آنهاست ، باید آنرا مغتنم شمارند و از آن استفاده نمایند ، سوم فردائی است که نیامده و تنها آرزوی آنرا در دست دارند .

دنیا پرستها

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَيُضَيِّمُ الْقَلْبَ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ^۲ .

● علی علیه السلام فرموده است : محبت دنیا عقل را فاسد میکند و گوش دل را از شنیدن مطالب حکیمانه ناشنوا میسازد .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ قَالَ : مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ : هُمْ لَا يُنْفِي وَآمَلٌ لَا يُدْرَكَ وَرَجَاءٌ لَا يُنَالُ^۳ .

● امام صادق علیه السلام فرموده : کسیکه به دنیا دل بسته و در بند علاقه اسیر است همواره گرفتار سه حالت روحی است : غصه و اندوهی

۱ - بحف العقول ، صفحه ۲۲۴

۳ - کافی ، جلد ۲ ، صفحه ۳۲۰

۲ - نهج فرار ، صفحه ۱۱۱

که هرگز از صفحه دلش زدوده نمیشود ، آرزویی که هرگز برآورده نمیگردد، و امیدی که هرگز به آن دست نمی یابد .

محمد بن مسلم زهری از مردان فهمیده و تحصیل کرده ای بود که تعادل مال و مقام ، از مسیر پاکی و فضیلت منحرفش ساخت و در کبر سن دچار تیره روزی و بدبختی شد . حضرت علی بن الحسین علیه السلام بمنظور راهنمایی و نصیحت ، نامه ای بوی نوشته و در ضمن یکت جمله کوتاه ، نارسائی فکر جوانان و خطرات بیشتری را که بر سر راه آنان وجود دارد خاطر نشان فرموده است .

فَإِذَا كَانَتْ الدُّنْيَا تَبْلُغُ مِنْ مِثْلِكَ هَذَا الْمَبْلَغَ مَعَ كِبَرِ
مِثْلِكَ وَرُسُوحِ عِلْمِكَ وَحُضُورِ أَجْلِكَ فَكَيْفَ بَسَلَمُ
الْحَدَّثُ فِي سِنَّةِ الْجَاهِلِ فِي عِلْمِهِ الْمَافُونُ فِي رَأْيِهِ
الْمَدْخُولُ فِي عَقْلِهِ ؟^۱

● وقتی که دنیا پرستی میتواند مانند تو کسی را تا این درجه بانحطاط و پستی برساند با آنکه عمر بسیار کرده ای و از تحصیلات عمیق علمی بهره مند شده ای و با مرگ فاصله زیادی نداری پس یک نفر جوان در برابر تمایلات نفسانی خود چگونه سالم میماند ، جوانی که نوحاسته و ازدانش بی بهره است ، جوانی که رایش ضعیف و عقلش نارسا و منحرف است ؟

قال علي عليه السلام : مَنْ تَذَكَّلَ لِابْنَاءِ الدُّنْيَا تَعَرَّى مِنْ
لِبَاسِ التَّقْوَى .^۲

● علی علیه السلام فرموده : کسیکه در مقابل شیفتگان دنیا اظهار ذلت کند و برای دلباختگان مال و مقام تن بخواری بدهد با این عمل ، جامه تقوی و پاکی را از بر خود بدر آورده است .

اَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ : لَا تَسْأَلْنِي عَنْ عَالِمٍ قَدْ اسْكُرْتَهُ حُبُّ الدُّنْيَا فَأُولَئِكَ قُطَاعُ الطَّمْرِ بِقِرِّ عَلَى عِبَادِي .^۱

● خداوند بدادود پیدغمبر وحی فرستاد : درباره عالمی که علائق دنیوی و شهوات مادی او را مست کرده است از من پرسش مکن ، اینان راهزنانی بر بندگان من هستند .

دنیای مشروع

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حَظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْطَائِهَا مَا تَشْتَهُ مِنْ الْحَلَالِ وَمَا لَا تُشْلِمُ الْمَرْوَةَ وَلَا سَرَفَ فِيهِ وَاسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدُّنْيَا .^۲

● حضرت رضا علیه السلام فرموده است : از لذا ید دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمنیات دل را از راههای مشروع بر آورید ، مراقبت کنید در این کار بمردانگی و شرافتتان آسیب نرسد و دچار اسراف و تندر روی نشوید . تفریح و سرگرمیهای لذت بخش شمارا در اداره زندگی یاری میکند و با کمک آن بهتر بامور دنیای خویش موفق خواهید شد .

قال رجلٌ لا يعبُد اللهَ عليه السلامُ واللهِ اِنَّا لَنَطْلُبُ الدُّنْيَا وَنُحِبُّ اَنْ نُّؤْتَاهَا . فقال نُحِبُّ اَنْ تَصْنَعَ بِهَا مَاذَا؟ قال : اَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَعِيَالِي وَاصِلُ بِهَا وَآتَصَدَّقُ بِهَا وَاحِجٌ وَأَعْتَمِرُ . فقال عليه السلامُ لَيْسَ هَذَا طَلَبَ الدُّنْيَا هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ .^١

● مردی با نگرانی بامام صادق علیه السلام عرض کرد بخدا قسم ما سخت گرفتار دنیا طلبی شده ایم و دوست داریم که بر مال و ذخائر آن دست یابیم وضع ما چگونه خواهد بود؟ حضرت از او سؤال کرد دوست داری با مال دنیا چه کنی و درآمدت را در چه راه صرف نمائی؟ جواب داد : ۱ - قسمتی را در بهبود زندگی خود و عائله ام صرف نمایم . ۲ - صله رحم کنم و به بستگان نهیدم کمک نمایم . ۳ - در راه خدا بفقرا و مستمندان بدهم . ۴ - بسفر عبادت حج و عمره بروم . حضرت فرمود نگران نباش کار تو دنیا طلبی مذموم نیست بلکه این کار خود آخرت طلبی است .

عَنْ عَمْرِو بْنِ جَمِيعٍ قَالَ سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ : لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حِلَالٍ يَكْفِي بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَيَصِلُ بِهِ رَحِمَهُ .^٢

● عمرو بن جمیع میگوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود : خیر و خوبی در آنکس نیست که دوستدار جمع آوری مال حلال نباشد تا بدانوسیله آبروی خود را از ذلت سؤال مصون بدارد و دین خویش را بپردازد و به ارحام فقیر خود کمک نماید .

بازار دنیا

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْإِنْسَانِ لَا يَبْصُرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا وَالْبَصِيرُ يُنْفِذُهَا بِبَصَرِهِ وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ وَالْإِنْسَانُ لِئِذَا شَاخِصَ وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَالْإِنْسَانُ لَهَا مُتَزَوِّدٌ^۱.

● علی علیه السلام می فرماید : دنیای گنهران چشم انداز نهائی کورددل و نا آگاه است و عوالم بعد از آنرا نمی بیند. اما انسان بصیر و بینا آینده را هم می نگرد و می داند مقر ثابت و خانه دائمی انسان در وراء این جهان است. انسان بصیر از دیدگاه دنیا به عالم بعد از مرگ نیز توجه دارد و فاقد بصیرت، تنها به دنیا چشم دوخته است. انسان بصیر از این منزل برای منازل بعد از مرگ، ذخیره و زاد تیه می کند و کورددل فقط برای دنیا توشه برمی دارد. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا الدُّنْيَا سُوقٌ مِّنَ الْأَسْوَاقِ مِنْهَا خَرَجَ قَوْمٌ بِيَمَا يَنْفَعُهُمْ وَمِنْهَا خَرَجُوا بِيَمَا يَضُرُّهُمْ^۲.

● امام باقر علیه السلام فرمود : دنیا بازاری از بازارها است. گروهی از این بازار خارج می شوند، کالای نافع و سود بخش می برند و بعضی بامتناع مضر و زیانبار از این بازار بیرون می روند.

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الدُّنْيَا سُوقٌ رَبِيعٌ فِيهَا قَوْمٌ وَخَسِيرٌ آخِرُونَ^۳.

● امام هادی علیه السلام فرموده است : دنیا بازاری است که گروهی در آن منافع می شوند و گروهی ضرر می بینند.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳

۲- بهار، جلد ۱۷، صفحه ۱۶۶ ۳- تحف العقول، صفحه ۸۳

حُبّ دنیا

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : مَا لِي أَرَى حُبَّ الدُّنْيَا قَدْ غَلَبَ عَلَى كَثِيرٍ مِنَ النَّاسِ حَتَّى كَأَنَّ الْمَوْتَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ كُتِبَ وَكَأَنَّ الْحَقَّ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِهِمْ وَجَبَ وَحَتَّى كَأَنَّ مَا يَسْمَعُونَ مِنْ خَبَرِ الْأَمْوَاتِ قَبْلَهُمْ عِنْدَهُمْ كَسَبِيلِ قَوْمٍ سَفَرُوا عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْهِمْ رَاجِعُونَ^١

● رسول اکرم (ص) فرمود : چه شده است مرا که می بینم حبّ دنیا بر بسیاری از مردم غلبه کرده و آنچنان شده اند که گویی مرگ در این عالم برای غیر آنان مقدر گردیده است و رعایت حق و عدل بر کسان دیگری واجب شده است . و بطوری از واقع بینی بازمانده اند که وقتی خبر مرگ پیشینیان را می شنوند در نظرشان همانند مردمانی می آید که به سفر رفته اند و طولی نمی کشد که بازی گردند.

بشردوستی

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ
حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ۱

● خداوند مردم عصر رسول اکرم را از هر مذهب و نژاد مخاطب ساخته و فرموده است: همانا پیغمبری از جنس خود شما برای هدایت و راهنمایی شما آمده است. او بسبب دگر دوستی و نوع خواهی از بدبختی و جهل و فقرتان ناراحت است، مصائب و شدائد شما بر وی سنگین و گران است، او در نجات همه شما عموماً حریص است و بسعادتتان علاقه شدید دارد و نسبت بمؤمنین خصوصاً رؤف و مهربان است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الدِّينِ
التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ ۲

● رسول اکرم (ص) فرموده: پس از ایمان بخداوند سرآمد تمام اعمال عاقلانه، بشردوستی و نیکی به همه مردم است خواه خوب و درستکار باشند یا فاسق و گناهکار.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اَلْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَآحَبُ الْخَلْقِ اِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَادْخَلَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا . ١

● رسول اکرم (ص) فرموده است : مخلوق خداوند عموماً عیالات خدا هستند و محبوبترین فرد نزد پروردگار کسی است که بعیالات خدا نفعی برساند و خانواده‌ایرا شاد نماید .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : اَلتَّوَدُّدُ اِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ . ٢

● حضرت رضا (ع) فرموده : نصف عقل آدمی اظهار دوستی و محبت نسبت بعموم مردم است .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : اِنَّ اَهْلَ الْاَرْضِ لَمَرْحُومُونَ مَا تَحَابُّوا وَاَدَّوْا الْاِمَانَةَ وَعَمِلُوا الْحَقَّ . ٣

● پیشوای گرامی اسلام حضرت ابوالحسن علیه السلام فرموده است : تمام مردم روی کره زمین مشمول رحمت و فیض الهی هستند مادامی که باین سه اصل اساسی عمل کنند :

بشر دوست باشند ، در امانتها خیانت نکنند ، عملاً پیرو حق و عدالت باشند .

١ - کافی ٢ ، صفحه ١٦٤

٢ - وسائل ٣ ، صفحه ٢٠٧

٣ - مجموعه روایات جلد ١ صفحه ١٢

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَبْلَغُ مَا تَسْتَدِيرُ بِهِ الرَّحْمَةُ اَنْ تُضْمِرَ لِجَمِيعِ النَّاسِ الرَّحْمَةَ.^۱

● علی علیه السلام فرموده : رساترین چیزیکه بوسیله آن میتوانی رحمت الهی را بخود جلب کنی این است که در باطن به همه مردم عطف و مهربان باشی.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُحِبُّ اَنْ يَكُونَ نِيَّةُ الْاِنْسَانِ لِلنَّاسِ جَمِيلَةً.^۲

● و نیز فرموده است : خداوند دوست دارد که مردم درباره هم خوب فکر کنند و خیر خواه یکدیگر باشند.

مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَطُوبَى لِمَنْ اَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَ عِلْمَهُ وَ حُبَّهُ وَ بَغْضَهُ وَ اَخْذَهُ وَ تَرْكَهُ وَ كَلَامَهُ وَ صَمْتَهُ وَ فِعْلَهُ وَ قَوْلَهُ.^۳

● علی علیه السلام در ضمن وصایای خود بحضرت حسین (ع) فرموده : خوشبخت و رستگار کسی است که علم و عملش ، دوستی و دشمنیش ، گرفتن و رها کردنش ، سخن گفتن و سکوتش ، رفتار و گفتارش تنها بر اساس رضای الهی استوار باشد و برخلاف امر پروردگار قدمی برندارد .

۲۰۱- غررالحکم ، صفحه ۲۱۲ و ۲۷۱

۳- تحف العقول ، صفحه ۹۱

محبوبیت در جامعه

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ
وُدًّا ۱.

● کسانی که در باطن با ایمان و در عمل نیکوکار هستند ، خداوند مهر آنها را در قلوب مردم قرار میدهد و در جامعه عزیز و محبوبشان میسازد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الْبِشْرُ الْحَسَنُ وَطَلَاةُ
الْوَجْهِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ وَقُرْبَةٌ مِنَ اللَّهِ ۲.

● امام باقر علیه السلام فرموده است : شاشت و گشاده روئی در برخورد های اجتماعی ، مایه جلب محبت مردم و قرب بخداوند است

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : التَّوَاضُعُ أَصْلُ كُلِّ شَرَفٍ نَفِيسٍ
وَمَرْتَبَةٌ رَفِيعَةٌ ۳.

● امام صادق علیه السلام فرمود : فروتنی و تواضع ، مایه اصلی هر شرف محبوب و مقام بلند است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ تَأَلَّفَ النَّاسَ أَحَبُّهُ ۴.

● علی علیه السلام فرموده : کسی که در آمیزش با مردم از در الفت و محبت وارد شود ، مردم دوستدار وی خواهند بود .

۱ - سورة ۱۹، آیه ۶۶ - ۲ - بحار ۱۷، صفحه ۱۶۴

۳ - محجة البيضاء ۶، صفحه ۲۲۵ - ۴ - فرد الحکم ، صفحه ۶۲۲

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : جُبِلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَبُغِضَ مَنْ أَسَاءَ عَلَيْهَا .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده : دلهای مردم با این تمایل فطری آفریده شده است که نیکی کنندگان بخود را دوست داشته باشند و بدکنندگان به خویش را دشمن دارند .

قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ .^۲

● امام باقر علیه السلام محبت را جوهر و خلاصه دین خوانده و به مردی که با آنحضرت گفتگو داشته فرموده است : آیا دین چیزی جز محبت است ؟

مرکز تحقیقات علوم دینی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَانَ رَافِقًا فِي أَمْرِهِ نَالَ مَا يُرِيدُ مِنَ النَّاسِ .^۳

● حضرت صادق علیه السلام فرموده است : کسیکه کار خود را با لطف و مدارا انجام دهد به آنچه از مردم متوقع است نائل خواهد شد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمُودَةِ .^۴

● و نیز فرموده است : خوشروئی و بشاشت ، ریسمان مهر و مودت است .

۳ - کافی ۲ ، صفحه ۱۲۰

۱ - تحف العقول ، صفحه ۳۷

۴ - مجموعه ورام ۱ ، صفحه ۳۱

۲ - مجموعه ورام ، جلد ۲ ، صفحه ۵۱

انتخاب دوست

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَقُلْ فِيكَ سُوءًا فَاتَّخِذْهُ لَكَ خِيَلًا^۱.

● امام صادق علیه السلام فرموده است : کسیکه سه بار نسبت بتو خشمگین شود و در باره ات به بدی سخن نگوید شایسته رفاقت است، او را برای دوستی انتخاب کن.

أَحْبِبْ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَغْضِبَكَ يَوْمًا مَا وَابِغِضَ بَغِضَتِكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا^۲.

● با دوست مورد علاقه ات بمدارا و با حفظ جهات مصلحت اظهار دوستی کن، شاید روزی دشمنت شود و بمخالفت برخیزد و نیز در اظهار بی-مهری نسبت بکسیکه مورد خشمت فرار گرفته مدارا کن چه ممکن است روزی تیرگی از میان برود و مورد علاقه و محبت واقع شود.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَرْضَ مِنْ صَدِيقِهِ إِلَّا بِإِثَارِهِ عَلَى نَفْسِهِ دَامَ سَخَطُهُ^۳.

● علی علیه السلام فرموده است : خود پسند نادانی که از رفیق خویش توقع بی جا میکند و در رفاقت از وی خشنود نمیگردد مگر آنکه شخصیت خود را نادیده انگارد و رفیق نادان را بر خود ترجیح دهد همواره در خشم و ناراحتی خواهد ماند زیرا هیچ رفیق عاقلی باین گلشت احمقانه تن نمیدهد.

۱- تاریخ یعقوبی ، صفحه ۹۷

۲- تحف العقول ، صفحه ۲۰۱

۳- فهرست غرر ، صفحه ۲۰۴

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اتَّخَذَ أَخًا بَعْدَ حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ دَامَتْ صُحْبَتُهُ وَتَأَكَّدَتْ مَوَدَّتُهُ^۱ .

● علی علیه السلام فرموده : کسیکه پس از آزمایش صحیح ، کسی را بدوستی برگزیند رفاقتش پایدار و مودتش استوار خواهد ماند .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اخْتِيَارٍ لَجَأَهُ الْإِضْطِرَارُ إِلَى مُرَافَقَةِ الْأَشْرَارِ^۲ .

● علی علیه السلام فرموده : کسیکه ناسنجیده با دیگران پیمان دوستی می بندد ناچار باید برفاقت اشرار و افراد فاسد تن دردهد .

مرکز تحقیقات علوم دینی
مشخصات دوست

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الصَّدَاقَةُ مُحْدُوْدَةٌ فَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ تِلْكَ الْحُدُودُ فَلَا تَنْسِبْهُ إِلَى كَمَالِ الصَّدَاقَةِ وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ تِلْكَ الْحُدُودِ فَلَا تَنْسِبْهُ إِلَى شَيْءٍ مِنَ الصَّدَاقَةِ . أَوَّلُهَا أَنْ يَكُونَ سَرِيْرَتُهُ وَعَلَانِيَتُهُ لَكَ وَاحِدَةً وَالثَّانِيَةُ أَنْ يَرَى زَيْنَتَكَ زَيْنَةً وَشَيْنَتَكَ شَيْنَةً وَالثَّالِثَةُ لَا يُغَيِّرُهُ عَنْكَ مَالٌ وَلَا وِلَايَةٌ وَالرَّابِعَةُ أَنْ لَا يَمْنَعَكَ شَيْئًا مِمَّا تَصِلُ إِلَيْهِ مَقْدُرَتُهُ وَالخَامِسَةُ لَا يُسْلِمُكَ عِنْدَ النَّكَبَاتِ^۳ .

● امام صادق علیه السلام فرموده است : دوستی و رفاقت حدودی دارد ، کسیکه واجد تمام آن حدود نیست او دوست کامل نیست و آنکس که دارای هیچیک از آن حدود نیست اسماً دوست نیست . اول آنکه ظاهر و باطن رفیق نسبت بتو یکسان باشد ، دوم آنکه زیبایی و آبروی تو را جمال خود به بیند و نا زیبایی تو را نا زیبایی خود بداند ، سوم دست یافتن بمال یا رسیدن بمقام ، روش دوستانه او را نسبت بتو تغییر ندهد ، چهارم در زمینه رفاقت از آنچه و هرچه در اختیار دارد نسبت بتو مضایقه ننماید ، پنجم تو را در مواقع آلام و مصائب ترك نگوید .

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا خَيْرَ لَكَ فِي صُحْبَةِ مَنْ لَا يَرِي لَكَ مِنَ الْحَقِّ مِثْلَ مَا تَرِي لَهُ^۱ .

● رسول اکرم (ص) فرموده است : کسیکه تو بحقوق او توجه داری ولی او بحق تو توجه نمیکند رفیق خوبی نخواهد بود و برای مصاحبت شایستگی ندارد .

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ^۲ .

● رسول اکرم فرموده : آدمی تحت تأثیر رفیق است و عملاً از سیره و روش او پیروی میکند . البته هریک از شما باید در انتخاب دوست دقت کند و به بیند با چه کسی طرح رفاقت و دوستی میریزد .

آئین استوار

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ^۱.

● بآئین فطرت و دین حنیف توجه نما ، بآن فطرتی که خداوند تمام بشر را با آن آفریده است ، فطرتی که در خلقت انسان همواره ثابت است و هرگز تغییر نمی‌کند ، این است آئین استوار و تزلزل ناپذیر الهی .

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا الْحَنِيفِيَّةُ ، قَالَ هِيَ الْفِطْرَةُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ، فَطَرَهُمْ عَلَى مَعْرِفَتِهِ^۲.

● زرارہ از امام صادق علیہ السلام پرسید دین حنیف چیست ، فرمود فطرت است ، فطرتی که خداوند مردم را با آن آفریده است ، فطرت مردم بر معرفت الهی است .

عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِدِينِهِ وَدِينَهُ لِدُنْيَاهُ^۳.

● حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرموده : از ما نیست و بما

۱ - سورة ۳۰ ، آیه ۳۰ - ۲ - بحار ۲ ، صفحه ۸۷

۳ - بحار ، جلد ۱۷ ، صفحه ۲۰۸

بستگی روحانی ندارد آنکس که دنیای خود را برای دینش یا دین خود را برای دنیای خویش ترك گوید .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَسْتَبِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ .^۱

● امام باقر علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حدیث کرده که فرمود : اسلام دین محکم و قوی خداوند است ، راه مستقیم آنرا با مدارا به پیمائید و تند روی ننمائید .

سپس در ذیل حدیث ، رفتار تند مردم افراط کار را بمسافری تشبیه کرده که در پیمودن راه ، زیاده روی نموده و بمرکب سواری خود بیش از حد فشار آورده است و در نتیجه مرکبش از کار افتاده و خودش از پیمودن راه باز مانده و سرانجام بمنزل مقصود نرسیده است .
كَالْأَكْبَبِ الْمُنْبَتِّ الَّذِي لَا سَفَرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى .^۲

عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بِأَمْعَشَرَ الْفِتْيَانِ حَصَّنُوا أَعْرَاضَكُمْ بِأَلَا دَبِّ وَ دِينَكُمْ بِالْعِلْمِ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : ای گروه جوانان ، شرف انسانی و سجایای اخلاقی خود را با ادب آموزی و تربیت محافظت نمائید و سرمایه گرانبهای دین خوشتن را با نیروی علم و دانش از دستبرد ناپاکان و خطرات گوناگون برکنار نگاه دارید .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ
الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَزَوَّجُ إِلَّا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)
كَمُلَ دِينُهُ^۱.

● علی علیه السلام فرمود : هیچیک از اصحاب رسول خدا ازدواج
نمیکرد مگر آنکه نبی اکرم (ص) درباره او میفرمود دینش کامل شد .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْعَقْلُ شَرْعٌ مِنْ دَاخِلٍ وَ الشَّرْعُ
عَقْلٌ مِنْ خَارِجٍ^۲.

● علی علیه السلام فرموده : عقل برای بشر دین داخلی است ،
چنانکه دین برای او عقل خارجی است .

رَوَى أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِجْلِسْ
حَتَّى نَتَنَظَّرَ فِي الدِّينِ فَقَالَ بَاهُذَا اَنَا بِتَصِيرٍ بَدِينِي مَكْشُوفٌ
عَلَى هُدَايَ فَإِنْ كُنْتُ جَاهِلًا فَاذْهَبْ وَاطْلُبْهُ مَالِي وَلِلْمُسْمَارَةِ ؟
وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَبُؤْسُوسٌ لِلرَّجُلِ وَيُنَاجِيهِ وَيَقُولُ نَظِيرِ النَّاسِ
فِي الدِّينِ لِيَسْتَلَا بِظَنُّوْا بِكَ الْعَجْزَ وَالْجَهْلَ^۳.

● مردی بحضرت حسین علیه السلام گفت : بنشینید تا باهم در موضوع
دین مناظره و بحث کنیم ، حضرت فرمود : من به دین خود بینا هستم و
هدایت الهی بر من آشکار است ، اگر شما از دین بی اطلاعید خود در طلب

۱- مستدرک ، ۲ ، جلد ۲ ، صفحه ۵۳۰

۳- مستدرک ، ۲ ، جلد ۲ ، صفحه ۹۸

۲- مجمع البحرين ، (عقل)

آن بروید و بیاموزید . سپس فرمود: مرا با میراء و خصوصت چکار؟ این شیطان است که در ضمیر آدمی وسوسه میکند و میگوید با مردم در امر دین مناظره کن و بحث نما تا در باره ات گمان ناتوانی و نادانی نبرند .

تفقه در دین

قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ لَا وَجَعْتُهُ^۱.

● امام باقر علیه السلام میفرمود: اگر جوان شیعه ای را نزد من بیاورند که تفقه در دین نمیکند او را به مجازات دردناکی کیفر خواهم کرد .

قالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَا دَبْنُهُ^۲.

● امام صادق علیه السلام فرمود: اگر یکی از جوانان شیعه را نزد من بیاورند که وظیفه خود را در شناخت دین انجام نمیدهد او را تأدیب میکنم .

عَنْ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْ وَجَدْتُ شَابًّا مِنْ شُبَّانِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَضَرَبْتُهُ عِشْرُونَ سَوْطًا^۳.

● حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده: اگر یکی از جوانان شیعه را بیابم که تفقه نمیکند و در صدد دین شناسی نیست او را بیست تازیانه خواهم زد .

۱- بحار ، جلد ۱ ، صفحه ۶۶

۲- بحار ، جلد ۱۷ ، صفحه ۲۰۸

عَنْ أَبِي مَالِكٍ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) اخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ : قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ^۱.

● ابی مالک از حضرت سجاد (ع) درخواست کرد که او را از جمیع طرق و مناہج دین آگاہ سازد . حضرت در پاسخ او بعنوان قدر جامع تمام روشهای اسلامی از سه مسئله انسانی و اخلاقی نام برد : سخن حق ، حکم بعدل ، و وفاء بعهده .

عَنْ آيِبِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ مِنْ مَالِهِ وَانْتَصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا^۲.

● امام صادق علیه السلام از رسول اکرم (ص) حدیث کرده که فرموده است : کسیکه با مال خود به یاری تهیدستان میرود و با تمام مردم بر اساس انصاف رفتار میکند او مؤمن واقعی و پیرو حقیقی مکتب اسلام است .

عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَا يَتْرُكُ النَّاسُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِهِمْ إِلَّا تَصْلَحَ دُنْيَاهُمْ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُوَ أَضَرُّ مِنْهُ^۳.

● علی علیه السلام فرموده است : مردم هیچیک از مقررات دینی را برای سود دنیای خود ترک نمیگویند مگر آنکه خداوند بر اساس نظام تکوین

۱ - مستدرک ، جلد ۲ ، صفحه ۲۰۹ - ۳ - کافی . جلد ۲ ، صفحه ۱۱۷

۲ - نهج البلاغه ، کلمه ۱۰۳

باتشریع ، دری را که زیان بارتر است به روی آنان می‌گشاید .

قالَ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اسْتَحْكَمَتْ لِي فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْ خِيَالِ الْخَيْرِ احْتَمَلَتْهُ عَلَيْهَا وَاغْتَفَرْتُ فَقَدْ مَا سِوَاهَا وَلَا اغْتَفِرُ فَقَدْ عَقِلَ وَلَا دِينَ لِأَن مَفَارِقَةَ الدِّينِ مَفَارِقَةُ الْإِمْنِ فَلَا يَتَهَنَأُ بِحَيَاةٍ مَعَ مَخَافَةٍ ، وَفَقْدُ الْعَقْلِ فَقْدُ الْحَيَاةِ وَلَا يُقَاسُ إِلَّا بِالْأَمْوَاتِ^١

● علی علیه السلام فرموده: کسیکه در پیروی مکتب من یکی از صفات پسندیده را در وجود خود پایدار و محکم سازد او را با آن یک خصلت خوب می‌پذیرم و از اینکه فاقد سایر صفات خوب است چشم می‌پوشم. ولی بی‌خردی و بی‌دینی برای من قابل گذشت نیست و از آن چشم‌پوشی نخواهم کرد چه آنکه بی‌دینی مایه ناامنی است و زندگی بدون امنیت، تلخ و ناگوار است و بی‌خردی از دست دادن حیات انسانی است و انسان بی‌خرد، جز با مردگان قابل مقایسه و سنجش نیست .

دین و فقر

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ الْفَقْرُ مَنَقَصَةً لِلدِّينِ ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ^٢ .

● امیرالمؤمنین بفرزند خود محمد حنفیه فرموده است : فقر و بی‌چیزی ، زمینه مساعدی برای شکست دین و حیرت زدگی خرد و جلب عداوت و دشمنی است .

محمد بن مسلم زهری ، سالیان دراز با حکومت بنی امیه همکاری داشت و در راه اجرای سیاست ظالمانه و مقاصد سوء آنان فعالیت میکرد. حضرت سجّاد علیه السلام نامه مفصلی بوی نوشت، او را موعظه کرد ، کارهای خطرناکش را خاطر نشان فرمود و از وی خواست که روش نادرست خویش را ترك گوید و گذشته خود را با رفتار صحیح جبران نماید .
 جَعَلُوكَ قُطْبًا اَدَارُوا بِكَ رَحَىٰ مَظَالِمِهِمْ وَ جِئْرًا يَغْبِرُونَ
 عَلَيْكَ اِلَىٰ بَلَايَاهُمْ وَ سَلَمًا اِلَىٰ ضَلَالَتِهِمْ

● زین العابدین علیه السلام به زهری نوشت: بنی امیه تو را چون میله آهنی ساختند تا بوسیله تو آسیاب شوم خود را بگردش درآورند و منویات ظالمانه خویش را بر مردم تحمیل نمایند ، تو را چون پلی قرار دادند تا از پشتت گذر کنند و بهدفعاتی که برای مردم ، مصیبت بار و رنج آور است برسند ، تو را نردبانی ساختند تا از آن بالا بروند و بگمراهیهای خویش دست یابند .

وَلَا تَحْسَبْ اَنْتَ اَرَدْتَ تَوْبِيخَكَ وَ تَعْنِيْفَكَ وَ تَغْيِيْرَكَ لِكِنِّي اَرَدْتُ اَنْ يَنْعَشَ اللهُ مَا قَدْ فَاتَ مِنْ رَاٰيِكَ وَ يَرُدَّ مَا عَزَبَ مِنْ دِيْنِكَ . . . اَمَّا بَعْدُ فَاَعْرِضْ عَنْ كُلِّ مَا اَنْتَ فِيْهِ حَتّٰى تَلْحَقَ بِالصَّالِحِيْنَ .

● گمان مدار که میخواهم تو را توبیخ کنم و بکارهاییکه مرتکب شده ای ملامت و سرزنشت نمایم . بلکه مقصودم اینست که خداوند آرای ناصوابت را جبران نماید و چیزهاییکه از دینت دور شده بتو بازگرداند . . . بعد از این از کارهای ناروایی که بدانها آلوده هستی روی گردان تا مگر به گروه نیکوکاران به پیوندی و به آنان ملحق شوی .

دین و وفای به عهد

۱ - وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا^۱

- به عهد و پیمان وفادار باشید و بدانید که این امر در پیشگاه خداوند مورد مؤاخذه و پرسش است .

۲ - وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ^۲

- مؤمنین کسانی هستند که باامانت و عهد و پیمان خود وفادارند .

۳ - عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)
لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ^۳

- حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت کرده است که رسول اکرم (ص) فرمود : مسلمان نیست آنکس که به عهد و پیمان وفادار نباشد .

دین و محبت

حضرت امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده است :

هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْاِحْبَابُ^۴؟

- آیا حقیقت دین، جز محبت و دوستی چیز دیگری است؟

۱ - سوره ۱۷ آیه ۳۴ ۲ - سوره ۲۳ آیه ۸

۳ - بحار جلد ۱۶ صفحه ۱۴۴

۴ - بحار جلد ۲۳ صفحه ۱۲۲

۶۸ . ذلت [الدَّٰلَة]

احساس ذلت و زبونی

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۱ .

● آنانکه بدکاری را پیشه خود ساخته‌اند، همانند اعمال ناروای خود، به بدی مجازات میشوند و پیوسته با خواری و رسوائی، هم آغوش خواهند بود .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَلَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَى اكْتِفَاكُمُ فَتَذِلُّوا ۲ .

● امام صادق (ع) میفرمود : بشما سفارش میکنم پرهیزکار باشید و با ارتکاب گناه ، مردم را بر خود مسلط نکنید و خویشتن را دچار ذلت و خواری ننمائید .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ تَكَبَّرَ عَلَى النَّاسِ ذَلٌّ ۳ .

● علی بن ابیطالب بحضرت حسین علیهما السلام در ضمن وصایای خود فرموده است : کسیکه نسبت بمردم تکبر نماید ذلیل و خوار خواهد شد .

۱ - سورة ۱۰ ، آیه ۲۷

۲ - وسائل جلد ۳ صفحه ۲۰۲

۳ - تحف العقول ، صفحه ۸۸

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَبُّ عَزِيزٍ اَذَلَّهُ خُلُقُهُ وَذَلِيلٍ اَعَزَّهُ خُلُقُهُ^۱.

● و نیز فرموده است : چه بسا عزیزانی که اخلاق ناپسند ، آنها را بذلت و خواری انداخته و چه بسا مردم پست و کوچکی که صفات پسندیده ، آنانرا عزیز و محبوب ساخته است .

مسئله اخلاق در زندگی بشر باندازه ای مهم و قابل ملاحظه است که خداوند در قرآن شریف ، تغییر اوضاع و احوال فردی و اجتماعی مردم را بتغییر خُلُقیات و ملکات نفسانی آنان مرتبط نموده است .
 اِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ^۲.
 ● خداوند اوضاع هیچ مردمی را تغییر نمیدهد مگر آنکه خودشان صفات نفسانی و ملکات روحی خویش را دگرگون سازند .

قَالَ عَلٰى عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَبْدُ الشَّهْوَةِ اَسِيرٌ لَا يَنْفَكُ اَسْرُهُ^۳.
 ● علی علیه السلام فرموده : بنده شهوت اسیری است که هرگز آزادی نخواهد داشت .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَغْلُوبُ الشَّهْوَةِ اَذَلُّ مِنْ مَمْلُوكِ الرِّقِّ^۴.
 ● و نیز فرموده است : کسیکه مغلوب شهوت خویش است ذلت و خواریش بیش از برده زرخرید است .

۱ - مفیده ، خلق ، صفحه ۱۱۱

۲ - سورة ۱۳ ، آیه ۱۱

۳ و ۴ - غرر الحکم ، صفحه ۴۹۹ و ۷۶۵

ذلت : ذلت طمع و حرص

ذلت طمع و حرص

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمَذَلَّةُ وَالْمَهَانَةُ وَالشَّقَاءُ فِي الطَّمَعِ وَالْحِرْصِ^١.

● و نیز فرموده : ذلت و پستی و بدبختی ، درخوی ناپسند حرص و آز نهفته است .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحِرْصُ ذُلٌّ وَمَهَانَةٌ لِمَنْ يَسْتَشْعِرُهُ^٢.

● علی علیه السلام فرمود : در نظر افراد آگاه و درآک ، خوی ناپسند حرص ، مایه پستی و ذلت است .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْحِرْصُ عَظُمَتْ ذِلَّتُهُ^٣.

● علی علیه السلام فرموده : آنکس که بیماری حرص بر جانش مستولی گردد ، بخواری و ذلت بزرگ دچار خواهد شد .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ قَالَ : يُسْتَدَلُّ عَلَى شَرِّ الرَّجُلِ بِكَثْرَةِ شَرِّهِ وَشِدَّةِ طَمَعِهِ^٤.

● علی علیه السلام فرموده است : حرص فراوان و طمع شدید یک انسان را میتوان دلیل بدی او گرفت و به آن استشهاد کرد .

١ - نور الحکم ، صفحه ٩٩

٢ - غرر الحکم ، صفحه ٦٢٩

٣ - فهرست غرر ، صفحه ٦٣

٤ - فهرست غرر ، صفحه ٦١

قالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يُنْزِرْهُ نَفْسَهُ عَنْ ذَنَائَةِ الْمَطَامِعِ فَقَدْ أَذَلَّ نَفْسَهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذَلُّ وَأَخْزَىٰ .^۱

● علی علیه السلام فرموده : کسیکه صفحه خاطر را از پستی طمع پاك نکند خویشتن را ذلیل و پست کرده و در قیامت بخواری و اهانت بیشتری گرفتار است .

علمی (ع) در عبارتی کوتاه و حکیمانه تنافی چند خواهش نفسانی را با یکدیگر بیان فرموده است :

ما أعجب أمر الإنسان ، إن سَخَّ له الرجاءُ أَذَلَّهُ الطَّمَعُ ، وإن هاجَ به الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الحرصُ ، وإن ملكَهُ اليأسُ قَتَلَهُ الأسَفُ ، وإن سَعِدَ نَسِيَ التَّحَفُّظَ ، وإن ناله الخوفُ حَبَّرَهُ الحَذَرُ ، وإن اتَّسَعَ له الأمانُ اسْلَمَتْهُ الغِرَّةُ ، وإن جُدَّتْ له النُّعْمَةُ أَخَذَتْهُ العِزَّةُ ، وإن أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَّه الجَزَعُ ، وإن أَفَادَ مَالاً أَطْغَاهُ الغِنَى ، وإن غَصَّتْهُ فاقَةُ شَمَلِهِ البَلَاءُ ، وإن جَهَدَهُ الجُوعُ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ ، وإن أَفْرَطَ فِي الشَّبَعِ كَطَنَتْهُ البِطْنَةُ ، فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهِ مُضِرٌّ ، وَكُلُّ إِفْرَاطٍ بِهِ مُفْسِدٌ ، وَكُلُّ خَيْرٍ مَعَهُ شَرٌّ ، وَكُلُّ شَيْءٍ لَهُ آفَةٌ .^۲

۱ - غرر الحکم ، صفحه ۶۹۰

۲ - آداب النفس جلد ۲ صفحه ۱۱۱ - ارشاد مفید صفحه ۱۴۲

ذلت : ذلت طمع و حرص

● چه عجیب و حیرت‌آور است کار بشر ، اگر در موردی امیدوار شود طمع خوارش خواهد کرد ، اگر طمع او را بجنبش آورد حرص هلاکش میکند ، اگر دچار ناامیدی شود غصه و غم او را میکشد ، اگر بخوشبختی و سعادت رسد نگاهداری آنرا فراموش میکند ، اگر دچار خوف و هراس شود از ترس حیرت زده میگردد ، اگر در گشایش امنیت قرار گیرد غافل میشود ، اگر نعمت بر او تجدید شود دچار گردن کشی و بلند پروازی میگردد ، اگر دچار مصیبتی شد تأثر و خزن او را رسوا میکند ، اگر ثروتی بدست آورد دچار طغیان مالی میگردد ، اگر فقر گریبان گیرش شد غرق اندوه میشود ، اگر گرفتار تعب گرسنگی شد از ناتوانی زمین گیر میگردد ، و اگر در خوردن زیاده روی کند از فشار شکم ناراحت میشود ، پس کند رویها در زندگی بشر مضر است و تند رویها نیز مایه ویرانی و فساد ، هر خمری را شرّی و هر نوشی را نیشی است .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَلَوْعُ النَّفْسِ بِاللَّذَاتِ يَغْشَى وَبُرْدَى . ۱
● و نیز فرموده است : حرص شدید به لذائذ و مشتبهات نفسانی ، آدمی را گمراه میکند و از راه سعادت و رستگاری منحرف میسازد و سرانجام باعث هلاکت و نابودی او میشود .

ذلت سؤال

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا .^۱

● اتفاق خالصانه و توأم با عزّ و احترام ، شایسته نهی دستان با شرافتی است که در راه اعلاّی حق به مضیقه افتاده اند و اکنون بر اثر ناتوانی ، قدرت کار و فعالیت ندارند ، بقدری عقیقند که اگر کسی از وضع واقعی آنها آگاه نباشد غنی و ثروتمندشان می پندارد. اینان با عزّت نفس و مناعت طبعی که دارند هرگز بذل سؤال تن نمیدهند و از مردم تقاضای عجز - آمیز نمیکنند .

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الصَّبْرُ عَلَى الْفَقْرِ مَعَ الْعِزِّ أَجْمَلُ مِنَ الْغِنَى مَعَ الذُّلِّ .^۲

● علی علیه السلام فرموده : بردباری در فقر توأم با عزّت ، بهتر از ثروت آمیخته بخواری و ذلت است .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْجُوعُ خَيْرٌ مِنْ ذُلِّ الْخُضُوعِ .^۳

● و نیز فرموده است : گرسنگی بهتر از ذلت سرافکندگی و زبونی است .

۱ - سورة ۲ ، آیه ۲۷۳ ۲ - غرر الحکم ، صفحه ۸۹

۳ - فهرست غرر ، صفحه ۱۲۵

ذلت : ذلت سؤال

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمَسْئَلَةُ طَوْقُ الْمَدْلَةِ تَسْلُبُ الْعَزِيزَ عِزَّهُ وَالْحَسِيبَ حَسْبَهُ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : گدائی طوق ذلتی است که عزت را از عزیزان و شرافت خانوادگی را از شریفان سلب میکند .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى حَاجَةٍ فَلْيَرْفَعْهَا إِلَى فِي كِتَابٍ لِأَصُونٍ وَجَنَّهُ عَنِ الْمَسْئَلَةِ .^۲

● علی (ع) دستور داد که هر کس بهن حاجتی دارد درخواست خود را در نامه ای بنویسد، میخواهم به بنویسده آبروی درخواست کننده را از ذلت سؤال محفوظ دارم .

مرکز تحقیقات علوم و معارف
پرهیز از ذلت

أَكْرِمُ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَافَتَكَ إِلَى الرِّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاظَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عِوَضًا وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا .^۳

● فرزند عزیز ، از هر پستی و ذلتی پرهیز نما گرچه تن دادن به پستی ، راه نیل به تمنیات باشد ، زیرا آن چیزی که در این معامله عایدت میشود هرگز با سرمایه گرانبادر عز و شرف برابر نمیکنند ، فرزند عزیز ، بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است .

۱ - غرر الحکم ، صفحه ۹۶

۲ - ثمرات الاوراق جلد ۲ صفحه ۲۴۴ ۳ - نهج البلاغه ، نامه ۳۱

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است : بر هیچ مسلمانی جایز نیست که خود را ذلیل و خوار نماید .

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يَفْوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ .^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده : خداوند تمام کارهای مسلمان را بخود او واگذار کرده و در اختیارش قرار داده است ولی باو اختیار نداده که خود را ذلیل و خوار نماید .

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَاعَةٌ ذُلٌّ لَا تَقْبَلُ بَعِزُّ الدَّهْرِ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : یکساعت ذلت با عزت تمام دوران زندگی برابری نمیکنند .

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِذُلِّ نَفْسِي حُمْرَ النَّعَمِ .^۴

● حضرت سجاد علیه السلام میفرماید : دوست ندارم که با ذلت نفس بارزنده ترین سرمایه ها و ثروتها دست یابم .

۲ - کافی ۵ ، صفحه ۶۳

۱ - تاریخ یعقوبی ، صفحه ۶۷

۴ - مستدرک ۲ ، صفحه ۳۶۴

۳ - غرر الحکم ، صفحه ۴۲۴

ذلت : پرهیز از ذلت

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلالَ نَفْسِهِ .

● امام صادق (ع) فرموده است : خداوند تمام کارهای هر مسلمانی را بخود او واگذار نموده است مگر ذلیل کردن خود ، یعنی مؤمن حق ندارد موجبات خواری و ذلت خود را فراهم آورد .

عَنْ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ .

● حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمود : چقدر قبیح است که در باطن مسلمان ، میل و رغبت بچیزی باشد که موجب ذلت و خواری او شود .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَلَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَذِلَّ نَفْسَهُ الْمُعْزِيزَ .

● امام صادق (ع) فرمود : خداوند امور مربوط بمؤمن را بخود او واگذار نموده ولی ذلیل کردن نفس عزیز خود را بوی وانگذاشته است .

قال أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ

۱- کافی جلد ۵ صفحه ۶۳ ۲- تحف المقرل صفحه ۴۸۹

۳- محجة البيضاء جلد ۴ صفحه ۱۰۸

إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلُّهَا وَلَمْ يَفَوْضْ إِلَيْهِ أَنْ يَدُلَّ
نَفْسَهُ.^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده : خداوند تمام کارهای مؤمنین را
بخودشان واگذارده است ، ولی ابن اختیار را به آنان نداده که خود را
ذلیل و خوار نمایند .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلَمَنِيَّةٌ وَلَا الدَّيْنَةَ.^۲

● علی علیه السلام میفرماید : مرگ ، بر زندگی آمیخته به پستی و
خواری ترجیح دارد .

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی
ذلت بی سوادى

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى ذُلِّ
النَّعْلِ سَاعَةً بَقِيَ فِي ذُلِّ الْجَهْلِ أَبَدًا.^۳

● رسول اکرم (ص) فرموده است : آنکس که ساعتی ، ذلت فرا گرفتن
علم را تحمل نکند و باحقارت موقت آن نسازد برای همیشه در ذلت
نادانی میماند و یک عمر باخواری جهل بسر خواهد برد .

۱- وسائل، کتاب امر بمعروف، صفحه ۷۰

۲- نهج البلاغه ، کلمه ۳۹۰

۳- بحار، جلد ۱ ، صفحه ۵۷

ذلت : گفتار و رفتار ذلت آمیز

گفتار و رفتار ذلت آمیز

عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ عَلَى نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ . فَقَالُوا لَهُ مَرْحَبًا بِسَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا . فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ غَضَبًا شَدِيدًا ، ثُمَّ قَالَ لَا تَقُولُوا هَكَذَا وَلَكِنْ قُولُوا مَرْحَبًا بِنَبِيِّنَا وَرَسُولِ رَبِّنَا ، قُولُوا السَّادَاتِ مِنَ الْقَوْلِ وَلَا تَغْلُوا فِي الْقَوْلِ . فْتَمَرَقُوا .^۱

● علی (ع) فرمود : روزی رسول اکرم بر جمعی از اصحاب خود وارد شد . آنان با گشاده روئی و حسن احترام حضرت را سید و مولای خود خواندند . پیغمبر اکرم سخت خشمگین شد ، فرمود اینطور سخن نگوئید و مرا سید و مولا نخوانید بلکه بگوئید پیغمبر ما و فرستاده خدای ما ، سخن براستی و حقیقت بگوئید و در گفتار خود زیاده روی و غلو نکنید که گرفتار ضلالت و گمراهی خواهید شد .

رَكِبَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا ، فَمَشَى مَعَهُ قَوْمٌ ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُمْ : أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ مَشْيَ الْمَاشِي مَعَ الرَّاكِبِ مَفْسَدَةٌ لِلرَّاكِبِ وَ مَذَلَّةٌ لِلْمَاشِي ، انْصَرَفُوا .^۲

● روزی علی (ع) بر مرکب سوار شد ، جمعی پیاده پشت مرش براه افتادند ، حضرت بآنها فرمود : مگر نمیدانید پیاده روی مردم در رکاب سوار باعث فساد اخلاق سوار و ذلت و خواری پیادگان است ، برگردید و براه خود بروید .

۲- تحف العقول صفحه ۲۰۹

۱- جعفریات صفحه ۱۸۴

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ لَقِيتُهُ عِنْدَ مَسِيرِهِ إِلَى الشَّامِ دَهَاقِينَ الْأَنْبَارِ فَتَرَجَّلُوا لَهُ وَاشْتَدُّوا بَيْنَ يَدَيْهِ : مَا هَذَا الَّذِي صَنَعْتُمُوهُ ؟ فَقَالُوا خُلِقْنَا مِنْ أَعْظَمِ بِهِ أُمَرَائِنَا . فَقَالَ وَاللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أُمَرَاءُكُمْ وَأَنْتُمْ لَنْتَشَقُّونَ عَلَيَّ أَنْفُسَكُمْ فِي دُنْيَاكُمْ وَتَشَقُّونَ بِهِ فِي آخِرَتِكُمْ وَمَا أَخْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَأَيْهَا الْعِقَابُ وَارْتَبَحَ الدَّعَاةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ .^۱

● علی علیه السلام در راه مسافرت شام با سربازان خود بشهر انبار آمد. در خارج شهر، مردم برسم و آئین دوره ساسانیان کنار بجاده زیر آفتاب بانتظار ایستاده بودند، موقعیکه رئیس مملکت بصف مستقبلین رسید، کدخدایان و تجار و بزرگان شهر یکباره بسوی آنحضرت هجوم بردند و در رکابش پیاده شروع کردند بدویدن. علی علیه السلام از مشاهده این حرکت و هن آور و ذلت بار، که منافی با آزادگی و شرافت اسلامی بود. سخت ناراحت شد پرسید این چه کاری بود که کردید؟ گفتند این رسم و روش ما است که بمنظور بزرگداشت امراء و فرمانروایان خود انجام میدهم. علی علیه السلام آن روش تحقیر آمیز را بشدت نکوهش کرد و فرمود امراء و زمامداران از این کار بهره ای نمیرند ولی شما با این عمل موهن، خویشان را در دنیا برنج و مشقت میاندازید و خود را حقیر و خوار میسازید. بعلاوه در آخرت نیز عذاب و مشقت خواهید داشت و برای تن دادن به پستی و ذلت کیفر خواهید شد. سپس فرمود: چه زیان آور است مشقتی که آدمی از پی آن عذاب و کیفر بیند و چه پر منفعت است آسودگی و آرامشی که با آن ایمنی از عذاب الهی باشد.

ذلت : گفتار و رفتار ذلت آمیز

رُویَ اَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يَدْعُ أَحَدًا بِمَشَى مَعَهُ إِذَا كَانَ رَاكِبًا حَتَّى يَحْمِلَهُ مَعَهُ فَإِنْ أَبِي قَالَ تَقَدَّمَ أَمَامِي وَآذَرَ كُنِّي فِي الْمَكَانِ الَّذِي تُرِيدُ.^۱

● موقعیکه رسول اکرم سواره حرکت میکرد اجازه نمیداد کسی با او پیاده راه برود مگر آنکه او را بترك خود سوار کند و اگر پیاده از سوار شدن خودداری مینمود بوی میفرمود شما پیشتر بروید و در مکان مورد نظر یکدیگر را ملاقات خواهیم کرد.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرُجُ الرَّجُلُ مَعَ قَوْمٍ مَيَّاسِيرَ وَهُوَ أَقْلُهُمْ شَيْئًا فَيُخْرِجُونَ النِّفْقَةَ وَلَا يَقْدِرُ هُوَ أَنْ يَخْرِجَ مِثْلَ مَا أَخْرَجُوا، قَالَ: مَا أُحِبُّ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ، لِيَخْرُجَ مَعَ مَنْ هُوَ مِثْلُهُ.^۲

● ابی بصیر با امام صادق علیه السلام عرض کرد مردی کم بضاعت با افراد متمکن و ثروتمند رفیق سفر میشود. آنان با ثروت بسیاری که دارند آزادانه مصارف مسافرت را میپردازند ولی او قادر نیست مانند آنها خرج کند. امام فرمود: دوست ندارم که خود را ذلیل و پست نماید، البته با کسانی رفیق راه شود که در ثروت همانند وی هستند.

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا صَحَبْتَ فَاصْحَبْ نَحْوَكَ وَلَا تَصْحَبَنَّ مَنْ يَكْفِيكَ فَإِنَّ ذَلِكَ مَذَكَّةٌ لِلْمُؤْمِنِ.^۳

● امام باقر علیه السلام فرموده است: با اقران و امثال خود مصاحبت کن و با کسانی که مساعدت و کمک آنان بی نیازت میسازد رفاقت مکن چه این کار مایه ذلت و خواری است.

ذلت بی لیاقتی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ . قُلْتُ بِمَا يُذِلُّ نَفْسَهُ ؟ قَالَ يَدْخُلُ فِيمَا يَتَعَذَّرُ مِنْهُ .^۱

● امام صادق (ع) فرموده است : شایسته نیست مؤمن ، خویش را ذلیل و خوار نماید . راوی سؤال میکند چگونه خود را ذلیل میکند ؟ حضرت در جواب فرمود در امری مداخله مینماید که شایسته آن نیست و سرانجام باید از آن عذر بخواهد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُذِلَّ نَفْسَهُ . قِيلَ لَهُ وَكَيْفَ يُذِلُّ نَفْسَهُ ؟ قَالَ يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ .^۲

● و نیز فرموده است : سزاوار نیست مرد با ایمان موجبات خواری و ذلت خود را فراهم نماید . عرض شد چگونه آدمی باعث خواری خود میشود ؟ فرمود بکاری دست میزند که قدرت و طاقت انجام آنرا ندارد .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : بِيْشَ الْعَبْدُ عَبْدٌ لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ .^۳

● امام باقر (ع) فرمود : بد آدمی است آنکسی که در خویشتن میلی را بپرورد که در راه رسیدن بآن دچار ذلت و خواری شود .

۱ - کافی جلد ۵ صفحه ۶۴ ۲ - محجة البيضاء جلد ۴ صفحه ۱۰۸

۳ - مفینه (طبع) صفحه ۹۲

ذلت : دلت ترس و جرع

گاہی اشخاص بیکفایت و نالایق بحقاسی میرسند کہ شایسته

آن نیستند . مردم متوجه و با هوش از اطاعت این قبیل زمامداران
سرباز میزنند و در برابر آنان تمکین نمینمایند .

قال الصادق علیه السلام : مَنْ طَلَبَ الرَّئِاسَةَ بِغَيْرِ حَقٍّ
حُرِّمَ الطَّاعَةُ لَهُ بِحَقِّ ۱ .

● امام صادق (ع) فرمود : کسی کہ بدون حق و صلاحیت
خواستار ریاست باشد باید بحق و درستی از اطاعت مردم محروم بماند .

ذلت ترس و جزع

قال علی علیه السلام : الْكَئِاسُ مِنْ خَوْفِ الذُّلِّ تَعَجَّلُوا
الذُّلَّ ۲ .

● علی علیه السلام فرموده است : مردم از ترس خواری بسوی ذلت
و خواری میشتابند و باینکار ، پستی و حقارت خویش را افزایش میدهند .

قال الصادق علیه السلام : الرَّجُلُ يَجْزَعُ مِنَ الذُّلِّ
الصَّغِيرِ فَيَدْخِلُهُ ذَلِكَ فِي الذُّلِّ الْكَبِيرِ ۳ .

● امام صادق (ع) میفرمود کہ آدمی از ذلت و حقارت کوچکی
اظهار ناراحتی و اندوه میکند و همین جزع و بیقراری ، او را بذلت بزرگتری
گرفتار مینماید .

۱ - تحف العقول صفحه ۳۲۱

۲ - غرر الحکم ، صفحه ۱۰۴

۳ - تحف العقول صفحه ۳۶۶

رهائی از ذلت گناه

قال الصادق عليه السلام : مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِإِلَا عَشِيرَةٍ وَغِنًى بِإِلَامَالٍ وَهَيْبَةً بِإِلَا سُلْطَانٍ فَلْيَنْتَقِلْ مِنْ ذُلٍّ مَنُصِبَةٍ اللَّهِ إِلَى عِزٍّ طَاعَتِهِ .^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده است : کسیکه میخواهد با نداشتن خویش و قوم ، عزیز و محترم باشد ، با نداشتن ثروت ، غنی و بی نیاز باشد ، با نداشتن مقام شامخ اجتماعی دارای ابتهت و عظمت باشد ، باید خویش را از ذلت گناه و ناپاکی بمحیط با عزت اطاعت الهی منتقل نماید .



مرکز تحقیقات حقوقی و پاسخگویی

وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ .^۲

● خداوند در قرآن شریف فرموده است : عزت برای خدا و پیغمبر و مؤمنین بائین اسلام است .

۱ - بحاره ۱ ، قسمت ۲ ، صفحه ۱۶۴

۲ - سوره ۶۳ آیه ۸

تعبیر خواب

پادشاه مصر خواب دید که هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر همیخوردند ، و هفت خوشه سبز و دیگر هفت خوشه خشک .

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَ سَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ اقْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ .

● شاه خواب خود را با رجال دربار و دانشمندان بمیان گذارد . آنان از تعبیر عاجز ماندند و آنرا اضمحاث احلام و خواب پربشان خواندند .

یوسف صدیق ، که در تعبیر خواب بسیار قوی و توانا بود ، چنین تعبیر کرد : هفت سال در امر کشاورزی جدیت کنید و در هر سال بقدر احتیاج از گندمها استفاده نمائید و آنچه بیش از قوت مردمست بدون اینکه از خوشه ها خارج نمائید انبار کنید . پس از این هفت سال مملکت را قحطی عظیمی فرا میگیرد و این قحطی نیز هفت سال طول میکشد ، مردم سخت در مضیقه واقع میشوند . در این مدت باید از آنچه ذخیره شده است استفاده نمائید . گفته یوسف عیناً عملی شد و در سالهای قحطی از ذخائر سالهای قبل استفاده کردند و کشور مصر در پرتو درایت یوسف از سقوط قطعی و مرگ خلاص شد . در اثر این تعبیر عالمانه و خدمت

بزرگی که یوسف مردم مصر کرد محبوبیت عظیمی برای او ایجاد شد و سرانجام با پشتیبانی افکار عمومی، یوسف زمامدار کشور گردید و مالیات دراز بر آن مردم حکومت کرد .

رؤیای پادشاه مصر تلخیص مکنونات ضمیر مخفی او نبوده و تعبیر حیرت انگیز یوسف نیز جنبه روانکاوی و پی بردن بوجدان مغفول پادشاه ندارد ، این خواب آینده از هر جهت مجهولی را اعلام و حادثه پنهانی را آشکار نمود .

رسول اکرم (ص) در باره رؤیا دستور دقیقی داده است :
لَا تَقْصُصْهَا إِلَّا عَلَىٰ وَاَدٍّ أَوْ ذِي رَأْيٍ .

● خواب خود را یا برای دوست صمیمی خود نقل کن یا برای کسی که علم تعبیر میداند . اما دوست تو اگر علم تعبیر ندارد و زبان خواب را نمیفهمد لا اقل در تفسیر رؤیا خاطره بدی در تو ایجاد نمیکند .
• باعث تیرگی روانت نميگردد :

إِنْ لَمْ يَكُنْ عَلِيماً بِالْعِبَارَةِ لَمْ يَعْجَلْ بِمَا يُغْمِكَ .

● اما کسی که علم تعبیر میداند از خواب تو بضمیر باطنت پی میبرد و افکار درونیت را میفهمد ، شاید از این راه بتو نصیحت و اندرزی گوید و از گناهی که محرمانه بان آلوده هستی برکنارت نماید :

وَلَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ فِي تَفْسِيرِهَا مَوْعِظَةٌ يَرُدُّكَ عَنْ قَبِيحٍ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ .

اتى الى ابي عبد الله (ع) رجلٌ فقال : يا بن رسول الله رأيتُ في منامى كأننى خارجٌ من مدينة الكوفةِ فى موضعٍ أعرفُهُ وكان شيخاً من خشبٍ أو رجلاً منحوناً من خشبٍ على فرسٍ من خشبٍ بلّوحٍ بسيفه وانا أشاهدهُ فزعاً مرعوباً . فقال له (ع) : أنت رجلٌ تُريدُ اغتيالَ رجلٍ فى معيشتِهِ . فاتقِ الله الذى خلقَكَ ثم يميتَكَ . فقال الرجلُ أشهدُ أنّكَ قد أوثيتَ علماً واستنبطتَهُ من معدنِهِ . أخبركَ يا بن رسول الله عما قد فسرتَ لى أن رجلاً من جبرانى جاءنى وعرضَ علىّ صنعةً . فهِمَمْتُ أَنْ أَمْلِكَهَا بؤكسٍ كثيرٍ لما عرفتُ أنّه ليسَ لها طالبٌ غيرى .

● مردی حضور حضرت صادق (ع) شرفیاب شد . عرض کرد یابن رسول الله در خواب دیدم مثل اینکه در خارج شهر کوفه هستم ، در نقطه ای که میدانم کجا است . مردی را دیدم که از چوب تراشیده شده و بر اسب چوبی سوار است و شمشیر برآق خود را جولان میدهد و من در شدت وحشت و ترس او را تماشا میکنم . حضرت فرمود: توقصداری مردی را در امر زندگیش گول بزنی . از خدائی که ترا آفرید و سپس میمیراند بترس . مرد به حضرت عرض کرد شهادت میدهم که دانش را از معدن علم فرا گرفته ای . اینک شما را از تفسیری که برای رؤیای من نمودی آگاه میکنم ، یکی از همسایگان من متاع خود را نزد من برای

فروش آورده بود . چون غیر از من کسی طالب آن متاع نیست تصمیم داشتم بقیمت خیلی نازلی از او خریداری کنم .

اسلام و رؤیا

روایات اسلامی تمام خوابها را بیک چشم نگاه نمیکنند بلکه رؤیا را سه قسم میداند . قسمتی از خوابها عبارت از افکار عادی یا اسرارنهایی انسان است که در خواب گاهی بصورت خودش ظاهر میشود و گاهی بعللی تغییر شکل داده با صورت دیگری خودنمایی میکند . این قسم خوابها است که در روانکاوی و بنظر روانشناسان ارزش علمی بسیار دارد و بوسیله آنها میتوان بضمیر مخفی اشخاص پی برد و ریشه ناخوشی روانی مرضای روحی را تشخیص داد .

قسمت دیگر خوابها، عبارت از افکار ولگرد و آشفته ایست که گاهی در بیداری وبخصوص در مواقع ناخوشی گریبانگیر اشخاص میشود و دارای ارزش علمی و روانی نیست و در بعضی از روایات به «اضغاث احلام» یا افکار شیطانی تعبیر شده است .

قسمت سوم خوابها نیست که جنبه الهامی دارد و گاهی بوسیله آنها حقایق از هر جهت مجهولی، واضح و آشکار میگردد .

رسول اکرم (ص) میفرمود :

اَلرُّؤْيَا ثَلَاثَةٌ بُشْرَى مِنْ اَللّٰهِ وَ تَحْزِينٌ مِنْ الشَّيْطَانِ وَ الَّذِیْ یُحَدِّثُ بِهِنَّ الْاِنْسَانُ نَفْسَهُ فَبَرَّاهُ فِی مَنَامِهِ .^۱

در حدیث است :

لِلرُّؤْيَا كُنْيٌ وَأَسْمَاءٌ فَكُنُّوْهَا بِكُنْيَاهَا وَاعْتَبِرُوْهَا بِأَسْمَائِهَا.^۱
● خوابها کنیه‌ها و اسمهای دارند ، برای تفسیر و تعبیر رؤیا باید از آنها بطور صحیح استفاده کرد .

« تبدیل صورت باطن بصورت ظاهر را عمل خواب میگوئیم و عمل معکوس آن یعنی تبدیل صورت ظاهر را بباطن عمل تحلیل میخوانیم. »^۲

• قَالَ رَجُلٌ لِّعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) رَأَيْتُ كَأَنِّي أَبُولُ فِي بَدَنِي قَالَ تَحْتِكَ مَحْرَمٌ فَتَنْظُرُوا فَإِذَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ امْرَأَتِهِ رِضَاعٌ.^۳

● مردی بحضرت سجاد (ع) عرض کرد خواب دیدم مثل اینکه در دست خود ادرار میکنم . حضرت فرمود زنی که در خانه داری و با او هم‌بستر میشوی با تو محرم است . تحقیق کردند معلوم شد زن ، خواهر رضاعی شوهر است !

در این خواب دست که عضو بدنست کنایه از خواهر که عضو خانواده است آمده و ادرار بجای منی . امام (ع) در مقام تفسیر خواب ، ادرار در دست را بامیزش با محرم تفسیر کرده است . اگر مرد میدانست که زنش خواهر او است و خائنه با او ازدواج کرده است تعبیر خواب روانکاوی و آشکار کردن ضمیر پنهانست و اگر نمیدانست این رؤیا الهام است .

۱- بحار جلد ۱۴ صفحه ۴۳۶ ۲- رؤیا صفحه ۱۸

۳- المستطرف جلد ۲ صفحه ۸۹

رؤیای صادق

جنبه معنوی و الهام روحانی بعضی از خوابها بقدری مهم است که نبی اکرم در باره آنها فرموده است:

إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِّنْ سَبْعِينَ جُزْءً مِّنَ النُّبُوَّةِ . ۱

● رؤیای صادق و حقایقی که از آن راه الهام میشود ارزش یک جزء از هفتاد جزء نبوت دارد !

معتبر و تعبیر رؤیا

معتبر زمانی قادر است رؤیا را بدرستی تعبیر نماید و بضمیر باطن پی برد که از عواطف مذهبی و فرهنگی ملی کسیکه خواب دیده آگاه باشد بهمین جهت معتبرین اسلامی اغلب خوابهای مسلمین را بوسیله آیات قرآن مجید و روایات مذهبی که تکیه گاه عواطف عمومی بوده تعبیر و تفسیر میکردند.

جاءَ مُوسَى الْعِطَّارُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ رَأَيْتُ رُؤْيَا هَالِكُنِي رَأَيْتُ صِهْرًا لِي مَيِّتًا وَقَدْ عَانَقَنِي وَقَدْ خِفْتُ أَنْ يَكُونَ الْأَجَلُ قَدْ اقْتَرَبَ فَقَالَ يَا مُوسَى تَوَقَّعِ السَّوْتِ صَبَاحًا وَمَسَاءً فَإِنَّهُ مُلَاقِينَا وَمُعَانِقَةُ الْأَمْوَاتِ لَا أَحْيَاءٍ أَطْوَلُ لَا عَمَارِهِمْ فَمَا كَانَ اسْمُ صِهْرِكَ قَالَ حُسَيْنٌ فَقَالَ : أَمَا إِنَّ رُؤْيَاكَ تَدُلُّ عَلَى بَقَائِكَ وَزِيَارَتِكَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . ۲

● موسی عطار حضور امام صادق علیه السلام آمد عرض کرد خوابی

دیده‌ام که موجب نگرانیم شده است . دامادی داشتم که از دنیا رفته در

رؤیا : معبر و تعبیر رؤیا

خواب دیدم دست در گردنم انداخته با من معانقه می کند . خائفم که اجلم نزدیک شده باشد . حضرت در پاسخ فرمود : ای موسی صبح و شب در انتظار مرگ باش که خواه ناخواه سر وقت ما می آید . ولی معانقه اموات با کسانی که در قید حیاتند از عمر طولانی حکایت می کند . آنگاه پرسید اسم دامادت چه بود ؟ عرض کرد حسین . فرمود : این رؤیا دلالت دارد که باقی میانی و به زیارت حضرت حسین علیه السلام مشرف می شوی .

عَنْ عِبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى (لَهُمُ الْمُبَشِّرُ فِي الْمُبَشِّرَةِ الدُّنْيَا. سورة ۹۰، آیه ۴۴) قَالَ هِيَ الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ يَرَاهَا الْمُؤْمِنُ لِنَفْسِهِ أَوْ تُرَى لَهُ وَهُوَ كَلَامٌ يُكَلِّمُ بِهِ رَبُّكَ عَبْدَهُ فِي الْمَنَامِ^۱.

● عبادۀ بن صامت از رسول گرامی (ص) حدیث نموده است : که مقصود از آن بشارت که در قرآن شریف برای افراد با ایمان و متقی آمده رؤیای صالحه و خوبی است که مؤمن برای خود می بیند یا دیگران برای او . و رؤیائی این چنین در واقع کلامی است از خداوند که در حال خواب بابنده خود می گوید .

وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ بَعْدَهُ مِنَ الدُّبُورَةِ إِلَّا الْمُبَشِّرَاتِ وَهِيَ الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ^۲.

● همچنین از رسول گرامی (ص) حدیث شده است که فرموده : پس از وی امر وحی و نبوت پایان یافته و از آن جز بشارتهای الهی یعنی رؤیاهای صالحه چیزی باقی نمانده است .

۲- فصل ابن حزم ، بخش ۵ ، صفحه ۱۴

۱- السماء والعالم ، صفحه ۴۴۲

۷۰ • رزق

[الرَّزَق]

روزی، وسائل معاش

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي سَعَةِ الْإِخْلَاقِ كُنُوزُ الْإِرْزَاقِ .^۱
 ● علی علیه السلام فرموده است : گنجهای روزی مردم در گشایش اخلاقی نهفته است .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ .^۲
 ● امام صادق علیه السلام فرموده : حسن خلق مایه افزایش روزی است .

ثَلَاثَةٌ هِيَ مِنَ السَّعَادَةِ : الْكَرْوَةُ وَجَهَةُ الْمُؤَانِيَةِ وَالْوَلَدُ الْبَارُّ وَالرِّزْقُ
 بِرُزْقٍ مُعِيشَتَهُ يَغْدُو عَلَى صَلَاحِهَا وَبِرُوحٍ عَلَى عِيَالِهِ^۳
 ● سه چیز از سعادت است : زن مطیع و فرزند نیکو و روزی که مایه رفاه و آسایش عائله باشد .

امام صادق (ع) فرمود :

إِنَّ الذَّنْبَ يَحْرِمُ الرِّزْقَ

● گناه مردم را از رزق محروم میکند .

۱ - بحار ۱۷ ، صفحه ۱۳۰

۲ - سفینه ، خلق ، صفحه ۱۱۱

۳ - بحار جلد ۳ صفحه ۵

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ .^۱

● رسول اکرم فرموده است : خواستن رزق مباح و گذران کردن از درآمد حلال وظیفه واجب هر مرد و زن مسلمان است .

عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ .^۲

● امام حسن عسکری علیه السلام فرموده است : گرچه خداوند در نظام حکیمانه آفرینش، ارزاق مردم را تضمین کرده است ولی مبدا اندیشه ضمانت خداوند رازق، مفرورتان سازد و شما را از انجام فریضه کار و کوشش بازدارد .

قال أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا هِشَامُ إِنْ رَأَيْتَ الصَّفَيْنِ قَدْ اتَّقَيَا فَلَا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ .^۳

● امام صادق علیه السلام بهشام فرموده : اگر روزی را به بینی که سربازان در میدان کارزار از دو طرف در مقابل یکدیگر صف کشیده اند و با مشتعل شدن آتش جنگ ، نگرانی و وحشت همه جارا فرا گرفته است تو در همان روز از انجام کار و طلب روزی باز نایست و در همان شرائط سخت و دشوار برای بدست آوردن معاش کوشش کن .

۱- بحار ۲۳ ، صفحه ۶ ۲- تحف العقول، صفحه ۸۹

۳- وسائل ۴ ، صفحه ۱۰۱

۷۱ . رسوائی

[التَّشْهِير]

ننگ و بدنامی

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ هَوَاهُ أَفْلَحَ ، وَمَنْ غَلَبَ هَوَاهُ عَقْلُهُ أَفْتَضَحَ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : کسی که عقلش بر هوای نفس غالب باشد برستگاری و سعادت نائل میشود ، و آنکس که عقلش مغلوب تمایلات نفسانیش باشد ، سرانجام رسوا و مفتضح میگردد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ أَمَرْتُمْ عَلَيْكُمْ الْهَوَى أَصَمَّكُمْ وَأَعْمَاكُمْ وَأَارْدَاكُمْ .^۲

● و نیز فرموده است : براستی اگر هوای نفس را فرمانروای خود سازید و بی قید و شرط اطاعتش نمائید شمارا کور و کر میکند و سرانجام مایه سقوط و هلاکت شما خواهد شد .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ عَلَى عَقْلِهِ ظَهَرَتْ عَلَيْهِ الْفَضَائِحُ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : آنکس که تمایلات نفسانی بر عقلش غالب باشد ، رسوائیهایش آشکار خواهد شد .

۱ - مستدرک ۲ ، صفحه ۲۸۷ ۲ - غررالحکم ، صفحه ۲۹۲

۳ - غررالحکم ، صفحه ۶۷۵

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَارُ النَّفْصِيحَةِ يَكْدُرُ حَلَاوَةَ اللَّذَّةِ .^۱
● علی علیه السلام فرموده است : ننگ رسوائی ، شیرینی لذت را تیره و تار میسازد.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَهْدُبْ نَفْسَهُ فَضَحَهُ سُوءُ الْعَادَةِ .^۲

● و نیز فرموده است : کسیکه روان خود را از ناپاکیهای اخلاق تطهیر ننماید عادات ناپسندیده اش او را رسوا خواهد ساخت .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ قَبِلَ النَّصِيحَةَ سَكِمَ مِنْ النَّفْصِيحَةِ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : کسیکه اندرز و نصیحت را بپذیرد از رسوائی مصون خواهد ماند .

۱ - فهرست غرر ، صفحه ۳۵۸

۲ - غررالحکم ، صفحه ۷۱۹

۳ - غررالحکم ، صفحه ۶۵۰

رشد جنسی و عقلی

وَابْتَالُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ ، فَإِنْ أَنتُمْ مِنْهُمْ
رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ . ۱

● کودکان یتیم را بیازمائید، موقعیکه بحد بلوغ میرسند، اگر علاوه بر تمایل جنسی و قدرت آمیزش، واجد رشد عقلی نیز بودند اموالشان را در اختیارشان قرار دهید.

در این آیه تصریح شده است که استقلال اقتصادی و آزادی مالی برای یتیمان، مشروط به بلوغ جنسی و رشد عقلی است، نشانه بلوغ جنسی، نطفه سازی و بروز تمایل بآمیزش است که با کلمه «نکاح» ادا شده و بلوغ عقلی بکلمه «رشد» تعبیر شده است.

الصَّغِيرُ مَمْنُوعٌ مِنَ النَّصْرِفِ إِلَّا مَعَ الْبُلُوغِ وَالرُّشْدِ وَيُعَلِّمُ
الْأَوَّلُ بِإِنْبَاتِ الشَّعْرِ الْخَشْنِ عَلَى الْعَانَةِ أَوِ الْإِحْتِلَامِ أَوِ
الْحَبْضِ أَوْ اكْتِمَالِ خَمْسِ عَشْرَةَ سَنَةً فِي الذَّكَرِ وَتِسْعٍ
فِي الْأُنْثَى. ۲

۱ - سورة ۴ ، آیه ۶

۲ - منهاج الصالحین ، جلد ۲ ، کتاب الحجر ، صفحه ۱۸۹

● افراد صغیر، از تصرف در اموال خود ممنوعند تا وقتی که به حد بلوغ
ورشد برسند. بلوغ بچند چیز شناخته میشود: اول روئیدن موهای خشن
بالای عورت، دوم خروج منی در پسران و شروع عادت ماهانه در دختران،
سوم رسیدن به پانزده سال کامل برای پسر و نه سال کامل برای دختر.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ انْقِطَاعُ يَتِيمِ الْبَيْتِ
بِالِاحْتِلَامِ وَهُوَ أَشَدُّهٗ وَإِنْ احْتَلَمَ وَلَمْ يُؤْنَسْ مِنْهُ رُشْدُهُ
وَكَانَ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا فَلْيُؤْمَرْ بِكَفِّهِ عَنْهُ وَلِيُّهُ مَالُهُ .^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده : یتیمی کودک کان بی پدر، بانطفه
سازی و محتلم شدن که نشانه بلوغ جنسی و نیرومندی بدن است پایان
می پذیرد، اما اگر با وجود احتلام، رشد عقلیش ثابت نشود، سفیه یا
ضعیف العقل باشد، ولی او موظف است اموال ویرا همچنان در ید
خویش نگاهداری نماید.

عَلَيْهِ عَنْ أَخِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ الْبَيْتِ مَتَى
يَنْقَطِعُ يَتِيمُهُ ، قَالَ إِذَا احْتَلَمَ وَعَرَفَ الْإِخْلَاقَ وَالْأَعْطَاءَ .^۲
● از امام علیه السلام سؤال شد چه موقع یتیمی اطفال پایان می پذیرد،
فرمود موقعیکه محتلم میشود و بعلاوه دارای رشد عقلی باشد که دادوستد
را درک نماید.

۱ - وسائل ۴ ، صفحه ۱۹۹

۲ - بحار ۲۳ ، صفحه ۳۹

عَنْ بَنِّ سِنَانٍ قَالَ قُلْتُ لَا يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَتَى يُدْفَعُ إِلَى الْغُلَامِ مَالُهُ، قَالَ إِذَا بَلَغَ وَأُوْنِسَ مِنْهُ رُشْدٌ. وَلَمْ يَكُنْ سَفِيهاً أَوْ ضَعِيفاً^۱.

● ابن سنان از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد چه موقع اموال نوجوان در اختیارش گذارده میشود ، فرمود موقعیکه بالغ شود و بعلاوه رشد عقلی وی نیز معلوم گردد و سفیه یا ضعیف العقل نباشد .

اندازه گیریهای حکیمانه‌ای که در تمام نظام آفرینش وجود دارد یکی از آیات الهی است و قرآن شریف آنرا بخداوند نسبت داده است .
إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ^۲.

● همه چیز جهان هستی را با محاسبه و اندازه گیری آفریده ایم .
وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ^۳.

● در پیشگاه خداوند بزرگت همه چیز اندازه و حساب دارد .
قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا^۴.

● خداوند برای هرچیز ، اندازه‌ای مقرر فرموده است .

رشد بدن انسان

امام صادق علیه السلام در توحید مفضل ، موضوع رشد اندام و موازنه آنرا از دوران رحم تا دوران بلوغ و جوانی در ردیف یکی از آیات الهی آورده است :

● قَالَ الْمُفْضَلُ فَقُلْتُ صِفْ نُشُوءَ الْإِنْسَانِ وَنُمُوَهَا حَالاً

۱ - مستدرک ۲ ، صفحه ۴۹۶ ۲ - سورة ۵۴ ، آیه ۴۹

۳ - سورة ۱۳ ، آیه ۸ ۴ - سورة ۶۵ ، آیه ۳

بَعْدَ حَالٍ حَتَّى تَبْلُغَ الثَّمَامَ وَالْكَمَالَ . فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 أَوَّلُ ذَلِكَ تَصَوُّرُ الْجَنِينِ فِي الرَّحِمِ حَيْثُ لَا تَرَاهُ عَيْنٌ وَلَا
 تَنَالُهُ يَدٌ وَيُدَبَّرُ حَتَّى يَخْرُجَ سَوِيًّا مُسْتَوْفِيًّا جَمِيعَ مَا فِيهِ قِيَامُهُ
 وَصَلَاحُهُ مِنْ أَلْأَحْشَاءِ وَالْجَوَارِحِ وَالْعَوَامِلِ إِلَى مَا فِي تَرْكِيبِ
 أَعْضَائِهِ مِنْ الْعِظَامِ وَاللَّحْمِ وَالشَّحْمِ وَالْمُخِّ وَالْعَصَبِ
 وَالْعُرُوقِ وَالْغَضَارِيفِ . فَإِذَا خَرَجَ إِلَى الْعَالَمِ تَرَاهُ كَيْفَ
 يَنْمُو بِجَمِيعِ أَعْضَائِهِ وَهُوَ ثَابِتٌ عَلَى شَكْلٍ وَهَيْئَةٍ لَا تَنْتَرِيبُ
 وَلَا تَنْقُصُ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ أَشَدَّهُ ، هَلْ هَذَا إِلَّا مِنْ لَطِيفِ
 التَّذْيِيرِ وَالْحِكْمَةِ .

● مفضل از امام صادق علیه السلام درخواست کرد در اطراف رشد
 بدن انسان در ادوار مختلف زندگی تا رسیدن به حد بلوغ و کمال نهائی
 خود بیانی فرماید . امام علیه السلام فرمود مراحل اولیه رشد در رحم
 مادر است ، در آنجائیکه چشمی او را نمی بیند و دست کسی بوی نمیرسد
 پرورش می یابد تا بصورت انسان معتدلی متولد شود ، انسانی که واجد تمام
 لوازم و سرمایه های زندگی است ، انسانی که دارای احشاء و اعضاء
 عوامل حیات است ، و ساخته شده از مجموع استخوان ، گوشت ، پیه
 مغز ، پی ، رگ و غضروف . موقعیکه متولد میشود باز هم در راه رشد
 و نمو است ، رشد همگانی ، رشد همه جانبه و عمومی . تمام اعضاء نمو
 می کنند در حالیکه شکل انسانی و توازن اندام همواره ثابت و برقرار
 است ، مجموعه بدن با تعادل پیش میرود و دچار زیاده و نقصان ناموزون

نمی‌شود ، تا سرانجام برشد نهائی خود برسد . آیا بوجود آمدن آنهمه
اعضاء مختلف و گوناگون و همچنین رشد موزون و تکامل معتدل آنها ،
از چه منشأی جز تدبیر لطیف و حکیمانه الهی ممکن است سرچشمه
بگیرد ؟

رشد قامت انسان

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَيَسْتَكْمِلُ طُولَهُ فِي أَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ
سَنَةً .^۱

● علی علیه السلام در ضمن حدیثی مدارج تکامل و رشد انسانرا در
سنین مختلف تا رسیدن بدوران بلوغ و آخرین مرحله نمو شرح داده
و در باره رشد استخوانهای طولی بدن که ملاک طول قامت انسان است
فرموده ، در سن ۲۴ سالگی استخوانهای دراز و قامت آدمی برشد نهائی
خود می‌رسند و سپس متوقف می‌گردند .

۷۳ . رفاقت

[الصُّحْبَة]

رفیق

(همنشین ، همراه ، همکار و شریک)

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا^۱.

● وای بر من ایکاش فلان مرد پلید و گناهکار را دوست نمیگرفتم
و بمصاحبتش تن نمیدادم .

اولیاء گرامی اسلام ضمن نامه‌ها و سخنان حکیمانه خود خطر
رفاقت‌های مضر و گمراه‌کننده را خاطر نشان فرموده و پیروان خویش را از
مجالست و همنشینی افراد فاسد و تبه‌کار بر حذر داشته‌اند .
قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاحْذَرُ صَحَابَةَ مَنْ يَقْبَلُ رَأْيَهُ وَ
يُنْكَرُ عَمَلَهُ فَإِنَّ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ^۲.

● علی علیه السلام در نامه خود بحارث همدانی توصیه کرده است :
از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمالشان ناپسند است بر حذر باش .
چه آدمی برویه و روش رفیقش خو میگیرد و بافکار و اعمال وی معتاد
میشود .

رفیق احمق

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بُنَيَّ إِيَّاكَ وَمُصَاحَبَةَ

۲ - نهج البلاغه ، نامه ۶۹

۱ - سوره ۲۵ ، آیه ۲۸

الْأَحْمَقُ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ.^۱

● حضرت سجّاد علیه السلام بفرزندش امام باقر فرموده است : از رفاقت با احمق پرهیز کن چه او اراده میکند بنفع تو قدمی بردارد ولی بر اثر حمق و ناهمی مایه زیان و ضررت میشود.

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «الْأَخْوَانُ ثَلَاثَةٌ فَوَاحِدٌ كَالْغَدَاءِ الَّذِي يُحْتَاجُ إِلَيْهِ كُلُّ وَقْتٍ فَهُوَ الْعَاقِلُ وَالثَّانِي فِي مَعْنَى الدَّاءِ وَهُوَ الْأَحْمَقُ وَالثَّالِثُ فِي مَعْنَى الدَّوَاءِ فَهُوَ اللَّيِّبُ».^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده : رفقای صمیمی که همانند برادر بآدمی وابسته و نزدیک هستند سه قسمند. اول، کسی است که مانند غذا از لوازم ضروری زندگی بحساب میآید و در همه حالات، آدمی بوی نیاز دارد او رفیق عاقل است. دوم، کسی است که وجود او برای انسان بمنزله یک بیماری مزاحم و رنج آور است و او رفیق احمق است. سوم، رفیقی است که وجود نافعش بمنزله داروی شفا بخش و ضد بیماری است و او رفیق لیبیب یعنی روشن فکر بسیار عاقل است.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «صَدِيقُ الْأَحْمَقِ فِي تَعَبٍ».^۲

● علی علیه السلام فرموده : کسیکه رفیق احمق دارد همواره در رنج و ناراحتی است.

۱ - وسائل ۳، صفحه ۲۰۵

۲ - تحف العقول، صفحه ۳۲۳

۳ - فهرست غرر، صفحه ۸۳

شناسایی رفیق

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرِينِهِ .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است : روش آدمی بر طبق مذهب و سیره دوست صمیمی و رفیق دلبندهش خواهد بود .

رَوَى أَنَّ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَا تَحْكُمُوا عَلَى رَجُلٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تَنْظُرُوا إِلَى مَنْ يَصَاحِبُهُ فَإِنَّمَا يُعَرِّفُ الرَّجُلُ بِأَشْكَالِهِ وَأَقْرَانِهِ وَيُنْسِبُ إِلَى أَصْحَابِهِ وَآخِذَانِهِ .^۲

● حضرت سلیمان فرموده است : درباره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا رفقایاش را به بینید، چه آنکه آدمی از امثال و اقراش شناخته میشود و بصفات هم نشینان و دوستان صمیمیش توصیف میگردد .

قالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَلَيْكُمْ بِإِلِخْوَانٍ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَا تَسْمَعُونَ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : پیوند دوستی را با برادران دینی خود محکم سازید که آنان ذخائر دنیا و آخرت هستند. مگر نشنیده اید که خداوند در قرآن شریف بنائبرگمراهان در قیامت اشاره کرده که میگویند در این روز سخت نه شفیع داریم نه دوستی که در کارمان همت گمارد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ.^۱

● و نیز فرموده است از مصاحبت با مردم شریر و فاسد پرهیز که طبیعت بطور نا آگاه، بدی و ناپاکی را از طبع منحرف او میدزدد و تواز آن بی خبری.

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ يَصْحَبْ صَاحِبَ السُّوءِ لَا يَسْلَمْ.^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده است: کسیکه با رفیق بد هم نشین شود سالم نمی ماند و سرانجام به ناپاکی آلوده میشود.

مرکز تحقیقات علوم دینی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ: لَا عَلَبَتِكَ إِنْ تَصْحَبْ ذَا الْعَقْلِ وَإِنْ لَمْ تَحْمِدْ كَرَمَهُ وَلَكِنْ انْتَفِعْ بِعَقْلِهِ.^۳

● علی علیه السلام فرموده است: مانعی ندارد که با فرد عاقل و خردمندی که دارای طبع بلند و کرامت اخلاق نیست رفاقت نمائی ولی مراقب باش که در برخورد های دوستانه تنها از فکر روشنش استفاده کنی و بدنائت و پستی اخلاقش متخلق نگردی.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ مَدَحَكَ بِمَا لَيْسَ فَيْكَ فَهُوَ

۱ - ابن ابی الحدید، ۲۰، کلمه ۱۴۷، صفحه ۲۷۲ - ۲ - مستدرک، ۲، صفحه ۶۵

۳ - وسائل، ۳، صفحه ۲۰۳

خَلِّيقٌ أَنْ يَذُومَكَ بِمَا لَيْسَ فَيْكَ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : کسیکه روزی برای فضیلتی که در تو نیست بدروغ مدحت گوید سزاوار است روز دیگر برای صفت بدی که از آن مترژی مذمت کند .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَصْحَبِ الْمَالِيقَ فَيُزِينَ لَكَ فِعْلَهُ وَيَوَدَّ أَنَّكَ مِثْلُهُ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : با چاپلوس رفاقت مکن که او با چرب زبانی تو را اغفال میکند ، کارناروای خود را در نظرت زیبا می نماید و دوست دارد که تو نیز مانند وی باشی .

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : احْذَرْ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةً . الْخَائِنَ وَالظَّلْمُومَ وَالنَّمَامَ لِأَنَّ مَنْ خَانَ لَكَ خَانَكَ وَمَنْ ظَلَمَ لَكَ سَيَظْلِمُكَ وَمَنْ نَمَّ إِلَيْكَ سَيَنِمُّ عَلَيْكَ .^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده است : از رفاقت و همبستگی سه گروه بر حذر باش . خائن ، ستمکار و سخن چین . کسیکه روزی بنفع تو خیانت میکند روز دیگر بضرر تو خیانت خواهد کرد ، کسیکه برای تو بدبگیری ستم می نماید طولی نمی کشد که بشخص تو ستم میکند و کسیکه از دگران نزد تو نمایی کند عنقریب از تو نزد دگران نمایی خواهد کرد .

۱ - مستدرک ۲ ، صفحه ۶۵

۲ - غررالحکم ، صفحه ۸۱۱

۳ - تحف العقول ، صفحه ۳۱۶

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَوْلَى النَّاسِ بِالثُّمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ الثُّمَةِ .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است : شایسته ترین مردم برای بدنامی و ننگ اجتماعی کسانی هستند که با بدنامان رفیق میشوند و با آنان مجالست می نمایند .

وَمِنْ وَصِيَّةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ : وَلَا تُضَيِّعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ أَتُكَالًا عَلَى مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ فَإِنَّهُ لَيَسَّ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعْتَ حَقَّهُ .^۲

● علی علیه السلام در ضمن توصیه نامه خود بفرزندش حضرت مجتبی (ع) فرموده است : باتکالی روابط دوستانه و رفاقت صمیمانه، حق برادرت را ضایع مکن چه در زمینه تضییع حقوق ، روابط دوستی نابود میشود و آنکس که حقش را تباه ساختی برای تو برادر نخواهد بود.

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ فَقَدَ أَخًا فِي اللَّهِ فَكَأَنَّمَا فَقَدَ أَشْرَفَ أَعْضَائِهِ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : کسیکه دوست پاک ضمیر خود را که برای خدا باوی پیوند دوستی داشته از دست بدهد مثل اینست که شریفترین اعضاء بدن خود را از کف داده است .

۱ - مستدرک ۲ ، صفحه ۶۵

۲ - نهج البلاغه ، نامه ۳۱

۳ - غرر الحکم ، صفحه ۷۲۳

پیغمبر اکرم (ص) میفرمود :

أَرْبَعٌ مِّنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ : الْخُلَاطَاءُ الصَّالِحُونَ وَالْوَلَدُ
الْبَارُّ وَالْمَرْأَةُ الْمُوَاتِيَّةُ وَأَنْ تَكُونَ مَعِيشَتُهُ فِي بَلَدِهِ .^۱
● چهار چیز از سعادت مرد است : رفقای خوب و فرزند نیکووزن
مطیع و اینکه کسبش در بلدش باشد یعنی رفاه اقتصادی .

فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لِوَلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنَّهُ
قَالَ فِيهَا : وَإِيَّاكَ وَمَوَاطِينَ التُّهْمَةِ وَالْمَجْلِسِ الْمَظْنُونِ بِهِ
السُّوءُ فَإِنَّ قَرِينَ السُّوءِ يَغْرِجُ جَلِيسَهُ .^۲

● علی علیه السلام در ضمن وصایای خود به حضرت مجتبی فرموده
است : از مراکز بد نام بپرهیز ، از مجالسی که مورد سوء ظن است دوری
کن و بدانکه رفیق بد ، دوست خود را فریب میدهد و میل او را بکار -
های ناپسند تحریک میکند و سرانجام آلوده اش میسازد .

قَالَ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : صَدِيقُ الْجَاهِلِ تَعِيبٌ .^۳

● حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرموده : دوست شخص
نادان همواره در زحمت و ناراحتی است .

۱ - وسائل ۳ ، صفحه ۲۰۶

۲ - بحار جلد ۲۳ صفحه ۵۵

۳ - بحار ۱۷ ، صفحه ۲۱۷

روح انسانی

خداوند در مورد خلقت انسان بفرشتگان فرمود :

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ^۱

● وقتی موازنه و تعادل ساختمانی آدم را برقرار نمودم و از روح خودم در او دمیدم سجده اش کنید . تسویه و تعادل مخصوص ساختمان انسان نیست ، کلیه موجودات جهان خلقت از نعمت اعتدال و موازنه برخوردارند . خداوند در باره خلقت کیهان با عظمت فرموده است :

رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيَهَا^۲

● آسمانها با موازنه و تعادل بر پا شده است . درباره نبات زمین فرموده است :

وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ^۳

● گیاهان با موازنه و تعادل کامل در زمین میرویند ، چیزیکه مخصوص آدم است و مایه بزرگی و عظمت او است همان حقیقت مجهولست که در این آیه بروح خدا تعبیر شده است .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ

۱- سوره ۱۵ آیه ۲۹ ۲- سوره ۷۹ آیه ۲۸

۳- سوره ۱۵ آیه ۱۹

روح : روح انسانی

عَزَّوَجَلَّ «وَتَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي». قَالَ رُوحٌ اخْتَارَهُ وَاصْطَفَاهُ
وَخَلَقَهُ وَآصَفَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَفَضَّلَهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَرْوَاحِ فَأَمَرَ
فَتَفَخَّ مِنْهُ فِي آدَمَ ١.

● روحی که در آدم دمیده شد بر گزیده خدا و منتسب بخدا است
و بر جمیع ارواح برتری و فضیلت دارد .

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَتَفَخْتُ
فِيهِ مِنْ رُوحِي» قَالَ : مِنْ قُدْرَتِي ٢.

● امام باقر (ع) در این حدیث روح خدا را که در آدم دمیده شده
بقدرت خداوند تفسیر کرده است .

آدم غیر از حیات نباتی و حیوانی دارای یک روح اختصاصی است .
خداوند آدم را از قدرت و مشیت آزاد خود بهره مخصوصی داده است .
پس از خلقت آدم اولین ظهور قدرت و اختیار و آزادی او با امر و نهی
خداوند شروع شد .

وَكُلًّا مِنْهَا رَعَدًا حَيْثُ شِئْتُمْ وَلَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونُوا
مِنَ الظَّالِمِينَ ٣.

● امر و نهی بخور و نخور ، انجام بده و خودداری کن ، تنها در زمینه
اختیار و اراده صحیح است و بس . ظالم بکسی میتوان گفت که در کار

١- تفسیر برهان صفحه ٥٥٧

٢- سورة ٢ آیه ٣٥

٣- تفسیر برهان صفحه ٥٥٨

خود آزادی عمل و اختیار داشته و با اراده و خواست خود برخلاف قانون عمل کرده باشد .

نفس ناطقه

امام صادق (ع) بمفضل فرمود :

تَأْمَلْ خَلْقَ الْفَرْدِ وَشَبَّهَ بِالْإِنْسَانِ فِي كَثِيرٍ مِنْ أَعْضَائِهِ
أَعْنَى الرَّأْسِ وَالْوَجْهَ وَالْمَنْكَبَيْنِ وَالصَّدْرَ وَكَذَلِكَ
أَحْشَاؤُهُ شَبَّهَهُ أَيْضاً بِأَحْشَاءِ الْإِنْسَانِ وَخُصَّ مَعَ ذَلِكَ
بِالدَّهْنِ وَالْفِطْنَةِ الَّتِي فِيهَا يَقْتَضُونَ عَنْ سَائِسِهِ مَا يُؤْمِيءُ إِلَيْهِ
● فکرکن در ساختمان میمون و اینکه بسیاری از اعضایش شباهت

بانسان دارد ، سروصورت ، کتف و سینه ، جهاز هاضمه ، بعلاوه هوش
مخصوصی دارد که اشارات مربی خود را درك میکند .

أَنْ يَكُونَ عِبْرَةً لِلْإِنْسَانِ فِي نَفْسِهِ فَيَعْلَمَ أَنَّهُ مِنْ طِينَةِ الْبَهَائِمِ
وَسِنْخِهَا إِذْ كَانَ يَقْرُبُ مِنْ خَلْقِهَا هَذَا الْقُرْبَ وَلَوْ لَافْضَلَهُ
اللَّهُ فِي الدَّهْنِ وَالْعَقْلِ وَالنُّطْقِ كَانَ كَبَعْضِ الْبَهَائِمِ
وَالْفَصْلُ الْفَاصِلُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْإِنْسَانِ بِالصَّحَّةِ هُوَ النِّقْصُ
فِي الْعَقْلِ وَالذَّهْنِ وَالنُّطْقِ .^۱

● آدمی از این حیوان عبرت بگیرد و بداند که بشر از طینت حیوان

ساخته شده و از جنس او است بخصوص با همه شباهتی که بین او
و میمونست و اگر خداوند از جهت هوش و عقل و نطق بانسان برتری
نمیداد آدمی نیز مانند بعضی از حیوانات بود . چیزی که میمون را با تمام

روح : نفس ناطقه

شباهتی که بانسان دارد از آدمی جدا میکند و او را در جهان هست
حیوانی نگاه میدارد در واقع همان نقص عقل و هوش و نطق است .

إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ طَيِّبَ رُوحَهُ فَلَا يَسْمَعُ مَعْرُوفًا
أَلَا عَرَفَهُ وَلَا مُنْكَرًا إِلَّا أَنْكَرَهُ^۱ .

● وقتی خداوند خیر بنده ايرا اراده فرماید روح او را پاک و ازتیرگی
مصون میدارد . چنین روح پاکي خوابها را بخوبی میشناسد و بدیها را
بانکار و بدی درك میکند .

ارتباط نفس و بدن

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : الرُّوحُ فِي الْجَسَدِ
كَالْمَعْنَى فِي اللَّفْظِ^۲ .

● علی علیه السلام پیوستگی و ارتباط نفس و بدن را با عالترین تشبیه
بیان نموده و فرموده است : روح در جسد آدمی همانند معنی در لفظ است .

علی (ع) میفرمود :

إِنَّ لِلْجِسْمِ سِتَّةَ أَحْوَالٍ الصَّحَّةُ وَالْمَرَضُ وَالْمَوْتُ وَالْحَيَاةُ
وَالنَّوْمُ وَالْيَقَظَةُ وَكَذَلِكَ الرُّوحُ فَحَيَاتُهَا عِلْمُهَا وَمَوْتُهَا

۱ - اثبات الهداة جلد ۱ صفحه ۸۷

۲ - سفینه ، «روح» ، صفحه ۳۷ .

جَهْلُهَا وَ مَرَضُهَا شَكُّهَا وَ صِحَّتُهَا يَقِينُهَا وَ نَوْمُهَا غَفْلَتُهَا وَ يَقَظَتُهَا حَفَظُهَا .^۱

● جسم آدمی شش حالت دارد : سلامت و مرض ، مرگ و حیات ، خواب و بیداری . جان آدمی نیز دارای این شش حالتست : حیات جان علم است و مرگش جهل ، مرض جان شک و تردید است و سلامتش یقین ، خواب جان غفلت و بیخبریست و بیداریش حفظ و مراقبت است . سعادت و خوشبختی نصیب کسی است که جانش بعلم زنده و با یقین سالم و با مراقبت بیدار باشد . اسلام تفکر و بکار انداختن عقل و مطالعه کتاب خلقت را بهترین و بزرگترین عبادت شناخته است و در این باره آیات و اخبار بسیاری رسیده است . علی (ع) بفرزندش حضرت حسن سفارش کرد :

لَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكُّرِ فِي صَنْعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ .^۲

● ارزش هیچ عبادتی بقدر تفکر در آثار صنع خداوند نیست .

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : رَوِّحُوا أَنْفُسَكُمْ بِبَدِيعِ الْحِكْمَةِ فَإِنَّهَا تَكِيلُ كَمَا تَكِيلُ الْإِبْدَانُ .^۳

● علی علیه السلام به پیروان خود توصیه میفرمود که : جان خود را با مطالب حکیمانه نو و دلنشین خرم و شاداب سازید چه روح نیز مانند بدن وامانده و خسته میشود و سخنان جالب نیرو و نشاطش میبخشد .

۱- بحار جلد ۱۴ صفحه ۳۹۸

۲- سفینه (فکر) صفحه ۳۸۲

۳- کافی ۱ ، صفحه ۴۸

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ». قَالَ: «هُوَ الْإِيمَانُ». قَالَ قُلْتُ: «وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ». قَالَ: «هُوَ الْإِيمَانُ». وَعَنْ قَوْلِهِ: «وَأَلَزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى». قَالَ: «هُوَ الْإِيمَانُ»^۱.

● راوی از امام سؤال میکند : مقصود از سکینه و آرامشی که خداوند بر قلوب مؤمنین افاضه فرموده چیست ؟ فرمود ایمان است . عرض کرد : روحی که خداوند مسلمین را بان تأیید کرده چیست ؟ فرمود ایمانست . مراد از کلمه تقوا چیست ؟ فرمود ایمانست .

در قرآن شریف آرامش درونی و اطمینان روانی مردم با ایمان ، عبارات مختلفی آمده است . نبی اکرم و ائمه علیهم السلام همه آنها را با ایمان تفسیر فرموده اند . ایمان قدرت محکم و نیروی تزلزل ناپذیری است که در هردلی جای گرفت آن دل هرگز دچار بیماری نگرانی و اضطراب نمیشود و در مقابل سخت ترین حوادث مقاومت میکند .

بشر ممکن است در شناخت روح انسان به پیروزیهای بزرگی در آتیه موفق گردد ، ولی قطعاً اطلاعاتش در این باره محدود خواهد بود و حقیقت روح آنطور که در علم الهی است در دسترس انسانها قرار نمیگیرد .
وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا^۲.

۱- کافی جلد ۲ صفحه ۱۴-۱۵

۲- سوره ۱۷ ، آیه ۸۵

برتری روح انسان

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ 'نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَالَ رُوحٌ' اخْتَارَهُ اللَّهُ وَاصْطَفَاهُ وَخَلَقَهُ وَآضَافَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَفَضَّلَهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَرْوَاحِ فَتَنَفَّخَ مِنْهُ فِي آدَمَ^۱.

● از امام باقر علیه السلام درباره این آیه سؤال شد در پاسخ فرمود: روحی است که خداوند انتخاب نمود و برگزید، آفریدش و به خود منتسب نمود و آنرا بر جمیع ارواح برتری و فضیلت داد و از این روح گزیده و برتر در آدم دمید.



عَنْ أَيْعَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : فَلَمَّا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَنْفُخَ فِيهِ الرُّوحَ خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَ آدَمَ لَيْسَتْ كَأَلْأَرْوَاحِ وَهِيَ رُوحٌ فَضَّلَهَا اللَّهُ عَلَى جَمِيعِ أَرْوَاحِ الْخَلْقِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَغَيْرِهَا. فَلَمَّا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَ آدَمَ أَمَرَ بِغَمْسِهَا فِي جَمِيعِ الْأَنْوَارِ ثُمَّ أَمَرَهَا أَنْ تَدْخُلَ فِي جَسَدِ آدَمَ^۲.

● امام صادق علیه السلام ضمن حدیث مفصّلی فرموده است : وقتی خداوند اراده فرمود در پیکر آدم روح بدمد، روح آدم را آفرید. این روح همانند سایر ارواح نیست. این روحی است که خداوند آنرا بر جمیع ارواح مخلوقات از فرشتگان و دیگر موجودات زنده و ذرّوچ برتری داده

۱ - تفسیر صافی ، صفحه ۲۹۳

۲ - تفسیر برهان ، ذیل آیه «فَإِذَا صُوِّيَتْهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» ، صفحه ۴۹ هـ

است و موفقی که خداوند روح آدم را آفرید فرمان داد آنرا در جمیع انوار فرو برند و از همه روشنیها و آگاهیها برخوردارش سازند. سپس فرمان داد تا وارد جسد آدم گردد.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ « وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي » كَيْفَ هَذَا النَّفْخُ؟ فَقَالَ: إِنَّ الرُّوحَ مُتَحَرِّكٌ كَمَا الرِّيحُ وَإِنَّمَا سُمِّيَ رُوحًا لِأَنَّهُ اشْتَقَّ اسْمُهُ مِنَ الرِّيحِ وَإِنَّمَا أَخْرَجَهُ عَلَى لَفْظَةِ الرِّيحِ لِأَنَّ الْأَرْوَاحَ مُجَانِسَةَ الرِّيحِ وَإِنَّمَا أَضَافَهُ إِلَى نَفْسِهِ لِأَنَّهُ أَصْطَفَاهُ عَلَى سَائِرِ الْأَرْوَاحِ كَمَا قَالَ لَبَّيْتُ مِنَ الْبُيُوتِ بَيْتِي وَلِرَسُولٍ مِّنَ الرُّسُلِ خَلِيلِي وَأَشْبَاهَ ذَلِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ مَخْلُوقٌ، مَصْنُوعٌ، مُحَدَّثٌ، مَرْبُوبٌ، مُدَبَّرٌ.

● محمد بن مسلم می گوید : از امام صادق علیه السلام سؤال کردم از آیه ای که خداوند فرموده : از روح خود در آدم دمیدم این نفخ چگونه بوده است ؟ در پاسخ فرمود : روح همانند امواج باد ، متحرک است و اسم آن روح گذارده شده از این جهت که مشتق از ریح است و به کار بردن این لفظ از آن جهت است که با امواج باد سنخیت دارد و این که خداوند آنرا به خود نسبت داده برای اینست که باری تعالی آنرا بر سایر ارواح برگزیده است همانطور که خانه کعبه را بیت خویش خوانده و حضرت ابراهیم را به عنوان خلیل خود نام برده و همچنین سایر اموری که مشابه اینها هستند و همه

آنچه را که خداوند به خود منتسب نموده آفریده ، ساخته شده ، پدید آمده ، مملوک و تدبیر یافته ذات اقدس او است .

امام صادق علیه السلام درباره روح مؤمن ضمن یک حدیث به یونس بن ظبیان فرموده است :

فَإِذَا قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَيَّرَ تِلْكَ الرُّوحَ فِي قَالِبٍ كَقَالِبِهِ فِي الدُّنْيَا قِيًّا كُلُّونَ وَيَشْرَبُونَ فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمُ الْقَادِمُ عَرَفُوهُ بِتِلْكَ الصُّورَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا .^۱

● روح مؤمن پس از آنکه به امر الهی قبض شد در قالبی که شبیه جسد اصلی دنیای او است استقرار می یابد . افراد با ایمان در عالم بعد از مرگ متعینند ، می خورند و می نوشند و موقعی که شخصی بر آنان وارد می شود او را به همان صورتی که در دنیا بود می شناسند .

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : سَأَلْتُهُ عَنْ أَرْوَاحِ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ : فِي النَّارِ يُعَذَّبُونَ يَقُولُونَ رَبَّنَا لَا تُفِمْ لَنَا السَّاعَةَ وَلَا تُنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا وَلَا تُلْحِقْ آخِرَنَا بِأَوَّلِنَا .^۲

● ابی بصیر می گوید از امام صادق علیه السلام درباره ارواح مشرکین سؤال کردم فرمود : در آتش معذبند و می گویند : پروردگارا قیامت را برپا نما ، وعده ای از عذابت بما داده ای قطعی و منجز مساز و بازپسین ما را به پیشینیا نمان ملحق مفرما .

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ
أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ : فِي حُجَرَاتِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ مِنْ
طَعَامِهَا وَيَشْرَبُونَ مِنْ شَرَابِهَا وَيَقُولُونَ رَبَّنَا اقْصِمِ السَّاعَةَ^۱

● انی بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ارواح مؤمنین
پرسش نمودم در پاسخ فرمود : در حجره های بهشت مستقرند ، از غذای
بهشتی می خورند ، از مایع بهشتی می نوشند و از خدا می خواهند هر چه زودتر
قیامت را بر پا کند تا به پادشاهی نهانی خود نائل گردند .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : أَلَرُّوحُ لَا يُوصَفُ بِثِقَلٍ وَلَا خِفَةٍ
وَهِيَ جِسْمٌ رَقِيقٌ أَلَيْسَ قَالِبًا كَثِيفًا قِيلَ أَفَيَتَلَاشَى الرُّوحُ بَعْدَ
خُرُوجِهِ عَنْ قَالِبِهِ أَمْ هُوَ بَاقٍ ؟ قَالَ بَلْ هُوَ بَاقٍ إِلَى يَوْمِ
يُنْفَخُ فِي الصُّورِ^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده است : روح را نتوان به سنگینی و سبکی
توصیف نمود . روح ، جسمی است رقیق که قالب غلیظی را چون جامه در بر
نموده است . عرض شد آیا روح پس از آنکه از بدن خارج شد متلاشی
می گردد ، یا آنکه باقی می ماند ؟ در پاسخ فرمود : تا روزیکه در صور دمیده
شود همچنان باقی و پایدار خواهد بود .

۱- تفسیر برهان ، صفحه ۶۶۴

۲- تفسیر صافی ، صفحه ۲۹۳

مقتضیات زمان

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ اَحْدَاثِهِ .^۱

علی علیه السلام فرموده است : داناترین مردم بمقتضیات زمان کسی است که از تحولات آن دچار شگفتی نشود و خویشتن را نبازد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَتَّبِعُنِي لِمَنْ عَرَفَ الزَّمَانَ اَنْ لَا يَأْمَنَ الصُّرُوفَ وَالْغَيْرَ .^۲

● و نیز فرموده است : کسیکه عارف بمقتضیات زمان است و از دگرگونیهای پی گیرش آگاهی دارد شایسته است هرگز خویشتن را از تحولات و تغییرات اجتناب نپذیرش در امان نداند .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي حِكْمِ دَاوُدَ (ع): عَلِيُّ الْعَاقِلِ اَنْ يَسْكُونَ عَارِفًا بِيَزْمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ .^۳

● امام صادق علیه السلام از مطالب حکیمانه داود نقل کرده که: انسان عاقل موظف است زمان خود را بشناسد و بوظائف خویش متوجه باشد .

۱ - غررالحکم ، صفحه ۲۰۱ ۲ - فهرست غرر ، صفحه ۱۴۸

۳ - بحار ، ۵ ، صفحه ۳۴۲

زمان : مقتضیات زمان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْمُلُوبِسُ .^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده : کسیکه عالم به مقتضیات زمان خود باشد مورد هجوم اشتباهات قرار نمیگیرد .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : النَّاسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ .^۲

● شباهت اخلاقی مردم بمحیط اجتماعی و مقتضیات زمان خودشان، بیشتر از شباهت بصفات خانوادگی و خلیقات پدران آنها است .

رسوم تحمیلی

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : آداب و رسوم زمان خودتانرا با زور و فشار بفرزندان خویش تحمیل نکنید زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند .

۱ - کافی ۱ ، صفحه ۲۷

۲ - ناسخ و حالات علی (ع) ، صفحه ۸۶۹

۳ - شرح ابن ابی العزید ، جلد ۲۰ ، کلمه ۱۰۲ ، صفحه ۲۶۷

ستیزه با زمان

پیغمبر اکرم (ص) میفرمود :

لَا تُعَادُوا الْإِيَّامَ فَتُعَادَ بِكُمْ^۱ .

● با روزگار از در دشمنی و ستیز وارد نشوید که او نیز با شما دشمنی خواهد کرد. بدیهی است در نبرد با جهان خلقت و قوانین کون روزگار غلبه میکند و حریف خود را هر قدر نیرومند و توانا باشد شکست خواهد داد .

حضرت علی (ع) میفرمود :

مَنْ كَابَرَ الزَّمَانَ عَطْبًا^۲ .

● کسی که با روزگار دشمنی کند هلاک میشود .

حضرت امام جواد (ع) از جدش حدیث کرده است :

مَنْ عَتَبَ عَلَى الزَّمَانِ طَالَتْ مَعْتَبَتُهُ^۳ .

● کسی که زمانه را با دیده بدبینی و انکار نگاه کند و از روی سخط لب به ملامت روزگار بگشاید ملامتش بدرازا میکشد و از آن طرفی نمی بندد .

۱- سفینه (یوم) صفحه ۷۴۱

۲- تحف المقول صفحه ۸۵

۳- بحار جلد ۱۷-۲ صفحه ۱۰۱

زمان : ستیزه با زمان

علی (ع) میفرمود :

«لَا يَأْمُ تَوْضِيعُ سَرَائِرِ الْكَامِنَةِ»^۱.

● روزگار اسرار نهان را آشکار میکند . امام جواد (ع) نیز فرموده

است :

«لَا يَأْمُ تَهْنِكُ لَكَ إِلَّا مَرَعَنَ الْأَسْرَارِ الْكَامِنَةِ»^۲.

● گذشت زمان پرده ها را میدرد و اسرار نهان را برتو آشکار میکند .

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «لَا يَأْمُ تُفِيدُ التَّجَارِبَ»^۳.

● علی علیه السلام فرموده است : مکتب روزگار بآدمی درس سودمند تجربه میآموزد .

مرکز تحقیقات کتب ویران شده

۱- غررالحکم جلد ۱ صفحه ۴۷

۲- بحار جلد ۱۷ صفحه ۲۱۴

۳- غررالحکم، صفحه ۱۷

انگیزه حرمت زنا

از امام صادق (ع) سؤال شد :

لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الزَّنا قَالَ لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ وَذَهَابِ الْمَوَارِيثِ
وَانْقِطَاعِ الْأَنْسَابِ لَا تَعْلَمُ الْمَرْأَةُ فِي الزَّنا مَنْ أَحْبَبَهَا وَلَا
الْمَوْلُودُ يَعْلَمُ مَنْ أَبُوهُ وَلَا الْأَرْحَامُ مَوْصُولَةٌ وَلَا قَرَابَةٌ مَعْرُوفَةٌ
● چرا خداوند زنا را حرام کرده است ؟ فرمود برای اینکه زنا باعث

مفساد مهم اجتماعیست . زنا قانون ارث و ارتباط مالی پدر و فرزند را
از میان میبرد . زنا ریشه نسب ها و عواطف خانوادگی را که اساس
تشکیل اجتماع است قطع میکند . زن زنا کار نمیداند از نطفه کدام
مردی باردار شده و فرزندش متعلق بکیست . فرزند زنا پدر و ارحام
پدری خود را نمیشناسد ، فرزند زنا نمیداند اقربای قانونی او کیست .
ده ها مسائل اخلاقی و روانی و اجتماعی و تربیتی و خانوادگی
و مالی و عاطفی باعث شده است که قانونگذاران الهی یعنی پیغمبران
خدا زنا را تحریم کرده آنرا گناه شناخته اند و همچنین قانونگذاران
بشری زنا را غیرقانونی دانسته و آنرا پلید و پست خوانده اند .

نکته قابل ملاحظه اینست که در دنیای متمدن موضوع زنا یک
مشکل است و پیدایش فرزندان زنا مشکل دیگر . در اسلام نیز زنا

زنا : انگیزه " حرمت زنا

یعنی آمیزش غیرقانونی زن و مرد یک گناه است و باردار کردن زن از راه زنا خود مستقلاً گناه دیگر و بزرگتر از گناه اول است .

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا مِنْ ذَنْبٍ أَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعْدَ الشُّرْكِ مِنْ نُطْفَةٍ حَرَامٍ وَضَعَهَا امْرَأٌ فِي رَحِمٍ لَا تَحِلُّ لَهُ^۱.

● بعد از شرک بخداوند هیچ گناهی بزرگتر از این نیست که مردی نطفه حرام خود را در رحمی که بر او حلال نیست مستقر کند!

۲- فَقَالَ الرِّضَاءُ إِنَّ الدَّفْعَ فِي الرَّحِمِ إِثْمٌ وَالْعَزْلُ أَهْوَنُ لَهُ^۲.

● زنا کردن و نطفه را در رحم ریختن گناه بزرگ است. زنا کردن و نطفه را بیرون رحم ریختن برای زنا کار گناه خفیفتری است.

۳- امام صادق (ع) فرمود :

إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَمَةِ رَجُلًا أَقَرَّ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ^۳.

● اشد عذاب در قیامت برای مردیست که نطفه خود را در رحم حرامی قرار دهد .

۲۰۱- مستدرک جلد ۲ صفحه ۵۶۷

۳- وسائل جلد ۵ صفحه ۳۷

زن و مردی که مرتکب زنا میشوند اگر فرزندی نیاورند تنها تجاوز بحریم قانون جنسی کرده‌اند . ولی اگر زن از زنا باردار شود برای جامعه فرزندی با سرشت قانون شکنی بوجود آورده‌اند . واضحست که خطر دومی بمراتب ازاولی مهمتر است .

کیفر قانونی زنا

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي الْغُلَامِ يَفْقَهُ جُرْمَ الْمَرْأَةِ قَالَ يُعَزَّرُ وَيُقَامُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْحَدُّ .^۱

● امام صادق علیه السلام در مورد پسر نابالغی که با زن بالغی در آمیزد و زنا کند فرموده است : برای پسری که بحد بلوغ کامل نرسیده مجازات تأدیبی مقرر است و برای زن بالغ که زنا داده است کیفر قانونی .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا حَدَّ عَلَى الْأَطْفَالِ وَالْكِنِ يُوَدَّبُونَ أَدَبًا بَلِغًا .^۲

● و نیز فرموده است حدود شرعی در باره اطفال بزهکار جاری نمیگردد ولی باید مجازات تأدیبی شوند .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا زَنَّتْ خَادِمٌ أَحَدَكُمْ فَلْيَجْلِدْهَا الْحَدَّ وَلَا يُعَيِّرْهَا .^۳

● رسول اکرم (ص) میفرمود : اگر زنی از خدمتگزاران شما از حریم عفت خارج شد و بزنا آلوده گردید او را مرزنش ننمائید ، تنها وظیفه شما اجراء مجازات قانونی است .

فرزندان زنا

امام صادق (ع) در ضمن بیان صفات فرزندان زنا فرموده است:
إِنَّهُ يُحِنُّ إِلَى الْحَرَامِ وَالْإِسْتِخْفَافِ بِالْدِّينِ وَسُوءِ الْمَحْضَرِ
● «فرزند زنا» بگناه متمایل است ، قوانین مذهبی را تحقیر میکنند و
در مجالست با مردم بداخلاق است .

امام صادق (ع) فرمود :

إِنَّ وَلَدَ الزَّانَا يُسْتَعْمَلُ إِنْ عَمِلَ خَيْرًا جُزِيَ بِهِ وَإِنْ عَمِلَ
شَرًّا جُزِيَ بِهِ .
● زنازاده از راه تربیت به کار و فعالیت وادار میشود ، اگر اعمالش
نیکو و خیر بود پاداش خوب داده میشود و اگر به شر و بدی عمل کرد
ببدی مجازات میگردد .

منع ازدواج با زناکار

لَا تَزَوِّجُوا الْمَرْأَةَ الْمُسْتَعْلَنَةَ بِالزَّانَا وَلَا تَزَوِّجُوا الرَّجُلَ
الْمُسْتَعْلَنَ بِالزَّانَا إِلَّا أَنْ تَعْرِفُوا مِنْهُمَا التَّوْبَةَ
● مردان مسلمان با زنانی که آشکارا و بی پروا زنا میدهند ازدواج
نکنند و همچنین زنان عقیف و مسلمان مردانی را که علناً زنا میکنند
بهمسری خود اختیار نمایند مگر آنکه معلوم شود توبه کرده اند و صمیمانه
از اعمال ناشایست و منافی با عفت خویش دست کشیده اند .

۱- سفینه (زنی) صفحه ۵۶۰

۳- مکارم الاخلاق صفحه ۱۰۴

۲- سفینه (زنی) صفحه ۵۶۰

رسول اکرم (ص) فرمود:

وَأَشْتَدُّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلٍ مَكَاتٍ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ ذَى مَحْرَمٍ مِنْهَا وَإِنَّهَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَطَ اللَّهُ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتْهُ فَإِنْ أَوْطَأَ فِرَاشَهَا غَيْرُهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ بَعْدَ أَنْ يُعَذِّبَهَا فِي قَبْرِهَا^۱.

● غضب شدید و طاقت فرمای خداوند دامنگیر زن شوهردار است که چشمهای ناپاکش از نگاههای آلوده و شهوتبار بمردان اجنبی پر شده است . اگر زنی بچنین انحرافی دچار شود خداوند تمام اعمال خیر و پسندیده اش را بهدر خواهد داد و اگر از نگاه تجاوز کند و با داشتن شوهر زنا بدهد برخدا است که چنین زن بی پروا و خیانتکاری را باتش قهر خویش بسوزاند پس از آنکه در قبر عذابش کرده باشد .

امام باقر (ع) درباره علت حرمت شراب میفرماید :

إِنَّ مُدْمِنَ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَتَنٍ وَيُورِثُهُ الْإِرْتِيَاعُ وَ يَهْدِمُ مَرْوَتَهُ وَ تَحْمِلُهُ عَلَى التَّجَسُّرِ عَلَى الْمَحَارِمِ مِنْ سَفْكَ الدِّمَاءِ وَ رُكُوبِ الزَّنا^۲.

● دائم الخمر مانند بت پرست است . کسیکه بطور مداوم و پی گیر میگزارد کند مبتلا بر عرشه میشود ، سجایای اخلاقی و مردانگیش نابود میگردد . شراب چنان آدمی را در گناه جسور میکند که از خونریزی و زنا باک ندارد .

زنا : منع ازدواج با زناکار

قال النبی ﷺ : یا شاب تزوج وایتاک والزنا فانّه یسزع الایمان من قلبیک^۱.

● رسول اکرم (ص) فرموده است : ای جوان ازدواج کن و از زنا پرهیز که زنا ریشه های ایمان را از دلت برمی کند .

این زشتکاران با رفتار ناپسند خویش نه تنها سرمایه های معنوی خود را از دست میدهند بلکه با اشاعه فحشاء و بی عفتی ، محیط اجتماع را نیز فاسد میکنند و باعث بدبختی و سیه روزی جامعه خود میگردند .



اهل بیت علیهم السلام نیز با آرایش طبیعی و اطمینان خاطر پدر و مادر در ایجاد فرزند توجه داشته و حضرت مجتبی (ع) در باره شباهت و عدم شباهت طفل به پدر و مادر فرموده است :

فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ بِقَلْبٍ سَاكِنٍ وَ عُرُوقٍ هَادِيَةٍ وَ بَدَنٍ غَيْرِ مُضْطَرَبٍ اسْتَكْنَتْ نِلْكَ النُّطْفَةُ فِي الرَّحِمِ فَخَرَجَ الرَّجُلُ يُشْبِهُ أَبَاهُ وَأُمَّهُ^۲.

● اگر موقع آمیزش و لحظه انعقاد نطفه ، دل آرام ، دوران خون بوضع طبیعی و بدن خالی از اضطراب باشد علی القاعده بچه پدر و مادر شبیه خواهد شد . طبیعی ترین شکل برای فرزند شباهت پدر و مادر است و طبیعی ترین حالت پدر و مادر میتواند منشأ پیدایش آن شکل طبیعی باشد .

اندیشه گناه

امام صادق (ع) از حضرت مسیح روایت کرده است که مسیح میفرمود :

إِنَّ مُوسَى أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تَزْنُوا وَأَنَا أَمَرُكُمْ أَنْ لَا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزُّنَا فَضُلًّا أَنْ تَزْنُوا فَإِنْ مَنَ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالزُّنَا كَانَ كَمَنْ أَوْقَدَ فِي بَيْتِ مُزَوَّقٍ فَأَقْسَدَ التَّزَوِيقُ الْكَدْحَانُ وَإِنْ لَمْ يَحْتَرِقِ الْبَيْتُ^۱

● موسی بن عمران به شما امر کرد که زنا نکنید و من بشما امر میکنم که فکر زنا را در خاطر نیاورید چه رسد بعمل زنا زیرا آنکه فکر زنا کند مانند کسی است که در عمارت زیبا و مزینی آتش روشن کند دودهای تیره آتش زیبائیهای عمارت را خراب میکند اگرچه عمارت آتش نگیرد یعنی فکر گناه خواه ناخواه در قلب مردم تیرگی ایجاد میکند و بصفا و پاکی دل آنها ضربه میزند ولو عملاً مرتکب آن گناه نشوند .

علی (ع) میفرمود :

صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْأَثَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْمَرْءِ عَنِ الطَّعَامِ^۲

● امساک قلب ، از تفکر در گناه بهتر است از اینکه مرد از غذا امساک نماید .

۱- وسائل ۵ صفحه ۳۷

۲- غرر المعکم صفحه ۴۵۸

مادران عفیف

یکی از خوشبختیها و سعادت انسان پاکدلی و عفت اخلاقی مادر است . امام صادق (ع) فرمود :

طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً^۱.

● خوب و خوشبخت کسیکه مادرش دارای گهر گرانبهای عفت و طهارت فکر باشد !

دامن پدر و مادر اولین محیط مقدس تربیت کودک است . خوشبخت فرزندانیکه پدران و مادران پاکدل و با ایمان بخوبی در تربیتشان کوشیدند و کودکان را از اول با فضیلت بار آوردند . اسلام بچنین پدر و مادری احترام بسیار کرده و احسان بآنان را بعد از پرستش خدا توصیه فرموده است ، بفرزندان سفارش کرده که در برابر آنها مؤدب و متواضع باشند و پیاس تربیت در باره پدر و مادر دعای خیر کنند :

وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا
كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا^۲.

● در مقابل پدر و مادر با گفتار و رفتار فروتنی و تواضع کن و همانند مرغی که از روی مهر و محبت ، بالهای خود فرو می افکند و جوجه های خویش را زیر پر میگیرد ، تو نیز که اکنون جوان و نیرومندی و بال و پری گشوده داری پدر و مادر را در آغوش مهر خود بجای ده و بگو پروردگارا والدینم را مشمول رحمت و اسعه خود بنما ، همانطور که اینان از روی رحمت و عطوفت مرا در کودکی پرورش دادند .

۲ - سورة ۱۷ ، آیه ۲۴

۱ - بحار جلد ۲۳ صفحه ۷۹

۲۲ . زیبایی

[الجمال]

جمال طبیعی انسان

موضوع زیبایی و جمال طبیعی انسان نیز یکی از مسائلی است که در روایات مذهبی مورد کمال توجه قرار گرفته و اولیاء گرامی اسلام در باره ارزش آن سخن گفته‌اند :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلَيْكُمْ بِالْوُجُوهِِ الْمِلَاحِ وَالْحَدَقِ السُّودِ .

● رسول اکرم (ص) فرموده است بر شما باد که با خوب رویان نمکین صورت و مشگین چشم معاشرت ننمایید .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حُسْنُ وَجْهِ الْمُؤْمِنِ حُسْنُ عِنَايَةِ اللَّهِ بِهِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده : روی زیبای مردم با ایمان، عنایت نیکوی خداوند است بآنان .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : أُطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حِسَانِ الْوُجُوهِِ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده است : خیر و خوبی را نزد خوب رویان جستجو کنید .

۱ - سفینه « ملع » صفحه ۴۶ هـ - غررالحکم ، صفحه ۳۷۹

۲ - بحار ۱۵ ، قسمت ۲ ، صفحه ۲۶

قالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) كَانَ يُوسُفُ أَحْسَنَ وَلَكِنِّي أَمْلَحُ^۱.
● رسول اکرم میفرمود که حضرت یوسف زیباتر بود ، ولی من از او نمکین ترم .

أَشْرَفَ يَوْمًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ مَا ظَنَنْتُ إِلَّا أَنَّهُ
أَشْرَفَ عَلَيَّ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ^۲.
● روزی علی علیه السلام بمحض پیغمبر اکرم شرفیاب شد ، قیافه
جذاب و صورت زیبایش بقدری جلوه داشت که پیغمبر فرمود چنین پنداشتم
که ماه شب چهارده بمن نزدیکتر شده است .

امام صادق علیه السلام فرمود : مردی بخانه رسول اکرم آمد
و درخواست ملاقات داشت . موقعی که حضرت خواست از حجره خارج
شود و بملاقات آنمرد برود بجای آئینه ، جلوی ظرف بزرگ آبی که در
داخل اطاق بود ایستاد و سر و صورت خود را مرتب کرد ، عایشه از مشاهده
اینکار تعجب آمد ، در مراجعت عرض کرد یا رسول الله چرا در موقع
رفتن در برابر ظرف آب ایستادید و موی و روی خود را منظم کردید :
قالَ يَا عَائِشَةُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا خَرَجَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ إِلَى أَخِيهِ
أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُ وَأَنْ يَتَجَمَّلَ^۳.

● فرمود: عایشه ، خداوند دوست دارد که وقتی مسلمانی برای دیدار
برادرش می رود خود را بسازد و خویشتن را برای ملاقات او بیاراید .

۱ - سفینه « ملح » صفحه ۴۶

۲ - بحار ۹ ، صفحه ۴۰۰

۳ - مکارم الاخلاق ، صفحه ۱

غذا و زیبائی

عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَظَرَ إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ فَقَالَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ أَبُو هَذَا أَكَلَ سَفَرٌ جَلًّا لَيْلَةَ الْجَمَاعِ^۱.

● امام صادق (ع) بچه زیبائی را دید فرمود شاید شب است پدر این کودک در شب هم بستری میوه به خورده باشد .

در روایت دیگری درباره به فرموده :

وَأَطْعِمُوهُ حَبَالَاكُمْ فَإِنَّهُ يُجَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ^۲.

● این میوه را بزنان باردار بخورانید اطفال شما را زیبا میکند .

پیغمبر اکرم (ص) فرمود :

أَطْعِمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَكِيمًا نَقِيًّا^۳.

● بزنان باردار در ماهی که در آن وضع حمل میکند خرما بدهید فرزندان او پر دین و پرهیزکار خواهد شد .

بنظر دانشمندان امروز غذاها در زیبائی صورت و توازن اندام و رنگ مو و چشم و خلاصه در تمام ساختمان کودک تأثیر دارد . اخبار و روایات اسلامی نیز در گذشته باین نکته توجه کامل داشته و درباره استفاده از غذاها و میوه ها و حبوبات و سبزیجات تعالیم لازم راه پیروان خود داده و بخصوص در بعضی از روایات از زنان باردار اسم برده و استفاده از آن خوراکیها را بآنان توصیه نموده است .

زیبائی : زیباییهای معنوی

زیبائیهای معنوی

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَيِّزَةُ الرَّجُلِ عَقْلُهُ وَجَمَالُهُ مَرْوَتُهُ.^۱
● علی علیه السلام فرموده است : امتیاز مرد بعقل او و جمال و زیبایش بمردانگی و فضائل اخلاقی او است .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْعِلْمُ جَمَالٌ لَا يُخْفَى وَنَسَبٌ لَا يُجْفَى.^۲

● و نیز فرموده است : زیور دانش برای انسان ، جمالی است که پوشانده نمیشود و نسبی است که مورد جفا قرار نمیگیرد .

قالَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ (ع) حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ.^۳

● امام عسکری علیه السلام فرموده است زیبایی صورت ، جمال ظاهری انسان است و زیبایی عقل و فکر ، جمال باطنی او است .

● در روایات اسلامی و همچنین در مضامین ادعیه^۴ وارده مکرر کلمه^۵ جمال در باره ذات مقدس حق بکار رفته و اولیاء گرامی اسلام خداوند را با صفت جمال یاد کرده اند :

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ ، وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ النِّعْمَةِ عَلَى عَبْدِهِ.^۶

۳ - بحار ۱ ، صفحه ۳۲

۱ و ۲ - غرر الحکم ، صفحه ۷۵۹ و ۵۴

۴ - کافی ۶ ، صفحه ۴۳۸

● امام صادق (ع) از جدّ گرامیش علی علیهما السلام روایت کرده است که فرمود : خداوند جمیل است و جمال و زیبایی را دوست دارد ، و همچنین دوست دارد که اثر نعمتهای خود را در مردم مشاهده فرماید . بدون تردید جمال در مورد خداوند بزرگت بمعنی زیبایی طبیعی یا تجمّل مصنوعی نیست ، بلکه مراد از جمال الهی صفات جمالیه و کمالات معنوی است که در ذات لایزال الهی بنحو اتم و اکمل موجود است ، او خیر مطلق ، کمال مطلق و جمال مطلق است و در ذات منزّه از عیب و نقصش ، چیزی جز کمال و جمال نیست :

اللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ مِنْ جَمَالِکَ بِاَجْمَلِهِ وَ کُلُّ جَمَالِکَ جَمِیلٌ . اللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِجَمَالِکَ کُلُّهُ .

● علم ، قدرت ، رحمت ، حلم ، جود ، وفای بعهده ، عیب پوشی ، قبول عذر ، عفو از گناهکار و عدل صفاتی است که حق تعالی برای خود برگزیده است ، این صفات جمیله پایه اساسی جمال معنوی است . خداوند دوست دارد که بندگانش نیز باین صفات پسندیده متّصف گردند و زیباییهای معنوی مزین شوند .

آراستن و زیبائی

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اِخْتَضِبُوا فَإِنَّهُ يُزِيدُ فِي شَبَابِكُمْ وَ جَمَالِكُمْ .

● رسول اکرم در باره رنگ کردن مو فرموده است : خضاب کنید که بر جوانی و زیبائی شما می افزاید .

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا أَصَبْتَ الدَّهْنَ فِي يَدِكَ فَقُلْ ،
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الزَّيْنَ وَالزَّيْنَةَ .^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده : موقع روغن زدن موی سر ، بگو
بارالها از تو درخواست زیبائی و زینت دارم .

عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَتَى الْبَزَازِينَ
فَقَالَ لِرَجُلٍ بَعْنَى ثَوْبَيْنِ فَقَالَ الرَّجُلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِنْدِي
حَاجَتُكَ ، فَلَمَّا عَرَفَهُ مَضَى عَنْهُ فَوَقَفَ عَلَى غُلَامٍ فَأَخَذَ
ثَوْبَيْنِ أَحَدَهُمَا بِثَلَاثَةِ دَرَاهِمٍ وَالْآخَرَ بِدِرْهَمَيْنِ فَقَالَ يَا
قَنْبَرُ خُذِ الَّذِي بِثَلَاثَةِ ، فَقَالَ أَفَتِ أَوَّلِي بِهِ ، تَصْعَدُ الْمُنْبَرَ
وَتَخْطُبُ النَّاسَ ، فَقَالَ وَأَنْتَ شَابٌ وَلَكَ شَرُّ الشَّبَابِ
وَأَنَا أَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَتَفَضَّلَ عَلَيْكَ ، سَمِعْتُ
رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ الْبَيْسُوهُمْ مِمَّا تَلْبَسُونَ وَأَطْعِمُوهُمْ
مِمَّا تَأْكُلُونَ .^۲

● امام باقر علیه السلام فرمود که حضرت علی بن ابیطالب (ع) در
ایام خلافت با غلام خود قنبر برای معامله بیازار بزازها آمد ، بمرد
کاسبی فرمود دو لباس داری بمن بفروشی ؟ مرد کاسب عرض کرد
بلی ای پیشوای مسلمین ، جنسی را که احتیاج داری نزد من موجود
است . حضرت وقتی متوجه شد که مرد کاسب او را شناخته و بعنوان
امیرالمؤمنین خطابش کرده است ، معامله نکرد و از در دکان او

گذشت و مقابل بزّاز دیگری که جوان بود توقف کرد و دو لباس خرید یکی را سه درهم و دیگری را بدو درهم ، پس بقنبر فرمود سه درهمی را تو بردار . عرض کرد مولای من ، شایسته تر آنست که شما لباس سه درهمی را بپوشی ، زیرا منبر میروی و بامردم سخن میگوئی و باید لباس شما بهتر باشد ، حضرت فرمود تو جوانی و مانند سایر جوانان به تجمل و زیبایی رغبت بسیار داری ، بعلاوه من از خدای خود حیا میکنم که لباسم از تو بهتر باشد ، زیرا از پیغمبر اکرم (ص) شنیده‌ام در باره غلامان سفارش میفرمود که بآنان همان لباسی را بپوشانید که خود میپوشید و همان غذا را بخورانید که خود میخورید .

در این حدیث ، سه نکته جلب توجه می کند :
اول آنکه زمامداران در معاملات عادی نباید از مقام خود سوء استفاده کنند . علی (ع) عملاً بمرد کاسب فهماند : آنکه میخواهد لباس بخرد یک فرد عادی مملکت بنام علی بن ابیطالب است ، نه امیرالمؤمنین شخص اول کشور ، و چون حضرت را امیرالمؤمنین خطاب نموده بود با وی معامله نکرد .

دوم آنکه غلامان ، در آئین مقدّس اسلام بقدری مورد حمایت هستند که پیشوای مسلمین صریحاً توصیه فرموده است : لباس و غذای آنان ، با لباس و غذای آقایان آنها یکسان باشد .

سوم آنکه اولیاء گرامی اسلام از تمایل خود آرائی و تجمل دوستی جوانان در حدود مصلحت حمایت می کنند ، بهمین جهت علی علیه السلام جامه بهتر را به قنبر جوان داد تا او را از پوشیدن آن لباس ، شادمان و مسرور کند ، و بدینوسیله تمایل زیبا پسندیش را ارضاء نماید .

زینت در نماز

یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ .^۱

● موقعیکه برای عبادت در مسجد حاضر میشوید ، با پوشیدن جامه^۲ زیبا ، با شانه کردن مو ، و عطر زدن ، خود را زینت کنید و با تجمل و آراستگی در جامعه شرکت نمائید .

كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَبِيسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ ، فَقِيلَ لَهُ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ .^۲

● حضرت مجتبی^۱ علیه السلام بهترین جامه های خود را در موقع نماز در بر میکرد ، کسانی از آنحضرت سبب این کار را پرسش کردند ، در جواب فرمود : خداوند جمیل است و جمال و زیبایی را دوست دارد باین جهت خود را در پیشگاه الهی زینت میکنم ، خداوند امر فرموده که با زینت های خود در مساجد حاضر شوید .

گفتار و رفتار نیک

فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ
أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ .^۱

● بشارت ده به بندگان که شنوای سخن هستند و از بهترین آن پیروی میکنند، اینان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و آنها صاحبان عقل و درایتند.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بَيَانُ الرَّجُلِ بُنْيَاسُهُ عَنْ قُوَّةِ جَنَانِهِ .^۲

● علی علیه السلام فرموده: سخن آدمی حاکی از درجه قدرت روحی و مقدار نیروی معنوی او است.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الْخَيْرُ يُوزَنُ بِقَوْلِهِ وَيُقَوَّمُ
بِفِعْلِهِ فَقُلْ مَا تَرْجَحُ زَيْنَتُهُ وَافْعَلْ مَا تَجِلُّ قِيَمَتُهُ .^۳

● علی علیه السلام فرموده: آدمی به گفتارش سنجیده میشود و به رفتارش ارزیابی میگردد. چیزی بگو که کفه سخنت سنگین شود و کاری کن که قیمت رفتارت بالا رود.

۱ - سورة ۳۹، آیه ۱۸

۲ - غررالحکم، صفحه ۳۴۳

۳ - فهرست غرر، صفحه ۳۳۱

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : خَالِطُوا النَّاسَ وَآتُوهُمْ وَاعِينُوهُمْ وَلَا تُجَانِبُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا .^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده است : با مردم بیامیزید، در اجتماعشان شرکت کنید و آنانرا در کارها یاری نمائید، منزوی نشوید و از جامعه کناره نگیرید و همواره در معاشرتهای اجتماعی دستور خداوند را بکار بندید که فرموده است : با مردم بخوبی سخن بگوئید و حسن برخورد داشته داشته باشید .



عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ : كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي آخِرِ خُطْبَتِهِ : طُوبَى لِمَنْ طَابَ خُلُقُهُ وَطَهَّرَتْ سَجِيَّتُهُ وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَحَسُنَتْ عِلَانِيَتُهُ وَانْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَامْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ وَانْتَصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ .^۲

● از حضرت سجاد علیه السلام حدیث شده که رسول اکرم در آخر خطبه خود فرمود : خیر و سعادت برای کسی است که اخلاقش پسندیده و خویش پاک باشد، باطنش نیکو و ظاهرش خوب باشد، مازاد اموال خودرا انفاق کند و از اداء سخنان زائد امساک نماید و با همه مردم بعدل و انصاف رفتار کند .

سخن حق و باطل

فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِكُمْبِلٍ : يَا كُمْبِلُ قُلِ الْحَقَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَوَادِ الْمُتَّقِينَ وَاهْجُرِ الْفَاسِقِينَ وَجَانِبِ الْمُنَافِقِينَ وَلَا تَصَاحِبِ الْخَائِنِينَ .^۱

● علی علیه السلام بکمیل بن زیاد توصیه فرمود: که در هر حال بحق سخن گوی، پرهیزکاران را دوست بدار، گناهکاران را ترك گوی، با منافقین میامیز و با خیانتکاران رفاقت مکن.

عَنْ أَبِي مَالِكٍ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ : قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ .^۲

● ابی مالک از حضرت سجاد (ع) درخواست کرد که او را از جمیع طرق و مناهج دین آگاه سازد. حضرت در پاسخ او بعنوان قدر جامع تمام روشهای اسلامی از سه مسئله انسانی و اخلاقی نام برد: سخن حق، حکم بعدل، و وفاء بعهد.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَطُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَعِلْمَهُ وَحُبَّهُ وَبَغْضَهُ وَأَخَذَهُ وَتَرَكَهُ وَكَلَامَهُ وَصَمْتَهُ وَفِعْلَهُ وَقَوْلَهُ .^۳

۱ - مستدرک ۲ ، صفحه ۳۶۲

۲ - مستدرک ، جلد ۲ ، صفحه ۳۰۹ ۳ - تحف العقول ، صفحه ۹۱

● علی علیه السلام در ضمن وصایای خود بحضرت حسین (ع) فرموده : خوشبخت و رستگار کسی است که علم و عملش ، دوستی و دشمنیش ، گرفتن و رها کردنش ، سخن گفتن و سکوتش ، رفتار و گفتارش تنها بر اساس رضای الهی استوار باشد و برخلاف امر پروردگار قدمی برندارد .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : مَنْ أَصْنَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنْ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ .^۱

● امام جواد علیه السلام فرموده است : کسیکه بسخن گوینده ای گوش فرا دارد با این عمل وی را بندگی کرده است . اگر گوینده سخن از خدا میگوید او خدا را بندگی کرده و اگر ناطق از زبان شیطان و افکار شیطانی سخن میگوید شیطانرا بندگی نموده است .

عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ .^۲

● امام حسن عسکری علیه السلام فرموده است : آنکس که برادر خود را در خفا اندرز گوید بوی جمال و زیبایی بخشیده است و کسیکه به برادرش آشکارا نصیحت کند ویرا نامزین ساخته است .

۱ - تحف العقول ، صفحه ۴۵۶

۲ - تحف العقول ، صفحه ۴۸۹

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : غَشَّكَ مَنْ أَرْضَاكَ بِالْبَاطِلِ وَآغْرَاكَ
بِالْمَلَاهِي وَالْهَزَلِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده : کسیکه تو را بمطالب باطل خشنود سازد
و به بازی و سخنان غیر واقعی گول بزند او حقایق را از تو پنهان داشته و
در باره ات خیانت کرده است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا
كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَاءً كَانَ دَاءً .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : سخن حکما و دانشمندان اگر
درست و مطابق با واقع باشد داروی شفا بخش است و اگر خطا و غیر
واقعی باشد بیماری است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : النَّصِيحُ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : نصیحت گفتن بفردی در حضور مردم ،
کوبیدن شخصیت آن فرد است .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لِقَمَانُ
ابْنَهُ أَنْ قَالَ يَا بُنَيَّ مَنْ يُشَارِكِ الْفَاجِرَ يَتَعَلَّمْ مِنْ طَرَفِهِ، مَنْ

۱ - غرر الحکم، صفحه ۵۰۸

۲ - نهج البلاغه ، کلمه ۲۷۵

۳ - شرح ابن ابی الحدید ، ۲۰، کلمه ۹۰۸، صفحه ۳۴۱

يُحِبُّ الْمِرَاءَ يُشْتَمُّ، وَمَنْ يَدْخُلْ مَدْخَلَ السَّوِّ يُشْتَمُّ، وَمَنْ يُقَارِنْ قَرِينَ السَّوِّ لَا يَسْلَمَ، وَمَنْ لَا يَمْلِكُ لِسَانَهُ يَنْدَمُ.^۱

● امام باقر علیه السلام فرموده است : از اندرزهای لقمان حکیم
بفرزندش این بود که فرزند عزیز ، کسیکه با گناهکار شریک شود راه
ناپاکی را از وی یاد میگیرد ، کسیکه مجادله را دوست داشته باشد مورد
فحش و دشنام واقع میشود ، کسیکه در جایگاههای بدنام قدم بگذارد
متهم خواهد شد ، کسیکه با رفیق بد همگام گردد از فساد اخلاق سالم
نمیماند ، کسیکه مالک زبان خود نباشد سرانجام پشیمان خواهد گشت .

سخن چینی

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : احْذَرُ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةَ الْخَائِنِ
وَالظَّلُومِ وَالنَّمَامِ لِأَنَّ مَنْ خَانَ لَكَ خَانَكَ وَمَنْ ظَلَمَ
لَكَ سَيَظْلِمُكَ وَمَنْ نَمَّ إِلَيْكَ سَيَنِمُّ عَلَيْكَ.^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده است : از رفاقت و همبستگی سه
گروه برحذر باش . خائن ، ستمکار و سخن چین . کسیکه روزی بنفع تو
خیانت میکند روز دیگر بضرر تو خیانت خواهد کرد ، کسیکه برای تو
بدبگیری ستم می نماید طولی نمی کشد که بشخص تو ستم میکنند و کسیکه
از دگران نزد تو نمایی کند عنقریب از تو نزد دگران نمایی خواهد کرد .

۱ - بحار ۵۰ ، صفحه ۳۲۲

۲ - تحف العقول ، صفحه ۳۱۶

تفریحات سالم و شادمانی

قالَ آمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَوَاقَاتُ السُّرُورِ خُلُوسَةٌ^۱ .
 ● علی علیه السلام فرموده : مواقع تفریح و شادمانی فرصت است ،
 (افراد عاقل فرصتها را مغتنم می‌شمارند و از آنها بنفع خوشبختی و سعادت
 خویش استفاده می‌کنند) .



قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : السُّرُورُ يَنْسُطُ النَّفْسَ وَيُثِيرُ النَّشَاطَ^۲ .
 ● علی علیه السلام فرموده است : فرح و شادمانی باعث بهجت و
 انبساط روح و مایه^۳ تهییج وجد و نشاط است .

کارهای تفریحی ارزش اقتصادی ندارند ولی روی فعالیتهای اقتصادی
 و وظائف اجتماعی اثر بسیار مفید می‌گذارند . بوسیله تفریح ، نیاز جسم و
 جان برآورده میشود و لذتش مایه^۳ خشنودی و آرامش خاطر میگردد .
 تفریح آدمی را باشادی و مسرت برای کار و کوشش مهیا میکند و در راه
 فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی با نیروی بیشتر آماده میسازد .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِكُلِّ عَضْوٍ مِنَ الْبَدَنِ اسْتِرَاحَةٌ^۳ .

۱ - فهرست غرر، صفحه ۱۵۷

۲ - فهرست غرر، صفحه ۱۵۷

۳ - غررالحکم، صفحه ۲۴۵

سرور: تفریحات سالم و شادمانی

● علی علیه السلام فرموده است: هریک از اعضای بدن بااستراحت احتیاج دارد.

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: اجْعَلُوا لِأَنْفُسِكُمْ حِظًّا مِنَ الدُّنْيَا بِأَعْطَائِهَا مَا نَشْتَهِي مِنَ الْحَلَالِ وَمَا لَا تُشْلِمُ الْمَرْوَّةُ وَلَا سَرَفَ فِيهِ وَاسْتَعِينُوا بِذَلِكَ عَلَى أُمُورِ الدُّنْيَا.^۱

● حضرت رضا علیه السلام فرموده است: از لذایذ دنیوی نصیبی برای کامیابی خویش قرار دهید و تمیّات دل را از راههای مشروع برآورید، مراقبت کنید در این کار بمرهنگی و شرافت آن آسیب نرسد و دچار اسراف و تندروی نشوید. تفریح و سرگرمیهای لذت بخش شما را در اداره زندگی یاری میکند و با کمک آن بهتر بامور دنیای خویش موفق خواهید شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَنَاحِبُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَن نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ وَادْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا.^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده است: مخلوق خداوند عموماً عیالات خدا هستند و محبوبترین فرد نزد پروردگار کسی است که به عیالات خدا نفعی برساند و خانواده ابرا شاد نماید.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَهُوَ الْمُؤْمِنُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ .
الْتِمَتُّ بِالنِّسَاءِ وَ مُفَاكَهَةِ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ .^۱

● امام باقر علیه السلام فرموده : انس مطبوع و لذت بخش مردان با -
ایمان در سه چیز است . بهره مندی از زنان و شرکت در بزم دوستان و برادران
و خلوت کردن با خداوند در نماز شب .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ يَا
دَاوُدُ بِي فَأَفْرَحْ وَ بِيذِ كَرِي فَتَلَذَّذْ وَ بِمُنَاجَاتِي فَتَنَعَّمْ .^۲

● امام صادق (ع) فرمود : که خداوند بدادود پیغمبر وحی فرستاد ای
داود بوجد من شادی کن و از یاد من لذت ببر و با مناجات من متنعّم باش .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ
يَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ يُفْضِي بِهَا إِلَى أَعْمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ وَ سَاعَةٌ يُلَاقِي إِخْوَانَهُ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَ يُفَاوِضُونَهُ
فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَدَائِنِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ
فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ .^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده : شایسته است مسلمان عاقل ساعتی
از روز خود را برای کارهایی که بین او و خداوند انجام میگیرد اختصاص
دهد و ساعتی برادران ایمانی و دوستان خود را ملاقات کند و در امور

۱ - سفینه ۲ ، لها ، صفحه ۵۱۹

۲ - امالی صدوق ، صفحه ۱۱۸

۳ - کافی ۵ ، صفحه ۸۷

معنوی و اخروی با آنان گفتگو نماید و ساعتی نفس خود را با لذائد و مشتهیاتش که گناه نباشد آزاد بگذارد و این ساعت لذت، آدمی را در انجام وظائف دو ساعت دیگر کمک میکند.

تقسیم ساعات

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَاجْتَهِدُوا أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ. سَاعَةٌ لِلَّهِ لِمُنَاجَاتِهِ وَسَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَسَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ الثَّقَاتِ وَالَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عِيُوبَكُمْ وَيُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَسَاعَةٌ تُخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ وَبِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ السَّاعَاتِ.^۱

● حضرت رضا علیه السلام فرموده است: کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد. ساعتی برای عبادت و خلوت با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای آمیزش و مصاحبت برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را بعیوبتان واقف میسازند و در باطن نسبت بشما خلوص و صفا دارند و ساعتی را بتفریحات و لذائد خود اختصاص دهید و از مسرت و نشاط ساعت تفریح نیروی انجام وظائف ساعات دیگر را تأمین نمائید.

مسابقه اسب دوانی

عَنْ أَبِي لَيْدٍ قَالَ: سُئِلَ ابْنُ مَالِكٍ هَلْ كُنْتُمْ تَتْرَاهَنُونَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ نَعَمْ. رَاهَنَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَلَى فَرَسٍ لَهُ فَسَبَقَ فَسُرَّ بِذَلِكَ وَاعْجَبَهُ.^۱

از انس بن مالک سؤال شد آیا شما در زمان پیغمبر برای مسابقه شرط بندی میکردید؟ جواب داد بلی ، پیغمبر اکرم خود روی اسبی که داشت شرط بندی کرد و مسابقه را برد و این پیروزی باعث مسرت و اعجاب آنحضرت شد.

تیراندازی

رَوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّبِقَتُومٍ مِنَ الْأَنْصَارِ يَتَرَامُونَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِنَّا مَعَ الْحِزْبِ الَّذِي فِيهِ ابْنُ الْأَرْدَعِ فَأَمْسِكْ الْحِزْبُ الْأَخْبَرُ وَقَالُوا لَنْ يُغْلِبَ حِزْبُ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ ارْمُوا فَأَنَّى ارْمَى مَعَكُمْ فَرَمَى مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ رَشْقًا^۱

● رسول اکرم بر مردمی از انصار که مشغول تیراندازی بودند گذر کرد و داوطلب شد که در مسابقه آنها شرکت کند، فرمود: من با گروهی که ابن-اردع در آنست همکاری میکنم. دسته مقابل با شنیدن سخن آنحضرت از تیراندازی دست کشیدند و گفتند گروهی که رسول اکرم در آن تیراندازی کند هرگز مغلوب نخواهد شد. برای آنکه مسابقه تعطیل نشود فرمود من با هر دو گروه همکاری میکنم. مجدداً مسابقه شروع شد و پیغمبر با هر دو دسته تیراندازی کرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّهُ كَانَ يَحْضُرُ الرَّمْيَ وَالرَّهَانَ^۲.
● امام صادق علیه السلام شخصاً در مسابقه تیراندازی حاضر میشد و در شرط بندی آن شرکت میفرمود.

شنا

شناوری برای جوانان یکی دیگر از ورزشهای مفید و ثمربخش و از تفریحات سالم و نشاط آور است که مورد توجه پیشوای اسلام قرار گرفته و پیروان خود را بفرارگرفتن آن تشویق کرده است.

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عَلِّمُوا ابْنائَكُمْ الرِّمِّيَّ وَالسُّبَّاحَةَ^۱.

● رسول اکرم فرموده است: بفرزندان خود تیراندازی و شنا بیاموزید.

شنا عضلات را بحرکت درمیاورد، بدن را بفعالیت و امیدارد، جسم را تقویت می کند و بآدمی نیرومی بخشد. شنا در ساعات فراغت یکی از وسایل سرگرمی و تفریح و مایه شادمانی و مسرت است. به علاوه کسی که شنا میداند قادر است در موقع پیش آمد خود را از آب برهاند یا غریق را نجات دهد.

مسافرت

فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ (ع) قَالَ يَا عَلِيُّ : لَا يَنْتَبِغِي لِلرَّجُلِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ ظَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرْمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ تَزَوُّدٍ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ^۲.

● رسول اکرم (ص) در وصایای خود بعلی علیه السلام فرموده : سزاوارن نیست انسان عاقل بسفربرود مگر برای سه منظور یا برای تجارت و تحصیل در آمد و اصلاح معاش یا برای نیل بکمالات معنوی و تعالی روح و ذخیره معاد یا برای تفریح و تفرج و جلب لذائد مباح.

۱ - جمعریات ، صفحه ۹۸

۲ - وسائل ۳ ، صفحه ۱۷۷

کوشش و جهد

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اسْتَدَامَ قَرَعَ الْبَابَ وَلَجَّ وَلَجًّا^۱.

● علی علیه السلام فرموده است : هر کس بکوبیدن دری ادامه دهد و اصرار ورزد عاقبت از آن در وارد خواهد شد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ فِي صَلَاحِهَا سَعَدَ^۲.

● و نیز فرموده است : هر آنکس که خود را در اصلاح نفس خویش به مشقت و زحمت وادارد و سعی بلیغ نماید به سعادت و خوشبختی نائل میگردد .

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ قَدَّمَ عَقْلَهُ عَلَى هَوَاهُ حَسُنَتْ مَسَاعِيهِ^۳.

● علی علیه السلام فرموده است : کسیکه عقل خود را بر هوای نفس خویش مقدم بدارد اعمال و کوششهای او همواره نیکو و پسندیده خواهد بود .

۱ و ۲- غررالحکم ، صفحه ۷۱۸ و ۶۴۴

۳- غررالحکم ، صفحه ۶۴۵

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي إِصْلَاحِ الْجُمْهُورِ.^۱

● علی علیه السلام فرموده : از کمال سعادت اینست که آدمی در راه اصلاح جامعه سعی و مجاهده نماید .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَشْرُكْ إِلَّا جَهْدُكَ فِي إِصْلَاحِ نَفْسِكَ فَإِنَّهُ لَا يُعْبُنُكَ عَلَيْهَا إِلَّا الْجَهْدُ.^۲

● علی علیه السلام فرموده : هرگز از مجاهده و کوشش در اصلاح نفس خویش باز نایست زیرا چیزی جز سعی و کوشش تو را در این کار یاری نخواهد کرد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُلُّمَا زَادَ عِلْمُ الرَّجُلِ زَادَ عِنَايَتُهُ بِنَفْسِهِ وَبَدَلًا فِي رِيَاضَتِهَا وَاصْلَاحِهَا جُهْدُهُ.^۳

● علی علیه السلام فرموده است : هر قدر دانش آدمی افزایش یابد توجه انسان به روان خود بیشتر میشود و سعی و کوشش خویش را در راه تهذیب اخلاق و اصلاح نفس خود بکار می بندد .

۱- غررالحکم ، صفحه ۷۳۲

۲- مستدرک ، جلد ۲ ، صفحه ۳۱۰

۳- غررالحکم ، صفحه ۸۱۸

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ كُنْتُمْ لِلنَّجَاةِ طَالِبِينَ فَارْقَضُوا
الْغَفْلَةَ وَاللَّهُوَ وَالزَّمُوا الْجِهَادَ وَالْجِدَّةَ .^۱

● علی علیه السلام فرموده : اگر طالب نجات و رستگاری هستید بی خبری
و غفلت را ترک گوئید و پیوسته ملازم کوشش و مجاهده باشید .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اقْصِرْ نَفْسَكَ عَمَّا يَضُرُّهَا
مِنْ قَبْلِ أَنْ تُفَارِقَكَ وَاسْعَ فِي فَكَاكِهَا كَمَا تَسْعَى فِي طَلَبِ
مَعِيشَتِكَ فَإِنَّ نَفْسَكَ رَهِينَةٌ بِعَمَلِكَ .^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده است : نفس خود را از آنچه برایش
مضر است باز دار قبل از آنکه بمیری و در آزادی جانت کوشش کن
همانطور که در طلب روزیت کوشش میکنی زیرا که جانت در گرو اعمال
تو است و جز با کوشش تو آزاد نخواهد شد .

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ .^۳

● هر انسانی در گرو اعمال خویشتن است .

وَأَنَّ لِبَشَرٍ لَيْلًا نَسَانًا إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى .^۴

● برای آدمی جز حاصل کوشش او پاداشی نیست و نتیجه سعی
و کوشش هر کس بزودی مشاهده میشود .

۱ - غرر الحکم ، صفحه ۲۷۷

۲ - سورة ۷۴ آیه ۲۸

۳ - سورة ۵۳ آیه ۳۹

۴ - وسائل ۴ ، صفحه ۴۰

۸۱ . سعید

[السَّعِيد]

ارضاء غرایز و سعادت

۱. یا بَنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ .
● ای فرزندان آدم لباسهای زیبای خود را در موقع عبادت بپوشید، از نعمتهای خدا بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید ، خداوند مسرفین را دوست ندارد .

۲. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ
● بگو ای پیغمبر چه کسی لباسهای زیبا و غذاهای خوب را بر مردم حرام کرده است ؟

۳- رسول اکرم (ص) میفرمود:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجَنَّهُنَّ وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا
● بهترین زنان امت من زنهایی هستند که صورتشان زیبا تر و صداقتشان کمتر باشد .

۱- سوره ۷ آیه ۳۱ ۲- سوره ۷ آیه ۳۲

۳- بحار جلد ۲۳ صفحه ۵۵

۴- رسول اکرم (ص) :

إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُشْبِهَهُ وَلَدُهُ وَالْمَرْأَةُ الْجَمَلَاءُ ذَاتُ دِينَ وَالْمَرْكَبُ الْهَنِيُّ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ ۱
● از سعادت مرد مسلمان شباهت فرزندش باوزن خوشکل باایمان و مرکب خوب و خانه وسیع است .

۵- پیغمبر اکرم (ص) میفرمود :

أَرْبَعٌ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ : الْخُلَطَاءُ الصَّالِحُونَ وَالْوَلَدُ الْبَارُّ وَالْمَرْأَةُ الْمُؤَاتِبَةُ وَأَنْ تَكُونَ مَعِيشَتُهُ فِي بَلَدِهِ ۲
● چهار چیز از سعادت مرد است : رفقای خوب و فرزند نیکووزن مطیع و اینکه کسبش در بلدش باشد یعنی رفاه اقتصادی .

۶- امام صادق (ع) فرمود :

ثَلَاثَةٌ هِيَ مِنَ السَّعَادَةِ : الزَّوْجَةُ الْمُؤَاتِبَةُ وَالْوَلَدُ الْبَارُّ وَالرِّزْقُ يُرْزَقُ مَعِيشَتَهُ يَغْدُو عَلَى صَلاَحِهَا وَبَرُّوحٌ عَلَى عِيَالِهِ ۳
● سه چیز از سعادت است : زن مطیع و فرزند نیکو و رزقی که مایه رفاه و آسایش عائله باشد .

۱- بحار جلد ۲۳ صفحه ۵۱

۲- بحار جلد ۲۳ صفحه ۵۵

۳- بحار جلد ۳ صفحه ۵

سعید : ارضاء غرایز و سعادت

۷- مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ دَابَّةٌ يَرْكَبُهَا فِي حَوَائِجِهِ وَيَقْضِي

عَلَيْهَا حَوَائِجَ إِخْوَانِهِ^۱

● از سعادت مرد مرکبی است که در انجام کارهای خود از آن استفاده کند و حوائج برادران خود را نیز برآورد .

۸- امام صادق (ع) میفرمود :

مِنْ السَّعَادَةِ سِعَةُ الْمَنْزِلِ^۲

● از سعادت آدمی خانه وسیع است .



۹- رسول اکرم (ص):

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ
وَالْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ^۳

● از سعادت مرد زن خوب و خانه وسیع و مرکب خوب و فرزند صالح است .

اسلام بارضاء غرائز و لذات مردم در حدود مصلحت کمال توجه را دارد و آنرا از شاخه های سعادت بشر میداند ولی لذت را اصل سعادت و ریشه خوشبختی نمیشناسد .

رسول اکرم (ص) میفرمود :

مَنْ لَمْ يَرْ لِقَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ إِلَّا فِي مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ

۱- مکارم الاخلاق صفحه ۱۳۸ ۲- مکارم الاخلاق صفحه ۶۵

۳- مکارم الاخلاق صفحه ۶۵

أَوْ مَلْبَسٍ فَقَدْ قَصُرَ عَمَلُهُ وَدَنَا عَذَابُهُ^۱

● کسیکه از نعمتهای خداوند در باره خودش جز خوردن و نوشیدن و پوشیدن چیزی نبیند رفتارش نارسا و عذابش نزدیک خواهد بود .
در نظر رهبر گراسی اسلام سعادت بشر عبارت از تکمیل تمام جهات مادی و معنوی و ارضاء کلیه تمایلات انسانی و حیوانی است . کسیکه بعنوان توجه بجهات معنوی تمایلات مادی خود را نادیده گرفت بخطا رفته و همچنین کسیکه در جلب لذات مادی جهات روحانی را از دست داد او نیز به پیراهه قدم گذارده است . امام باقر (ع) میفرمود :
لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ^۲
حفظ موازنه و تعادل جسم و جان بزرگترین عامل پیروزی و سعادت است . ائمه اسلام علیهم السلام در مواردی که پیروان خود را دچار تندروی در جنبه معنوی یا شأن مادی میدیدند فوراً با تذکرات لازم آنها را تعدیل نموده و براه مستقیم هدایت مینمودند .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : هَيِّهَاتَ مِنْ نَيْلِ السَّعَادَةِ السَّكُونُ إِلَى الْهُوَانِ وَالْبَطَالَةِ^۳ .

● و نیز فرموده است : آرمیدن در آغوش تنبلی و بطالت ، دوری جستن از خوشبختی و سعادت است .

۱- سفینه (دنا) صفحه ۶۴

۲- وسائل جلد ۴ صفحه ۱۰۶

۳- غررالحکم ، صفحه ۷۹۲

مسافرت و گردش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَافِرُوا تَصِحُّوا.^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است: مسافرت کنید تا صحیح و سالم بمانید.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَافِرُوا فَإِنَّكُمْ إِن لَّمْ تَغْنَمُوا
مَالًا أُفِدْتُمْ عَقْلًا. *از تحقیق کمترین علوم رسدی*

● رسول اکرم (ص) فرموده است: مسافرت کنید چه اگر در سفر
نفع مالی عایدتان نشود از فوائد عقلی بهره‌مند خواهید شد.

فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ (ع) قَالَ يَا عَلِيُّ:
لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ ظَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرْمَّةٍ
لِمَعَاشٍ أَوْ تَزَوُّدٍ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ.^۲

● رسول اکرم (ص) در وصایای خود به علی علیه السلام فرموده:
سزاوار نیست انسان عاقل بسفر برود مگر برای سه منظور یا برای تجارت
و تحصیل درآمد و اصلاح معاش یا برای نیل به کمالات معنوی و تعالی روح

۱ - مستدرک ۲، صفحه ۲۲

۲ - مکارم الاخلاق، صفحه ۱۲۴

۳ - وسائل ۳، صفحه ۱۷۷

و ذخیره معاد یا برای تفریح و تفرّج و جلب لذائد مباح.

فوائد مسافرت

در دیوانیکه بعلى عليه السلام نسبت داده شده چنین آمده است .

تَغَرَّبْ عَنْ الْاَوْطَانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى

فَسَافِرٌ فَفِي السَّفَارِ خَمْسُ فَوَائِدٍ

تَفَرُّجٌ هُمْ وَ اِكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ

وَعِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُحْبَةٌ مَا جِدَّ

● برای نیل بتعالی و ترقی ، از وطنهای خود دور شوید و مسافرت کنید که در سفر پنج فائده است : سفر باعث تفریح و انبساط روح است و اندوه و آزرده گیها را برطرف میکند ، مسافرت یکی از راههای تحصیل درآمد و تأمین معاش است ، مسافرت وسیله فرا گرفتن علم و تجربه است ، مسافرت بانسان آداب زندگی میآموزد و آدمی در سفر با افراد با فضیلت و خلیق برخورد میکند و با آنان دوست میشود .

خلاصه مسافرت یکی از تفریحهای سالم و نشاط آور است و با تسهیلاتی که صنایع ماشینی برای مسافرت فراهم آورده جوانان میتوانند قسمتی از ایام فراغت سالیانه خود را به مسافرت اختصاص دهند و از فوائد این تفریح ثمربخش برخوردار گردند .

تحية و سلام

عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنَّهُ قَالَ لَهُ رَجُلٌ كَيْفَ أَنْتَ عَافَاكَ اللَّهُ . فَقَالَ لَهُ السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ عَافَاكَ اللَّهُ . ثُمَّ قَالَ لَا تَأْذَنُوا لِأَحَدٍ حَتَّى يُسَلِّمَ .^۱

● مردی با حسین بن علی علیهما السلام برخورد و در اولین کلام از حضرت احوالپرسی کرد و از خداوند برای آنجناب عافیت خواست . آنحضرت در جواب فرمود : سلام قبل از سخن گفتن است خدایت عافیت دهد . بعد فرمود بکسی اجازه سخن ندهید تا سلام کند .

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : خَمْسٌ لَسْتُ بِتَارِكِهِنَّ حَتَّى التَّمَاتِ وَتَسْلِمِي عَلَى الصَّبِيَّانِ لِيَتَكُونَ سُنَّةٌ مِنْ بَعْدِي .^۱

● امام صادق علیه السلام از رسول اکرم نقل کرده است که میفرمود : پنج چیز است که تال حفظه مرگ آنها را ترک نمیکنم ، یکی از آنها سلام گفتن به کودکان است . در انجام این اعمال مراقبت دارم تا بعد از من بصورت سنتی بین مسلمین بمالد و عمل کنند .

سلام بکودک دواثر روانی دارد : برای سلام کننده باعث تقویت خوی پسندیده تواضع و فروتنی است ، و برای کودک وسیله احیاء شخصیت و ایجاد استقلال است . طفلی که بزرگسالان باو سلام کنند و بدینوسیله از وی احترام نمایند ، لیاقت و شایستگی خود را باور میکند و از کودک میمقد میشود که جامعه او را انسان میشناسد و مردم باو اهمیت میدهند .

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ عَلَى صَبِيَّانِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمَا وَهُوَ مُغْدٌ .
● انس بن مالک میگوید: رسول اکرم در رهگذری با چند کودک خردسال برخورد نمود ، بآنها سلام کرد و طعامشان میداد .

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّهُ كَانَ يُسَلِّمُ عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ .
● از صفات پسندیده پیغمبر اسلام این بود که بتمام مردم از صغیر و کبیر سلام میکرد .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِكُلِّ دَاخِلٍ دَهْشَةٌ فَابْدُؤْا بِالسَّلَامِ .
● علی علیه السلام فرموده : هر تازه واردی در محیط ناسمانوس ، حیرت زده میشود ، برای آرامش خاطر ، سخن خود را بسلام آغاز کنید .

سنة الله

فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا^۱
 ● تاجهان باقیست قوانین آن نیز ثابت و تغییر ناپذیر است، گذشت
 زمان هرگز آنرا عوض نمیکند .



علی (ع) میفرمود :

إِنَّ اللَّهَ يُجْرِي الْأُمُورَ عَلَى مَا يَتَقَضَّى لَهُ^۲
 ● خداوند جریان امور جهانرا طبق اقتضای علل آن میگرداند
 نه طبق رضا و میل شما . الكل ، این سم مهلك روی نسجهای بدن ،
 روی مغز و اعصاب ، روی کلیه و کبد آثار نامطلوب و خطرناکی
 میگذارد . ابن خود قانون خلقت است .

امام صادق علیه السلام که خود از رهبران عالیقدر مکتب الهی است
 درباره ساختمان اعضاء بدن انسان و محاسبه حکیمانه آنها با مفضل صحبت
 کرد و سپس فرمود :

إِذَا تَأَمَّلْتَهَا وَاعْمَلْتَ فِكْرَكَ فِيهَا وَنَظَرْتَ وَجَدْتَ كُلَّ

شَيْءٌ مِنْهَا قَدْ قُدِّرَ لَشَيْءٍ عَلَى صَوَابٍ وَحِكْمَةٍ ۱.

● اگر بدرستی مطالعه نمائی و نیروی فکرت را بکار اندازی و بادقت نگاه کنی باین نتیجه میرسی که تقسیم کار بین اعضا بدن با درستی و بر اساس مصلحت های حکیمانه صورت گرفته است و هر عضوی برای کاری که بعهده اش گذارده شده شایستگی دارد.

قَالَ الْمُفَضَّلُ فَقُلْتُ يَا مَوْلَايَ إِنَّ قَوْمًا يَزْعَمُونَ أَنَّ هَذَا مِنْ فِعْلِ الطَّبِيعَةِ فَقَالَ سَلْتَهُمْ عَنْ هَذِهِ الطَّبِيعَةِ أَمِى شَيْءٌ لَهُ عِلْمٌ وَقُدْرَةٌ عَلَى مِثْلِ هَذِهِ الْأَفْعَالِ أَمْ لَيْسَتْ كَذَلِكَ فَإِنْ أَوْجَبُوا لَهَا الْعِلْمَ وَالْقُدْرَةَ فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ اثْبَاتِ الْخَالِقِ فَإِنْ هَذِهِ صَنَعَتْهُ وَإِنْ زَعَمُوا أَنَّهَا تَفْعَلُ هَذِهِ الْأَفْعَالُ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا عَمَدٍ وَكَانَ فِي أَفْعَالِهَا مَاتَرَاهُ مِنَ الصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ عِلْمٌ أَنَّ هَذَا الْفِعْلَ لِلْخَالِقِ الْحَكِيمِ وَأَنَّ الَّذِي سَمَّوْهُ طَبِيعَةً هُوَ سُنَّةٌ فِي خَلْقِهِ الْجَارِيَةِ عَلَى مَا أَجْرَاهَا عَلَيْهِ ۲.

● مفضل عرض کرد مولای من کسانی گمان میکنند که این نظم و حساب کار طبیعت است، فرمود: از آنان سؤال کن طبیعت چیست؟ آیا طبیعت از کارهای حساب شده و منظمی که انجام میدهد آگاهی دارد یا ندارد؟ آیا با اراده و اختیار خود عمل میکند یا نه؟ اگر مثبت جواب دادند و گفتند طبیعت، عالم و قادر است، پس چه چیز در اثبات وجود خالق، سدّ راه آنها

است. خالق که طبیعت ساخته و مصنوع او است «یعنی اینان بمبدء عالم و قادر اعتراف دارند و الهی چیزی جز این نمیگوید». اگر گمان میکنند که طبیعت بدون علم و اراده عمل میکند، با آنکه می بینیم کارهای طبیعت نادان آنقدر حساب شده و حکیمانه است، می فهمیم که منشاء اصلی این همه نظم و حکمت خداوند خالق حکیم است و چیزی را که آنان طبیعت نامیده اند سنت و قانونی است که آفریدگار در آفریده خود مقرر کرده و مسیری را می پیماید که خداوند آنرا در آن مسیر به حرکت آورده است.



قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلَيْسَتْ بِيَسُنَّتِي وَمِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ.^۱

● پیامبر اسلام فرموده است: کسیکه بفطرت من علاقه دارد البته باید از سنت من پیروی کند و در راه من قدم بردارد و یکی از سنن من ازدواج و آمیزش با زنان است.

وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَيْرُ أُمَّتِي الْمُتَأَهِّلُونَ وَشِرَارُ أُمَّتِي الْعُزَّابُ.^۲

● و نیز فرموده است: بهترین امت من کسانی هستند که ازدواج نموده و برای خود همسر برگزیده اند و بدترین آنان کسانی هستند که از زناشویی سر باز زده و با عزوبت بسر میبرند.

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فِتْرَةٍ فَمَنْ صَارَتْ شِرَّةُ عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى وَمَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَكَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ أَمَا إِنِّي أَصَلَّيْتُ وَأَنَامُ وَأَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأَضْحَكُ وَأَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي مِنْهَا جِي وَسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي .^١

● رسول اکرم (ص) فرموده است : در مردم برای هر عبادتی یک دوره نشاط و رغبت شدید و یک دوره سستی و فتور وجود دارد . کسی که تمایل شدید خود را با سنت من تطبیق دهد هدایت یافته و آنکس که با سنت من مخالفت نماید خودش گمراه و اعمالش تباه خواهد بود . من هم نماز میگذارم و هم استراحت میکنم و میخوابم ، هم روزه میگیرم و هم افطار میکنم و غذا میخورم ، در جای خود خنده و گریه دارم . آنکس که از روش من اعراض نماید با من بستگی ندارد .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَا تُكْزِرْهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ .^٢

● امام صادق علیه السلام فرموده است : عبادت خداوند را با وجود خستگی و بی میلی بر خود تحمیل ننمائید .

روش اسلام : چند نفر از صحابه رسول اکرم (ص) بمنظور تزکیه نفس و تعالی روان و جلب رضوان الهی آمیزش با زنان و افطار روز ۱ و ۲ - کافی ۲ ، صفحه ۸۵ و ۸۶

و خواب شب را بر خود حرام نمودند، ام سلمه از تصمیم آنان آگاه شد و مطلب را به اطلاع پیغمبر اکرم (ص) رساند.

فَخَرَجَ إِلَىٰ أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَتَرْغَبُونَ عَنِ النِّسَاءِ إِنِّي أَنَا مِنَ النِّسَاءِ وَأَكُلُ بِالنَّهَارِ وَأَنَامُ بِاللَّيْلِ فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنتِي فَلَيْسَ مِنِّي .^۱

● حضرت رسول (ص) نزد آنان رفت و فرمود: آیا زنان خود را ترک گفته اید و از آنان اعراض کرده اید؟ من که پیغمبر شما هستم نزد زنان میروم، روز غذا میخورم، و شب را میخوابم و هر کس از سنت من روی گرداند از من نیست

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : خَمْسٌ لَسْتُ بِتَارِكِهِنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ وَتَسْلِمِي عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي .^۲

● امام صادق علیه السلام از رسول اکرم نقل کرده است که میفرمود : پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را ترک نمیکنم ، یکی از آنها سلام گفتن بکودکان است . در انجام این اعمال مراقبت دارم تا بعد از من بصورت سنتی بین مسلمین بماند و عمل کنند .

۱ - وسائل، جلد ۵ ، صفحه ۲

۲ - وسائل جلد ۳ صفحه ۲۰۹

پیغمبر میفرمود :

النَّكَاحُ سُنَّةٌ فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي

● ازدواج و اعمال تمایل جنسی سنت و آئین پیغمبر اسلام است ، کسی که از سنت او اعراض کند با پیغمبر بستگی ندارد .

بدعت بجای سنت !

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ ... السُّنَّةُ فِيهِمْ بِدْعَةٌ وَالْبِدْعَةُ فِيهِمْ سُنَّةٌ وَالْحَلِيمُ مِنْهُمْ غَادِرٌ وَالْغَادِرُ بَيْنَهُمْ حَلِيمٌ .

● رسول اکرم (ص) فرموده است : روزگاری بر مردم میآید که سنت های سعادت بخش در جامعه بدعت تلقی میشود و بدعتها سنت ، بردبارانشان فریبکار و حيله گران بين مردم بردبار شناخته میشوند .

سنت گذاران ؟!

عَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَآجَرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْئاً .^۲

● حضرت حسین علیه السلام از نبی اکرم (ص) حدیث کرده که فرموده است : هر کس سیره و روش خوبی را در جامعه بنیان نهد اجر آن سیره و اجر کسانی که تاقیامت به آن سیره عمل می کنند برای او خواهد بود بدون آنکه از اجر عاملین به آن چیزی کاسته شود .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : أَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ سَنَّ سُنَّةَ ضَلَالَةٍ كَانَ عَلَيْهِ وِزْرٌ مِمَّنْ فَعَلَ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ^۱.

● امام باقر علیه السلام فرموده : هر بنده ای از بندگان خدا روش گمراه کننده ای را بین مردم بنیان نهد برای او گناهی همانند گناه کسانی است که مرتکب آن عمل شده اند بدون آنکه از گناه عاملین آن کاسته شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلُ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثَ خِصَالٍ : صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، صَدَقَةٌ مَوْفُوقَةٌ لِأَثَرِ ثَوْرَتٍ أَوْ سُنَّةٍ هَدَى سَنَهَا فَكَانَ يَعْمَلُ بِهَا وَعَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ غَيْرُهُ أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ^۲.

● امام صادق علیه السلام فرموده : پس از آنکه آدمی از دنیا می رود اجری عایدش نمی گردد مگر از سه راه . اول صدقه ای که آنرا در ایام حیات خود، بچربان انداخته و پس از مرگش تا قیامت جریان داشته باشد مانند موقوفاتی که ارث برده نمی شوند . یا سنت خوبی که پایه گذاری نموده و بعد از او مورد عمل دیگران است . یا فرزندی صالحی که وی را بشایستگی تربیت نموده و برای او استغفار می نماید.

۱- سفینه ، سنن ، صفحه ۶۶۰

۲- خصال صدوق ، صفحه ۱۰۱

۸۵ . شراب

[الْخَمْر]

می و میگسار

يَسْتَفْلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ
مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا .^۱

● خداوند به پیغمبر فرموده در باره شراب و قمار از تو پرسش میکنند در جواب بگو این دو کار حاوی گناه بزرگ و منافی برای مردم است ولی گناهِش از سودش زیادتر است . بدبختانه سودجویی چنان حجاب عقل حکومتها و ملتها است که منافع نقد شراب و قمار را می بینند و بدان اهمیت میدهند ولی به زیانهای که از این راه دامنگیر جامعه میشود توجه نمیکنند و بفرض توجه ، اهمیت نمیدهند .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْخَمْرُ أُمُّ الْخُبَايِثِ .^۲
● رسول اکرم فرموده است : شراب مادر تمام پلیدیها و منشاء همه ناپاکیها است .

قِيلَ لَا مَبْرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّكَ تَزْعَمُ أَنَّ شُرْبَ
الْخَمْرِ أَشَدُّ مِنَ الزَّنا وَالسَّرِقَةِ فَقَالَ نَعَمْ ! وَإِنَّ شَارِبَ

شراب : می و میگسار

الْخَمْرِ إِذَا شَرِبَ زَنَىٰ وَسَرَقَ وَقَتَلَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَتَرَكَ الصَّلَاةَ . ۱

● بعلى عليه السلام گفته شد که : شما عقیده دارید شرب خمر بدتر از زنا و دزدی است ، فرمود بلی و سپس استدلال کرد که شارب الخمر وقتی می میخورد و مست میشود زنا میکند ، بسرقت دست میزند ، آدم میکشد و فریضه نماز را ترك مینماید .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَلْعُونٌ مَنْ جَلَسَ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ . ۲

● رسول اکرم (ص) فرموده : مطرود از رحمت حق است کسیکه در کنار سفره ای بنشیند که در آن شرب خمر میشود.

حضرت رضا (ع) فرمود :

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَبْعِ أَكْلًا وَلَا شُرْبًا إِلَّا لِمَافِيهِ الْمَنْفَعَةُ وَالصَّلَاحُ وَلَمْ يُحَرِّمْ إِلَّا مَا فِيهِ الضَّرَرُ وَالتَّلَفُ وَالْفَسَادُ

● خداوند هیچ اکل و شربی را حلال نکرده است مگر آنکه نفع و صلاح بشر در آن بوده و هیچیک را حرام ننموده است مگر آنکه مایه زیان و مرگ و فساد است .

۱ - کافی ، ۶ ، صفحه ۴۰۳

۲ - بحار ، ۱۱ ، صفحه ۱۱۵

۳ - مستدرک جلد ۳ صفحه ۷۱

حرمت مشروبات الکلی

فِیْهِ الرُّضَا عَلَیْهِ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : كُلُّ شَرَابٍ يَتَغَيَّرُ الْعَقْلُ مِنْهُ كَثِيرُهُ وَقَلِيلُهُ حَرَامٌ.^۱

● حضرت رضا علیه السلام از رسول اکرم (ص) نقل کرده که فرموده است : هر قسم مشروب الکلی که از نوشیدنش عقل تغییر میکند زیاد و کمش حرام است .

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ فَمَا اسْكُرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ . قَالَ قُلْتُ فَقَلِيلُ الْحَرَامِ يُحِلُّهُ كَثِيرُ الْمَاءِ . فَرَدَّ عَلَيْهِ بِكُفِّهِ مَرَّتَيْنِ لَا لَا .^۲

● امام صادق علیه السلام از رسول اکرم (ص) حدیث کرده است : که هر چیز مست کننده حرام است و چیزی که زیادش مست میکند کمش نیز حرام است . راوی حدیث سؤال کرد آیا حرام کم را آب زیاد حلال میکند؟ حضرت دوبار کف دست خود را حرکت داد که نه نه .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كُلُّهُ حَرَامٌ ؟ فَقَالَ نَعَمْ الْجُرْعَةُ مِنْهُ حَرَامٌ .^۳

۱ - مستدرک ۲، صفحه ۱۴۱

۲ و ۳ - کافی ۶، صفحه ۴۰۸ و ۴۰۹

شراب : حرمت مشروبات الکلی

- و نیز از رسول اکرم (ص) نقل کرده است که فرمود : هر مادهٔ سکرآور حرام است . راوی میگوید پرسیدم بهر مقدار باشد ممنوع است؟ فرمود بلی نوشیدن یک جرعه آن هم حرام است .

عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَسَادِ وَبُطْلَانِ الْعُقُولِ فِي الْحَقَائِقِ وَذَهَابِ الْحَيَاةِ مِنَ النُّوجَى ... وَهُوَ يُورِثُ مَعَ ذَلِكَ الدَّاءَ الدَّفِينِ^۱ .

- حضرت رضا علیه السلام فرموده : خداوند شراب را حرام کرده برای آنکه منشأ فساد اجتماعی است . عقل را از درك حقایق باز میدارد ، حیا را از روی شرابخواری برد و در مواجهه با مردم ، شرم نمیکند و با اینهمه باعث بیماری نهانی در اعضا داخلی بدن میشود .

امام باقر (ع) دربارهٔ علت حرمت شراب میفرماید :

إِنَّ مُدْمِنَ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَثَنٍ وَيُورِثُهُ الْإِرْتِعَاشَ وَ يَهْدِمُ مَرْوَّتَهُ وَ تَحْمِلُهُ عَلَى التَّجَسُّرِ عَلَى الْمَحَارِمِ مِنْ سَفَكِ الدِّمَاءِ وَ رُكُوبِ الزَّوْنِ^۲ .

- دائم الخمر مانند بت پرست است . کسیکه بطور مداوم و پی گیر میگزاری کند مبتلا بر عشه میشود ، سجایای اخلاقی و مردانگیش نابود میگردد . شراب چنان آدمی را در گناه جسور میکند که از خونریزی و زنا پاک ندارد .

۱- بحار جلد ۱۴ صفحه ۷۷۱

۲- کافی ۶ ، صفحه ۴۰۵

می پرست

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَثَنٍ إِذَا مَاتَ وَهُوَ مُدْمِنٌ عَلَيْهِ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حِينَ يَلْقَاهُ كَعَابِدٍ وَثَنٍ.^۱

● رسول اکرم فرموده است: کسیکه بطور مداوم شرب خمر میکند مانند کسی است که بت میپرستد و اگر باهمان آلودگی و اصرار در میگذارد بمیرد خداوند را مانند بت پرست ملاقات خواهد کرد.

قال الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَثَنٍ، يُورِثُهُ الْإِرْتِعَاشَ، وَبَدَنَهُ بِخُورِهِ، وَيَهْدِمُ مَرْوَتَهُ، وَبَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَجْسُرَ عَلَى الْمُحَارِمِ مِنْ سَفَكِ الدَّمَاءِ وَرُكُوبِ الزُّنَاهِ، وَالْخَمْرُ لَا يَزِدُّهُ شَارِبَهَا إِلَّا كُلاًَّ شَرًّا.^۲

● امام صادق علیه السلام فرمود: دائم الخمر در گناه مانند بت پرست است، ادامه شرب خمر بیماری ارتعاش میآورد، نورانیت انسانی را میبرد، مردانگی را ویران میکند، آدمی را در ارتکاب گناهان بزرگ مانند خونریزی و زنا جری و جسور میسازد، شراب برای شرابخوار باعث افزایش شر و بدبختی است.

۱ - مستدرک، جلد ۳، صفحه ۱۳۷

۲ - وسائل، کتاب الاطعمة والاشربة، صفحه ۲۳۶

عوارض مشروب

عَنْ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْخَمْرُ تُورِثُ انْفَسَادَ الْقَلْبِ وَيُسْوِدُ
الْأَمْنَانَ وَيُبَخِّرُ النَّفْسَ.^۱

● حضرت رضا علیه السلام فرموده است: شراب باعث عوارض قلبی
است و در آن ضایعاتی بوجود میآورد. شراب دندانها را سیاه و دهان را
متعفن وید بومیکند.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ... وَهُوَ يُورِثُ مَعَ ذَلِكَ الدَّاءَ الدَّفِينِ.^۲
● و نیز فرموده است: مشروبات الکلی علاوه بر تمام زیانها باعث ایجاد
بیماریهای نهانی در اعضا و داخلی بدن است.

عَنْ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنْ أَلَّهِ تَعَالَى حَرَّمَ الْخَمْرَ لِمَا
فِيهَا مِنَ الْفُسَادِ وَبُطْلَانِ الْعُقُولِ فِي الْحَقَائِقِ وَذَهَابِ الْحَيَاةِ
مِنْ الْوَجْهِ.^۳

● حضرت رضا علیه السلام فرموده : خداوند شراب را حرام کرده
است برای آنکه شراب مایه فساد است. بعلاوه عقل را از درك حقایق
ساقط میکند و آدمی را در مواجهه با مردم بی شرم و حیا مینماید.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَالذُّنُوبُ الَّتِي تَهْتِكُ
الْعِصْمَ شَرْبُ الْخَمْرِ وَاللَّعِبُ بِالْقِمَارِ.^۴

۱- مستدرک ۳، صفحه ۱۳۷

۲- بحار ۱۶، صفحه ۱۶۲

۳- مستدرک ۳، صفحه ۱۳۷

● حضرت سجاد علیه السلام فرموده است : شرابخواری و قماربازی از گناهانی است که پرده ها را پاره میکند و شرم و حیا را از میان برمیدارد.

عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تُجَالِسُ شَارِبَ الْخَمْرِ وَلَا تُسَلِّمَ عَلَيْهِ .^۱

● حضرت رضا علیه السلام فرموده : همنشین شراب خوار مباش و باو سلام مکن .

شارب المسکر و شفاعت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَتَّالُ شَفَاعَتِي مَنْ شَرِبَ الْمُسْكِرَ وَلَا يَرُدُّ عَلَيَّ الْحَرَضُ لَا وَاللَّهِ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده است : بخدا قسم شرابخوار در قیامت به شفاعت من نائل نمی شود و در کنار کوثر بمن وارد نخواهد شد .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : شَارِبُ الْمُسْكِرِ لَا عِصْمَةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ .^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده : شارب الخمر از مصونیت های وابسته به ما بی بهره است و از وی بزی و بیزاریم .

۱- مستدرک ۲، صفحه ۶۷

۲ و ۳ - کافی ۶، صفحه ۴۰۰ و ۳۹۸

شارب الخمر و تزویج

قالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ زَوَّجَ كَرِيْمَتَهُ مِنْ شَارِبِ
الْخَمْرِ فَقَدْ قَطَعَ رَحِيْمَتَهَا .^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده : هر کس دختر خود را به شرابخوار
بدهد با این عمل رحمت او را قطع کرده است.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ زَوَّجَ كَرِيْمَتَهُ مِنْ شَارِبِ
الْخَمْرِ فَكَأَنَّمَا سَاقَهَا إِلَى الزَّانَةِ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده است : هر کس دختر خود را به همسری
شارب الخمر درآورد مانند آنست که وی را به راه زنا و بی عفتی سوق
داده باشد.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَطَاعَتْ زَوْجَهَا وَهُوَ
شَارِبُ الْخَمْرِ كَانَ لَهَا مِنَ الْخَطَايَا بَعْدَ نُجُومِ السَّمَاءِ وَكُلِّ
مَوْلُودٍ بَلَدٌ مِنْهُ فَهُوَ نَجِسٌ .^۳

● هر زنی به آمیختن با شوهر شرابخوار خود تن دردهد بعدد ستارگان
آسمان خطا کرده و فرزندی که از آن آمیزش تولید میشود پلید و ناپاک
است .

۱ - کافی ۵ ، صفحه ۳۴۷ ۲ - مستدرک ۲ ، صفحه ۴۸

۳ - لثالی الاخبار ، صفحه ۲۶۷

بدی و پلیدی

قالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا إِنَّ شِرَارَ أُمَّتِي الَّذِينَ يُكْرَمُونَ مَخَافَةَ شَرِّهِمْ^۱.

● رسول اکرم (ص) فرموده است : آگاه باشید که بدترین امت من کسانی هستند که از ترس شرشان مورد تکریم و احترام قرار میگیرند .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : شَرُّ النَّاسِ مَنْ يُتَّقِيهِ النَّاسُ مَخَافَةَ شَرِّهِ^۲.

● علی علیه السلام فرموده است : بدترین مردم کسانی هستند که دگران از ترس شرشان از آنان پرهیز میکنند .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ^۳.

● امام هادی علیه السلام فرموده است : کسیکه خود را خفیف و خوار میداند و در باطن ، احساس پستی و حقارت میکند از شر او ایمنی نداشته باش .

۱- سفینه ، جلد ۱ ، صفحه ۶۹۵

۲- مستدرک ، جلد ۲ ، صفحه ۲۳۹

۳- تحف العقول ، صفحه ۴۸۲

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الشَّرُّ كَالْإِنِّ فِي طَبِيعَةِ كُلِّ أَحَدٍ فَإِنْ غَلَبَتْهُ صَاحِبُهُ بَطُنَ وَإِنْ لَمْ يَغْلِبْ ظَهَرَ»^۱

● علی علیه السلام فرموده است: شر و بدی بطور طبیعی در سرشت هر انسانی وجود دارد، اگر آدمی بر آن غلبه کند و طبع سرکش خود را مهار نماید تمایلات بد و مخرب در پس پرده پنهان خواهند ماند، و اگر بر طبیعت خود غلبه نکند و بمهار کردن تمایلات ناروای خویش نائل نگردد، شرور و خطرات، آشکار خواهند شد.

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مُذْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَتَنٍّ، يُورِثُهُ الْإِرْتِعَاشَ، وَيَذْهَبُ بِسُورِهِ، وَيَهْدِمُ مَرْوَتَهُ، وَيَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَتَجَسَّرَ عَلَى الْمُحَارِمِ مِنْ سَفَكِ الدَّمَاءِ وَرُكُوبِ الزِّنَاهِ، وَالْخَمْرُ لَا يَزِدُّهُ شَرِبَهَا إِلَّا كُلُّ شَرٍّ»^۲

● امام صادق علیه السلام فرمود: دائم الخمر در گناه مانند بت پرست است، ادامه شرب خمر بیماری ارتعاش میآورد، نورانیت انسانی را میبرد، مردانگی را ویران میکند، آدمی را در ارتکاب گناهان بزرگ مانند خونریزی و زنا جری و جسور میسازد، شراب برای شرابخوار باعث افزایش شر و بدبختی است.

۱ - شررالحکم، صفحه ۱۰۵

۲ - وسائل، کتاب الاطعمة والاشربة، صفحه ۲۳۶

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِقْمَعُوا هَذِهِ النُّفُوسَ فَإِنَّهَا طَلِيقَةٌ
إِنْ تُطِيعُوهَا تَنْزِعُ بِكُمْ إِلَى شَرٍّ غَايَةِ^۱.

● علی علیه السلام فرموده است : این نفوس سرکش را مقهور کنید
و از خواهشهای نادرستشان بازدارید که خودسر و بی قیدند. اگر خواسته -
های آنها را پیروی نمائید و بتمنیات نامشروعشان جامه عمل بپوشید سرانجام
شما را در بدترین پرتگاه می افکنند .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ^۲.
● امام صادق علیه السلام فرموده است : خشم ، کلید تمام بدیها و
شرور است .

مرکز تحقیقات علوم دینی

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ
الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ، وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ^۳.
● علی علیه السلام فرموده : عاقل آنکسی نیست که تنها نیکی را از
بدی تشخیص دهد ، بلکه عاقل کسی است که وقتی در مقابل دو بدی
قرار میگیرد ، آنرا که خطرش کمتر و شرش خفیفتر است بشناسد ،
و با تن دادن به شر کوچکتر خود را از شر بزرگتر مصون نگاه دارد .

۱ - غررالحکم ، صفحه ۱۲۸

۲ - کافی ، صفحه ۳۰۲

۳ - بحار ۱۷ ، صفحه ۱۱۶

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ يُطَاعُ بِالْعِلْمِ وَيُعْبَدُ بِالْعِلْمِ وَخَيْرُ الدُّنْيَا وَآخِرَتِهَا مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَآخِرَتِهَا مَعَ الْجَهْلِ.^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است: خداوند بوسیله علم اطاعت میشود، خیر دنیا و آخرت با علم است، و شر دنیا و آخرت بر اثر جهل است.

فَيَخْبِرُ الشَّيْخَ الشَّامِيَّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): يَا شَيْخُ ارْضَ لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَآتِ إِلَى النَّاسِ مَا تُحِبُّ أَنْ يُؤْتِيَكَ الْبَيْتُ.^۲

● علی علیه السلام به شیخ شامی فرمود: برای مردم آنرا بخواه که برای خود میخواهی و با دیگران طوری رفتار کن که مائلی درباره‌ات آنچنان کنند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) ... وَكَفُّ الْإِذْيِ عَنْهُمْ وَأَنْ تُحِبَّ لَهُمْ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ.^۳

● حضرت سجاد علیه السلام در ضمن حدیث حقوق فرموده: حق مردم اینست که از ایدائشان خودداری کنی و چیزی را برای آنان دوست بداری که برای خود دوست داری و نخواهی درباره آنها چیزی را که برای خود نمیخواهی.

۱- بحار، جلد ۱، صفحه ۶۴

۲- مستدرک، ۲، صفحه ۳۰۹

۳- مکارم الاخلاق، صفحه ۲۴۴

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ
لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَجَعَلَ مَقَاتِيحَ نِلْكَهَا أَقْفَالِ الشَّرَابِ وَالْكَذِبِ
شَرًّا مِنَ الشَّرَابِ .^۱

● خداوند برای شرور و بدیها، قفل‌هایی قرار داده که مردم از خطرات
آنها برکنار باشند . شراب کلید قفل‌های بسته شرور و ناپاکی است ،
ولی خطر دروغ از شراب بیشتر است .

فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لِوَلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ :
وَعَلَّةُ الْكَذِبِ أَقْبَحُ عِلَّةٍ^۲

● از وصایای علی (ع) به فرزندش حضرت حسن این بود که میفرمود:
ناخوشی دروغگوئی از تمام ناخوشیها قبیحتر و ناپسندتر است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ هَذِهِ الطَّبَائِعَ مُتَبَايِنَةٌ وَخَيْرُهَا
أَبْعَدُهَا مِنَ الشَّرِّ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : ساختمان طبیعی و سرشت مردم از
یکدیگر دور و باهم متفاوت است و از همه بهتر طبیعتی است که از شر
و بدکاری برکنارتر باشد .

۱ - وسائل جلد ۳ صفحه ۲۲۲ .

۲ - مستدرک جلد ۲ صفحه ۱۰۰

۳ - غررالحکم ، صفحه ۲۲۰

شرک جلی و خفی

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ^۱

● وقتی نام خدای یکتا ذکر میشود مردم بی ایمان ، دوری می جویند
و اظهار بی میلی میکنند و چون نام غیر خدا بعیان می آید دلشاد و مسرور
میگردند.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ سُئِلَ فِيمَا النِّجَاةُ غَدَاً
فَقَالَ: إِنَّمَا النِّجَاةُ فِي أَنْ لَا تُخَادِعُوا اللَّهَ فَيَخْدَعَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ
يُخَادِعِ اللَّهَ يَخْدَعُهُ وَيَخْلَعُ مِنْهُ الْإِيمَانُ وَنَفْسُهُ يَخْدَعُ
لَوْ يَشْعُرُ فَقِيلَ لَهُ وَكَيْفَ يُخَادِعُ اللَّهُ قَالَ يَعْمَلُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ
بِهِ ثُمَّ يُرِيدُ بِهِ غَيْرَهُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الرِّثَاءَ فَإِنَّهُ شِرْكٌ
بِاللَّهِ إِنَّ الْمُرَائِيَّ يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَا رَبِّعَةَ أَسْمَاءَ: يَا كَافِرُ
يَا فَاجِرُ يَا غَادِرُ يَا خَاسِرُ حَبِطَ عَمَلُكَ وَبَطَلَ أَجْرُكَ^۲

● از رسول اکرم (ص) سؤال شد که فردای قیامت نجات در چیست؟
حضرت در جواب فرمود: نجات تنها در این است که با خداوند از در

خدعه و فریب وارد نشوید که خداوند باشما خدعه نماید . زیرا هر کس با خدا خدعه کند خدا با او خدعه خواهد کرد و ایمانش را از وی سلب میکند . کسیکه با خدا خدعه میکند اگر درست بفهمد در واقع خود را فریب داده است . گفته شد یا رسول الله چگونه با خدا خدعه میکند ؟ فرمود : فریضه‌ای را که خداوند بدان امر فرموده انجام میدهد ولی در نیت غیر خدا را اراده مینماید . سپس فرمود : راه تقوی در پیش گیرید و از ریا پرهیزید که ریا شرک بخداوند است و ریاکار در قیامت بچهاراسم خوانده میشود : ای کافر ، ای فاجر ، ای مکار ، ای زیانکار ، اعمال برباد رفت و آجرت باطل شد .



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الرَّجُلُ يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّمَا يَطْلُبُ تَزَكِيَةَ النَّاسِ يَشْتَهِي أَنْ يُسَمَّعَ بِهِ النَّاسُ فَهَذَا الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ .^۱

● امام صادق علیه السلام فرمود : یک فرد عبادتی را انجام میدهد ولی در آن عمل طالب رضای الهی نیست بلکه میخواهد مردم او را بپاکی و نیکی یاد کنند و دوست دارد کار خوبش را بمردم بشنواند . چنین فردی با این طرز تفکر شرک بخدا دارد .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَصْفِيَةُ الْعَمَلِ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ .^۲
● علی (ع) میفرمود : مراقبت در پاک شدن عمل دشوارتر از خود عمل است .

نفوذ شرک

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا إِشْرَاقَ فِي النَّاسِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الْمِسْحِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ .^۱

● امام عسکری علیه السلام میفرماید: نفوذ شرک در ضمیر مردم، پنهان‌تر از آنست که مور سیاهی در شب تیره و تاریکی روی گلیم سیاهی راه برود. وقتی بشر در آن شرائط تاریک و سیاه از راه رفتن مور آگاه نشود قطعاً از شرک، که پنهان‌تر از آنست آگاه نخواهد شد.

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَنْصُرُهُمْ وَ يَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَنْتَبَهُؤُنَ اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ .^۲

● مشرکین جز خداوند بت‌هایی را میپرستند که برای آنها سود و زیانی ندارد و میگویند این بت‌ها در پیشگاه الهی شفعا می‌هستند. ای پیغمبر به این مردم بگو شما میخواهید با این عمل خدا را به آنچه از محتویات ارضی و سماوی عالم نیست آگاه سازید؟ خداوند از آنچه شریک او قرار می‌دهید منزّه و برتر است.

۱ - بحار ۱۶ «قسمت اول» صفحه ۱۵۸

۲ - سورة ۱۰ ، آیه ۱۸

خدایان متفرق

اِذْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ .
قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ۱ .

● وقتی ابراهیم به بت پرستان گفت این مجسمه های جماد چیست که می پرستید و خویشان را اسیر وقفه و رکود فکری کرده اید . جواب دادند پدران ما آنها را پرستش کردند و ما نیز از روش آنان پیروی میکنیم .

فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ . يَقْدُمُ قَوْمَهُ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ ۲ .

● فرعون مدعی خدائی را پیروی کردند با آنکه در امر فرعون هیچ رشد و هدایتی وجود نداشت . او در قیامت پیشاپیش پیروان خود بطرف دوزخ روان میشود و همه آنها را با خود در آتش میافکند .

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ
بْنِ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۳ .

● درباره علما و راهبان خود غلو کردند و روی محبت بیش از حد ،
آنانرا بمقام ربوبیت رساندند و حق خدا را شناختند و همچنین مسیح فرزند

۱ - سورة ۲۱ آیه ۲۲ و ۲۳

۲ - سورة ۱۱ آیه ۹۷ و ۹۸

۳ - سورة ۹ آیه ۳۱

شرک: خدایان متفرق

مریم را که مخلوق خداوند است به الوهیت گرفتند در صورتیکه جز به پرستش
خدای یگانه مأمور نبودند. خدائیکه منزّه و برتر از آنست که مخلوقی را
شریک او قرار دهند.

إِنَّ الدِّينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادًا أَمْثَلُكُمْ^۱.

● غیر خداوند، هر کس و هر چیزی را که بخدائی میخوانید و پرستش
میکنید مانند شما بنده و آفریده او هستند.

إِلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا
نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ
فِيمَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ^۲.

● آگاه باشید که دین خالص و منزّه از شرک برای خدا است. و آنانکه
غیر خدا را بولایت و عبادت گرفته اند میگویند آن معبودها را نمی پرستیم مگر
از آن جهت که هر چه بیشتر و بهتر ما را بخدا نزدیک کنند. خداوند در
باره آنان و روش اختلاف افکن و نامنزهشان حکم خواهد کرد.

قَالَ هَلْ يُسْمِعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ. أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ^۳.

حضرت ابراهیم خلیل در راه احیاء عقل قوم خود از همین منطق

۱ - سورة ۷، آیه ۱۹۴

۲ - سورة ۳۹، آیه ۳

۳ - سورة ۲۶، آیه ۷۲ و ۷۳

استفاده کرد و بمردم بت پرست فرمود: آیا موقعیکه این بتهای بیجان را میخوانید صدای شما را میشوند؟ آیا این موجودات جماد میتوانند در مقدرات زندگی مؤثر باشند و شما سود و زیانی برسانند؟

کفر و ایمان

فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ
الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا . ۱

● هر کس از راه کفر و شرک بر گردد و بخداوند جهان ایمان بیاورد
برشته محکم و مطمئن دست یافته که هرگز گسسته نمیشود .
مهمترین اصلی که مکتب تربیت اسلامی را از روش تربیتهای
بشری جدا میکند ایمان بخدا است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : « فَقَدِ اسْتَمْسَكَ
بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى . » قَالَ : هِيَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ . ۲

● امام صادق (ع) رشته مطمئن و ناگسستنی را که در قرآن آمده
ایمان به یگانگی خداوند بزرگ تفسیر فرموده است .

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ . ۳

۱- سوره ۲ آیه ۲۵۶ ۲- کافی جلد ۲ صفحه ۱۴-۱۵ ۳- سوره ۴۶ آیه ۱۳

شرک: فال بد

فال بد

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الطَّيِّرَةُ شِرْكٌ^١ .
● رسول اکرم (ص) فرمود : اعتقاد بفال بد ، شرک بخداوند بزرگ است ، یعنی کسیکه در نظام عالم ، فال بد را منشأ اثر خیر و شر بداند ، در مقام توحید افعالی ، برای خداوند شریکی قرار داده است .

وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ رَجَعَتْهُ الطَّيِّرَةُ عَنْ حَاجَتِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ^٢ .
● و نیز فرموده است : اگر کسی بعلت فال بد ، از راهی که می رود برگردد و از تصمیم عاقلانه ای که گرفته است منصرف شود با این عمل بخداوند یکتا شرک آورده است .

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرُ نَابِكُمْ^٣ .

● گفتند ما بوجود شما فال بد میزنیم و شما ها را مایه شومی و نحوست میدانیم .

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَكِنَّ ذُكْرُكُمْ^٤ .

● فرستادگان خدا گفتند: وجود ما باعث شومی و نحوست نیست، بما فال بد نزنید ، بلکه اگر فهم و درایت داشته باشید نحوستها را در خودتان جستجو کنید . شومی و نحوست در ضمیر شما ، در اخلاق بد و رفتار ناپسند شما ، در عقاید باطل و افکار منحرف خود شما است .

١ - حیات المهوران دمیری جلد ٢ صفحه ٦٦

٢ و ٣ - سورة ٣٦ آیه ١٨ - ١٩

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الطَّيْبَةُ لَيْسَتْ بِحَقٍّ .^۱

● علی (ع) فرموده است : فال بد یک امر واقعی و حقیقی نیست .
حوادث ناگواری که در بعضی از مواقع پیش میآید در نظام خلقت علل منظمی دارد و مربوط بفال بد نیست ، رفتار زشت و اخلاق ناپسند مردم است که باعث پدید آمدن پاره‌ای از حوادث نامطلوب میشود ، ولی جهال آنها را بحساب شومیها و فالهای بد میگذارند .

قالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الطَّيْبَةُ عَلَى مَا تَجْعَلُهَا
إِنْ هَوْنَتْهَا تَهَوَّنَتْ وَإِنْ شَدَّادَتَهَا تَشَدَّدَتْ وَإِنْ لَمْ
تَجْعَلْهَا شَيْئاً لَمْ تَكُنْ شَيْئاً .

● امام صادق (ع) بعمر بن حرث فرمود : قوت و ضعف فال بد در روان تو باوضع روحی و عقیده قلبیت بستگی دارد ، اگر آنرا سست و ناچیز بگیری اثر آن هم سست و ناچیز خواهد بود ، اگر آنرا یک امر مهم و مؤثر تلقی کنی اثرش نیز در تو شدید و مهم خواهد شد ، اگر اساساً آنرا بهیچ بگیری ، غیر واقعی بدان و آن ترتیب اثر ندهی هیچ وبی اثر خواهد بود .

نحوست و شومی

● موقعیکه علی علیه السلام سربازان خود را برای جنگ خوارج مهیا ساخته و آماده حرکت بود یکی از اصحاب آنحضرت گفت ای پیشوای مسلمین اگر در این ساعت حرکت کنی میترسم بمراد خود نائل نشوی

۲- روضه کافى صفحه ۱۹۷

۱- نهج البلاغه فیض صفحه ۱۲۶۴

و در مقابل دشمن ، دچار شکست گردی و ترس من براساس محاسبه نجومی است .

فَقَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَتَزْعَمُ أَنَّكَ تَهْدِي إِلَى السَّاعَةِ
الَّتِي مَن سَارَ فِيهَا صُرِفَ عَنْهُ السُّوءُ؟ وَتُخَوِّفُ مِنَ السَّاعَةِ الَّتِي
مَن سَارَ فِيهَا حَاقَ بِهِ الضُّرُّ؟ فَمَنْ صَدَّقَكَ بِهَذَا فَقَدْ كَذَّبَ
الْقُرْآنَ وَاسْتَغْنَىٰ عَنِ الْإِسْتِعَانَةِ بِاللَّهِ فِي نَيْلِ الْمَحْبُوبِ وَ
دَفْعِ الْمَكْرُوهِ وَبَتَّيغِي فِي قَوْلِكَ لِلْعَامِلِ بِأَمْرِكَ أَنَّ بُيُوتَكَ
الْحَمْدَ دُونَ رَبِّهِ لِأَنَّكَ بِزَعْمِكَ أَنَّ هَدَيْتَهُ إِلَى السَّاعَةِ
الَّتِي نَالَ فِيهَا النِّفْعَ وَآمِنَ الضُّرُّ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى
النَّاسِ فَقَالَ سَبِّحُوا عَلَىٰ اسْمِ اللَّهِ الرَّبِّ الْعَظِيمِ

● علی علیه السلام در جواب وی فرمود : آیا گمانت اینست که تو مردم را هدایت میکنی بساعتی که هرکس در آنساعت بمقصد خود حرکت کند از پیش آمد بد مصون خواهد بود ؟ و میترسانی از ساعتی که هرکس در آن ساعت حرکت کند دچار ضرر و خطر میشود ؟ آنکس که تو را در این امر تأیید و تصدیق نماید ، خدا را تکذیب کرده است و در استمداد از ذات الهی در رسیدن بمقصد خود بسی نیازی به خرج داده است و بگفته تو ، سزاوار است کسیکه بدستورت عمل کند تو را حمد و سپاس گوید زیرا تو او را بساعت منفعت و ایمنی از ضرر راهنمایی نموده ای . سپس حضرت به سربازان خود توجه کرد و فرمود بنام خدا بسوی جبهه جنگ حرکت کنید .

عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ تَذَاكُرُوا الشُّؤْمَ عِنْدَهُ فَقَالَ : الشُّؤْمُ فِي ثَلَاثَةٍ فِي الْمَرْثَةِ وَالْذَّابَةِ وَالدَّارِ فَأَمَّا شُؤْمُ الْمَرْثَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَعَقُوقُ زَوْجِهَا وَأَمَّا الذَّابَةُ فَسَوْءُ خُلُقِهَا وَمَشْعُهَاظْهَرُهَا وَأَمَّا الدَّارُ فَضِيقُ سَاحَتِهَا وَشَرُّ جِيرَانِهَا وَكَثْرَةُ عُيُوبِهَا .^۱

● خالد بن نجیح میگوید در محضر امام صادق علیه السلام سخن از شومی بمیان آمد حضرت فرمود : شومی در سه چیز است در زن و مرکب و خانه ، شومی زن در اینست که مهرش سنگین باشد و بر اثر بی مهری و عصبانیش نسبت بشوهر موجبات جدایش فراهم گردد . شومی مرکب در این است که بدخلق باشد و در موقع سواری رکاب ندهد . شومی خانه در اینست که فضایش تنگ و همسایگانش بد و عیوبش بسیار باشد .

رَوَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَنْ أَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا : اِعْتَصِمْتُ بِكَ يَا رَبُّ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِي نَفْسِي فَأَعِصِمْنِي مِنْ ذَلِكَ .^۲

● پروردگارا ، از خاطره بدی که در ضمیر خود احساس میکنم بتو ملتمس هستم ، خدا یا مرا از خطر آن محفوظ بدار !

نگرانیها ، تاثیر ایمان به خدا

الْأَبَدِ كَرِ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ .

● بدون تردید تاثیر ایمان دوارامش نفس و اطمینان خاطر بمراتب

شرک: نگرانیها، تأثیر ایمان به خدا

از قدرت علم بیشتر و قویتر است. در مواقع خطر، در آنجائیکه نگرانی و اضطراب روح، باوج اهلاى خود میرسد و هیجانهای درونی، طوفانی برپا میکنند، و دانش روانشناس، از آرام کردن آن عاجز میشود، قدرت نیرومند ایمان، بان ناراحتی خاتمه میدهد و روح خودباخته و طوفانی را مطمئن و آرام میکند. همین نکته است که برنامه اسلام را نسبت بروانشناسی دنیای امروز، ارزنده تر میکند و برتری مکتب اسلام را بر تمام مکاتب علمی جهان آشکار میسازد.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:
«إِنَّ النُّحْرَ حُرٌّ عَلَى جَمِيعِ أَحْوَالِهِ، إِنْ نَابَتْهُ نَائِبَةٌ صَبَرَ
لَهَا، وَإِنْ تَدَاكَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ لَمْ تَكْسِرْهُ، وَإِنْ
أُسِرَ وَقُهِرَ أَوْ اسْتُبْدِلَ بِالْيُسْرِ عُسْرًا، كَمَا كَانَ يُوسُفُ
الْصَّادِقُ الْآمِنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَمْ يَضُرُّهُ حُرْبَتُهُ إِنْ
اسْتُعِيدَ وَقُهِرَ وَأُسِرَ وَلَمْ يَضُرُّهُ ظُلْمَةُ النُّجُبِ وَ
وَحْشَتُهُ وَمَا نَالَهُ إِنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ فَجَعَلَ الْجَبَّارَ الْعَانِيَّ
لَهُ عَبْدًا بَعْدَ إِذْ كَانَ لَهُ مَالِكًا.»

● ابی بصیر گفت از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود: آزاد مرد، در همه حالات، آزاد است، اگر بمصیبتی دچار شود صبر میکند، اگر گرفتار هجوم هلا گردد شکست نمیخورد، آزاد مرد اگر اسیر شود، ستم بیند، آسایشش بسختی مبدل گردد، باز هم آزاد است، چنانکه

بروح آزاد یوسف صدیق آسیبی نرسید ، با آنکه ببردگی رفت ، اسیر شد ، ستم دید ، همچنین تاریکی زندان ، وحشت حبس ، و مصائب دیگری که دامنگیر آن مرد الهی شد ، ضرری بشخصیت روحی وی نرزد ، و سرانجام خداوند بر او منت گذارد ، باوج عظمت و اقتدارش رسانید و فرمانروای جبار مصر را ، که روزی مالک یوسف صدیق بود ، ببندگی و غلامی وی درآورد !

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَخْطَأَ وَجْهَ الْمَطَالِبِ خَذَلَتْهُ الْحَبِيلُ .^۱

● علی علیه السلام میفرمود : آنکس که راه خطا را وجهه عمل خود قرار دهد حيله و تزوير او را میخزول و منكوب خواهد کرد .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِلَّا خُلَاصُ مِلَاكُ الْعِبَادَةِ .^۲

● علی علیه السلام فرموده : قوام عبادت به خلوص نیت است .
وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّكَ لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْ عَمَلِكَ إِلَّا مَا اخْتَلَصْتَ فِيهِ .^۳

● و نیز فرموده است : هیچ عملی از تو در پیشگاه خداوند مورد قبول واقع نمیشود مگر آنرا که باخلوص انجام داده باشی .

۱ - بحار جلد ۱۷ صفحه ۱۴۸

۲-۳- فهرست غرر ، صفحه ۹۱ و ۹۲

استدعای عفو

كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ لَئِنَّا نُوَلِّهُهُ رَحِيمًا.^۱

● خداوند بر ذات مقدس خود تفضل و رحمت را فرض نموده که هر یک از شما که بر اثر نادانی عمل زشتی مرتکب شود و سپس توبه نماید و راه صلاح و شایستگی پیش گیرد مشمول عفو الهی واقع میشود که خداوند بخشنده و مهربان است .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا شَفِيعَ أَنْجَحُ مِنَ التَّوْبَةِ.^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده است: هیچ شفبعی برای نجات گناهکاران همانند توبه پیروزمند و موفق نیست .

گناهکار با توبه خود، نه علم خدا را تغییر داده و نه اراده خدا را، بلکه خودش را تغییر داده و صفات خود را دگرگون ساخته است .

حضرت رضا (ع) میفرمود :

مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَنْدَمْ بِقَلْبِهِ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ

۱ - سورة ۶ ، آیه ۵۴

۲ - بحار ۳ ، صفحه ۳۰۶

بِنَفْسِهِ .^۱

● کسیکه بزبان طلب‌آمزش کند و در دل از گناهان خود پشیمان نباشد خویشتن را مسخره کرده است .

امام صادق (ع) میفرمود:

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ .^۲

● آنکس که از گناه توبه واقعی کرده مانند کسی است که از اصل گناه نکرده است .



امام باقر (ع) میفرمود :

مَا أَرَادَ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ النَّاسِ إِلَّا خَصْلَتَيْنِ : أَنْ يُقِرُّوا لَهُ بِالنِّعَمِ فَيَزِيدَهُمْ وَيَالِذُنُوبٍ فَيَغْفِرَ لَهَا لَهُمْ .^۳

● خداوند از مردم خواستار دو فضیلت است : به نعمتها اقرار کنند تا برآن بیفزاید ، و بگناهان اعتراف نمایند تا آنها را ببخشد .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ .^۴

● خداوند کسانی را که به او شرک آورده‌اند نمی‌بخشد، و دیگر گناهان را که مادون شرک است در مورد کسانی که اراده فرماید می‌بخشد .

۳- کافی جلد ۲ صفحه ۴۲۶

۱- مجموعه ورام جلد ۲ صفحه ۱۱۰

۲- سورة ۴ ، آیه ۱۱۶

۲- سفینه الغفر صفحه ۳۲۲

شفاعت : استدعای عفو

إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ^۱

● اگر هفتاد بار بمغفرت ناپاکان دعا کنی خداوند آنها را نمیآمرزد.

رسول اکرم میفرمود :

لَرَدُّ الْمُؤْمِنِ حَرَامًا يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً^۲

● مسلمانی که از یک گناه اعراض کند اجر هفتاد حج مقبول در پیشگاه

خداوند دارد .



الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ
الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ^۳

● کسانی که به پروردگار ایمان آورده اند و ایمان خود را بظلم و ستم

نیالوده اند برای آنان امنیت و آرامش است و همچنین آنان هدایت یافتگانند.

۱- سوره ۹ آیه ۸۰

۲- مستدرک الوسائل جلد ۲ صفحه ۳۰۲

۳- سوره ۶، آیه ۸۲

حق شفاعت ، علم خداوند

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً^۱

مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ^۲

● کیست که قادر باشد در پیشگاه الهی بدون اجازه و اذن او از کسی شفاعت نماید؟

گاهی در دنیا یکت فرد بی گناه در شرائط مخصوصی قرار میگیرد و بزهکار شناخته میشود . شفاعت او میکوشند که بی گناهی وی را نزد مشفوع^۳ عنده اثبات کنند تا از کیفرش رهایی بخشند . در محکمه^۴ عدل الهی هرگز چنین امری اتفاق نمی افتد تا نیازی بشفاعت شفیع و اجازه^۵ شفاعت باشد زیرا خداوند بظاهر و باطن ، وبمشهود و غیر مشهود مردم آگاه است . « يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ » و نمی شود بی گناهی اشتباهاً مجرم و بزهکار قلمداد شود .

در باره^۶ علم خداوند بتمام اعمال خوب و بد و کارهای روا و ناروای مردم ، قرآن شریف میگوید :

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ^۷

● خداوند بتمام آنچه که عمل میکنند آگاه است .

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ^۸

● خداوند بتمام کارهاییکه انجام میدهد آگاه و عالم است .

۱- سورة ۲۹ ، آیه ۴۰ ۲- سورة ۲ ، آیه ۲۵۵

۳- سورة ۳۵ ، آیه ۸ ۴- سورة ۲ ، آیه ۸۳

شفاعت : حق شفاعت و علم خداوند

در باره علم پروردگار بسرائر و ضمائر مردم و اینکه خداوند از نیات و افکار آنان آگاه است در قرآن شریف آیات متعددی آمده است :
يَعْلَمُ الْخَائِنَةَ الْأَعْيُنَ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ^۱ .
● خداوند، بگردش خائنانه چشمهای خلق و اندیشه های پنهانی مردم، عالیم و آگاه است .

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ « يَعْلَمُ الْخَائِنَةَ الْأَعْيُنَ » فَقَالَ أَلَمْ تَرَ إِلَى الرَّجُلِ يَنْظُرُ إِلَى الشَّيْءِ وَكَأَنَّهُ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِ فَذَلِكَ خَائِنَةُ الْأَعْيُنِ^۲ .
● راوی حدیث از امام صادق علیه السلام معنی « خائنة الاعین » را سؤال کرد. حضرت در جواب فرمود: آیا ندیده ای که گاهی آدمی چیزی را بطوری نگاه میکند که گوئی آنرا نگاه نمیکند. این خائنة اعین است .

قُلْ إِنْ تَخْشَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يُعْلَمَهُ اللَّهُ^۳ .
● ای رسول معظم بمردم بگو هر چه را که در دل پنهان دارید یا آشکار سازید خداوند بهمه آنها آگاه و عالیم است .

وَإِنْ تَجْهَرُوا بِالنُّقُولِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى^۴ .
● اگر سخن بآشکارا گوئی خداوند از ضمیر مخفی و اخفی آگاه است .

۱- سوره ۴۰ ، آیه ۱۹ ۲- معانی الاخبار ، صفحه ۱۴۷

۳- سوره ۳ ، آیه ۲۹ ۴- سوره ۲۰ ، آیه ۷

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يَعْلَمُ السِّرَّ وَآخِطِي» قَالَ السِّرُّ مَا كَتَمْتَهُ فِي نَفْسِكَ وَآخِطِي مَا خَطَرَ بِبَالِكَ ثُمَّ أَنْسَيْتَهُ^۱.

● محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام معنی « يَعْلَمُ السِّرَّ وَ آخِطِي » را سؤال کرد. حضرت فرمود: سر آن چیزی است که در ضمیرت وجود دارد و آنرا پنهان نگاه میداری. و اخفی آن چیزی است که زمانی بدلت خطور کرده و سپس آنرا فراموش کرده ای.

قرآن شریف در باره ضمائر مردم و محتوای ذهن انسانها با تعبیرهای مختلف سخن گفته و خاطر نشان ساخته است که خداوند به همه آنها عالم و آگاه است.

مرکز تحقیقات علوم دینی

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ^۲.

● آیا خالق جهان نمیداند که خود چه آفریده است ؟ او لطیف و خبیر و عالم بموجودات لطیف است.

خداوند بگذشته و آینده جهان، بکلیات و جزئیات جهان، بماده و نیروهای جهان، به پنهان و آشکار جهان، و خلاصه بتمام دقائق و خصوصیات عالم هستی عالم و دانا است، و تمام حقایق بمعنی واقعی حقایق در مشهد علم الهی عیان و مشهود است.

۱- بحار ۳، صفحه ۱۲۸

۲- سورة ۶۷، آیه ۱۴

شفاعت : حق شفاعت و علم خداوند

فتح بن یزید جرجانی از حضرت رضا علیه السلام شنید که میفرمود :
« وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ » از حضرت درخواست کرد که لطیف و خبیر
را تفسیر نماید .

فَقَالَ : يَا فَتْحُ إِنَّمَا قُلْنَا اللَّطِيفُ لِتَخْلُقَ اللَّطِيفَ وَلِعَلِّمَهُ
بِالشَّيْءِ اللَّطِيفِ أَوْ لَا تَرَى وَفَقَّكَ اللَّهُ وَثَبَّتَكَ إِلَى أَثَرِ صُنْعِهِ
فِي النَّبَاتِ اللَّطِيفِ وَغَيْرِ اللَّطِيفِ وَمِنَ الْخَلْقِ اللَّطِيفِ وَمِنَ
الْحَيَوَانَ الصَّغَارِ وَمِنَ الْبَعُوضِ وَالْجِرْجِسِ وَمَا هُوَ أَصْغَرُ
مِنْهَا مَا لَا يَكَادُ تَسْتَبِينُهُ الْعَيُونُ بَلْ لَا يَكَادُ يُسْتَبَانُ لِصِغَرِهِ
الذِّكْرُ مِنَ الْأُنْثَى وَالْحَدَّثُ الْمَوْلُودُ مِنَ الْقَدِيمِ .^۱

● حضرت رضا علیه السلام در جواب فرمود : ای فتح اینکه درباره
خداوند لطیف و خبیر میگوئیم برای آنستکه باری تعالی خالق موجود لطیف
است و به آفریده^۱ لطیف خود عالم و خبیر است . سپس فرمود : مگر
اثر صنع باری تعالی را در نباتات لطیف و غیر لطیف نمی بینی ، مگر نمی بینی
آفریده های لطیف الهی و حیوانات کوچک را مثل پشه یا پشه های بسیار
کوچک یا موجودات زنده ای که از آنها نیز کوچکترند و بقدری کوچکند
که بشر با چشم نمیتواند آنها را ببیند و نرو ماده اش را تمیز دهد یا نوزادش
را از نسل قبل بشناسد .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَكُلُّ سَمِيعٍ غَيْرِهِ بِصَمٍّ عَنْ
لَطِيفِ الْأَصْوَاتِ وَيُصِمُّهُ كَبِيرُهَا وَيَذْهَبُ عَنْهُ مَا بَعْدَ مِنْهَا

وَكُلُّ بَصِيرٍ غَيْرُهُ بِعَمَى عَنْ خَفِيٍّ الْآلَتَّوَانِ وَلَطِيفِ
الْآجْسَامِ^۱.

● علی علیه السلام میفرماید : هر شنونده‌ای غیر از باری تعالی^۱ از شنیدن صداهای لطیف ناشنوا است و صداهای شدید او را کر و ناشنوا میسازد و آوازهای دور را نیز نمیشنود و هر بیننده‌ای جز خداوند از دیدن رنگهای پنهان و اجسام لطیف نابینا است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَعْلَمُ عَجِيجَ الْوُحُوشِ فِي الْفَلَواتِ
وَمَعَاصِي الْعِبَادِ فِي الْخَلَوَاتِ وَاخْتِلَافَ النِّينَانِ فِي الْبِحَارِ
الْغَامِرَاتِ وَتَلَاطُمَ الْمَاءِ بِالرِّيحِ الْعَاصِفَاتِ^۱.

● علی علیه السلام ضمن خطبه‌ای به چند مورد از علم الهی اشاره میکند : خداوند به آواز و ناله حیوانات وحشی در بیابانها و به گناهان پنهانی بندگان خود در خلوتها آگاه است . خداوند به آمد و شد ماهیها در دریاها بزرگ و به تلاطم امواج آبها که بر اثر وزش بادهای سخت پدید می‌آید عالم و خبیر است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَمَا الَّذِي نَرَى مِنْ خَلْقِكَ
وَنَعَجَبُ لَهُ مِنْ قُدْرَتِكَ وَنَصِفُهُ مِنْ عَظِيمِ سُلْطَانِكَ وَمَا
تَغِيبُ عَنَّا مِنْهُ وَقَصُرَتْ أَبْصَارُنَا عَنْهُ وَانْتَهَتْ عُقُولُنَا دُونَهُ

شفاعت : حق شفاعت و علم خداوند

وَحَالَتْ سُبُورُ الْغُيُوبِ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ أَعْظَمُ فَمَنْ فَرَّغَ قَلْبَهُ
وَأَعْمَلَ فِكْرَهُ لِيَعْلَمَ كَيْفَ أَقَمْتَ عَرْشَكَ وَكَيْفَ ذَرَأْتَ
خَلْقَكَ وَكَيْفَ عَلَّقْتَ فِي السَّمَاءِ سَمَوَاتِكَ وَكَيْفَ
مَدَدْتَ عَلَى مَوْرِ الْمَاءِ أَرْضَكَ رَجَعَ طَرَفُهُ حَسِيراً وَعَقْلُهُ
مَبْهُوراً وَسَمِعُهُ وَإِلَيْهَا وَفِكْرُهُ حَائِراً. ۱

● علی علیه السلام میفرماید : پروردگارا چیست آنچه را که ما از
آفریده های تو می بینیم و با مشاهده آنها از قدرتت بشگفتی می آیم و آنها را
به نشانه سلطنت و فرمانروائی عظیمت توصیف می کنیم ، و حال آنکه
چیزهایی که از ما پنهان است و چشم ما آنها را نمی بیند و عقلهای ما از درکش
وامانده و عاجز است و پرده های غیب ، آنها را از ما پوشیده است بمراتب
بزرگتر و عظیم تر است .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُلُّ قَوِيٍّ غَيْرِهِ ضَعِيفٌ وَكُلُّ مَالِكٍ
غَيْرِهِ مَمْلُوكٌ وَكُلُّ عَالِمٍ غَيْرِهِ مُتَعَلِّمٌ وَكُلُّ قَادِرٍ غَيْرِهِ
يَقْدِرُ وَيَعْجِزُ. ۲

● علی علیه السلام میفرماید : هر توانائی غیر از باری تعالی ناتوان است ،
و هر مالکی جز خداوند مملوک است ، و هر عالمی غیر از پروردگار علم آموز
است ، و هر توانائی جز خداوند ، قدرت و عجزش بهم آمیخته است .

۱- نهج البلاغه ، خطبه ۱۵۹

۲- نهج البلاغه ، خطبه ۶۴

وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي
الْبَحْرِ وَالنَّجْوَى وَمَا تَسْقُطُ مِنْ رَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ
فِي ظُلُمَاتٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ .^۱
● کلید خزائن غیب نزد پروردگار عالم است و کسی جز خداوند از
آن آگاه نیست . و همچنین خداوند بتمام آنچه در خشکیها و دریاها است
عالیم است . و هیچ برگگی از درختی نمی افتد مگر آنکه خدا میداند و هیچ حبه ای
در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در مجموعه علم
الهی وجود دارد .



يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا .^۲

● هر چه در زمین فرو رود و هر چه از آن برآید و آنچه از آسمان
نازل شود و آنچه با آسمان بالا رود خداوند بهمه آنها عالم و آگاه
است .

نمونه ای که در قرآن شریف آمده و حاکی از ارتباط شفاعت با علم الهی
است در مورد رسالت پیغمبر گرامی اسلام است . رسول اکرم (ص) شفیع
برگزیده و مأذون الهی در هدایت و مغفرت مردم است . خداوند مراتب
صلاحیت و شایستگی آن حضرت را در امر رسالت که شفاعت هدایت
است بعلم خود مستند کرده و فرموده است :

۱- سوره ۶ ، آیه ۵۹

۲- سوره ۵۷ ، آیه ۴

شفاعت : حق شفاعت و علم خداوند

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ^۱.

● سایر شفاعت تکوین و تشریع نیز زمانی از طرف خداوند حکیم بمقام شفاعت انتخاب میشوند که در علم الهی لیاقت و صلاحیتشان محرز و محقق شده باشد .

عَنِ الْفَضْلِ قَالَ سَمِعْتُ الرُّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ : سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَآتَمَّنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ وَوَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مِنْهُ مَوْضِعَهُ بِعِلْمِهِ^۲.

● فضل میگوید : از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که در دعای خود میگفت : متزه است خداوندی که بقدرت خود موجودات را آفریده و با حکمت خود نظام آفرینش را متفن و محکم ساخته و با علم خویش هر چیزی را در جای خود قرار داده است.

نتیجه آنکه ربط علم الهی با مسئله شفاعت ممکن است از جهت شناخت صلاحیت شفاعاء و انتخاب شفیع باشد . جهان هستی به قضای حکیمانه خداوند با محاسبه و اندازه گیری های دقیق آفریده شده و در مجموعه عالم وجود ، هیچ چیز ناموزون و بی حساب نیست .

۱- سوره ۶ ، آیه ۱۲۴

۲- بحار ۲ ، صفحه ۱۲۹

شفعاء مشرکین ، علم بشر

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ اتَّسَبَّحُوا لِلَّهِ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ مُبْتَغَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ^۱

● مشرکین جز خداوند بتهایی را میپرستند که برای آنها سود و زیانی ندارد و میگویند این بتها در پیشگاه الهی شفعاء ما هستند . ای پیغمبر به این مردم بگو شما میخواهید با این عمل خدا را به آنچه از محتویات ارضی و سماوی عالیم نیست آگاه سازید ؟ خداوند از آنچه شریک او قرار می دهید منزّه و برتر است

وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ .

● هیچ یک از موجودات ارضی و سماوی به چیزی از علم پروردگار احاطه و وقوف پیدا نمیکنند مگر بمشیت و اراده ذات اقدس الهی .

مَا أَشْهَدُهُمْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ^۳

● من بشر را در موقع آفرینش آسمانها و زمین و همچنین در موقع خلقت خودشان حاضر و گواه نساختهام . یعنی بشر از چگونگی خلقت جهان و خلقت انسان آگاهی ندارد .

۱ - سوره ۱۰ ، آیه ۱۸

۲ - سوره ۲ ، آیه ۲۵۵

۳ - سوره ۱۸ ، آیه ۵۱

شفاعت : شفعاء مشرکین ، علم بشر

روریکه بشر از مادر متولد میشود از علم و دانش بهره‌ای ندارد .
وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا .^۱
در طول دوران زندگی خود از مادر و پدر ، از محیط خانه و کوی
و برزن ، از آموزشگاه و اجتماع بقدر ظرفیت خویش بمطالبعی واقف
میشود و علومى را فرا میگیرد . بنابراین علم جزئى ذات انسان نیست زیرا
روزی انسان بصورت نوزاد وجود داشته و هیچ علمى نداشته است . ولى
علم باری تعالی عین ذات مقدس او است و هرگز علم از خداوند جدا نبوده
و جدا نخواهد شد .

بشر ممکن است در شناخت روح انسان به پیروزیهای بزرگى در
آتیه موفق گردد ، ولى قطعاً اطلاعاتش در این باره محدود خواهد بود و
حقیقت روح آنطور که در علم الهی است در دسترس انسانها قرار نمیگیرد .
وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّى وَمَا أُوتِيتُمْ
مِّنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا .^۲

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ
أَفَلَا تَعْقِلُونَ .^۳

● حضرت ابراهیم بمشرکین گفت : آیا غیر خداوند بتهاى را عبادت
میکنید که برای شما سود و زیانى ندارند؟ اف بر شما و بر آنچه جز خداوند
مى پرستید . آیا عقل خود را بکار نمى بندید؟ آیا در کارهای خود از نیروى
خرد استفاده نمیکنید؟

۱- سورة ۱۶ ، آیه ۷۸ ۲- سورة ۱۷ ، آیه ۸۵ ۳- سورة ۲۱ ، آیه ۶۶ و ۶۷

صلاحیت شفیع

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُشَفَّعُونَ ، الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ^۱

● امام صادق علیه السلام از پدران خود از علی (ع) حدیث کرده است که پیغمبر اکرم فرمود : سه گروه در پیشگاه الهی شفاعت میکنند و مورد قبول واقع میشود ، پیامبران ، پس از آن علماء ، و سپس شهداء.

قال العلامة قدس الله روحه في شرحه على التجريد: اتفقت العلماء على ثبوت الشفاعة للنبي صلى الله عليه وآله، قوله تعالى: عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا^۲

● علامه ، رضوان الله عليه در شرح تجريد فرمود : که علماء متفقند براینکه شفاعت برای حضرت رسول اکرم (ص) ثابت و محقق است. و سپس به آیه قرآن استظهار میکنند که خداوند پس از دستور نماز شب به پیغمبر فرمود : باشد که خداوند تو را بمقام محمود « شفاعت » مبعوث گرداند .

عَنْ الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِشَفَاعَتِي فَلَا أَنَالَهُ اللَّهُ شَفَاعَتِي^۳

۱ - بحار ۳ - صفحه ۲۹۹

۲ - سورة ۱۷ ، آیه ۷۹ ۳ - بحار ۳ ، صفحه ۲۹۹

● حضرت رضا علیه السلام از پدرش از آباء گرامیش از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام حدیث کرده است که پیغمبر اکرم فرمود : کسی که بشفاعت من ایمان بیاورد خداوند او را بشفاعت من نائل نسازد.

فخر رازی که از علماء بزرگ عامّه است در تفسیر کبیر میگوید : امت اسلام بر این امر اجماع و اتفاق دارند که در آخرت برای حضرت رسول اکرم (ص) حق شفاعت است .

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي فَمَنْ كَذَبَ بِهَا لَمْ يَنْتَهِ ۱.

● به اسناد صحیح از طرق عامّه روایت شده است که رسول اکرم (ص) فرموده است : شفاعت من در قیامت برای کسانی است که دارای گناهان کبیره هستند و آنکس که شفاعت مرا تکذیب نماید به آن نائل نخواهد شد .

اگر اراده ازلی و اجازه الهی برای شفاعت پیغمبر اکرم (ص) در قیامت نمیبود هرگز پیشوای اسلام در کمال صراحت نمیفرمود : شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي ۲.

● شفاعت من در قیامت برای کسانی از امت من است که مرتکب گناهان کبیره شده اند.

اگر اراده ازلی و قضاء الهی به شفاعت اولیاء خدا درباره گناهکاران

نمی بود هرگز رسول اکرم (ص) بحضرت زهرا عليها السلام نمیفرمود :
فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ تَشْفَعِينَ أَنْتِ لِلنِّسَاءِ وَأَنَا أَشْفَعُ
لِلرِّجَالِ ١.

● وقتی روز قیامت فرارسد شما « زهرا ، ع » از زنان امت شفاعت
میکنی و من مردان امت را شفاعت می نمایم .

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ
قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى « لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَدْنَى لَهُ الرَّحْمَنُ »
وَقَالَ صَوَابًا ٢ قَالَ : نَحْنُ وَاللَّهُ الْمَأْذُونُونَ لَهُمْ فِي ذَلِكَ
وَالْقَائِلُونَ صَوَابًا قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَمَا تَقُولُونَ إِذَا كَلَّمْتُمْ
قَالَ نُمَجِّدُ رَبَّنَا وَنُصَلِّي عَلَى نَبِيِّنَا وَتَشْفَعُ لِشِيعَتِنَا فَلَا يَرُدُّنَا
رَبُّنَا ٣.

معاویة بن وهب از امام صادق علیه السلام درباره این آیه سؤال
کرد .

لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَدْنَى لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ٢

● در قیامت احدی را قدرت تکلم نیست مگر کسی را که خدا اجازه
داده باشد و سخن براستی و صواب گوید . امام علیه السلام فرمود : بخدا قسم
مائیم که از طرف خداوند مأذون و مجازیم ، مائیم که سخن بصواب میگوئیم .
سؤال کرد چه میگوئید؟ فرمود : خدا را تمجید میکنیم ، درود بر رسول
اکرم (ص) میفرستیم و برای شیعیان خود شفاعت می نمایم و پروردگار
شفاعت ما را رد نمی کند .

٢ - بحار ٣ ، صفحه ٣٠١

١ - بحار ١٠ ، صفحه ١٦٧

٣ - سورة ٧٨ ، آیه ٣٨

شفاعت : محروم از شفاعت و عدم توبه

محروم از شفاعت و عدم توبه

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَنَالُ شَفَاعَتِي مَنْ شَرِبَ
الْمُسْكِرَ وَلَا يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است : بخدا قسم شرابخوار در قیامت به
شفاعت من نائل نمی شود و در کنار کوثر بمن وارد نخواهد شد .
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : شَارِبُ الْمُسْكِرِ لَا عِصْمَةَ بَيْنَنَا
وَبَيْنَهُ .^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده : شارب الخمر از مصونیت های وابسته
به ما بی بهره است و از وی بری و بیزاریم .

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

امام صادق (ع) میفرمود :

إِنَّ مِنَ الْكَبَائِرِ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ وَالْيَأْسَ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَالْأَمْنَ
لِمَكْرِ اللَّهِ .^۳

● از گناهان کبیره نارضائی والدین و ناامیدی از رحمت خدا و امن
از عذاب الهی است .

در روایات اسلامی میدان ترس و امید بسیار وسیع و دامنه دار
است . گناهکاران هر قدر آلوده باشند نباید خویشتن را از فیض رحمت
الهی ناامید بدانند . علی (ع) در باره امید بر رحمت های بی حد و حصر

۱- کافی ۶ ، صفحه ۴۰۰ و ۲۹۸

۲- کافی جلد ۲ صفحه ۲۷۷

الحديث : روايات تربیتی

الهی بفرزندش فرمود :

وَأَرْجُ اللَّهَ رَجَاءً أَنْ تَكَلَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِسَيِّئَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ غَفَرَهَا
لَكَ.^۱

● بخداوند آنچنان امیدوار باش که اگر با گناهان اهل زمین در
پیشگاه او حاضر شوی ترا ببخشد .

هیچ گناهکار مسلمان هر قدر آلوده و معصیت کار باشد نباید از
فیض رحمت الهی ناامید گردد .

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ
رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^۲

● بندگان تندرو و گناهکار من بگو از رحمت الهی ناامید نباشند ،
خداوند تمام گناهان را میبخشد ، او خداوند آمرزنده و مهربان است .

۱- مجموعه ورام جلد ۱ صفحه ۵۰ .

۲- سورة ۳۹ آیه ۵۳

شفیع و شرایط شفاعت

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ^۱.

● شفاعت کسی در پیشگاه الهی سود بخش نیست مگر آنکس که خداوند به او اجازه شفاعت داده است.

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا^۲.

● روز قیامت شفاعت احدی سودی ندارد مگر آنکس که خداوند رحمن به وی اجازه شفاعت داده و بگفته او راضی باشد.

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذِنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى^۳.

● چه بسیار فرشتگان سماوی هستند که شفاعتشان سودی ندارد مگر جائیکه با اجازه پروردگار درباره کسی شفاعت کنند که خدا بخواهد و از او راضی باشد.

لَا يَنْتَكِلُمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا^۴.

● در قیامت احدی را قدرت تکلم نیست مگر کسی را که خدا اجازه داده باشد و سخن براسستی و صواب گوید.

۳ - سورة ۵۳ ، آیه ۲۶

۱ - سورة ۳۴ ، آیه ۲۳

۴ - سورة ۷۸ ، آیه ۳۸

۲ - سورة ۲۰ ، آیه ۱۰۹

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ
بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ^۱

● آنهایی را که جز خداوند برای شفاعت میخوانند حق شفاعت ندارند
مگر کسانی که بحق و توحید شهادت داده و اعترافشان بر اساس بصیرت و
آگاهی باشد .

وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَن ارْتَضَى^۲

● مردان الهی و مقربان درگاه حضرت حق تنها از کسانی شفاعت
میکنند که خداوند از آنان راضی باشد .

قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ خَالِدٍ قُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بَنَ
رَسُولِ اللَّهِ فَمَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا
لِمَن ارْتَضَى قَالَ : لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَن ارْتَضَى دِينَهُ^۳

● حسین بن خالد میگوید: بحضرت رضا علیه السلام عرض کردم
معنی کلام خدا «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَن ارْتَضَى» چیست؟ در جواب
فرمود: مردان الهی شفاعت نمیکند مگر از کسی که خداوند از دین او راضی
باشد .

۱ - سورة ۴۳ ، آیه ۸۶

۲ - سورة ۲۱ ، آیه ۲۸

۳ - بحار، جلد ۳ صفحه ۲۹۹

قیامت و رسول اکرم

قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): اقْرَبُكُمْ مِنِّي غَدًا فِي الْمَوْقِفِ
اصْدَقُكُمْ فِي الْحَدِيثِ وَادَاكُمْ لِيْلَامَانَةٍ وَآوَفَاكُمْ بِالْعَهْدِ
وَاحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَاقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ.

● رسول اکرم میفرمود: کسانی که در سخن راستگوتر و در اداء
امانت مواظبتر و در عهد و پیمان باوفاتر و در اخلاق نیکوتر و با مردم
گرمتر هستند در قیامت بمن از همه نزدیکترند.

قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ.
● رسول اکرم میفرمود: آنکس که بخدا و روز جزا ایمان دارد
البته باید به عهد و پیمان وفادار باشد.

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنْ الْعَهْدُ كَانَ مَسْئُولًا.

● به عهد و پیمان وفادار باشید و بدانید که این امر در پیشگاه
خداوند مورد مؤاخذة و پرسش است.

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)
لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ.

● حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت کرده است که رسول اکرم (ص)
فرمود: مسلمان نیست آنکس که به عهد و پیمان وفادار نباشد.

۲ - کافی جلد ۲ صفحه ۳۶۳ - ۳۶۴

۱ - تاریخ یعقوبی جلد ۲ صفحه ۶۰

۳ - بحار جلد ۱۶ صفحه ۱۴۴

۳ - سوره ۱۷ آیه ۳۴

امام (ع) در باره مؤمن کامل در ضمن حدیثی میفرماید:

صَدَقَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ وَفَى بِشَرْطِهِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ :
«رَجُلٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» فَذَلِكَ الَّذِي لَا يُصِيبُهُ
أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَلَا أَهْوَالُ الْآخِرَةِ . ۱

● برستی در عهد پروردگار ثابت و پیمان خدا وفادار است . او از
کسانیست که در قرآن به وفاداری معرفی شده اند ، او در دنیا گرفتار
نگرانی نیست و در قیامت نیز هراسی ندارد .



در حدیث دیگر فرمود:

وَ فَى لَيْلَةِ بَشْرُوطِهِ الَّتِي اشْتَرَطَهَا عَلَيْهِ فَذَلِكَ مَعَ النَّبِيِّينَ
وَ الصَّادِقِينَ وَ الشَّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا وَ
ذَلِكَ مِمَّنْ يَشْفَعُ وَلَا يَشْفَعُ لَهُ وَ ذَلِكَ مِمَّنْ لَا يُصِيبُهُ
أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَلَا أَهْوَالُ الْآخِرَةِ . ۲

● پیمانی که خداوند با او بستد است وفا کرده و رفیق پیامبران
خدا و پاکانست ، در قیامت از دیگران شفاعت میکند و خود نیازی
به شفاعت دیگران ندارد ، او از هول و هراس دنیا و آخرت مصون و
محفوظست .

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَائِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ . ۳

مؤمنین کسانی هستند که با سائت و عهد و پیمان خود وفادارند .

۱- بحار الانوار جلد ۱۵ صفحه ۵۰

۲- بحار الانوار جلد ۱۵ صفحه ۵۱

۳- سوره ۲۲ آیه ۸

شقاوت و سعادت

رسول اکرم (ص) میفرمود :

أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ فَأَلَا أَرْبَعٌ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَالْجَارُ الصَّالِحُ وَالْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَالْأَلَا أَرْبَعٌ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ الْجَارُ السَّوُّ وَالْمَرْأَةُ السَّوُّ وَالْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَالْمَرْكَبُ السَّوُّ^۱.

● چهارچیز از سعادت و خوشبختی و چهارچیز از شقاوت و بدبختی است . آن چهاری که از سعادت است زن خوب ، خانه وسیع ، همسایه خوب و مرکب خوب و آن چهاری که از شقاوت است : همسایه بد ، زن بد ، خانه تنگ و مرکب بد . خانه تنگ و مرکب بد گناه نیست ولی رسول اکرم آنرا از شقاوت انسان میداند . جائیکه مرکب بد و خانه تنگ از شقاوت بشر باشد کوری و دیوانگی را بطریق اولی میتوان از شقاوت و بدبختی انسان دانست . پس اگر بچه ای در شکم مادر کور ساخته شود یا بعلت جنون پدر یا حماقت مادر دیوانه یا کودن تکوین شود میتوان گفت او در رحم مادر شقی و بدبخت بوده است .

الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ^۲

● بدبخت کسی است که شقاوت در رحم مادر دامنگیرش شود .

۱- قال رسول الله (ص) :

الْشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ .^۱

● بدبخت کسی است که در رحم مادر گرفتار شقاوت شود و خوشبخت کسی است که در شکم مادر سعادت‌مند باشد .

۲- رسول اکرم (ص) فرمود :

الْشَّقِيُّ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالسَّعِيدُ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ .^۲

● شقی و بدبخت در شکم مادر بدبخت است و سعید در شکم مادر خوشبخت .

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

إِنَّ حَقِيقَةَ السَّعَادَةِ أَنْ يُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالسَّعَادَةِ وَ
إِنَّ حَقِيقَةَ الشَّقَاءِ أَنْ يُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالشَّقَاءِ .^۳

● حقیقت سعادت عبارت از اینست که عمل آدمی بسعادت پایان پذیرد و حقیقت شقاوت عبارت از پایان یافتن عمل بدبختی و شقاوت است . یعنی تمام عوامل سوروئی و تربیتی را باید روی هم ریخت و مجموع اعمال یک انسان را که محصول کلیه آن عوایل است من حیث المجموع مطالعه کرد تا سعادت و شقاوت واقعی معلوم شود .

۱- بحار جلد ۳ صفحه ۴۴ ۲- تفسیر روح البیان جلد ۱ صفحه ۱۰۴

۳- معانی الاخبار صفحه ۳۴۵

شقی : شقاوت و سعادت

دیوانگی ، حماقت ، کوریهای مادرزادی ، فلج ، صرع ، دوسر روی
یک گردن ، دوبدن روی یک کمر داشتن و دهها انحرافهای دیگری
نظیر اینها ممکنست در شکم مادر داسگیر فرزند شود . بدیهیست چنین
بچه‌ای در شکم مادر گرفتار بدبختی و شقاوت است .

از امام باقر (ع) است :

سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ تُعْجِبُهُ الْمَرْأَةُ
الْحَسَنَاءُ أَيْصَلِّحُ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا وَهِيَ مَجْنُونَةٌ قَالَ لَا وَلَكِنْ
إِنْ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَةٌ مَجْنُونَةٌ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يَطَّأَهَا وَلَا يَطْلُبَ
وَلَدَهَا^۱.

● سؤال کردند مرد مسلمانی را از یبائی زن دیوانه‌ای والده و مجذوب می‌کند،
آیا او را به‌میری خود انتخاب نماید؟ فرمود نه ولی اگر کنیز دیوانه‌ای باشد
میتواند با او هم‌بستر شود و تمایل جنسی خود را ارضاء نماید ولی مراقب
باشد آبستن نشود . از این حدیث بخوبی میتوان استفاده کرد که پیشوای
اسلام به سلامت عقلی نسل اجتماع توجه کامل دارد .

حضرت صادق (ع) از رسول اکرم (ص) روایت کرده است که

فرمود :

إِيَّاكُمْ وَتَزَوُّجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ^۲ وَوَلَدُهَا ضَبَاعٌ^۳
● از ازدواج با احمق بپرهیزید زیرا هم‌نشینی با احمق مایه‌اندوه و بلاء

و فرزندش نیز مهمل و بدبخت است .

رسول اکرم (ص) میفرمود :

السَّعِيدُ قَدْ يَشْقَى وَالشَّقِيُّ قَدْ يَسْعَدُ .^۱

● گاهی سعید شقی و بدبخت میشود و گاهی شقی براه سعادت و

خوشبختی میرود . علی (ع) میفرمود :

وَالسَّعِيدُ مَنْ وَعِظَ بِغَيْرِهِ وَالشَّقِيُّ مَنْ أَخَذَ لِهَوَاهُ وَغُرُورِهِ .^۲

خوشبخت و سعادت‌مند کسی است که از دیگران پند پذیرد و

خود را بپاکی پرورش دهد و شقی و بدبخت کسی است که از تمایلات

نامشروع و غرور خویشتن فریب خورد و به ناپاکی بگراید .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحَمْدُ وَالْمَهَانَةُ وَالشَّقَاءُ فِي الطَّمَعِ
وَالْحِرْصِ .^۳

● و نیز فرموده : ذلت و پستی و بدبختی ، درخوی ناپسند حرص و

آز نهفته است .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ قَالَ : يُسْتَدَلُّ عَلَى شَرِّ الرَّجُلِ

بِكَثْرَةِ شَرِّهِ وَشِدَّةِ طَمَعِهِ .^۴

● علی علیه السلام فرموده است : حرص فراوان و طمع شدید یک

انسان را میتوان دلیل بدی او گرفت و به آن استشهاد کرد .

۲- نهج البلاغه ملافتح الله صفحه ۱۴۹

۱- تفسیر روح البیان جلد اول صفحه ۱۰۴

۴- فهرست غرر ، صفحه ۶۳

۳- غرر الحکم ، صفحه ۹۶

شقی : شقاوت و سعادت

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ نَفْعَ مَا أُوتِيَ
مِنَ الْعَقْلِ وَالتَّجَرِبَةِ . ١

● علی علیه السلام فرموده : بدبخت و زیانکار کسی است که از سرمایه های عقل و تجربه سودی نبرد و از ذخائری که بوی عطا شده است بهره ای برنگیرد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ فِي لَذَائِهَا شَقِيٌّ
وَبَعْدُ . ٢

● و نیز فرموده است : کسی که نفس خویش را در عرصه لذاتش آزاد بگذارد و بصلاح و فسادش توجه ننماید بدبخت و دور افتاده از فیض الهی خواهد شد .

١ - نهج البلاغه فیض صفحه ١٠٧٣

٢ - غرر الحکم ، صفحه ٦٤٤

۹۰ . شهوت [الشهوة]

شیفته نفس اماره

إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي .^۱

علی (ع) در باره چنین انسانی فرموده است :

قَدْ أَحْرَقَتْ الشَّهَوَاتُ عَقْلَهُ وَأَمَاتَتْ قَلْبَهُ وَأَوَّلَهَتْ عَلَيْهِ نَفْسَهُ .^۲

● تعابلات نفسانی و شهوات، خرمن عقل وی را آتش زده اند و دلش را کشته اند و او را واله و شیفته نفس خود کرده اند .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : زَوَالَ الْعَقْلِ بَيْنَ دَوَاعِي الشَّهْوَةِ وَالْغَضَبِ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : در کشاکش انگیزه های شهوت و غضب ، عقل بشر تیره و تار میشود و فروغ خود را از دست میدهد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَمْلِكْ شَهْوَتَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ .^۴

● و نیز فرموده است : کسیکه مالک شهوت خود نباشد مالک عقل خود نخواهد بود .

۱- سورة ۱۲ آیه ۳۰

۲- مستدرک ۲ ، صفحه ۲۸۷

۳- غرر الحکم صفحه ۳۲

شکم پرستی

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَمَنْ لَمْ يَرَ أَنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ إِلَّا فِي مَطْنَعِهِ أَوْ مَشْرَبٍ فَقَدْ جَهِلَ وَكَفَرَ نِعَمَ اللَّهِ وَضَلَّ سَعْيُهُ وَدَنَا مِنْهُ عَذَابُهُ^۱.

● رسول اکرم (ص) فرموده است : کسیکه از همه نعمتهای خداوند تنها به خوردنی و نوشیدنی متوجه است و دیگر نعم الهی را در وجود خویش نمی بیند نادان و کفران کننده نعمت است ، او راه غلط می پیماید و زود است که بعذاب الهی دچار شود.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْبَعْدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا لَمْ يُهِمَّهُ إِلَّا بَطْنُهُ وَفَرْجُهُ^۲.

● امام صادق علیه السلام فرموده : دورترین فاصله از خداوند برای آدمی موقعی است که همانند حیوان جز پر کردن شکم و ارضاء شهوت ، همت و هدفی نداشته باشد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ لَا يَغْلِبُهُ فَرْجُهُ وَلَا يَفْضَحُهُ بَطْنُهُ^۳.

● و نیز فرموده است : مرد با ایمان هرگز مغلوب شهوت خود نمیشود و شکمش باعث رسوائی او نمی گردد .

۱- تحف العقول ، صفحه ۵۲

۲- تحف العقول ، صفحه ۳۵۸

۳- کافی ، جلد دوم ، صفحه ۳۱۹

مایه اصلی شهوات

كَتَلَانِ الْإِنْسَانَ لِيَطْغَىٰ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ. ١

● آدمی بسرکشی و طغیان میگراید وقتی خود را غنی و بی نیاز می بیند .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْأَمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ. ٢

● علی علیه السلام فرموده است : دارائی و ثروت مایه اصلی شهوات بشر است .

علی (ع) درباره بعضی از مردم راه گم کرده و منحرف با کمال بن زیاد سخن گفته و در ضمن فرموده است :

أَوْمَنَهُمْ بِاللَّذَّةِ سَكِسَ الْفِيَادِ لِلشَّهْوَةِ أَوْمَغْرَمًا بِالْجَمْعِ
وَالْإِدْخَارِ لِسَامِنِ رُعَاةِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ أَقْرَبُ شَيْءٍ شَبَّاهُ بِهِمَا
الْأَنْعَامُ السَّائِمَةُ. ٣

● آنکس که علاقه شدید لذت دارد و مطیع شهوات خویش است یا آنکس که دچار حرص شده و عاشق جمع مال و ثروت است، این دو مراعات عواطف دینی و اواخر مذهبی را در هیچ مورد نمی نمایند . شبیه ترین موجود باین دو طبقه منحرف چهارپایان چراگاه است .

١ - سورة ٩٦ ، آیه ٦

٢ - نهج البلاغه ، کلمه ٥٥

٣ - نهج البلاغه ، ملا فتح الله صفحه ٥٥٠

مغلوب شهوات

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَطَاعَ نَفْسَهُ فِي شَهَوَاتِهَا فَقَدْ آعَانَهَا عَلَى هَلَاكَتِهَا .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : آنکس که نفس خود را در شهوات ناروایش اطاعت نماید عملاً به تباهی و هلاکت خویش کمک کرده است.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَسِيرٌ لَا يَنْفَكُ أَسْرُهُ .^۲

● و نیز فرموده است : بنده شهوت اسیری است که هرگز از بند اسارت رهایی نمی یابد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَغْلُوبُ الشَّهْوَةِ أَذَلُّ مِنْ مَمْلُوكِ الرِّقِّ .^۳

● و نیز فرموده است : کسیکه مغلوب شهوت خویش است ذلت و خواریش بیش از برده زر خرید است .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَبْدُ الشَّهْوَةِ أَذَلُّ مِنْ عَبْدِ الرِّقِّ .^۴

● و در جای دیگر فرموده است : آنکس که بنده شهوت است از برده زر خرید ، خوارتر است .

۱ - غرر الحکم ، صفحه ۶۸۲

۲ و ۳ - غرر الحکم ، صفحه ۷۶۵ و ۷۹۹

۴ - غرر الحکم ، صفحه ۷۹۸

خطرات شهوات نفسانی

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : غَلَبَةُ الشَّهْوَةِ تُبْطِلُ الْعِصْمَةَ وَتُورِدُ الْهَلَكَةَ^۱.

● علی علیه السلام فرموده است : غلبه و فرمانروائی شهوت، مصونیت اخلاقی را از میان میبرد و آدمی را بوادی هلاکت و تباهی میکشاند.

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا خَيْرَ فِي لَذَّةٍ تُوجِبُ نَدَمًا وَشَهْوَةً تَعْقِبُ آلَمًا^۲.

● علی علیه السلام فرموده : لذتهائی که باعث ندامت و پشیمانی میشوند و شهوتهائی که درد و رنج بیار میآورند فاقد خیر و خوبی هستند.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَمْ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ أَوْرَثَتْ حُزْنًا طَوِيلًا^۳.

● و نیز فرموده است : چه بسا یک ساعت کامروائی و شهوت، اندوه طولانی بیار میآورد و غم و غصه فراوان از پی دارد.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا خَيْرَ فِي لَذَّةٍ تُوجِبُ نَدَمًا وَشَهْوَةٍ

۱ - فروع الحکم، صفحه ۵۰۷

۲ - فهرست غرر، صفحه ۳۵۸

۳ - وسائل، جلد ۴، باب وجوب غلبه عقل، صفحه ۲۹

تُعْقِبُ الْكَمَا^۱.

● و نیز فرموده است : خیر و خوبی یافت نمیشود در لذتی که پشیمانی
ببار میآورد و شهوتی که درد و ناراحتی از پی دارد .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ تَسَرَّعَ إِلَى الشَّهَوَاتِ تَسَرَّعَ إِلَى
الْآفَاتِ^۲.

● علی علیه السلام فرموده است : آنکس که در شهوات ، تند روی
کند آفات و بلاها نیز با سرعت بسوی او می شتابد .

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : مَنْ لَمْ يَتَسَلَّخْ عَنْ
هَوَاجِسِهِ وَلَمْ يَتَخَلَّصْ مِنْ آفَاتِ نَفْسِهِ وَشَهَوَاتِهَا وَلَمْ
يَهْزِمِ الشَّيْطَانَ وَلَمْ يَدْخُلْ فِي كَنَفِ اللَّهِ وَتَوْحِيدِهِ وَ
أَمَانَ عِصْمَتِهِ لَا يَصْلُحْ لَهُ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ
عَنِ الْمُنْكَرِ^۳.

● امام صادق علیه السلام میفرمود : آنکس که خاطرات شخصی
خود را از دل نزداید ، و از خطرات نفسانی و شهوی خویش فارغ
نشود ، افکار شیطانی را از خود نراند ، و در پناه خداوند بزرگ نرود ،
شایسته نیست مردم را امر بمعروف و نهی از منکر نماید .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ طَبَايِعَ النَّاسِ مُرَكَّبَةٌ

۱- فهرست غرر ، صفحه ۳۵۸

۲- فهرست غرر ، صفحه ۱۸۸

۳- معجزة الیضاء جلد ۱ صفحه ۱۰۹

عَلَى الشَّهْوَةِ وَالرَّغْبَةِ وَالْحِرْصِ وَالرَّهْبَةِ وَالْغَضَبِ وَاللَّذَّةِ
إِلَّا أَنَّ فِي النَّاسِ مَنْ زَمَّ هَذِهِ الْخِلَالَ بِالتَّقْوَى وَالْحَيَاءِ وَ
الْإِتْقَانِ فَإِذَا دَعَتْكَ نَفْسُكَ إِلَى كَبِيرَةٍ مِنْ الْأَمْرِ فَأَرَمِ
بِبَصَرِكَ إِلَى السَّمَاءِ فَإِنْ لَمْ تَخَفْ مِنْ فِيهَا فَانْظُرْ إِلَى مَنْ فِي
الْأَرْضِ لَعَلَّكَ تَسْتَحْيِي مِمَّنْ فِيهَا فَإِنْ كُنْتَ لَا مِمْنَ فِي
السَّمَاءِ تَخَافُ وَلَا مِمْنَ فِي الْأَرْضِ تَسْتَحْيِي تَعُدُّ نَفْسَكَ
فِي الْبَهَائِمِ .^١

● امام باقر علیه السلام فرموده : طبیعت بشر با شهوت و میل و حرص
و ترس و خشم و لذت آمیخته شده است جز آنکه در بین مردم کسانی هستند
که این پیوند و کشش طبیعی را با نیروی تقوی و حیا و نترس مهار کرده اند.
موقعیکه نفس متجاوز است ، تو را بگناه میخواند با آسمان با عظمت
و کیهان حیرت زا نگاه کن و از خداوند بزرگی که جهانرا آفریده و بر آن
حکومت میکند بترس و از گناه خودداری کن ، اگر از خداوند توانا خوف
نداری بزمین نظرافکن شاید از حکومت بشری و افکار عمومی شرم کنی
و مرتکب معصیت نشوی ، اگر جرأت و جسارتت بجائی رسیده که نه از
حکومت الهی میترسی و نه از مردم زمین شرم داری خود را از صف انسانها
خارج بدان و در عداد بهائم و حیوانات بحساب آور .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَاكِبُ الشَّهَوَاتِ لَا تُقَالُ
عَشْرَتُهُ .^٢

١ - مستدرک ٢ ، صفحه ٢٨٧

٢ - بحار ١٧ ، صفحه ٢١٤

شهوة : تسلط بر نفس اماره

● امام جواد علیه السلام فرموده : کسیکه بر مرکب شهوات خویش سوار است و خودسرانه می‌تازد هرگز از لغزش و سقوط رهایی نخواهد داشت .

تسلط بر نفس اماره

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : غَالِبَ الشَّهْوَةِ قَبْلَ قُوَّةِ ضَرَاوَتِهَا فَإِنَّهَا
إِنْ قَوِيَتْ مَلَكَتْكَ وَاسْتَقَادَتْكَ وَلَمْ تَقْدِرْ عَلَى مُقَاوَمَتِهَا .^۱
● علی علیه السلام فرموده است : بر شهوت خویش مسلط شو پیش از آنکه قدرت تجرّی پیدا کند و به تندرّوی عادت نماید . چه آنکه اگر شهوت در خود سری و تجاوز نیرومند گردد مالک و فرمانروای تو میشود و بهر سو که بخواهد میکشاندت و تو در مقابل نیروی آن ، تاب مقاومت نخواهی داشت .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ حَصَرَ شَهْوَتَهُ فَقَدْ صَانَ قَدْرَهُ .^۲
● علی علیه السلام فرموده است : کسیکه شهوات خویش را محدود نماید ارزش انسانی و شخصیت معنوی خود را محافظت کرده است .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَعْدَا عَدُوَّكَ لِلْمَرْءِ غَضَبُهُ وَشَهْوَتُهُ .
فَمَنْ مَلَكَتْهُمَا عَظُمَتْ دَرَجَتُهُ وَبَلَغَ غَايَتَهُ .^۳

۱ - غررالحکم ، صفحه ۵۱۰

۲ - تحف العقول ، صفحه ۹۷

۳ - غررالحکم صفحه ۲۰۳

● و نیز فرموده است : دشمنترین دشمنان آدمی غضب و شهوت او است . آنکس که بتواند این دو غریزه سرکش را مهار کند و آنها را بفرمان خود درآورد ، مقام عظیمی دارد و میتواند باوج انسانیت برسد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَرَفَ شَرَفَ مَعْنَاهُ صَانَهُ عَنْ دَنَائَةِ شَهْوَتِهِ وَزُورِ مُنَاهُ .^۱

● علی علیه السلام فرموده : کسیکه شرافت باطنی و گوهر انسانی خود را بشناسد ، این شناسائی او را از پستی های شهوت و آرزوهای باطل مصون خواهد داشت :

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ عَلاَ امْرُؤُهُ ، مَنْ مَلَكَتْهُ نَفْسُهُ ذَلَّ قَدْرُهُ .^۲

● و نیز فرموده است : کسیکه بر نفس سرکش خود حاکم باشد ، شأن و منزلتش بالا میگیرد ، و برعکس کسیکه نفس شهوانیش مالت و فرمانروای وی باشد ، بذلت و خواری دچار میشود و قدر و قیمتش پست میگردد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اُهْجُرُوا الشَّهَوَاتِ فَإِنَّهَا تَقُودُكُمْ إِلَى رُكُوبِ الذُّنُوبِ وَالتَّهْجُمِ عَلَى السَّيِّئَاتِ .^۳

۱ - غررالحکم ، صفحه ۷۱۰

۲ - مستدرک ، ۲ ، صفحه ۲۸۷

۳ - فهرست غرر ، صفحه ۱۸۶

شهوت : تسلط بر نفس اماره

● علی علیه السلام فرموده است : از تمایلات ناروای خود اعراض کنید و شهوات نفسانی را ترک گوئید که شما را بوادی گناهکاری میکشاند و بطور غافلگیر در آغوش ناپاکی و سیئاتان می افکند .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ غَلَبَ شَهْوَتَهُ صَانَ قَدْرَهُ .^۱
● علی علیه السلام فرموده است : آنکس که بر تمایل جنسی خود غلبه کند و عنان شهوت را در اختیار بگیرد قدر و شرف خود را حفظ کرده است .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَزَّهُوا أَنْفُسَكُمْ عَنْ دَنَسِ اللَّذَاتِ وَتَبِعَاتِ الشَّهَوَاتِ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : خوشتن را از آلودگی لذات پلید و عوارض بد شهوات منزّه و پاک نگاهدارید .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَجِبْتُ لِمَنْ عَرَفَ سُوءَ عَوَاقِبِ اللَّذَاتِ كَيْفَ لَا يَعْيفُ .

● علی علیه السلام فرموده است : عجب دارم از آنکس که عواقب لذتهای مضر را میداند چگونه از آنها دست نمی کشد .

۱ - مستدرک ۲ ، صفحه ۲۸۷

۳ - غررالحکم ، صفحه ۴۹۴

۲ - غررالحکم ، صفحه ۷۷۵

پاداش شهداء

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. ۱

● گمان نبرید آنانکه در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند بلکه نزد خداوند زنده‌اند و از رزق حضرت بار تعالی مرزوق و خوشحال و شادمانند و به آنچه خداوند از فضل خود به آنان اعطا فرموده است و به پاکدلانی که در دنیا از پی آنها می‌دروند ، در مسیر جهاد قدم برمی‌دارند ولی هنوز به آنان نپیوسته‌اند بشارت می‌دهند که هیچگونه ترس و اندوهی نخواهند داشت.

● عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: فِي حُجُرَاتِ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ مِنْ طَعَامِهَا وَيَشْرَبُونَ مِنْ شَرَابِهَا وَيَقُولُونَ رَبَّنَا اقِمْ السَّاعَةَ. ۱

ابی بصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ارواح مؤمنین پرسش نمودم در پاسخ فرمود: در حجره‌های بهشت مستقرند ، از غذای بهشتی می‌خورند ، از مایع بهشتی می‌نوشند و از خدا می‌خواهند هرچه زودتر قیامت را بر پا کند تا به پاداشهای نهائی خود نائل گردند.

قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَمَّا اشْتَدَّ الْأَمْرُ بِالْحُسَيْنِ (ع) نَظَرَ إِلَيْهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ وَكَانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَعْضُ مَنْ مَعَهُ مِنْ خَصَائِصِهِ تَشْرِقُ أَلْوَانُهُمْ وَتَهْدَأُ جَوَارِحُهُمْ وَتَسْكُنُ نَفُوسُهُمْ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ انْظُرُوا لَا يُبَالِي بِالْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ الْحُسَيْنُ (ع) صَبْرًا بَنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ يَغْبُرُ بِكُمْ عَنْ النَّبُؤَسِ وَالضَّرَاءِ إِلَى الْجَنَانِ الْوَاسِعَةِ وَالنَّعِيمِ الدَّائِمَةِ .^۱

● حضرت سجاد علیه السلام فرموده : روز عاشورا موقعیکه آتش جنگ زبانه کشید و کار زد و خورد شدت یافت آنانکه با حسین علیه السلام بودند متوجه آنحضرت شدند و مشاهده کردند که امام و بعضی از خواص آنحضرت رخساری فروزان، بدنی آرام و روحی مطمئن دارند، به یکدیگر گفتند ببینید که چگونه حضرت حسین (ع) در مقابل مرگ، بی بالک است. در این موقع حسین علیه السلام باران خود را مخاطب ساخت و فرمود : ای شریف زادگان، صابر و مقاوم باشید چه مرگ چیزی جز پل ارتباط نیست که شمارا از محیط شدائد و ملالت بار دنیا به بهشت پهناور و نعمتهای ابدی منتقل میکند .

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيُشَفَّعُونَ ، الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ .^۲

● پیغمبر اکرم فرمود : سه گروه در پیشگاه الهی شفاعت میکنند و مورد قبول واقع میشود ، پیامبران ، پس از آن علماء ، و سپس شهداء .

نفس شیطانی

مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بِقَوْمٍ فِيهِمْ رَجُلٌ يَرْفَعُ حَجَرًا يُقَالُ لَهُ حَجَرُ الْأَشِدَاءِ وَهُمْ يَعْجَبُونَ مِنْهُ . فَقَالَ مَا هَذَا؟ قَالُوا رَجُلٌ يَرْفَعُ حَجَرًا يُقَالُ لَهُ حَجَرُ الْأَشِدَاءِ . قَالَ أَفَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ؟ رَجُلٌ مِثْلُ رَجُلٍ فَحَكَّمْ عَنْهُ فغَلَبَ نَفْسَهُ وَغَلَبَ شَيْطَانَهُ وَشَيْطَانُ صَاحِبِهِ .^۱

● رسول اکرم (ص) گذر کرد بر جمعیتی که بین آنها مرد پر قدرت و نیرومندی بود که سنگ بزرگی را از زمین بر میداشت و مردم آنرا سنگ زورمندان یعنی وزنه قهرمانان می نامیدند و همه از عمل آن ورزشکار قوی در شگفتی بودند . رسول اکرم پرسید این اجتماع برای چیست ؟ مردم عمل وزنه برداری آن قهرمانرا بغرض رساندند . فرمود آیا شما نگویم قویتر از این مرد کیست ؟ قویتر از او کسی است که بوی دشنام گویند و تحمل نماید و بر نفس سرکش و انتقامجوی خود غلبه کند و بر شیطان خویش و شیطان دشنام گو پیروز گردد .

وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَلَهُ شَيْطَانٌ ، قَالُوا وَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ وَ أَنَا إِلَّا أَنَّ اللَّهَ

عَزَّوَجَلَّ اَعَانَنِي عَلَيْهِ فَاَسْلَمَ ، فَلَا يَأْمُرُنِي اِلَّا بِخَيْرٍ .^۱
● رسول اکرم (ص) بمردم فرمود : هیچ یک از شما نیست مگر آنکه در باطن خود شیطانی دارد ، عرض کردند یا رسول الله آیا برای شما هم شیطانی است ؟ فرمود بلی ، برای من هم ، جز آنکه خداوند مرایاری کرده و شیطانم تسلیم من شده است و غیر از نیکی و خیر از من خواهشی نمیکند .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اَشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده است : نیرومند ترین مردم کسانی هستند که بر تمایلات نفسانی خود پیروز شوند و آنها را مطیع و مسخر منطق عقل خویشان سازند .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِنْ اَفْضَلَ الْجِهَادِ مُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : بهترین و بزرگترین جنگ و مبارزه اینست که آدمی با نفس سرکش خود پیکار نماید .

۱ - محجة البيضاء ، ص ۱۹

۲ - مستدرک ۲ ، ص ۳۴۵

۳ - غررالحکم ، ص ۲۲۰

شیطان صفتها !

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ.

● منافقین دو رنگ، وقتی با پیروان حقیقی اسلام روبرو میشدند اظهار ایمان میکردند، موقعی که با رفقای شیطان صفت خویش خلوت مینمودند میگفتند روح ما با شما است و مقصود از اظهار مسلمانی، تمسخر مؤمنین است.

منافقین که در آتش عقده حقارت میسوختند برای جبران شکستهای درونی خود باید انتقام بگیرند. وقتی از کشتن پیشوای اسلام و درهم شکستن نیروی مسلمین مأیوس شدند بوسائل دیگری دست زدند، نیش زدن و زهر ریختن، مسخره کردن و اهانت نمودن، یکی از وسائل انتقامجویی است. منافقین تا جائیکه توانستند، آشکارا مسلمین را بیاد مسخره گرفتند. در مواقعی که حضوراً جرأت تمسخر نداشتند در پنهانی، موقعی که گردهم جمع میشدند برای قانع کردن خود و جبران شکستها و رسوائیهای خویش، میگفتند ما مسلمین را مسخره میکنیم.

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نِفَاقُ الْمَرْءِ مِنْ ذُلٍّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ.

● علی (ع) میفرمود: دو روئی و نفاق آدمی ناشی از حقارت و ذلتی است که در ضمیر خود، احساس میکند.

عملهای شیطانی؟

إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا. ۱

● بی گمان نجوی، از عمل شیطان است و انگیزه اش در این کار ناروا آنست که مؤمنین را متأثر و اندوهگین سازد.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ. ۲

● شیطان قصد دارد بوسیله شراب و قمار روابط شما را با یکدیگر تیره کند و بین شماها دشمنی و کینه برانگیزد.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا مَعَ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ فَنَظَرَ إِلَى شَابٍ ذِي جَلَدٍ وَقُوَّةٍ وَقَدْ بَكَرَ يَسْعَى. فَقَالُوا وَيَسَّعَ هَذَا لَوْ كَانَ شَبَابُهُ وَجَلَدُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تَقُولُوا هَذَا فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ يَسْعَى عَلَى نَفْسِهِ لِيَكْفِيَهَا عَنِ الْمَسْئَلَةِ وَيُغْنِيَهَا عَنِ النَّاسِ فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ يَسْعَى عَلَى أَبْوَيْنِ ضَعِيفَيْنِ أَوْ ذُرِّيَّةٍ ضِعَافٍ لِيُغْنِيَهُمْ وَيَكْفِيَهُمْ فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَإِنْ كَانَ يَسْعَى تَفَاخُرًا وَتَكَاثُرًا فَهُوَ فِي سَبِيلِ الشَّيْطَانِ. ۱

۱- سوره ۵۸، آیه ۱۰

۲- سوره ۵، آیه ۹۱

● روزی رسول اکرم (ص) با جمعی از صحابه خود نشسته بود . جوان نیرومند و چابکی را دید که از اوّل صبح ، مشغول سعی و عمل است . اطرافیان آنحضرت از کار او اظهار تأسف کردند و گفتند کاش این مرد ، نیرومندی و جوانی خود را در راه خدا بکار میانداخت . پیغمبر (ص) فرمود : این سخن را نگویند ، چه اگر او برای تأمین زندگی خود کوشش میکند تاخویشتن را از ذلت سؤال نگاهدارد و از مردم بی نیاز باشد ، با این عمل براه خدا میرود . اگر سعی و کوشش برای والدین ضعیف و کودکان ناتوان است که زندگی آنانرا اداره کند و بی نیازشان نماید باز هم در راه خدا قدم برمیدارد ، ولی اگر کار میکند تا مال بیشتری جمع کند و بمردم بی بضاعت فخر و مباهات نماید ، فکرش ناپاک و پلید است و راه شیطان را می پیماید .

صدقه گوارا

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِسْمَاعُ الْأَصَمُ مِنْ غَيْرِ
تَضَجَّرَ صَدَقَةً هَنِيئَةً .^۱

● حضرت صادق (ع) فرمود : شواهدن سخن ، بدون ملال و دلتنگی
بکسی که گوشش سنگین است صدقه گوارائی است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : مَنْ فُظِرَ إِلَى ذِي عَاهَةٍ
أَوْ مَنْ قَدْ مُثِّلَ بِهِ أَوْ صَاحِبِ بَلَاءٍ فَلْيَقُلْ سِرّاً فِي نَفْسِهِ
مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْمِعَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي .^۲

● هر کس که با مردم دردمند یا ناقص یا گرفتار بلا برخورد میکند
آهسته و بدون آنکه مرد گرفتار بشنود ، باخود بگوید خدا را شکر که
مرا از عیوب و نقائص حفظ کرده است .

کسی که یک چشمش کور است ، کسی که بینیش را مرض
جذام خورده است ، در باطن ناراحت است و در خود ، احساس حقارت
میکند . اگر کسی با نظر عمیق و طولانی ، عضو معیوب او را نگاه کند
قطعاً ناراحتیش تشدید میشود و بر احساس حقارتش میافزاید . همچنین
آنکس که بر اثر سنگینی گوش ، سخن را بسختی میشنود از وضع خود

متأثر است و درخویشتن احساس حقارت میکند . اگر گوینده‌ای با قیافه گرفته و نفرت آمیز با او سخن بگوید بیشتر ناراحت میشود ولی موقعی که سخنگویی با قیافه باز و متبسم ، بصدای بلند با او صحبت میکند و از سنگینی گوش او ، ابراز انزجار و ناراحتی ننماید قطعاً در روان او اثر مطلوبی میگذارد یا لاقلاً تأثیرش تشدید نمیشود .

امام صادق (ع) این عمل را صدقه گوارا معرفی فرموده است .

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَالْمَجْدُومِينَ فَإِنَّهُ يَحْزَنُ لَهُمْ .

● رسول اکرم میفرمود : مردم پلا زده و جذامی ، چشم خود را ندوزید و نگاه طولانی نکنید که باعث ملال و آزرده گی آنان میشود .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَنْظُرُوا إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزَنُ لَهُمْ .

● امام صادق علیه السلام میفرمود : مردم گرفتار پلا را هدف نگاه خود قرار ندهید زیرا نگاه شما آنها را غصه دار و محزون میکند .

هدایا و تحف

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى نُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ

۲۰۱ - بحار جلد ۱۶ صفحه ۱۲۲ - ۱۲۳

صدقه : صدقات جاریه

صَدَقَهُ إِلَى قَوْمٍ مَعَاوِجَ وَلَيَبْدَأَ بِالْأَنَافِ قَبْلَ الذُّكُورِ
فَإِنَّهُ مَنْ فَرَّحَ ابْنَتَهُ فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ
إِسْمَاعِيلَ وَمَنْ أَقْرَبَ عَيْنَ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
وَمَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ أَدْخَلَهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ .^۱

● ابن عباس از رسول اکرم نقل کرده است که فرمود : کسی که
تعفه ای بخرد و برای خانواده خود بیاورد ، اجر او در پیشگاه الهی
مانند کسی است که به مستمندان کمک کرده باشد . سپس در طرز تقسیم
تعفه فرمود : اول بدختر بچه ها بدهید سپس پسر ها ، آنکس که
دختر بچه خود را مسرور نماید اجر آزاد کردن بنده ای از فرزندان
اسماعیل دارد و آنکس که دیده پسر بچه خود را روشن کند مانند کسی
است که از خوف خداوند گریسته باشد و اجر گریه از خوف خداوند ،
جنان نعيم است .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : أَرْضَاكُمْ
عِنْدَ اللَّهِ أَوْ سَعُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ .^۲

● حضرت سجاد (ع) میفرمود : آنکس که بیشتر بر عیالات خود
توسعه دهد بیشتر مورد خشنودی خداوند بزرگ است .

صدقات جاریه

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سَبْعَةٌ

۱ - مکارم الاخلاق صفحه ۱۱۴

۲ - وسائل جلد ۵ صفحه ۱۳۲

أَسْبَابُ يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ ثَوَابُهَا بَعْدَ وَقَاتِهِ رَجُلٌ غَرَسَ نَخْلًا أَوْ
حَفَرَ بَيْشْرًا أَوْ أَجْرَى نَهْرًا أَوْ بَنَى مَسْجِدًا أَوْ كَتَبَ مُصْحَفًا أَوْ
وَرَّثَ عِلْمًا أَوْ خَلَّفَ وَلَدًا صَالِحًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ وَقَاتِهِ^۱.

● ابن عباس می گوید رسول اکرم (ص) فرمود: هفت عامل است که
اگر شخص یکی از آنها را بجای گذارده باشد. پس از مرگ، ثوابش در پرونده
عمل وی ثبت می گردد. کسی که درخت مثمری غرس نماید، چاهی حفر
کند، قناتی را جاری سازد، مسجدی را بنیان نهد. قرآنی بنویسد. علمی
از خود بجای بگذارد و فرزند صالحی تربیت کند که برای او استغفار نماید.

إِنَّ سَعْدَ بْنَ عِبَادَةَ قَالَ: إِنَّ بَكْرًا الْحَابِثِيَّ سَاعِدَةَ تُوْفِّيَتْ أُمُّهُ
وَهُوَ غَائِبٌ عَنْهَا فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أُمِّي تُوْفِّيَتْ وَأَنَا غَائِبٌ
عَنْهَا فَهَلْ يَنْفَعُهَا إِنْ تَصَدَّقْتُ بِشَيْءٍ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ قَالَ: فَإِنِّي
أُشْهِدُكَ أَنَّ حَائِطَ الْمَخْرَفِ صَدَقَةٌ عَلَيْهَا^۲.

● سعد بن عباد می گوید: یکی از افراد بنی ساعده در سفر بود که مادرش
از دنیا رفت. به رسول اکرم (ص) عرض کرد در غیاب من، مادرم از دنیا
رفته اگر من برای او چیزی صدقه بدهم نفعش عاید وی می گردد. فرمود.
بلی. گفت: من شما را به شهادت می گیرم که محوطه درخت خرمایم را که
به ثمر نشسته برای او صدقه قرار دادم.

۱- مجموعه ورام، جلد ۲، صفحه ۱۱۰

۲- المجالس الفاعرة، تألیف سید شرف الدین، صفحه ۱۱

قطع رحم و صله

قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ بَنِيهِ : يَا بُنَيَّ أَنْظِرْ خَمْسَةَ فَلَا تُصَاحِبْهُمْ وَلَا تُحَادِثْهُمْ وَلَا تُرَافِقْهُمْ فِي طَرِيقٍ . فَقَالَ يَا أَبَتِ مَنْ هُمْ ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْتَاكَ وَمُصَاحِبَتُهُ السَّكَدُ ابِفَانَّهُ بِمَنْزِلَةِ السَّرَابِ يُقَرَّبُ لَكَ الْبَعِيدَ وَيُبْعَدُ لَكَ الْقَرِيبَ ، وَأَيْتَاكَ وَمُصَاحِبَتُهُ الْفَاسِقُ فَإِنَّهُ بَايِعُكَ بِأَكَلَةٍ أَوْ أَقْلٍ مِنْ ذَلِكَ ، وَأَيْتَاكَ وَمُصَاحِبَتُهُ الْبَخِيلُ فَإِنَّهُ يَتَّخِذُ لَكَ فِي مَالِهِ أَحْجُوجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ ، وَأَيْتَاكَ وَمُصَاحِبَتُهُ الْإِحْمَقُ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْتَفِعَ بِكَ فَيَفْضُرُكَ ، وَأَيْتَاكَ وَمُصَاحِبَتُهُ الْقَاطِعُ لِرَحِمِهِ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مُلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ .^۱

● حضرت علی بن الحسین، علیه السلام بعضی از فرزندان خود را مخاطب ساخت و فرمود : فرزند عزیز متوجه پنج گروه باش که با آنان مجالست نکنی ، هم کلام نشوی ، و در مسافرت با آنها رفاقت ننمائی . عرض کرد پدر جان آنان کیانند ؟ حضرت سجّاد (ع) فرمود : از مجالست دروغ ساز پرهیز کن چه او مانند سرابی است که مطالب را برخلاف واقع نشان میدهد . دور را در نظرت نزدیک و نزدیک را دور جلوه میدهد ، از رفاقت با گناهکار و لاابالی اجتناب کن زیرا او تو را

به بهای یک لقمه یا کمتر از آن میفروشد ، از رفاقت بخیل پرهیز نما که او در ضروری ترین مواقع احتیاج ، تو را یاری نخواهد کرد ، از رفاقت با احمق اجتناب کن که او نفع را اراده میکند و از نادانی بتوضیر میزند ، از مصاحبت کسیکه قطع رحم کرده است پرهیز که در کتاب آسمانی مورد لعن و نفرین قرار گرفته است .

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَةً مِنْ فَاسِقٍ فَقَدْ قَطَعَ رَحِمَهَا .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده : آنکس که دختر خود را به ازدواج مرد فاسق درآورد باین عمل از وی قطع رحم نموده است .

مرکز تحقیقات علوم دینی

قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ تَزَوَّجَ لِلَّهِ وَلِصِلَةِ الرَّحِمِ تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمُلْكِ .^۲

● حضرت سجاد علیه السلام فرموده : کسیکه برای خدا و بقصد صله رحم ازدواج نماید پروردگار جهان او را به تاج بزرگی و عظمت ، مفتخر و سرفراز خواهد ساخت .

۱- صحیح البیضاء ، جلد ۳ ، صفحه ۹۴

۲- وسائل ، کتاب نکاح ، باب استحباب تزویج المرأة لدينها وصلاحتها..، صفحه ۵

تضاد و نظم جهان

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ضَادُّ النُّورِ بِالظُّلْمَةِ وَالْوُضُوحَ بِالبُّهْمَةِ وَالْجُمُودَ بِالْبَلَلِ وَالْحَرُورَ بِالصَّرْدِ مُؤَلَّفٌ بَيْنَ مُتَعَادِيَاتِهَا، مُقَارِنٌ بَيْنَ مُتَبَايِنَاتِهَا، مُقَرَّبٌ بَيْنَ مُتَبَاعِدَاتِهَا، مُفَرَّقٌ بَيْنَ مُتَدَانِيَاتِهَا.^۱

● علی علیه السلام فرموده: این خداوند است که نور را ضد ظلمت و آشکارا را ضد پنهان و خشکی را ضد رطوبت و گرمی را ضد سردی قرار داده است. او است که بین اضداد همبستگی بوجود آورده و بین ناسازگارها تقارن ایجاد کرده است، دورها را بهم نزدیک و نزدیکها را از هم دور ساخته است.

اگر تضاد گرسنگی و حیات نمی بود بشر برای بدست آوردن غذا این اندازه تلاش و کوشش نمی کرد و کشاورزی تا این پایه پیشرفت علمی نمی نمود. اگر تضاد سلامت و بیماری نمی بود بشر اینقدر در شناخت خواص مواد طبیعی و گیاهی تحقیق نمی کرد و تا این درجه در علم شیمی و ساخت ترکیبات شیمیائی پیروزی بدست نمی آورد. اگر تضاد تاریکی و فعالیت های زندگی نمی بود بشر به راز حیرت زای نیروی برق پی نمی برد و دنیای تاریک خود را این چنین روشن نمی ساخت. اگر تضاد افکار دانشمندان

در مباحث علمی نمی‌بود و گروهی نظریه‌های علمی گروه دیگر را مورد نقد و رد قرار نمیداد هرگز دانش بشر این اندازه گسترش نمییافت و علم انسان به این پایه رفیع نمیرسید . اگر تضاد غرائز حیوانی و کشش‌های وجدان اخلاقی نمی‌بود مردان با اراده که بر هوای نفس خود حاکم باشند پرورش نمییافتند و بمقام شامخ تقوی و مکارم اخلاق نائل نمی‌آمدند .

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اسْتَصْلَحَ الْأَضْدَادَ بَلَغَ الْمُرَادَ .^۱
● علی علیه السلام فرموده است : کسیکه بر اضداد غلبه کند و آنها را با هم سازگار نماید بمراد خویش نائل میگردد :

پروردگار توانا با اراده حکیمانه خود بین نیروهای متضاد جهان، تعادل و موازنه ایجاد کرده است و موجودات متخالف عالم را با هم هم‌آهنگ ساخته و مکمل یکدیگر قرار داده است و در پرتو آن به جهان با عظمت سازمان بخشیده و نظام حکیمانه آنرا استوار ساخته است :

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَأَقَامَ مِنَ الْأَشْيَاءِ أَوْدَهَا وَنَهَجَ حَدُودَهَا وَلَاءَ بِقُدْرَتِهِ بَيْنَ مُتَضَادِّهَا وَوَصَلَ أَسْبَابَ قَرَائِنِهَا .^۲

● علی علیه السلام فرموده : خداوند اعوجاج و کجی اشیاء را راست گردانید و حدودشان را واضح و روشن ساخت و بقدرت خود بین موجودات متضاد ، سازگاری و التیام بوجود آورد و موجبات پیوستگی و تقارنشان را فراهم ساخت .

رازهای درونی

گاهی از آتشی که زیر خاکستر است جرقه ای خارج میشود و میفهماند که در دل خاکستر آتشی پنهانست . کلمات بیخودی و حرکات غیر ارادی بمنزله جرقه ایست که از آتش پنهانی دل گوینده جهیده است و میتوان از آن کلمه بضمیر باطن وی پی برد .

حضرت علی بن ابیطالب (ع) در کمال وضوح باین امر روانی تصریح فرموده است : *مرکز تحقیقات علوم دینی*

مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَصَفَحَاتِ وَجْهِهِ .^۱
● هیچکس در ضمیر باطن خود رازی را پنهان نمیکند مگر آنکه از حرفهای بیخودی او و رنگ چهره اش آشکار میشود . فلتات کلام در لغت، سخنانی است که بدون فکر و رویه از دهان خارج میشود .

در کتب مذهبی اخبار دیگری نیز در این باره آمده است . گرچه در آن اخبار بسفغان بیخودی تصریح نشده است ، ولی از آنها نیز میتوان این مطلب را استفاده کرد :

إِنْ أَحْبَبْتَ سَلَامَةَ نَفْسِكَ وَسَتَرَ مَعَايِبِكَ فَأَقْلِلْ كَلَامَكَ
وَأَكْثِرْ صَمْتَكَ .^۲

۲- غرر الحکم صفحه ۲۷۴

۱- نهج البلاغه ملافتح الله صفحه ۱۸۵

● اگر مائلی سالم باشی و عیوبت مستور بماند کم حرف بزن و بیشتر ساکت باش . آدمی هرگز از روی اراده و اختیار عیوب باطنی خود را آشکار نمیکند ، ولی وقتی زیاد سخن بگوید از حرفهای بیخودی و غیر ارادیش راز او فاش و عیوبش آشکار میگردد .

قِلَّةُ الْكَلَامِ تَسْتُرُ الْعَوَارِ وَ تُؤْمِنُ الْعِثَارَ .
● کم سخن گفتن ننگها را میپوشاند و آدمی را از لغزش حفظ میکند .

حضرت امام جواد (ع) از جدش حدیث کرده است که فرمود :
الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ .
● آدمی در زیر زبان خود پنهانست یعنی زبان میتواند با اراده یا بی اراده راز آدمی را فاش کند و سرّ نهان را آشکار نماید .

علی (ع) فرمود :
إِيَّاكَ وَ فَضُولَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يُظْهِرُ مِنْ عِيُوبِكَ مَا بَطَّنَ
وَ يُحَرِّكَ عَلَيْكَ مِنْ أَعْدَائِكَ مَا سَكَنَ .
● از گفتارهای غیر ضروری پرهیز کن زیرا آن سخنان عیوب باطنی تو را آشکار میکند و دشمنان آرام را بر ضدّ تو تهییج مینماید .

۱- غررالحکم صفحه ۵۳۷ ۲- بحار جلد ۱۷ صفحه ۱۰۱

۳- غررالحکم صفحه ۱۰۵

معنی "سر" و اخفی

قرآن شریف چهارده قرن قبل در مقام بیان احاطه علمی خداوند با دو کلمه «سر» و «اخفی» باین تفاوت دقیق روانی اشاره کرده و امام صادق علیه السلام در تفسیر آن آیه این تفاوت را در کمال صراحت بیان فرموده است:

السِّرُّ مَا كَتَمْتَهُ فِي نَفْسِكَ وَ اخْفَى مَا خَطَرَ بِبَالِكَ ثُمَّ اُنْسِيتَهُ^۱.

● سر آنچه پنهانی است که با اختیار خود در ضمیرت پنهان نگاه میداری و اخفی آنچه پنهانی است که زمانی در خاطرت خطور کرده و سپس آنرا فراموش کرده ای.

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

قصه معروف بوعلی سینا و بیمار عشق - بوعلی بر بالین بیماری آمد که در ضمیر پنهان عشق سوزانی داشت و نمیتوانست بزبان بیاورد. نبض او را در دست گرفت و کسیکه نامهای محلات شهر را میدانست یک یک آنها را بزبان آورد. چون بنام یکی از محلات رسید نبض بیمار حرکت شدیدی کرد. بوعلی دستور داد کوچه های این محل را نام ببرند. نام یکی از کوچه ها نیز نبض مریض را به سختی حرکت داد. خلاصه نام خانه های آن کوچه و نام اشخاص آن خانه را بردند تا نام دختری را بر زبان آوردند، نبض حرکت شدیدی کرد. بوعلی گفت این بیمار بدختری که در فلان منزل است دل بسته و عاشق است. بوعلی سینا از راه حرکات نبض به عشق پنهانی که در ضمیر مخفی مریض بود واقف شد.^۲

۱- معانی الاخبار، صفحه ۱۴۳ - ۲- اقتضای دهنده «ابوعلی» صفحه ۶۴۴

احیاء فطریات

(نعمتهای فراموش شده)

یکی از وظائف بزرگ پیامبران الهی بیدار کردن فطریات بشر و بکار انداختن سرمایه های الهاسی انسانست . علی (ع) در این باره فرموده است :

فَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَآلَيْهِمْ أَنْبِيَائَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجِّجُوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِغِ وَيُشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ .^۱

● خداوند پیامبران خود را برانگیخت و پیاپی بین مردم فرستاد تا بشر را باداء پیمان فطرت وادارند و نعمتهای فراموش شده خدا را یادآوری کنند و بافعالیه های تبلیغی خود نیروهای نهفته عقل مردم را برانگیخته و بکار اندازند .

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا . وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا .^۲

● ترجمه : همه شما رشته دین خدا را بدست گیرید و پراکنده نشوید . بیاد بیاورید نعمت الهی را که موقعی با هم دشمن بودید و پروردگاردل های شما را بهم مهربان نمود و بلطف او برادر دینی یکدیگر شدید ، در پرتگاه آتش اختلاف و نفاق قرار داشتید و خداوند شما را از آن خطر نجات داد .

۱- نهج البلاغه ملافتح الله صفحه ۳۷

۲- سوره ۳ ، آیه ۱۰۳

۹۷ . طبیب

[الطَّبِيبُ]

پزشک آگاه و امین

امام صادق (ع) فرموده است :

لَا يَسْتَفْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةٍ يَفْزَعُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا :
فَقِيهٌ عَالِمٌ وَرِعٌ ، وَآمِيرٌ خَيْرٌ مُطَاعٌ ، وَطَبِيبٌ بَصِيرٌ
ثِقَةٌ .^۱

● اهالی هیچ بلد از سه طبقه ، در راه تأمین امور دنیا و دین خود
ببیناژ نیستند ، هر جا که مردم ، فاقد این سه طبقه باشند زندگی آنان
زندگی حشرات و حیوانات است نه زندگی انسان : اول فقیهی که
دارای علم و تقوی باشد، دوم زمامداری که خیرخواه و فرمانروا باشد،
سوم طبیبی که در کار خود بصیر و مورد اعتماد مردم باشد . در این
حدیث امام صادق علیه السلام طبیب را یکی از ارکان مدنیت
و از پایه های زندگی انسانی معرفی فرموده است . در باره مراجعه بطیب
علی علیه السلام فرموده است :

مَنْ كَتَمَ الْأَطِبَّاءَ مَرَضَهُ خَانَ بَدَنَهُ .^۲

● کسی که ناخوشی خود را از پزشکان پنهان کند بدن خود خیانت
کرده است . در باره طب و درمان مرضی روایات بسیاری است .

۱- تحف العقول صفحه ۳۲۱

۲ - غرر الحکم صفحه ۶۶۲

خوراکیها و غذا

سوید این غفله روزی بعد از ظهر موقع صرف غذا حضور علی (ع) شرفیاب شد . گفت دیدم حضرت کنار سفره نشسته .

وَفِي بَدَنِهِ رَغِيفٌ أَرَى قُشَارَ الشَّعِيرِ فِي وَجْهِهِ .

● و نان خشکی در دست آن حضرت است که سبوسهای جو در آن آشکار بود . نزد خدمتگزار آن حضرت رفت و گفت :

يَا فِضَّةُ أَلَا تَتَّقِينَ اللَّهَ فِي هَذَا الشَّيْخِ ؟ أَلَا تَنْخُلُونَ لَهُ طَعَامًا مِمَّا أَرَى مَا فِيهِ مِنَ الْخَالَةِ ؟ فَقَالَتْ لَقَدْ تَقَدَّمْ إِلَيْنَا أَنْ لَا تُنْخَلَ لَهُ طَعَامًا .

چرا مراعات حال این پیرسرد را نمیکنید ؟ چرا نان از آرد الک نکرده باو میدهید که این اندازه سبوس دارد ؟ فضا گفت خود آنحضرت دستور داده که ناننش از آرد الک نکرده باشد . سوید مجدداً حضور حضرت آمد ، قصه خود را بافضیه بعرض رساند . معلوم شد که علی (ع) این روش را از نبی اکرم (ص) فرا گرفته است و فرمود :

بِأَيِّ وَ أُمِّي مَنْ لَمْ يُنْخَلْ لَهُ طَعَامٌ .

● پدر و مادرم فدای رهبر بزرگ اسلام باد که ناننش از آرد الک نکرده بود .

طعام : خوراکیها و غذا

امام صادق (ع) در باره سلیمان پیغمبر میفرمود :

وَيَا كُلُّهُ هُوَ الشَّعِيرَ غَيْرَ مَنْخُولٍ .^۱

● نان حضرت سلیمان از آرد جو سبوس نگرفته بود .

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِرُونَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا (ع) فَدَعَا بِالْمَائِدَةِ فَلَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا بِقُلٌّ فَأَمْسَكَ يَدَهُ ثُمَّ قَالَ يَا غُلَامُ أَمَا عَلِمْتَ أَنِّي لَا أَكُلُ عَلَى مَائِدَةٍ لَيْسَ عَلَيْهَا خَضِرَاءُ فَأَتَتْ بِهَا . قَالَ : فَذَهَبَ وَآتَنِي بِالْبَقْلِ فَقَدْ يَدَهُ فَأَكَلَ وَأَكَلْتُ مَعَهُ .
● احمد بن ابی هرون میگوید حضور علی بن موسی الرضا شرفیاب شدم .

حضرت دستور غذا داد . سفره گسترده و غذا آوردند ولی در سفره سبزی تازه نبود . حضرت غذا نخورد ، بخادم خود فرمود مگر نمیدانی من از سفره ای که در آن سبزی نباشد غذا نمیخورم ، برو سبزی بیاور . خادم رفت و سبزی آورد ، حضرت غذا میل فرمود و من نیز خوردم .

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَكْرَمُوا الْخُبْزَ فَإِنَّهُ قَدْ عَمِلَ فِيهِ مَا بَيْنَ الْعَرْشِ إِلَى الْأَرْضِ وَمَا فِيهَا مِنْ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرمود : نان را که فراورده کشاورزی است عزیز دارید چه آنکه عوامل سماوی و ارضی و بسیاری از آفریده های الهی در ایجاد آن مؤثر بوده اند .

۱- مستدرک جلد ۳ صفحه ۱۰۳

۲- کافی ۶ ، صفحه ۲۰۲

۳- مکارم الاخلاق صفحه ۹۰

بهداشت غذا

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : مَنْ أَكَلَ الطَّعَامَ عَلَى النَّقَاءِ
وَأَجَادَ الطَّعَامَ تَمَضُّغًا وَتَرَكَ الطَّعَامَ وَهُوَ يَشْتَهيه وَلَمْ يَحْبِسِ
الغَائِطَ إِذَا أَتَى لَمْ يَمْرَضِ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ^۱.

● علی علیه السلام فرموده: کسیکه در خوردن غذا پاکیزگی را مراعات
میکند، غذا را بخوبی می جوید، با داشتن اشتها از طعام دست میکشد، و تخلیه
روده را موقعیکه آماده میشود به تعویق نمی اندازد، شایسته است همیشه
سالم باشد و جز بمرض موت دچار بیماری دیگری نشود.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ غَرَسَ فِي نَفْسِهِ مَحَبَّةَ أَنْوَاعِ
الطَّعَامِ اجْتَنَى أَيْمَارَ فُتُونٍ إِلَّا سَقَامَ^۲.

● و نیز فرموده است: آنکس که محبت انواع مختلف غذاها را در دل
می نشاند، میوه های گوناگون بیماریها را از آن می چیند.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَلِيلَةُ الْأَكْلِ يَمْنَعُ كَثِيرًا مِنْ أَعْلَالِ
النَّجَسِ^۳.

● و نیز فرموده است: کمتر خوردن مانع بسیاری از بیماریهای جسم
میشود.

۱ - مکارم الاخلاق، صفحه ۷۶

۲ - فهرست غرر، صفحه ۱۴

۳ - فهرست غرر، صفحه های ۱۳ و ۱۴

پیروزی و تجربه

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الظَّفَرُ بِالْحَزَمِ وَالْحَزَمُ بِالتَّجَارِبِ.^۱
● علی علیه السلام فرموده : پیروزی و غلبه در پرتو حزم و احتیاط است و احتیاط کاری به آزمودگی و تجارب بستگی دارد .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : عَلَيْكَ بِمُجَالَسَةِ أَصْحَابِ
التَّجَارِبِ فَإِنَّهَا تُقَوِّمُ عَلَيْهِمْ بِأَغْلَى الْغَلَاءِ وَتَأْخُذُهَا مِنْهُمْ
بِأَرْخَصِ الرُّخْصِ.^۲

● علی علیه السلام فرموده است : با مردان آزموده و صاحب تجارب
همنشین باش ، چه اینان متاع پرارج تجربه های خود را به گرانترین بها یعنی
فدا کردن عمر خود تهیه کرده اند و تو آن متاع گرانقدر را با ارزانترین قیمت
یعنی با صرف چند دقیقه وقت بدست میآوری .

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ كُنَّا لَا نَرْجُوا جَنَّةَ وَلَا
نَاراً وَلَا ثَوَاباً وَلَا عِقَاباً لَكَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَطَالِبَ بِمَكَارِمِ

۱ - فهرست غرر ، صفحه ۴۱

۲ - شرح ابن ابی الحدید ، جلد ۲۰ ، صفحه ۲۳۵ ، کلمه ۸۴۶

الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَى سَبِيلِ النِّجَاحِ ١.

● علی علیه السلام میفرماید : اگر بفرض ، ما به بهشت و دوزخ امید می‌داشتیم باز هم شایسته ما بود که در طلب مکارم اخلاق باشیم، چه آنکه سجایای اخلاقی از وسائل دلالت ما بر راههای کامیابی و پیروزی است .

شکست و غلبه

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنْ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَاعْجَزَ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفِيرَ بِهِ مِنْهُمْ ٢.

● علی علیه السلام فرمود : ناتوانترین مردم کسی است که از دوست یابی عاجز باشد و از او ناتوانتر کسی است که دوست بکف آورده خود را از دست بدهد .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اخْتَرِ أَنْ تَكُونَ مَغْلُوبًا وَأَنْتَ مُنْصِفٌ وَلَا تَخْتَرِ أَنْ تَكُونَ غَالِبًا وَأَنْتَ ظَالِمٌ ٣.

● علی علیه السلام فرموده : به شکست و مغلوبیتی که بر وفق انصاف و عدالت است تن در ده و آنرا برای خود برگزین و از پیروزی و غلبه‌ای که دامت را به ظلم و ستم لکه‌دار میکند اجتناب کن و خواهان آن مباش .

١ - آداب النفس ، جلد ١ ، صفحه ٢٦

٢ - نهج البلاغه ، کلمه ١١

٣ - شرح ابن ابی الحدید ، جلد ٢٠ ، صفحه ٢٥٨ ، کلمه ٣٧

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا ظَفِيرٌ مِّنْ ظَفِيرٍ بِأَلَا تَمِ وَالْغَالِبُ بِالشَّرِّ مَغْلُوبٌ.^۱

● و نیز فرموده است: پیروزی نیافته آنکس که باگناه و تجاوز پیروز شده است و کسیکه با شر و بدکاری قدرت بدست میآورد و غلبه میکند در حقیقت مغلوب است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِرَجُلَيْنِ تَخَاصَمَا بِحَضْرَتِي: أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَظْفِرْ بِخَيْرٍ مِّنْ ظَفِيرٍ بِالظُّلْمِ.^۲

● دو نفر به مخاصمه، شرفیاب محضر امام صادق علیه السلام شدند و هریک برای غلبه بر دیگری تلاش میکرد. امام علیه السلام فرمود: آنکس که با ظلم و ستم بر خصم خود غلبه میکند باید بداند که پیروزی خوب و شرافتمندانه ای بدست نیاورده است.

قَالَ رَجُلٌ لِّجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِنَّهُ وَقَعَ بَيْنِي وَبَيْنَ قَوْمٍ مُّنازَعَةٌ فِي أُمُورٍ وَأَنْتَ أُرِيدُ أَنْ أَتْرُكَهُ فَيُقَالُ لِي إِنْ تَرُكْتَهُ لَهُ ذُلٌّ فَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (ع): إِنْ الذَّلِيلَ هُوَ الظَّالِمُ.^۳

۱- مشکوة الانوار، صفحه ۳۲۵ ۲- تحف العقول، صفحه ۳۵۸

۳- بحار، جلد ۱۷، صفحه ۱۷۲

● مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد بین من و کسانی در پاره‌ای از امور ، کشمکش و نزاع در گرفته است ، من می‌خواهم از آن منازعه دست بردارم ولی اشخاصی از این کار منعم میکنند و میگویند ترك منازعه برای تو باعث خواری و ذلت خواهد شد . حضرت فرمود : ذلیل آن کسی است که ستم میکند ، یعنی اگر ترك نزاع بروفق حق و عدالت است اقدام کن و به گفته آنانکه مانع این کارند ترتیب اثر مده .

لِيَكَّ الدَّارُ الْآخِرَةَ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ
وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۱

● این خانه سعادت و بهشت آخرت را به کسانی اختصاص میدهیم که نمی‌خواهند در زمین سرکشی و بلندپروازی کنند و تفوق خود را به ناروا بردگران تحمیل نمایند و باعث فساد و تباهی شوند که رستگاری و حسن عاقبت مخصوص پرهیزکاران است .

۱۰۰ . عادت

[العادة]

روشهای آلوده

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ذَلَّلُوا أَنْفُسَكُمْ بِتَرْكِ الْعَادَاتِ وَ قُدُّوْهَا إِلَىٰ فِعْلِ الطَّاعَاتِ وَحَمَلُوا بِهَا أَعْيَاءَ الْمُغَارِمِ وَحَلُّوْهَا بِفِعْلِ الْمَكَارِمِ وَصُونُوهَا عَنْ دَنَسِ الْمَآثِمِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : نفس متجاوز و سرکش خویش را بترك عادات ناپسند خوار نمائید و بانجام اوامر الهی و ادراش سازید و بار غرامتهای تخلفش را بروی تحمیل نمائید، با ارتکاب مکارم اخلاق زینتش کنید و از پلیدیهای گناه مصونش دارید .

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمَرْءُ حَيْثُ وَضَعَ نَفْسَهُ بِرِيَاضَتِهِ وَطَاعَتِهِ فَإِنْ نَزَّهَهَا تَنَزَّهَتْ وَإِنْ دَنَسَهَا تَدَنَسَتْ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : خوب و بد اخلاق هر انسانی تابع روشی است که تربیت روح خود را بر آن قرار داده و در راه نیل بآن روش، مجاهده و از آن پیروی مینماید. اگر باروشهای صحیح جان خود را از پلیدی پاک کرده باشد پاک است و اگر آلوده نموده آلوده خواهد بود .

۱ - غرر الحکم ، صفحه ۴۰۷

۲ - فهرست غرر ، صفحه ۳۰۵

فِي الْمَخْبَرِ: اِلْزَمُوا التَّقْوَى وَاسْتَعِيدُوا^١.

● در حدیث آمده است که : همواره ملازم تقوی و پرهیزگاری باشید و خویشتن را به آن عادت دهید .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَوِّذُ نَفْسِكَ النَّصْبَرِ عَلَى الْمَكْرُوهِ^٢.

● علی علیه السلام در ضمن وصایای خود به حضرت معتبیه علیه السلام فرموده است : نفس خویش را به بردباری در مقابل ناملائمات عادت ده .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَادَةُ عَدُوٌّ مُتَمَلِّكَ^٣.

● علی علیه السلام فرموده : عادت بد ، دشمنی است که با قدرت بر صاحبش حکومت میکند .

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِزِ^٤.

● حضرت عسکری علیه السلام میفرماید : برگرداندن معتاد از عادتی که بدان خو گرفته مانند خرق عادت در طبیعت است .

١ - مجمع البحرین ، عود

٢ - نهج البلاغه ، نامه ٣١

٣ - غررالحکم ، صفحه ٣٣

٤ - بحار ١٧ ، صفحه ٢١٧

قالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَادَاتُ قَاهِرَاتٌ فَمَنْ أَعْتَادَ شَيْئًا فِي سِرِّهِ وَخَلَوَاتِهِ فَضَحَّهٗ فِي عِلَانِيَّتِهِ وَعِنْدَ الْمَسْلُوكِ .^۱

● حضرت حسن علیه السلام فرموده است : عادات ، در وجود آدمیان با قهر و غلبه حکومت میکنند. کسیکه در پنهانی به چیزی عادت کند آشکارا و در محضر مردم مفتضحش خواهد ساخت .

عادات اکتسابی

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَشْرُكْ فِي الْجَهْدِ فِي إِصْلَاحِ نَفْسِكَ فَإِنَّهُ لَا يُعِينُكَ عَلَيْهَا إِلَّا الْجِدُّ .^۲

● علی علیه السلام فرموده : هرگز از مجاهده و کوشش در اصلاح نفس خویش باز نایست زیرا چیزی جز سعی و کوشش تو را در این کار یاری نخواهد کرد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيُّهَا النَّاسُ تَوَلَّوْا مِنْ أَنْفُسِكُمْ تَأْدِيبَهَا وَاعْدِلُوا بِهَا عَنْ ضَرَاوَةِ عَادَاتِهَا .^۳

● و نیز فرموده است : ای مردم خودتان تأدیب نفس خویش را عهده دار شوید و از عادات ناپسندش بازگردانید .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَادَةُ طَبْعٌ ثَانٍ .^۴

علی علیه السلام فرموده است : عادات اکتسابی ، طبیعت دومی انسان است .

۳- نهج البلاغه، کلمه ۳۵۱

۱- مجموعه ورام ۲، صفحه ۱۱۳

۴- غررالحکم، صفحه ۲۶

۲- غررالحکم، صفحه ۸۱۸

۱۰۱ . عبادت

[العبادة]

بندگی و پرستش خدا

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۱

● ای انسانها پروردگار خود را بندگی و پرستش کنید. کسی که شمارا خلق کرده و همچنین پیشینیان شمارا آفریده است.

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا خَلَاصَ مِلاكُ الْعِبَادَةِ^۲.

● علی علیه السلام فرموده : قوام عبادت به خلوص نیت است.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّكَ لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْ عَمَلِكَ إِلَّا مَا اخْلَصْتَ فِيهِ^۳.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : أَعْظَمُ الْعِبَادَاتِ اجْتِرَاءُ اخْفَاها^۴.

● امام صادق علیه السلام از رسول اکرم (ص) روایت کرده است که فرمود : بزرگترین پاداش برای عباداتی است که پنهانی و در خفا انجام میشود.

۱ - سورة ۲، آیه ۲۱

۲ و ۳ - فهرست غرر، صفحه ۹۱ و ۹۲

۴ - قرب الاسناد صفحه ۶۴

عبادت : بندگی و پرستش خدا

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الرَّجُلُ يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّمَا يَطْلُبُ تَزَكِيَةَ النَّاسِ يَشْتَهِي أَنْ يُسَمَّعَ بِهِ النَّاسُ فَهَذَا الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ .^۱

● امام صادق علیه السلام فرمود : یکت فرد عبادتی را انجام میدهد ولی در آن عمل طالب رضای الهی نیست بلکه میخواهد مردم او را بپاکی و نیکی یاد کنند و دوست دارد کار خویش را بمردم بشنواند. چنین فردی با این طرز تفکر شرک بخدا دارد .

تذکرات این نکته لازم است که عبادت در مکتب آسمانی اسلام منحصر در انجام فرائض عبادی نیست بلکه این کلمه دارای معنی وسیعی است و اولیاء گرامی اسلام آنرا در شئون عقلی، فکری، اقتصادی و اجتماعی نیز بکار برده اند و برای نمونه به پاره ای از روایات اشاره میشود:

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيمَا أَوْصَى بِهِ الْحَسَنَ (ع) : لَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكُّرِ فِي صُنْعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ .^۲

● علی علیه السلام بفرزندش حضرت مجتبی (ع) فرموده: هیچ عبادتی همانند تفکر و مطالعه در مصنوعات الهی نیست .

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : يَا هِشَامُ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

۱ - سفینه ۱ ، (رای) ، صفحه ۱۹۹

۲ - سفینه ، فکر ، صفحه ۳۸۲

عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ.^۱

● حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بهشام فرمود: که حضرت علی علیه السلام میفرمود: خداوند به چیزی پرستش نشده است که برتر از پرستش عقل باشد.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْفِكْرُ.^۲

بالاتر از هر عبادتی بکار انداختن نیروی تفکر و تعقل است.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ.^۳

● امام باقر علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله حدیث کرده است که فرموده: عبادت هفتاد جزء است و از همه بهتر کسب روزی حلال است.

عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ عَنْ حِلِّهِ لِيَتَعَوَّدَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَعِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۴

● موسی بن بکر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام حدیث کرده که فرموده است: کسیکه از پی روزی حلال برود تا خود و خانواده خود را منتفع سازد اجر او در پیشگاه الهی مانند اجر سربازی است که در راه خدا جهاد میکند.

۱ - کافی ۱، صفحه ۱۸ ۲ - فهرست غرر، صفحه ۳۱۴

۳ - کافی ۵، صفحه ۷۸ ۴ - قرب الاسناد، صفحه ۱۴۶

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
اٰيٰتٍ لِّاُولِي الْاَلْبَابِ . الَّذِيْنَ يَذْكُرُوْنَ اِلٰهَ قِيٰمًا وَقُعُوْدًا
وَعَلٰى جُنُوْبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُوْنَ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا ۙ

● محققاً در آفرینش حکیمانه آسمانها و زمین و همچنین در رفت و آمد حساب شده روز و شب، آیات و دلائلی برای صاحبان عقل وجود دارد. آن خردمندان کسانی هستند که در حال ایستادن و نشستن و در حالیکه به پهلو دراز کشیده اند همواره بیاد خالق جهان و پدید آورنده کیهانند. بعظمت خلقت میاندیشند و در نظام حیرت‌زای آفرینش فکر میکنند. آنقدر جهان را منظم و حساب شده می‌بینند که در پیشگاه مقدس خالق، زبان می‌گشایند و می‌گویند: پروردگارا این کاخ با عظمت را بیهوده نیافریده‌ای.

عَنْ اَبِيْ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ
كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلٰوةِ وَاِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِيْ
اَمْرِ اللّٰهِ ۚ

● امام عسکری علیه السلام فرموده است : معیار بندگی و عبادت، بسیاری روزه و نماز یعنی صوم و صلوة مستحب نیست. بلکه عبادت، بسیاری تفکر در آفریده خداوند و تعقل در آیات حکیمانه پروردگار جهان است.

انگیزه‌های عبادت

عَنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الشُّجَارِ وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ .^۱

● حضرت حسین علیه السلام فرموده است: گروهی خداوند را بانگیزهٔ نیل به پاداش و دست یافتن به نعمت‌های نامحدودش بندگی میکنند، این قسم عبادت، شایستهٔ سوداگران سودجو است. بعضی خداوند را از ترس عذاب عظیمش می‌پرستند، این قسم عبادت نیز در خور بردگان زرخیر است. کسانی هستند که خداوند را بمنظور شکرگزاری و انجام یک وظیفهٔ انسانی پرستش می‌نمایند، این عبادت احرار و آزادگان است و چنین عبادتی افضل و برتر از تمام عبادات است.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنِّي لَا كَرَهَ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ لَا غَرَضَ لِي إِلَّا ثَوَابُهُ . فَاكُونِ كَالْعَبْدِ الطَّمِيعِ الْمُطِيعِ إِنْ طَمِيعَ عَمِلٍ وَإِلَّا لَمْ يَعْمَلْ وَآكَرَهُ أَنْ أَعْبُدَهُ إِلَّا لِيَخَوْفَ عِقَابِهِ فَاكُونِ كَالْعَبْدِ السَّوِيِّ إِنْ لَمْ يَخَفْ لَمْ يَعْمَلْ . قِيلَ فَلِمَ تَعْبُدُهُ قَالَ لِمَا هُوَ أَهْلُهُ بِأَيْدِيهِ عَلَيَّ وَإِنْ نَعِمَ .^۲

● حضرت علی بن الحسین علیه السلام می‌فرمود: دوست ندارم که هدف

من در پرستش خداوند، تنها پاداش او باشد که در آن صورت من مانند برده طمعکار و فرمانبرداری خواهم بود که اگر طمع در نهادش باشد عمل میکند و گرنه از کار باز می ایستد و همچنین میل ندارم که خداوند را تنها از جهت ترس عقابش بپرستم و مانند بنده بدکاری باشم که اگر نترسد عمل نکند. عرض شد پس بر چه اساس خدا را می پرستی فرمود: از این جهت که او با نیکبختی که بمن کرده و نعمتهائی که عنایت فرموده شایسته پرستش است.

تحمیل عبادت

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتْنٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ. ● امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام آئین محکم و استوار الهی است، با مدارا در آن وارد شوید و بندگان خدا را در عبادت خداوند مجبور ننمایید.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: اجْتَهِدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَأَنَا شَابٌ فَقَالَ لِي أَبِي: يَا بُنَيَّ دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ.

● امام صادق (ع) فرمود: من جوان بودم و در عبادت مستحب بسیار کوشا، پدرم بمن فرمود: فرزندم از این کمتر عمل کن، وقتی بنده ای محبوب خدا باشد خدا با عمل کم، از او راضی میشود.

قال رَسُولُ اللَّهِ (ص) : يَا عَلِيُّ هَذَا الدِّينُ مُتَيْنٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرِفْقٍ وَلَا تُبَغِّضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ .^١

● رسول اکرم بعلى عليه السلام فرمود : اسلام دين متقن خداوند است ، در آن با مدارا قدم بردار ، کارى کن که دلت بعبادت خداوند بد بين نشود .

عَنْ عَلِيٍّ (ع) : إِنْ لِّلْقُلُوبِ اقْبَالَاً وَادْبَاراً ، فَإِذَا اقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَإِذَا ادْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ^٢

● در دلها حالات رغبت و بى رغبتى است، در موقع رغبت بمستعبات اقدام کنید و در بى رغبتى بواجبات قانع باشید .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَا تُكْرِهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ^٣.

● امام صادق عليه السلام فرموده است : عبادت خداوند را با وجود خستگى و بى میلی برخود تحميل ننمائيد .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : إِنْ هَذَا الدِّينَ مُتَيْنٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ وَلَا تُكْرِهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى

١- کافی ٢ ، صفحه ٨٩

٢ - غرر الحكم صفحه ٢٥١

٣ - کافی جلد ٢ صفحه ٨٦-٨٧

عِبَادَ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُنْبَتِّ الَّذِي لَا سَفَرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى.^۱

● امام باقر علیه السلام از رسول اکرم (ص) حدیث کرده که فرموده است : اسلام دین سهل و خالی از مشقت است . با مدارا در آن قدم بردارید و عبادت خدا را بر بندگان خدا تحمیل ننمائید و همانند سواری نباشید که مرکب خود را خسته و فرسوده میکند و در نتیجه نه راه سفر را پیموده و نه مرکبش سالم مانده است .

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا.^۲

● خداوند بهیچ کس بیش از قدرت و توانائیش وظیفه ای را محوّل نمی فرماید .

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ.^۳

● خداوند عالم در انجام مقررات دینی شما را در مضیقه و تنگنا قرار نداده است .

عشق به عبادت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَاحْبَبَهَا بِقَلْبِهِ وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ.^۴

● رسول اکرم (ص) فرموده : از همه مردم برتر و بهتر در پرستش الهی کسی است که با عبادت خدا عشق ورزی کند ، معانقه نماید ، بندگی پروردگار را در دل دوست بدارد و با بدن انجام دهد .

۱ - بحاره ۱ ، قسمت ۲ ، صفحه ۱۷۲

۲ - بحاره ۱ ، قسمت ۲ ، صفحه ۱۷۲

۳ - کافی جلد ۲ صفحه ۸۳

۴ - بحاره ۱ ، قسمت ۲ ، صفحه ۱۷۲

حقیقت عبودیت

قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مُلْكًا،
لَا أَنْ الْعَبْدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ بِرَوْنِ الْمَالِ مَا لَ اللَّهُ يَضَعُونَهُ
حِينَئِذٍ أَمْرَهُمْ اللَّهُ بِهِ ١.

● امام صادق علیه السلام عبودیت را در سه چیز بیان کرد که اول آنها مسئله مالکیت خداوند است ، فرموده : بنده واقعی خداوند کسی است که در عطایای الهی برای خود مالکیتی نبیند . زیرا بندگان مالک حقیقی مال نیستند . در نظر آنان مال ، مال خداوند و ملک پروردگار عالم است و آنرا در جایی قرار میدهند و بطوری صرف میکنند که پروردگارشان بدان امر فرموده است .

مرکز تحقیقات علوم دینی

ذَالِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ٢.

● این خداوند است که پروردگار شما است و جز او کسی شایسته پرستش و بندگی نیست . او آفریننده تمام موجودات عالم است . پس شما ای انسانها وی را پرستش کنید که جهان آفرین و نگهبان تمام موجودات است .

١ - بحار ، ١ ، صفحه ٦٩

٢ - سورة ٦ ، آیه ١٠٢

سنت رسول اکرم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فِتْرَةٍ فَمَنْ صَارَتْ شِرَّةُ عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى وَمَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَكَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ أَمَا إِنِّي أُصَلِّي وَأَنَامُ وَأَصُومُ وَأُفْطِرُ وَأَضْحَكُ وَأَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي مِنْهَا جِي وَسُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است : در مردم برای هر عبادتی یک دوره نشاط و رغبت شدید و یک دوره سستی و فتور وجود دارد . کسی که تمایل شدید خود را با سنت من تطبیق دهد هدایت یافته و آنکس که با سنت من مخالفت نماید خودش گمراه و اعمالش تباه خواهد بود . من هم نماز میگذارم و هم استراحت میکنم و میخوابم ، هم روزه میگیرم و هم افطار میکنم و غذا میخورم ، در جای خود خنده و گریه دارم . آنکس که از روش من اعراض نماید با من بستگی ندارد .

عبادت و روزه

علی (ع) میفرمود :

صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْأَنَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْمَرْءِ عَنِ الطَّعَامِ^۲

● امساك قلب ، از تفکر در گناه بهتر است از اینکه مرد از غذا امساك نماید .

عبادت ، زکوة

علی علیه السلام در ایام زمامداری خود بخشنامه ای در مورد جمع آوری زکوة صادر نموده که در آن وظیفه مأمورین در کیفیت برخورد با مردم و همچنین طرز وصول زکوة توضیح داده شده است . این بخشنامه روشنگر این حقیقت است که ایمان مردم چه نقش مؤثری در حسن اجرای قانون و احیاء حس وظیفه شناسی دارد .

كَانَ يَكْتَسِبُهَا لِيَمَنَ يَسْتَعْمِلُهُ عَلَى الصَّدَقَاتِ ، انْطَلِقْ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا تَرُوعَنَّ مُسْلِمًا وَلَا تَجْتَازَنَّ عَلَيْهِ كَارَهَا وَلَا تَأْخُذَنَّ مِنْهُ أَكْثَرَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ فِي مَالِهِ فَإِذَا قَدِمْتَ عَلَى الْحَيِّ فَأَنْزِلْ بِسَائِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَالِطَ أَبْيَاتَهُمْ ثُمَّ امْضِ إِلَيْهِمْ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ حَتَّى تَقُومَ بَيْنَهُمْ فَتُسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَلَا تُخْدِجْ بِالتَّحِيَّةِ لَهُمْ ثُمَّ تَقُولُ: عِبَادَ اللَّهِ ارْأَسْتَنِي إِلَيْكُمْ وَلِيَ اللَّهُ وَخَلِيفَتُهُ لَأَخُذَ مِنْكُمْ حَقَّ اللَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ فَهَلْ لِلَّهِ فِي أَمْوَالِكُمْ مِنْ حَقٍّ فَتُؤَدُّهُ إِلَيَّ وَلِيَّهِ فَإِنْ قَالَ قَائِلٌ لَا ، فَلَا تُرَاجِعْهُ وَإِنْ أَنْعَمَ لَكَ مُنْعِمٌ فَأَنْطَلِقْ مَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُخَفِّفَهُ أَوْ تُوعِدَهُ أَوْ تُعَسِّفَهُ أَوْ تُرْهِقَهُ .^۱

● با تقوی و پاکی به محل مأموریت خود حرکت کن . مواظب باش مسلمانانی را نترسانی و بدون تمایل وی از زمینش گذر ننمائی . بیش از حق خدا از او چیزی نگیری . چون وارد آبادی میشوی در کنار چاه آب یا مخزن آب محل ، منزل گزین و بخانه اهالی نرو . سپس با کمال

ادب در بین مردم بایست سلام کن و مراتب درود و تحیت خود را بطور کامل انجام ده و سپس بگو: بندگان خدا، مرا ولیّ خدا نزد شما فرستاده تا حق خدا را از شما دریافت دارم . آیا در اموال شما حقوق الهی هست که آنرا به ولیّ خدا بپردازید؟ اگر کسی گفت «نه» دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی خود را مدیون شناخت برای وصول زکوة با او برو. ولی متوجه باش او را نترسانی ، باعث بیم و هراسش نشوی ، سخت گیری نکنی و بزحمت و دشواریش نیندازی .

عبادت ، نماز

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ . *آنرا تحقیق که بگویند و آرام*

● مؤمنین واقعی با یاد خدا دلی آرام و مطمئن دارند . آگاه باشید که تنها با یاد خداوند دل‌های مردم قرار و اطمینان پیدا میکند .

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ .

● نیروی ناسنجیدنی ایمان و قدرت غیر قابل توصیفی که در باطن نمازگزاران با ایمان بوجود می‌آید بقدری شدید است که میتواند تمام غرائز سرکش را مهار کند و از تند روی تمایلات جلوگیری نماید و آدمی را انسانی پاک و شایسته بسازد . قدرت غیر قابل سنجش ایمان است که مردم معتقد و مؤمن را در خلوت و جلوت از انحراف و ناپاکی مصون میدارد .

در روزگاری که هنوز آوازه اسلام بگوشها نرسیده بود و مردم از آئین آسمانی حضرت محمد (ص) بی خبر بودند میدیدند جوانی در پیشگاه خداوند بنماز میایستد ، کودکی در طرف راستش و بانویی پشت سر آن دونفر . جوان بر رکوع میرود ، آنان نیز با وی رکوع میکنند و چون بسجده میرود آنان هم بسجده میروند . قیس که از اکابر عرب بود از این منظره بهعجب آمد ، عباس بن عبدالمطلب که در آنجا حاضر و ناظر بود گفت :

أَمْرٌ عَظِيمٌ . فَقَالَ الْعَبَّاسُ أَمْرٌ عَظِيمٌ .

● حادثه بزرگی است . عباس جواب داد بلی حادثه بزرگی است .

أَتَدْرِي مَنْ هَذَا الشَّابُّ ؟ هَذَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ ابْنُ أَخِي ، أَتَدْرِي مَنْ هَذَا الْغُلَامُ ؟ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ابْنُ أَخِي . أَتَدْرِي مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ ؟ هَذِهِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ . إِنَّ ابْنَ أَخِي هَذَا حَدَّثَنِي أَنَّ رَبَّهُ ، رَبَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ، أَمَرَهُ بِهَذَا الدِّينِ الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ ، وَلَا وَاللَّهِ مَا عَلَيَّ ظَهْرُ الْأَرْضِ عَلَى هَذَا الدِّينِ غَيْرُ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةِ .

● آیا میدانی این جوان کیست ؟ او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب برادرزاده من است . آیا میدانی این کودک کیست ؟ او علی بن ابیطالب برادرزاده من است . آیا میدانی آن زن کیست ؟ او خدیجه دختر خویلد است . این برادرزاده من بمن خبر داده است که خدای

او ، پروردگار آسمان و زمین ، وی را باین آئین امر فرموده است .
بخدا قسم در روی زمین غیر از این سه نفر، کسی باین دین ، ایمان
ندارد .

● امام باقر (ع) در حدیث مفصلی وظائف اولیاء اطفال را در
تربیه‌های ایمانی کودکان در سنین مختلف بیان فرموده است : در سه
سالگی کلمه توحید (لا اله الا الله) را بطفل بیاموزند ، در چهار سالگی
(محمد رسول الله) را باو یاد بدهند ، در پنج سالگی رویش را بقبله
متوجه کنند و باو بگویند که سر بسجده بگذارد .

فَإِذَا تَمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ عَلَّمَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ حَتَّى
يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ . فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ اغْسِلْ
وَجْهَكَ وَكَفْيِكَ ، فَإِذَا غَسَلْتَهُمَا قِيلَ لَهُ صَلِّ^۱ .

● در شش سالگی کامل رکوع و سجده صحیح را باو بیاموزند ،
در هفت سالگی بطفل میگویند : دست و رویت را بشوی و نماز بگذارد .

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَرُّوا
صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ وَافْرَقُوا
بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ عَشْرِ سِنِينَ^۲ .

۱ - مکارم الاخلاق صفحه ۱۱۵

۲ - مستدرک جلد ۲ صفحه ۵۵۸

● حضرت موسی بن جعفر از علی علیهما السلام نقل کرده است که فرمود : در هفت سالگی فرزندان خود را بنماز وادارید و در ده سالگی بستر خواب آنها را از یکدیگر جدا کنید .

كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَبِسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ ، فَتَقِيلَ لَهُ يُابُنَ رَسُولِ اللَّهِ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ .^۱

● حضرت مجتبی علیه السلام بهترین جامه های خود را در موقع نماز در بر میکرد ، کسانی از آنحضرت سبب این کار را پرسش کردند ، در جواب فرمود : خداوند جمیل است و جمال و زیبایی را دوست دارد باین جهت خود را در پیشگاه الهی زینت میکنم ، خداوند امر فرموده که با زینت های خود در مساجد حاضر شوید .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبَوَيْهِ نَظْرَ مَاقَاتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً .^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده است : هر کس با چشم بغض و کینه به پدر و مادر خود که بوی ستم کرده اند نگاه کند نمازش در پیشگاه الهی نامقبول است .

۱ - تفسیر برهان ، صفحه ۳۵۱

۲ - کافی ۲ ، صفحه ۳۴۹

درس عبرت

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ، حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ
فَمَا تُغْنِي النُّذُرُ ، فَتَوَلَّى عَنْهُمْ .^۱

● در این کتاب آسمانی ، از تاریخ امم گذشته اخبار بسیاری آمده است که اگر معاندین ، پند پذیر میبودند برای بازداشتشان از گناه و ناپاکی کافی بود . اخبار قرآن ، حکمت رسا و درس آموزنده است ولی برای معاندین لجوج ، این اعلام خطر ها کافی نیست و آنان از اخبار گذشتگان عبرت نمیگیرند و همچنان برفتار ناروای خود ادامه میدهند ، توای پیغمبر از این گروه خودسر و تربیت ناپذیر اعراض کن .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : كَفَى مَاضِيًا مَخْبِرًا عَمَّا بَقِيَ وَكَفَى
عَبْرًا لِدَوِي الْأَلْبَابِ مَا جَرَّ بُوا .^۲

● علی علیه السلام فرموده : کافی است که واقعه گذشته ، ما را بر معیار دیگر قضایا آگاه سازد ، و کافی است که خردمندان از تجاربی که اندوخته اند عبرت بگیرند و آنها را سرمشق آینده خویش قرار دهند .

۱ - سوره ۵۴ ، آیه ۴ و ۵

۲ - شرح ابن ابی الحدید ، جلد ۲۰ ، صفحه ۲۷۳ ، کلمه ۱۶۳

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ اَعْتَبَرَ ابْصَرَ وَمَنْ ابْصَرَ فَهَمَّ
وَمَنْ فَهَمَّ عَلِمَ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : هر کس از وقایع گذشتگان عبرت بگیرد بینا میشود ، کسی که بصیرت و بینائی پیدا کرد می فهمد ، و آنکس که فهمید عالم میشود .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَعْتَبِرْ بِغَيْرِهِ لَمْ يَسْتَظْهِرْ
لِنَفْسِهِ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : کسی که از تاریخ دگران پند نگیرد و تجربه نیاموزد در برنامه زندگی خود پشتیبانی نگرفته است .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْفِكْرُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ وَالْاِعْتِبَارُ
مُنْذِرٌ نَاصِحٌ وَكَفَى اَدَبًا لِنَفْسِكَ تَجَنُّبُكَ مَا كَرِهْتَهُ
لِغَيْرِكَ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : فکر و تدبیر ، آئینه پاک است که حقیقت را بآدمی نشان میدهد ، عبرت گرفتن از دگران ، ترساننده ایست که بانسان پند و اندرز میگوید و برای ادب و تربیت همین بس است که پرهیزی از آنچه که میل نداری دگران مرتکب شوند .

۱ - سفینه « عبر » صفحه ۱۴۶

۲ - غرر الحکم ، صفحه ۶۴۶

۳ - نهج البلاغه فصوص ، صفحه ۱۲۴۶

۱۰۳ . عدالت

[العدالة]

عدل و داد گستری

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: **الْعَدْلُ جُنَّةٌ وَاقِيَةٌ وَجَنَّةٌ بَاقِيَةٌ**.^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است: عدل در کشاکش های اجتماعی همانند سپر نگهبانی است که افراد در پناه آن از تعدی دیگران محفوظند، و مانند بهشت پایداری است که همواره مردم از نعمتهای آن برخوردارند.

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: **فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ**.^۲

● علی علیه السلام فرموده است: تحقیقاً گشایش و آزادگی در عدل است و کسیکه محیط عدل و داد در نظرش تنگ آید عرصه جور و ستم بر وی تنگتر خواهد بود.

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا.^۳
يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ.^۴

۲ - بحار، جلد ۱۷، صفحه ۴۷

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۱۵

۳ - سوره ۲، آیه های ۱۸۵ و ۲۸۶

فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَسَنِ (ع) عِنْدَ وَفَاتِهِ:
وَأَقْتَصِدْ يَا بُنَيَّ فِي مَعِيشَتِكَ وَأَقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ وَعَلَيْكَ
فِيهَا بِأَلَا مَرِ الدَّائِمِ الَّذِي تُطِيقُهُ^١.

● علی علیه السلام ضمن وصایای خود بحضرت مجتبیٰ علیه السلام فرموده است : فرزند عزیز در شئون زندگی و امور عبادی میانه رو باش و از افراط پرهیز . روشی را انتخاب کن که در حدود توان و طاقت تو باشد و بتوانی همیشه آنرا انجام دهی .

عدالت اجتماعی

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ
لَمَرْحُومُونَ مَا تَحَابُّوا وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ وَعَمِلُوا النِّجْقَ^٢.

● حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دربارهٔ صلح و سازش انسانها در سطح جهانی فرموده است : تمام ملل و اقوام روی کرهٔ زمین میتوانند پیوسته در رحمت و آیمایش بسر ببرند مادامیکه همهٔ مردم، بشردوست باشند و بنام انسانیت یکدیگر ابراز محبت نمایند . مادامیکه امین مال و غیرض و شرف و اسرار یکدیگر باشند و در هیچ نوع امانتی خیانت نکنند ، مادامیکه در رفتار و گفتار خود همواره پیرو حق و عدل باشند و در هیچ موردی خویشان را به تجاوز کاری و اعمال خلاف حق آلوده نسازند

١ - سفینه البحار ، جلد ٢ ، « قصد » ، صفحه ٤٣١

٢ - مجموعه ورام جلد ١ صفحه ١٢

عدالت : عدالت و عدم تبعیض

عَنْ أَبِي مَالِكٍ قَالَ قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ : قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحُكْمُ بِالْعَدْلِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ^۱.

● ابی مالک از حضرت سجاد (ع) درخواست کرد که او را از جمیع طرق و مناہج دین آگاہ سازد . حضرت در پاسخ او بعنوان قدر جامع تمام روشهای اسلامی از سه مسئله انسانی و اخلاقی نام برد : سخن حق ، حکم بعدل ، و وفاء بعهد .

عدالت و عدم تبعیض

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ لَهُ ابْنَانِ فَقَبَّلَ أَحَدَهُمَا وَتَرَكَ الْآخَرَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهَلَا سَاوَيْتَ بَيْنَهُمَا ؟^۲

● پدری با دو فرزند خود شرفیاب محضر رسول اکرم بود . یکی از فرزندان را بوسید و بفرزند دیگر اعتنا نکرد . پیغمبر که این رفتار نادرست را مشاهده کرد باو فرمود چرا با فرزندان خود بطور متساوی رفتار نمیکنی ؟

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَعْدِلُوا بَيْنَ اَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ اَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ^۳.

۱ - مستدرک جلد ۲ صفحه ۳۰۹ .

۲ - معارج جلد ۲۳ صفحه ۱۱۳

۳ - مکارم الاخلاق صفحه ۱۱۳

- بین فرزندان خود بعدالت رفتار نمائید همانطور که مائید فرزندان شما و مردم ، بین شما بعدل و داد رفتار کنند .

عدل و احسان

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ . ۱

- در این آیه شریفه خداوند اقامه عدل و احسان را در یک جمله و در ردیف هم بعموم مردم ، امر فرموده است . عدل زائیده عقل است و احسان مولود عواطف .

بدون تردید هر یک از دو نیروی عظیم عقل و عاطفه در تأمین خوشبختی و سعادت بشر سهم مستقل و مؤثری دارند . بشر زمانی بکمال لایق انسانی نائل میشود که از این دو قدرت عظیم بطرز شایسته و با اندازه گیری صحیح استفاده کند .

اعمال عاطفه

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : يَحْقِيقُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْاجْتِهَادُ فِي التَّوَاصُلِ وَالتَّعَاوُنِ عَلَى التَّعَاطُفِ وَالْمُؤَاسَاةِ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَتَعَاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ . ۲

- امام صادق علیه السلام فرمود : مسلمین موظفند در راه پیوستگی و کمک نسبت بنیازمندان کوشا و جدی باشند ، از عواطف اخلاقی و کمکهای مالی مضایقه نکنند . همچنین درباره تمام طبقات مردم لازم است جهات عاطفی و اخلاقی را مراعات نمایند .

عرب قبل از اسلام

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ
وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَأَنْتُمْ ، مَعْشَرَ الْعَرَبِ ، عَلَى شَرٍّ
دِينٍ وَفِي شَرِّ دَارٍ مُنِخُونَ بَيْنَ حِجَارَةٍ خُشْنٍ وَحَبَاتٍ
صُمٍّ ، تَشْرَبُونَ الْكَدْرَ وَتَأْكُلُونَ النَجَسَ وَتَسْفِكُونَ
دِمَائِكُمْ وَتَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ ، إِلَّا صَنَامٌ فَيْكُمُ مَنصُوبَةٌ ،
وَالْأَثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ .

● خداوند حضرت محمد (ص) را که ترساننده مردم جهان از
عذاب الهی و امین آیات منزله او بود برگزید ، و شما ، ای گروه عرب ،
در آن موقع از بدترین آئین پیروی میکردید ، و در بدترین محیط بسر
میبردید ، در زمینهای سنگلاخ و میان مارهای خطرناک ، آب لجن -
آلود مینوشیدید ، و غذای خشن میخوردید ، یکدیگر را میکشتید و
قطع رحم میکردید ، تنها در بین شما نعیم شده و گناه و نافرمانی شما
را احاطه کرده بود .

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَيْثَمٍ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ
لَهُ لِمَ يُسَمَّى الْعَرَبُ أَوْلَادَهُمْ بِكَلْبٍ وَفَهْدٍ وَنَيْمٍ وَ

أَشْبَاهُ ذَلِكَ ؟ قَالَ كَانَتْ الْعَرَبُ أَصْحَابَ حَرْبٍ وَكَانَتْ تُهَوِّلُ عَلَى الْعَدُوِّ بِأَسْمَاءِ أَوْلَادِهِمْ^۱.

● احمد بن هيثم از علی بن موسی الرضا علیهما السلام سؤال کرد: چرا اعراب، فرزندان خود را بنامهای سگ، یوز، پلنگ، و نظائر آنها نامگذاری میکردند؟ حضرت در جواب فرمود: عربها مردان جنگ و نبرد بودند، این اسمها را روی فرزندان خود میگذارند تا وقت جدا زدن در دل دشمن ایجاد هول و هراس نمایند.

تغییر نامهای زشت

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آيَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يُغَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَيْحَةَ فِي الرِّجَالِ وَ الْبُلْدَانِ^۲.

● امام صادق علیه السلام فرمود که رسول اکرم اسماء قبیح مردم و بلاد را تغییر میداد.

... وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ^۳.

● شما مردم با ایمان، مواظب باشید که با اسمهای بد، و لقبهای زشت یکدیگر را مخوانید.

سخنان جعفر طیار

پادشاه حبشه پرسید این چه دینی است که شما بآن گرویده اید؟ جعفر در جواب گفت: قوم ما از نادانی بت می پرستیدند، میده می خوردند،

۱ - وسائل جلد ۵ صفحه ۱۱۵

۲ - قرب الاسناد صفحه ۴۵

۳ - سوره ۴۹ آیه ۱۱

قطع رحم میکردند، بهمسایه آزار میدادند، زورمندان بجان و مال ناتوانان تجاوز مینمودند و آنانرا طعمه خود میساختند. وضع ما بدین منوال بود تا خداوند بر ما پیامبری را فرستاد همانطور که بر اقوام گذشته پیغمبرانی را فرستاده بود، این پیغمبر از خود ما است، از شرف خانواده گیش آگاهیم و او را براستگویی و عفت و امانت میشناسیم.

قَدْ عَاثَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِنُوحِدَهُ وَنَخْلَعَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا مِنْ دُونِهِ مِنَ الْحِجَارَةِ وَالْأَوْثَانِ وَأَمَرْنَا أَنْ نَعْبُدَ اللَّهَ تَعَالَى وَحْدَهُ وَأَمَرْنَا بِالصَّلَاةِ وَأَمَرْنَا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَصِلَةِ الْأَرْحَامِ وَحُسْنِ النِّجْوَانِ وَالْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ وَالْدَّمَاءِ وَنَهَانَا عَنِ الْفَوَاحِشِ وَقَوْلِ الزُّورِ وَآكُلِ مَالِ الْيَتِيمِ وَقَذْفِ الْمُحْصِنَةِ فَصَدَّقْنَاهُ وَأَمَنَّا بِهِ وَاتَّبَعْنَاهُ عَلَى مَا جَاءَ بِهِ فَعَدَا عَلَيْنَا قَوْمُنَا لِيَرُدُّونَا إِلَى عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ وَاسْتِحْلَالِ الْخَبَائِثِ فَلَمَّا قَهَرُونَا وَظَلَمُونَا وَضَيَّقُوا عَلَيْنَا خَرَجْنَا إِلَى بَلَدِكَ وَاخْتَرْنَاكَ عَلَيْنَا مِنْ سِوَاكَ ١

او ما را بخدای یگانه دعوت کرد و گفت که خدایان سنگی و بتها را که پدرانمان می پرستیدند ترك گوئیم و تنها خداوند جهان را پرستش نمائیم. او امر کرده است که نماز بخوانیم، راست بگوئیم، در امانتها خیانت نکنیم، صله رحم نمائیم و نسبت بهمسایگان نیکوکار باشیم. او به ما دستور داده است از گناه و خونریزی پرهیزیم و از بی عفتی و سخنان ناروا و تجاوز بمال یتامی و تهمت بزنان پاکدامن اجتناب نمائیم.

۱۰۵ . عزت

[الْعِزَّة]

عزت نفس

وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ ۱

● عزت برای خدا و برای پیغمبر و برای مؤمنین است .

قالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : عِزُّ الْمُؤْمِنِ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ وَفِي الْقَنَاعَةِ الْحَرِيَّةِ وَالْعِزِّ ۲

● رسول اکرم (ص) فرموده : عزت مردم با ایمان در بی نیازی از مردم است و آزادی و شرافت در پرتو قناعت بدست میآید .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَاقَتْكَ إِلَى الرِّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَاظَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عِوَضاً وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرّاً ۳

● علی علیه السلام بفرزند خود حضرت مجتبی تو صیه فرموده که نفس خویش را عزیز شمار و بهیچ پستی و دنائتی تن مده گرچه عمل پست ، تو را به تمیانت برساند، زیرا هیچ چیز با شرافت نفس برابری نمیکند و هرگز

۱ - سورة ۶۳ ، آیه ۸

۲ - مجموعه ورام ۱ ، صفحه ۱۶۹

۳ - نهج البلاغه ، نامه ۳۱

بجای عزّت از دست داده ، عوضی همانند آن نصیبت نخواهد شد. فرزند عزیز، آزادگی را از کف مده و بنده و برده دگران مباش که خداوند تو را آزاد قرار داده است.

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَانُهُ^۱.

● علی علیه السلام فرموده است : آنکس که واجد بزرگواری و کرامت نفس باشد تمایلات شهوانیش در نظر او خوار میآید :

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ^۲.

● و نیز فرموده است : کسی که بشرف معنوی و کرامت نفس خود عقیده دارد با پلیدی گناه ، خوارش نخواهد ساخت .

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمَسْئَلَةُ طَوْقُ الْمَدْلَةِ تَسْلُبُ الْعَزِيزَ عِزَّهُ وَالْحَسِيبَ حَسَبَهُ^۳.

● علی علیه السلام فرموده است : گدائی طوق ذلتی است که عزّت را از عزیزان و شرافت خانوادگی را از شریفان سلب میکند .

۱ - نهج البلاغه فیض ، صفحه ۱۲۸۳

۲ - غررالحکم ، صفحه ۶۷۷

۳ - غررالحکم صفحه ۹۹

عزت و تقوی

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ
أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است : آنکس که میخواهد عزیز -
ترین مردم باشد باید از گناه اجتناب نماید و بتقوی و پرهیزکاری
بگراید .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ سَرَّهُ الْغِنَى بِأَمَالٍ وَالْعِزُّ
بِالسُّلْطَانِ وَالْكَثْرَةُ بِالْعَشِيرَةِ فَلْيَخْرُجْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ
اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ .^۲

● علی (ع) فرمود : آنکس که دوست دارد بدون ثروت ، غنی
باشد و بدون سلطنت عزیز باشد و بدون عشیره و خانواده تنها نباشد
البته باید از ذلت گناهکاری خارج گردد و بمحیط عزت اطاعت الهی
وارد شود .

قالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِأَمَالٍ وَالْعِزُّ
بِالسُّلْطَانِ فَلْيَنْتَقِلْ مِنْ ذَلِكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ
إِلَى عِزِّ طَاعَتِهِ .^۳

۱ - بحار جلد ۱۷ صفحه ۴۸

۲ - غررالحکم صفحه ۲۹۲

۳ - بحاره ۱، قسمت ۲، صفحه ۱۶۴

عزت : عزت و حسن خلق

● امام صادق علیه السلام فرموده است : کسیکه میخواهد با نداشتن خویش و قوم ، عزیز و محترم باشد ، با نداشتن ثروت ، غنی و بی نیاز باشد ، با نداشتن مقام شامخ اجتماعی دارای ابتهت و عظمت باشد ، باید خویشتن را از ذلت گناه و ناپاکی بمحیط با عزت اطاعت الهی منتقل نماید .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَلَا تَحْمِلُوا النَّاسَ عَلَى اكْتِنَافِكُمْ فَتَذِلُّوا .^۱

● امام صادق (ع) میفرمود : بشما سفارش میکنم پرهیزکار باشید و با ارتکاب گناه ، مردم را بر خود مسلط نکنید و خویشتن را دچار ذلت و خواری ننمایید .

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

عزت و حسن خلق

قالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي السَّلَامُ : أَكْرَمُ الْحَسَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ .^۲

● علی علیه السلام فرموده : عالیترین مایه مجد و شرف آدمی ، حسن خلق است .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رَبُّ عَزِيزٍ أَذْلُهُ خُلُقُهُ وَذَلِيلٍ أَعَزُّهُ خُلُقُهُ .^۳

● و نیز فرموده است : چه بسا عزیزی که خلق ناپسند بذلت و خواریش افکنده و چه بسا ذلیلی که حسن خلق محبوب و عزیزش ساخته است .

۱ - وسائل جلد ۳ صفحه ۲۰۲

۲ - بحار ۱۰ ، صفحه ۲۱۱

۳ - نهج البلاغه فیض ، صفحه ۱۰۹

عزت و قطع طمع

قال الباقر عليه السلام في وصيته لجابر : وَاطْلُبْ بَقَاءَ الْعِزِّ بِإِمَانَةِ الطَّمَعِ .^۱

● امام باقر علیه السلام در وصیت خود به جابر فرمود : با میراندن خوی مذموم طمع ، بقاء عزّ و شرف را طلب کن .

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ .^۲
● حضرت سجاد علیه السلام میفرمود : بنظر من جمیع سعادات و نیکیها در اینست که آدمی از آنچه در دست مردم است قطع طمع و امید نماید .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْبَيَاسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزٌّ لِلْمُؤْمِنِ .^۳
● امام صادق علیه السلام میفرمود : عزّت و شرف مؤمن در این است که از دگران مأیوس باشد و از آنچه در دست مردم است قطع امید نماید .

۱ - سفیت ، طمع ، صفحه ۹۳

۲ و ۳ - کافی جلد ۲ صفحه ۱۴۸

امام صادق (ع) فرموده است که لقمان پسر خود چنین گفت :

يَا بُنَيَّ الْزِمِ نَفْسَكَ التَّوَدَّةَ فِي أُمُورِكَ . وَصَبْرٌ عَلَى
مَوْنَاتِ الْإِخْوَانِ نَفْسَكَ . فَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَجْمَعَ عِزَّ
الدُّنْيَا فَاقْطَعْ طَمَعَكَ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَإِنَّمَا بَلَغَ
الْأَنْبِيَاءُ وَالصَّادِقُونَ مَا بَلَغُوا بِقَطْعِ طَمَعِهِمْ .^۱

● فرزند عزیز همواره نفس خود را باداء وظائف شخصی و انجام
کارهای خویش الزام کن . و جان خود را در مقابل شدائدی که از
ناحیه مردم میرسد بصبر و بردباری وادار نما . اگر مایلی در دنیا
ببزرگترین عزت و بزرگواری نائل شوی از مردم قطع طمع کن و باتان
امیدوار مباش . پیامبران و مردان الهی با قطع امید از مردم بمدارج
عالیه خود نائل شدند . *بزرگترین تقوی و نورانیت*

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ : لِيَجْتَمِعَ
فِي قَلْبِكَ الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَالْإِسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ . فَيَكُونَ
إِفْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ فِي لِينِ كَلَامِكَ وَحُسْنِ بَشْرِكَ . وَيَكُونَ
إِسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عِرْضِكَ وَبَقَاءِ عِزِّكَ .^۲

● علی علیه السلام همواره این درس را پیروان خود میداد که
لازم است هر انسانی در باطن خود نسبت بمردم دارای دو احساس
باشد : یکی احتیاج بآنها و دیگری بی نیازی از آنها . احساس احتیاج
را با سخنان نرم و روی گشاده خود آشکار کند ، و بی نیازی خویش را
بوسیله اجتناب از زبونی و حفظ شرافت شخصی خود ظاهر سازد .

۱۰۶ • عقده حقارت [عُقْدَةُ الْحِقَارَةِ]

احساس حقارت

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَاتَأْتِ مِنْ شَرِّهِ^۱.

● امام هادی علیه السلام فرموده است: کسیکه خویشتن را ناچیز و خوار مییابد و در باطن نسبت بخود احساس پستی و حقارت دارد از شر او ایمنی نداشته باش.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِدِلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ^۲.

● امام صادق علیه السلام فرموده است: هیچ انسانی خودبین و متجاوز نمیشود و به تکبر و جباریت آلوده نمیگردد، مگر بسبب ذلت و حقارتی که در ضمیر خود احساس میکند.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نِفَاقُ السَّمَرَةِ مِنْ ذُلٍّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ^۳.

۲ - کافی، جلد ۲، صفحه ۳۱۲

۱ - تحف العقول، صفحه ۴۸۳

۳ - غرر الحکم، صفحه ۷۷۷

عقده حقارت : احساس حقارت

● علی (ع) میفرمود : دو روئی و نفاق آدمی ناشی از حقارت و ذلتی است که در ضمیر خود ، احساس میکند .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِيَذِلَّهُ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ .

● امام صادق (ع) میفرمود : هیچ انسانی دچار بیماری تکبر یا ستمگری و خشونت نمیشود مگر بعلت هستی و حقارتی که در نفس خویشتن ، احساس میکند .



وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِيَذِلَّهُ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ .

● و نیز فرموده است : هیچکس بخوی ناپسند تکبر ، مبتلانی میشود مگر بسبب خواری و ذلتی که در ضمیر باطن خود احساس مینماید .

مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِيَذِلَّهُ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ .

● این موضوع هم از مسائل قطعی روانی است و عموم دانشمندان جهان بان معترفند . هر کس که بزور گوئی ، بیداد گری ، قانون شکنی ، سلطه جوئی ، ستمگری ، جباریت ، دست بزند بدون تردید در باطن گرفتار ترس ، ضعف ، نگرانی ، و خلاصه یک نوع احساس حقارت است .

۲۰۱ - کافی جلد ۲ صفحه ۳۱۲

عوارض عقده‌های حقارت

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَللّٰهُمَّ يُذِيبُ الْجَسَدَ .^۱

● علی (ع) میفرمود : آتش اندوه و غم ، بدن آدمی را میگدازد و مانند فلز مذابی آب میکند .

وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَللّٰهُمَّ نِصْفُ النَّهَرِ .^۲

● و نیز فرموده است : اثر غصه و غم ، انسان تیرومند را ناتوان میکند و در جوانی او را فرسوده و نیمه پیر میسازد .

عَنْ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْحَسَدُ يُفْنِي وَ الْحَقْدُ يُذَرِّي .^۳

● حضرت امیر میفرمود : حسد جسم را فرتوت و فانی میکند و کینه توزی آدمی را افسرده میکند و سرانجام همه چیزش را برباد میدهد .

وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْخَافِيفُ لَا عَيْشَ لَهُ .^۴

● و همچنین فرموده است : آنکس که گرفتار ترس و وحشت است در زندگی آسایش خاطر ندارد .

۱ - غررالحکم صفحه ۳۵

۲ - نهج البلاغه فیض صفحه ۱۱۴۳

۳ و ۴ - غررالحکم صفحه ۶-۲۴

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الرَّجُلُ يَجْزَعُ مِنْ الدُّلِّ الصَّغِيرِ فَيُدْخِلُهُ ذَلِكَ فِي الدُّلِّ الْكَبِيرِ .^۱

● امام صادق (ع) میفرمود که آدمی از ذلت و حقارت کوچکی اظهار ناراحتی و اندوه میکند و همین جزع و بیقراری ، او را بذلت بزرگتری گرفتار مینماید .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحُزْنُ يُتَهْدِمُ الْجَسَدَ .^۲

● غم و اندوه تعادل جسم را برهم میزند و بدن آدمی را ویران میکند .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمُرِيبُ أَبْدَأُ عَیْلِ .^۳

● کسانی که همه چیز و همه کس را به چشم تردید و بدگمانی نگاه میکنند همواره علیل و بیمارند .

نتیجه آنکه عقده ها ، غصه ها ، ترسها ، نگرانیها ، و خلاصه ناراحتیهای روحی و هیجانیهای درونی علاوه بر آنکه باعث اختلال فکر و تشویش خاطرند ، در بدن نیز آثار بدی دارند و مزاج را از صراط مستقیم صحت و اعتدال منحرف میکنند و منشأ بیماریهای مختلفی میشوند .

۱ - تحف العقول صفحه ۲۶۶

۲ - غرر الحکم جلد ۱ صفحه ۲۲ - ۲۹

بیماری روانی حقارت :

بعضی با سکوت و خاموشی ، بعضی با پرحرفی و زیاد گوئی ، کسانی با تملق و چاپلوسی ، و برخی با تکبر و بلند پروازی ، بعضی با عطفوت و مهربانی ، برخی با هتاک و فحاشی ، و اشخاصی با کارهای دیگری ، عکس العمل عقده حقارت خود را آشکار میکنند .

۱- انتقام جوئی !

کفار شکست خورده صدر اسلام نیز ، بخیال انتقام گرفتن از رسول اکرم (ص) و جبران حقارت‌های درونی خود ، در مجالس تبلیغی رهبر گرامی اسلام همان اعمال بیگانه را مرتکب شده‌اند .
وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَافِیةِ
لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ . سوره : ۱۱ ، آیه ۲۶

● یکی از بزرگترین وسائل تبلیغ رسول اکرم (ص) قرائت قرآن شریف بود . موقعی که آهنگ جذاب آن حضرت با خواندن قرآن ، در فضا پخش میشد مردم با عشق و علاقه وصف ناپذیری ، گوش فرا میدادند و مجذوب الفاظ و معانی آن کتاب آسمانی میشدند . کفار که از تأثیر و نفوذ پیغمبر رنج میبردند و پیشرفت اسلام باعث خواری و ذلت آنان شده بود بطرفداران خود دستور دادند وقتی پیغمبر (ص) برای مردم قرآن میخواند شماها فریاد بکشید ، عربده بزنید ، کلمات لغو و بی‌معنی بگوئید ، و خلاصه کاری کنید که آهنگ پیغمبر با فریاد های شما مخلوط شود و مردم آیات قرآن را نشنوند ، شاید بتوانید از این راه بر آنحضرت غلبه کنید و شکستهای خود را جبران نمائید .

عقده حقارت : بیماری روانی حقارت

۲- خودخواهی!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الْكِبَرُ أَنْ يَغْمِصَ
النَّاسَ وَيُسَفِّهُ الْحَقَّ .^۱

● امام صادق (ع) فرموده است : کبر عبارت از اینست که آدمی ،
مردم را با دیده پستی و حقارت نگاه کند و حق را خوار و ناچیز بشمرد
و آنرا بروفتی واقع نبیند .

عَنْ حَكِيمٍ قَالَ : سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آدُنِي
الْإِلْحَادِ . فَقَالَ إِنَّ الْكِبَرَ آدُنَاهُ .^۲

● راوی حدیث میگوید : از حضرت امام صادق (ع) کمترین مرتبه
الحداد و کفر را پرسیدم . امام در جواب فرمود کبر نازلترین درجات
کفر است .

۳- خودپسندی!

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : رِضَاءُ الْعَبْدِ عَنْ نَفْسِهِ بِرُهَانٍ
سَخَافَةٍ عَقْلِهِ .^۳

● علی علیه السلام میفرمود : خودپسندی و از خود رضائی هرکس
دلیل نقص و کوتاهی عقل او است ، یعنی کسی که عقل کامل دارد
هرگز بناخوشی خود پسندی دچار نمیشود .

۱ - معانی الاخبار صفحه ۲۴۲

۲ - کافی جلد ۲ صفحه ۳۰۹

۳ - غررالحکم صفحه ۲۴

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُ عَلَيْهِ .^۱

● حضرت امام هادی علیه السلام میفرمود: آنکس که خودپسند و از خودراضی است غضب کنندگان بوی، زیاد خواهند بود .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِيَّاكَ أَنْ تَرْضَى عَنْ نَفْسِكَ فَيَكْثُرَ السَّخِطُ عَلَيْكَ .^۲

● علی علیه السلام میفرمود: از صفت مذموم خودپسندی پرهیز کن که دچار غضب کنندگان بسیار خواهی شد .

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُ عَلَيْهِ .^۳

● علی علیه السلام میفرمود: کسی که از خودراضی است خشم- کنندگان بوی زیاد خواهند بود .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : شَرُّ الْأُمُورِ الرِّضَا عَنْ النَّفْسِ .^۴

● علی علیه السلام میفرمود: خودپسندی و از خود رضائی بدترین حالت روانی است .

۳ - نهج البلاغة فیض صفحه ۱۰۸۱

۱ - بحار جلد ۱۷ صفحه ۲۱۵

۴ - غرر الحکم صفحه ۴۱۶

۲ - غرر الحکم صفحه ۱۴۷

عقده حقارت : بیماری روانی حقارت

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بِالرُّضَاءِ عَنِ النَّفْسِ تَظْهَرُ
السَّوْءَاتُ وَالْعُيُوبُ .^۱

● علی علیه السلام میفرمود : صفت ناپسند از خود رضائی ، وسیله
آشکار شدن زشتیها و عیوب آدمی است .

و همچنین فرموده است :

مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ ظَهَرَتْ عَلَيْهِ الْمَعَايِبُ .^۲

● آنکس که گرفتار بیماری از خود رضائی است ، زشتیها ، در وی
آشکار میگردد .



عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : نَظَرَ أَبِي إِلَى رَجُلٍ
وَمَعَهُ ابْنُهُ يَمْشِي وَالْأَبْنُ مُتَكَبِّرٌ عَلَى ذِرَاعِ الْأَبِ . قَالَ
فَمَا كَلَّمَهُ أَبِي مَقْتًا لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا .^۳

● امام باقر علیه السلام فرمود : پدرم در رهگذر، پدر و پسر را
دید با هم راه میرفتند ولی پسر بی ادب ، پسر لوس و از خود راضی
در حال حرکت پیازوی پدر تکیه کرده بود . امام باقر علیه السلام
فرمود : پدرم زین العابدین از این عمل ناپسند پسر، آنچنان خشمگین
شد که تا پایان زندگی با آن پسر حرف نزد .

۱ - غررالحکم صفحه ۲۳۸

۲ - مجموعه ورام جلد ۲ صفحه ۲۰۸

۳ - غررالحکم صفحه ۶۸۵

۴- تشخیص طلبی !

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ .

● آنانکه بزشتکاریهای خود مسرور و شادمانند و دوست دارند مردم آنها را بکارهای نیکی که انجام نداده‌اند تمجید و ستایش کنند گمان مبر که آنها را از عذاب الهی رهایی است، برای آنان عذاب دردناک مقرر است .



قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : طَلَبُ الثَّنَاءِ لِيُغَيَّرَ اسْتِحْقَاقُ خُرْقٍ .
● علی علیه السلام فرموده است : تمنای تمجید نابجا از مردم داشتن ابله‌ی و حماقت است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الثَّنَاءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ ، وَالتَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ .
● علی علیه السلام فرموده است : ثنا گفتن و تمجید دگران ، بیشتر از حد شایستگی و لیاقت ، تملق و چاپلوسی است ، و کمتر از آنچه سزاوارند یا ناشی از عجز تمجید کننده است یا منشأ روانی آن بیماری حسد است .

۱ - سورة ۳ آیه ۱۸۸

۳ - نهج البلاغه فیض صفحه ۲۳۹

۲ - غرر الحکم صفحه ۷۰

۵- ستیزگی !

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّجَاجُ يُفْسِدُ الرَّأْيَ.^۱

● علی علیه السلام فرموده است : پافشاریهای لجوجانه، رأی آدمی را فاسد میکند و انسانرا به اظهارنظرهای غیر واقعی وامیدارد .

رَوَى أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَجْلِسْ حَتَّى نَتَنَاظَرَ فِي الدِّينِ فَقَالَ بَاهُذَا أَنَا بِصِيرُ بَدِينِي مَكْشُوفٌ عَلَى هُدَايَ فَإِنْ كُنْتُ جَاهِلًا فَادَّهَبْ وَأَطْلُبْهُ مَالِي وَلِلْمُماراةِ ؟ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَيُوسِسُ لِلرَّجُلِ وَيُنَاجِيهِ وَيَقُولُ نَظِرِ النَّاسَ فِي الدِّينِ لَيْسَ لَا يَظُنُّوا بِكَ الْعَجْزَ وَالْجَهْلَ .^۲

● مردی بحضرت حسین علیه السلام گفت : بنشینید تا باهم در موضوع دین مناظره و بحث کنیم ، حضرت فرمود : من به دین خود بینا هستم و هدایت الهی بر من آشکاراست ، اگر شما از دین بی اطلاعید خود در طلب آن بروید و بیاموزید . سپس فرمود : مرا با میراء و خصومت چکار ؟ این شیطان است که در ضمیر آدمی وسوسه میکند و میگوید با مردم در امر دین مناظره کن و بحث نما تا در باره ات گمان ناتوانی و نادانی نبرند .

۱ - فهرست غرر ، صفحه ۳۵۶

۲ - مستدرک ، جلد ۲ ، صفحه ۹۸

ع- جاه طلبی !

گاهی اشخاص بیکفایت و نالایق بمقامی میرسند که شایسته آن نیستند . مردم متوجه و با هوش از اطاعت این قبیل زمامداران سرهاز میزنند و در برابر آنان تمکین نمینمایند .

قال الصادق عليه السلام : مَنْ طَلَبَ الرُّثَاةَ بِغَيْرِ حَقٍّ حُرِمَ الطَّاعَةَ لَهُ بِحَقٍّ^۱

● امام صادق (ع) فرمود : کسی که بدون حق و صلاحیت خواستار ریاست باشد باید بحق و درستی از اطاعت مردم محروم بماند .

۷- دورویی !

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنُوا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ^۲

● منافقین دو رنگ، وقتی با پیروان حقیقی اسلام روبرو میشدند اظهار ایمان میکردند ، موقعی که با رفقای شیطان صفت خویش خلوت مینمودند میگفتند روح ما با شما است و مقصود از اظهار مسلمانانی ، تمسخر مؤمنین است .

يُرْضَوْنَكُم بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ^۳

● با زبان بازی و سخنان فریبنده، شمارا خشنود میسازند در صورتیکه ضمیرشان از این سخنان ابا دارد .

۱- تحف العقول صفحه ۳۲۱

۲- سورة ۲ آیه ۱۴

۳- سورة ۹ ، آیه ۸

عقده حقارت : بیماری روانی : حقارت

۸- دروغگوئی !

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا يَكْذِبُ الْكَاذِبُ إِلَّا مِنْ مَهَانَةٍ نَفْسِهِ .^۱

● دروغگو دروغ نمیگوید مگر بسبب حقارتی که در نفس خود احساس میکند .

لَا تُلْقُوا الْكَذَّابَ فَتُكَذَّبُوا فَإِنَّ بَنِي يَعْقُوبَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ الذُّنْبَ يَأْكُلُ الْإِنْسَانَ حَتَّى لَقْنَهُمْ آبُوهُمْ .^۲

● مردم کذاب راه دروغگوئی را تلقین نکنید و دروغسازی را با آنان نیا سوزید . بچه های یعقوب نمیدانستند گرگ انسان را نیز میبرد، از تذکر و تلقین پدر استفاده کردند .

۹- هوی و هوسبازی !

الْهَوَى دَاءٌ دَفِينٌ .^۳

● تمایلات ناپجا ناخوشی پنهانی است .

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا .

● می بینی آن انسان بی شخصیت و فرومایه را که تاسرحد پرستش از هوی و تمایلات خود اطاعت میکند ؟ آیا تو می خواهی او را از سقوط و هلاکت نجات دهی .

۱- مستدرک جلد ۲ صفحه ۱۰۰

۲- غرر صفحه ۲۳

۳- سفینه (کذب) صفحه ۴۷۴

انْ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَثْنَانِ : أَتْبَاعُ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ^۱.

● علی (ع) پیروان خود میفرماید : من از دو چیز بیش از هر چیز بر شما میترسم : یکی پیروی از تمایلات نفس و دیگر آرزوی دراز.

۱۰- عیب جوئی !

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ذَرُّوا الْعُيُوبَ يُحِبُّونَ إِشَاعَةَ مَعَائِبِ النَّاسِ لِيَتَّسِعَ لَهُمُ الْعُذْرُ فِي مَعَائِبِهِمْ^۲.

● علی (ع) میفرمود : کسانی که خود گرفتار عیوبی هستند دوست دارند معایب دیگران شایع شود و زبانزد مردم گردد تا برای آنها مهملان عذر آوردن ، وسعت پیدا کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا^۳.

● ای اهل ایمان ، از بیشتر بدگمانیها دربارهٔ یکدیگر اجتناب نمائید که برخی از آنها خلاف واقع و گناه است و همچنین از اوضاع درونی و زندگی داخلی این و آن تجسس نکنید و زبان به غیبت برادران خود نگشایید.

۱- غرر الحکم صفحه ۴۰۷

۲- نهج البلاغه ملاحظه الله صفحه ۱۰۰

۳- سورة ۴۹ ، آیه ۱۲

۱۱- خودرانی !

قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تَسْتَبِدَّ بِرَأْيِكَ فَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ^۱.

● علی علیه السلام فرموده است : مستبد برآی نباش ، چه آنکس که در رأی خود استبداد ورزد سرانجام هلاک خواهد شد.

۱۲- جنایتکاری ، ستمگری ، سخن چینی !

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اخْذَرْ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثَةً : الْخَائِنَ وَالظَّالِمَ وَالنَّمَامَ لِأَنَّ مَنْ خَانَ لَكَ خَانَكَ وَمَنْ ظَلَمَ لَكَ مَبْظِلِمُكَ وَمَنْ نَمَّ إِلَيْكَ سَيَنِمُ عَلَيْكَ^۲.

● امام صادق علیه السلام فرموده است : از رفاقت و همبستگی سه گروه برحذر باش. خائن ، ستمکار و سخن چین . کسیکه روزی بنفع تو خیانت میکند روز دیگر بضرر تو خیانت خواهد کرد ، کسیکه برای تو بدیگری ستم می نماید طولی نمی کشد که بشخص تو ستم میکند و کسیکه از دگران نزد تو نمایی کند عنقریب از تو نزد دگران نمایی خواهد کرد .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَوْلَى النَّاسِ بِالثُّمَّةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ الثُّمَّةِ^۳.

● رسول اکرم (ص) فرموده است : شایسته ترین مردم برای بدنامی و ننگ اجتماعی کسانی هستند که با بدنامان رفیق میشوند و با آنان مجالست می نمایند .

۱ - غررالحکم ، صفحه ۸۱۱

۲ - تحف العقول ، صفحه ۳۱۶

۳ - مستدرک ، ۲ ، صفحه ۶۵

۱۳- تملق و چاپلوسی !

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ مَدَحَكَ بِمَا لَيْسَ فِيكَ فَهُوَ خَلِيقٌ أَنْ يَذُمَّكَ بِمَا لَيْسَ فِيكَ ^۱.

● علی علیه السلام فرموده است : کسیکه روزی برای فضیلتی که در تو نیست بدروغ مدحت گوید سزاوار است روز دیگر برای صفت بدی که از آن مترهی مذمت کند .

۱۴- ترس، بخل، حرص !

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ النُّجْبَانَ وَالبُخْلَ وَالحِرْصَ غَرِيزَةٌ وَاحِدَةٌ يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ ^۲.

● پیغمبر اکرم فرموده است : ترس و بخل و حرص شاخه های یک غریزه هستند و قدرجامعشان بدگمانی بآینده ناشناخته یا سوء ظن به الطاف کریمانه الهی است .

۱۵- خلف وعده !

علی علیه السلام درضمن تعالیم خود بمالک اشتر توصیه فرمود :
از عهد شکنی برحذر باش .

وَالْخُلْفُ يُوجِبُ النِّمَقَ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ ^۳.

خلف وعده و نقض پیمان باعث خشم خداوند و مردم است .

بدون تردید عهدشکنی شخصیت آدمی را درهم می شکنند .

۱ - غررالحکم ، صفحه ۶۷۱

۲ - سفینه ۱ ، حرص ، صفحه ۲۴۴ ۳ - نهج البلاغه فیض صفحه ۱۰۲۲

۱۶- کینه‌توزی و حسدورزی!

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : طَهِّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنَ الْحَقِيقَةِ فَإِنَّهُ دَاءٌ مُؤَبِّيٌّ.^۱

● علی علیه‌السلام فرموده است : قلبهای خود را از کینه‌های نهانی پاک کنید، چه آن یک بیماری مهلکی همانند وبا است.
وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْعَجَبُ لِفَضْلَةِ الْحُسَّادِ عَنْ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ.^۲

● و نیز فرموده : عجب است که حسودان از سلامت بدن‌های خود غافل و بی‌خبرند.

۱۷- تحقیر و مسخرگی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَا تُحَقِّرَنَّ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ صَغِيرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ كَبِيرٌ.^۳

● رسول اکرم (ص) فرموده است: هیچیک از مسلمانان را کوچک و ناچیز نشمارید که خردسالان مسلمین هم در پیشگاه الهی بزرگند.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا تُشَارَّ مَنْ فَوْقَكَ وَلَا تَسْخَرْ بِمَنْ هُوَ دُونَكَ.^۴

● و نیز امام صادق علیه‌السلام بعبده‌الله بن جندب فرموده است : با کسانی که از تو بالاترند ستیزه مکن و کسانی را که از تو پائین‌ترند مورد استهزاء و تمسخر قرار مده.

۱- فهرست غرر، صفحه ۷۲ ۲- نهج البلاغه، کلمه ۲۱۶

۳- مجموعه ورام، جلد ۱، صفحه ۳۱ ۴- تحف العقول، صفحه ۳۰۴

۱۸- افراط و تفریط!

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : إِيَّاكَ وَالضَّجَرَ وَالْكَسَلَ
إِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ سُوءٍ إِنَّهُ مَنْ كَسِلَ لَمْ يُوَدَّ حَقًّا وَمَنْ ضَجِرَ
لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ .^۱

● امام صادق علیه السلام فرموده : از افراط در کار و تلاش بیش از حد پرهیز و همچنین از سستی و مسامحه کاری اجتناب نما که این هر دو ، کلید تمام بدیها و بدبختی ها است ، زیرا افراد مسامحه کار انجام وظیفه نمیکند و حق کار را آنطور که باید ادا نمی نمایند ، و افراد زیاده رو ، در مرز حق ، توقف نمی نمایند و از حدود مصلحت تجاوز میکنند .

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

علی (ع) در عبارتی کوتاه و حکیمانه تنافی چند خواهرش نفسانی را با یکدیگر بیان فرموده است :

مَا أَعْجَبَ أَمْرَ الْإِنْسَانِ ، إِنْ سَنَحَ لَهُ الرَّجَاءُ أَذْكَهُ الطَّمَعُ
وَإِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ ، وَإِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ
قَتَلَهُ الْأَسَفُ ، وَإِنْ سَعِدَ نَسِيَ التَّحْقِظَ ، وَإِنْ نَالَهُ خَوْفُ
حَيْرَةِ الْحَذَرِ ، وَإِنْ اتَّسَعَ لَهُ الْأَمْنُ اسْلَمَتْهُ الْغِرَّةُ ، وَإِنْ
جُدَّتْ لَهُ النِّعْمَةُ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ ، وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ
فَضَحَّهَ الْجَزَعُ ، وَإِنْ أَقَادَ مَالًا أَطْغَاهُ الْغِنَى ، وَإِنْ غَصَّتْهُ
فَاقَةُ شَمْلِهِ الْبَلَاءُ ، وَإِنْ جَهَدَهُ الْجُوعُ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ ،

وَإِنْ أَفْرَطَ فِي الشَّبَعِ كَظَنَّهُ الْبِطْنَةَ ، فَكُلْ تَقْصِيرٌ بِهِ مُضِرٌّ ، وَكُلْ إِفْرَاطٌ بِهِ مُفْسِدٌ ، وَكُلْ خَيْرٌ مَعَهُ شَرٌّ ، وَكُلُّ شَيْءٍ لَهُ آفَةٌ .^۱

● چه عجیب و حیرت آور است کار بشر ، اگر در موردی امیدوار شود طمع خوارش خواهد کرد ، اگر طمع او را بجنبش آورد حرص هلاکش میکند ، اگر دچار ناامیدی شود غصه و غم او را میکشد ، اگر بخوشبختی و سعادت رسد نگاهداری آنرا فراموش میکند ، اگر دچار خوف و هراس شود از ترس خیرت زده میگردد ، اگر در گشایش امنیت قرار گیرد غافل میشود ، اگر نعمت بر او تجدد شود دچار گردن کشی و بلند پروازی میگردد ، اگر دچار مصیبتی شد تأثر و حزن او را رسوا میکند ، اگر ثروتی بدست آورد دچار طغیان مالی میگردد ، اگر فقر گریبان گیرش شد غرق اندوه میشود ، اگر گرفتار تعب گرسنگی شد از ناتوانی زمین گیر میگردد ، و اگر در خوردن زیاده روی کند از فشار شکم ناراحت میشود ، پس کند رویها در زندگی بشر مضر است و تند رویها نیز مایه ویرانی و فساد ، هر خیری را شری و هر نوشی رانیشی است .
چه بسیار خواهش بیش از اندازه در اعمال شهوت جنسی و صرف غذا در آدمی وجود دارد که منافعی با خواهش سلامت است ، چه بسیار لذتهائی از الکل و هروئین مورد تقاضای بشر است که عوارض گوناگونش آدمی را تهدید میکند .

درمان نگرانی و حقارت :

خداوند در قرآن شریف بر رسول اکرم (ص) دستود داده است

إِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ^۱.

سیئه و بدی را با خوبی و عمل پسندیده برطرف بنما .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ
وَقَفَّ عَلَى عَيْبِهِ وَآخَاطَ بِذُنُوبِهِ فَاسْتَقَالَ الذُّنُوبَ وَاصْلَحَ
الْعَيْبُوبَ^۲.

● امیرالمؤمنین (ع) میفرمود : آنکس که بحساب نفس خود
رسیدگی کند بر عیوب و نقائص خویش آگاه میشود و از گناهان خود
مطلع میگردد ، در آن موقع است که میتواند خویشتن را درمان کند ،
گناهان را ترك گوید ، و عیوب خود را اصلاح نماید .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَبَّحَ وَمَنْ غَفَلَ
عَنْهَا خَسِرَ^۳.

● و نیز فرموده است : آنکس که بحساب نفس خود رسیدگی کند
سود میبرد و آنکه در این کار غفلت نماید زیان میکند .

۱- سورة ۲۳ آیه ۹۶

۲- غررالحکم صفحه ۶۹۶

۳- نهج البلاغه فیض صفحه ۱۱۷۰

۱- رفع عیوب خود

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عِيُوبِي .^۱

● امام صادق (ع) میفرمود : بهترین و محبوبترین برادران من کسی است که عیوب مرا بمن اهداء کند و نقائصم را تذکر دهد .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ عَلَيَّ الْعَاقِلِ أَنْ يُحْصِيَ عَلَيَّ نَفْسِهِ مَسَاوِيَهَا فِي الدِّينِ وَالرَّأْيِ وَالْإِخْلَاقِ وَالْأَدَبِ فَيَجْمَعُ ذَلِكَ فِي صَدْرِهِ أَوْ فِي كِتَابٍ وَ يَعْمَلُ فِي إِزَالَتِهَا .^۲

● علی (ع) فرمود : لازمست انسان عاقل ، بحساب خود رسیدگی دقیق کند و تمام نقائص و عیوب خویش را در امور دینی خود ، در نظرها و آراء خود ، در خلیات و ملکات خود ، در آداب و طرز معاشرت خود ، با شمارش صحیح احصاء نماید و تمام آنها را بذهن خود بسپارد ، یا آنکه بر صفحه کاغذی بنویسد و برای برطرف نمودن آن عیوب ، فعالیت نماید .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عَظَّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدُّنْيَا مِنَ الْأُمُورِ^۳

● علی (ع) میفرمود : امور ناچیز و پست را نادیده انگارید و بدین وسیله قدر و منزلت خود را در جامعه ، بزرگ و پرارزش کنید .

۱ - تحف العقول صفحه ۲۲۴

۳ - تحف العقول صفحه ۳۹۶

۲ - بحار جلد ۱۷ صفحه ۱۱۶

۲- خیرخواه همه مردم

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُحِبُّ أَنْ تَكُونَ نِيَّةُ الْإِنْسَانِ لِلنَّاسِ جَمِيلَةً^۱.

● علی (ع) فرمود : خداوند دوست دارد که تمام مردم عالم نسبت به کلیه افراد بشر، بپاکی و نیکی فکر کنند و خیرخواه یکدیگر باشند.
وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَبْلَغُ مَا تَسْتَدِيرُ بِهِ الرَّحْمَةُ أَنْ تُضْمِرَ لِجَمِيعِ النَّاسِ الرَّحْمَةَ^۲.

● و نیز فرموده است: بهترین و رساترین وسیله جلب رحمت الهی آنست که آدمی در ضمیر خویش خیرخواه تمام مردم جهان باشد.

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْكَافِرُ مَنْ أَمَاتَ أَضْغَانَهُ^۳.

● حضرت امیرالمؤمنین فرمود : خاموش کردن آتش خشم برای کسی میسر است که از روی حقیقت دشمنهای درونی را در دل بмирاند و ضمیر خود را از کینه و بدخواهی دیگران پاک کند.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَطْلِقْ عَنِ النَّاسِ عُقْدَةَ كُلِّ حِقْدٍ^۴.
● حضرت علی (ع) در ضمن عهد نامه خود بمالك اشتر سفارش

۱ و ۲ و ۳ - غرر الحكم صفحه ۲۷۱ - ۲۱۲ - ۲۷

۴ - نهج البلاغه فیض صفحه ۹۸۸

عقده حقارت : درمان نگرانی و حقارت

میکند : تمام عقده‌های کینه و عداوت را نسبت به مردم به‌گشای ودلت را از بدخواهی دگران تزکیه و تطهیر کن .

۳- شکر نعمتهای موجود

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَكْثَرُ النَّظَرِ إِلَى مَنْ فَضَّلْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَبْوَابِ الشُّكْرِ .^۱

● علی علیه‌السلام فرموده است : بیشتر توجهت به کسانی باشد که تو بر آنها برتری داری، چه این خود یکی از درهای شکرگزاری و استفاده از نعمتهای الهی است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ أَنْظِرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فَتَكُونَ لَا تَعْمُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلِمَزِيدِهِ مُسْتَوْجِبًا وَلِجُودِهِ سَاكِنًا .^۲

● امام صادق علیه‌السلام فرموده است : برای تسکین خاطر و تخفیف اندوه خود ، همواره بکسی نظر کن که نصیبش از نعمتهای الهی کمتر از تو است تا شکر نعمتهای موجود را بجای آوری و برای افزایش نعمت خداوند ، شایسته باشی و قرارگاه عطیه الهی گردی .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ .^۳

● خداوند اوضاع و احوال هیچ قومی را تغییر نمیدهد مگر آنکه خودشان صفات نفسانی و ملکات روحی خویش را دگرگون سازند .

۱ - غررالحکم ، صفحه ۱۱۷

۲ - مستدرک ، ۲ ، صفحه ۶۴

۳ - سوره ۱۳ ، آیه ۱۱

۱۰۷ . عقل

[الْعَقْل]

ارزش عقل و عاقل

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^۱.

● قرآن میگوید وقتی خدا و پیغمبر، شما را بحیات روحانی و زندگی عقلی و انسانی دعوت میکنند لبیک گوئید و تعالیم آنها را بکار بندید .

۱- حضرت علی (ع) فرموده :

كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سَبِيلَ غَيْبِكَ مِنْ رُشْدِكَ^۲.

● در ارزش و عظمت عقل تو پس است که راه ضلالت و بدبختی تو را از صراط نجات و خوشبختیت تمیز میدهد .

۲- قِيلَ لَهُ صِفْ لَنَا الْعَاقِلَ . قَالَ هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ^۳ مَوَاضِعَهُ^۴.

● از حضرت علی (ع) درخواست شد که عاقل را معرفی کند . فرمود عاقل کسی است که هر چیزی را در جای خود قرار میدهد .

۱- سورة ۸ آية ۲۴

۲ و ۳- نهج البلاغة ملافتح الله صفحة ۶۰۶-۶۰۵

عقل : ارزش عقل و عاقل

۳- رسول اکرم (ص) میفرمود :

لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيَّةٌ وَمَطِيَّةُ الْمَرْءِ الْعَقْلُ^۱ .

● هر چیزی مرکبی دارد و مرکب آدمی عقل است . حیوانات راه سعادت را با مرکب توانای غرائز و هدایت تکوینی می پیمایند و بمنزل مقصود یعنی کمال لایق بخود میرسند ، ولی بشر راه وصول بسعادت را با مرکب عقل طی میکند .



۴- پیغمبر اکرم (ص) فرمود :

قَوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ^۲ .

● نظام زندگی و تکیه گاه بشر عقل اوست . نظم و تربیت و نقطه اتکاء زندگی در عالم حیوانات غرائز است ولی بشر باتکاء و مدد عقل بزندگی خود نظم و انضباط میدهد .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَا غِنَاءَ آخِضَبُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا فَقْرٌ أَحَطُّ مِنَ الْخُمْقِ^۲ .

● امام صادق علیه السلام فرموده : خیر و برکت هیچ ثروتی بقدر عقل نیست ، و پستی و ذلت هیچ فقری به پایه حماقت که فقر عقلی است نمیرسد .

۱- بحار جلد ۱ صفحه ۳۲

۲- کافی ۱ ، صفحه ۲۹

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ ، فَانظُرُوا فِي حُسْنِ عَقْلِهِ فَإِنَّمَا يُجَازَى بِعَقْلِهِ .^۱

● رسول اکرم فرموده : وقتی خبر حسن خلق و درستکاری مردی به شما میرسد تنها بآن قانع نشوید ، بلکه خوبی عقل و فکرش را به بینید و مقدار درك و فهمش را در نظر آورید ، زیرا پاداش عمل هر کسی بمقدار عقل او است .

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحَاسِبُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ مَا آتَاهُمُ مِنَ الْعَقُولِ فِي دَارِ الدُّنْيَا .^۲

● امام باقر علیه السلام فرموده است : که در قیامت بازخواست خداوند از مردم بمقدار عقلی است که در دنیا بآنان داده است .

عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ الْعَقْلُ حِیَاءٌ مِنَ اللَّهِ وَالْأَدَبُ كُلْفَةٌ فَمَنْ تَكَلَّفَ الْأَدَبَ قَدَّرَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْ بِذَلِكَ إِلَّا جَهْلًا .^۳

● حضرت رضا علیه السلام به ابوهاشم فرمود : عقل عطیه الهی است و ادب و تربیت نتیجه مشقت . آنکس که در راه فرا گرفتن ادب بمشقت و زحمت تن در دهد پیروز میشود و سرانجام مؤدب میگردد ، و آنکس که در راه ازدیاد عقل خداداد که جزء سرشت آدمی است سعی و مجاهده نماید جز بر نادانی خود نیفزوده است .

۱ - کافی ۱ ، صفحه ۱۲

۲ - بحار ۱ ، صفحه ۳۹

۳ - کافی ۱ ، صفحه ۲۴

عقل : عقل چیست

عقل چیست ؟

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تُزِيدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده : عقل از سرمایه های فطری بشر است ،
با علم آموزی و تجربه اندوزی افزایش میابد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْعَقْلُ شَرْعٌ مِنْ دَاخِلٍ وَ الشَّرْعُ عَقْلٌ مِنْ خَارِجٍ .^۲

● علی علیه السلام فرموده : عقل برای بشر دین داخلی است ،
چنانکه دین برای او عقل خارجی است .

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْعَقْلُ عَقْلَانِ عَقْلُ الطَّبْعِ وَ عَقْلُ التَّجَرِبَةِ وَ كِلَاهُمَا يُؤَدِّي اِلَى الْمُنْفَعَةِ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : عقل ، بردو قسم است ، یکی طبیعی و آن دیگر
تجربی و نتیجه این هردو عقل به سود آدمیان است .

وَمِنْ وَصِيَّةٍ كَتَبَهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ اَلْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ .^۴
● علی علیه السلام در ضمن نامه خود به حضرت مجتبی علیه السلام
نوشته : عقل ، حفظ تجربیات زندگی است .

۱ - فهرست مرور ، صفحه ۲۵۶ ۳ - بحار ، جلد ۱۷ ، صفحه ۱۱۶

۲ - مجمع البحرین ، (عقل) ۴ - نهج البلاغه فیض ، صفحه ۹۲۲

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِنَّهُ قَالَ : يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَحُجَّةٌ بَاطِنَةٌ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَلِئِمَّةُ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ^۱.

● حضرت موسی بن جعفر (ع) بهشام بن حکم فرمود: خداوند را در بین مردم دو حجت است، یکی ظاهری و آن دیگر باطنی، حجت ظاهری خداوند، رسولان و انبیاء و ائمه هستند و حجت باطنی عقلهای مردم است:

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ^۲.

● علی علیه السلام در این حدیث کلمه «رسول» را درباره خرد بکار برده و فرموده است: عقل، رسول حضرت حق است.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَقْلُ عَقْلَانِ مَطْبُوعٌ وَمَسْمُوعٌ وَلَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ مَا لَمْ يَكُنْ مَطْبُوعٌ، كَمَا لَا يَنْفَعُ نُورُ الشَّمْسِ وَنُورُ الْعَيْنِ مَسْمُوعٌ^۳.

● علی علیه السلام فرموده: عقل برد و قسم است، اول عقلی که بطور طبیعی و بر اساس سنت آفرینش، نصیب بشر میشود و دیگری عقلی که از راه شنیدن سخنان دیگران و فرا گرفتن معلومات ابن و آن، عاید آدمی میگردد، ولی برای کسیکه عقل طبیعی و سالم ندارد شنیدن مقالات علمی، سودبخش نیست، مانند کسیکه چشمش نابینا است نمیتواند از پرتو نور آفتاب استفاده کند و موجودات را به بیند.

۱- تحف العقول، صفحه ۲۸۶

۲- فهرست غرر، صفحه ۲۵۵

۳- عین الیقین فیض، صفحه ۲۴۳

عقل : عقل چیست

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است : همه خوینها و نیکیها بوسیله عقل نصیب بشر میشود .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِكْرُكَ يَهْدِيكَ إِلَى الرَّشَادِ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : افکار عاقلانهات تورا براه صواب و هدایت واقعی راهنمایی میکند .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ .^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده : خرد ، راهنما و دلیل مردان با ایمان است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ النَّبِيُّ ، وَالْحُجَّةُ فِيمَا بَيْنَ الْعِبَادِ وَبَيْنَ اللَّهِ الْعَقْلُ .^۴

● امام صادق علیه السلام فرموده : حجّت خداوند بر مردم ، پیامبر است و حجّت بین مردم و خداوند عقل است .

۳ - کافی ۱ ، صفحه ۲۵

۴ - کافی ۱ ، صفحه ۲۵

۱ - تحف العقول ، صفحه ۴

۲ - غرر الحکم ، صفحه ۱۶۵

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : عِنْدَ بَدْنِهَا الثَّقَالِ تُخْتَبَرُ عُقُولُ
الرِّجَالِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده : عقل های مردم را میتوان از سخنانی که
فوری و بالبداهه میگویند آزمایش نمود :

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ظَنُّ الْإِنْسَانِ مِيزَانُ عَقْلِهِ .^۲
● کلمه « ظن » در لغت بمعانی یقین و گمان و شک آمده است ،
و در این حدیث ممکن است هر سه معنی مراد باشد . علی علیه السلام میفرماید :
نظرات قطعی یا حدس و گمان یا شک و تردید مردم در موضوعات مختلف ،
وسیله سنجش عقل و میزان تشخیص درک آنان است .

عقل و منطق

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِلْإِنْسَانِ فَضِيلَتَانِ عَقْلٌ وَ مَنْطِقٌ
فَبِالْعَقْلِ يَسْتَفِيدُ وَ بِالْمَنْطِقِ يُفِيدُ .^۳

علی علیه السلام فرموده است : برای آدمی دو فضیلت و برتری است :
یکی عقل است و دیگری منطق . با عقل خود استفاده علمی میکند و بدرک
حقایق نائل میگردد و با منطق معلومات خویش را برای دیگران بازگو میکند
و آنان را بهره مند میسازد .

۲۱ - غررالحکم ، صفحه ۹۰ و ۷۴

۳ - غررالحکم ، صفحه ۸۲

عقل : عقل مایه نجات

عقل مایه نجات

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَقْلُ يُهْدِي وَيُنْجِي وَالْجَهْلُ يُغْوِي وَيُرْدِي .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : بکار بستن عقل ، مایه هدایت و نجات انسانها است ، و سرکوب کردن عقل ، باعث گمراهی و سقوط آدمیان است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ ، وَقَانِلٌ هَوَاكُ بِعَقْلِيكَ .^۲

● علی علیه السلام فرموده : عقل شمشیر برآنی است از آن استفاده کنید و با هوای نفس خود بجنگید .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَقْلُ الْكَامِلُ قَاهِرٌ لِطَبْعِ السُّوْمِ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : عقلی که بمرتبه کمال و نیرومندی رسیده است میتواند طبیعت بد و غرائز تندرو را مقهور و سرکوب نماید.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِلنَّفُوسِ خَوَاطِرٌ لِلْهَوَايِ : وَالْعُقُولُ

۱ - بحار ۱۷ ، صفحه ۱۱۶

۲ - نهج البلاغه فیض ، صفحه ۱۲۷۵

۳ - فهرست غرر ، صفحه ۲۵۷

تَزَجُّرُ وَتَنْهَى^۱ .

● علی علیه السلام فرموده است : نفس امّاره^۲ بشر براساس هوای و تمایلات ناروا ، خاطراتی در خود میپرورد ، و عقل مصلحت اندیش مانع اجراء آن خاطرات میشود و آدمی را از اعمال تمنّیات خود باز میدارد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِيَلْقُلُوبِ خَوَاطِرُ سُوءٍ وَالْعُقُولُ تَزَجُّرُ مِنْهَا^۲ .

● و نیز فرموده است : در دلهای بشر ، خاطرات بد و خواهشهای زشت پدید میآید ، عقل است که از اعمال آن خاطرات جلوگیری میکند و بشر را از بدکاری و گناه محافظت مینماید .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْكُنْفُوسُ طَلِيقَةٌ لَكِنْ أَيْدِي الْعُقُولِ تُمْسِكُ أَعْيُنَهَا عَنِ النَّحُوسِ^۳ .

● علی علیه السلام فرموده : نفس سرکش آدمی رها و خودسراست ، ولی دست نیرومند عقل بشدت زمامش را می کشد و از اعمالی که مایه^۴ نحومت و بدبختی است بازش میدارد .

۱ - تحف العقول ، صفحه ۹۶

۲ - غررالحکم ، صفحه ۵۸۱

۳ - فهرست غرر ، صفحه ۲۵۷

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اسْتَثَرْتُ شَيْدُوا الْعَقْلَ تَرَشُّدُوا
وَلَا تَعْصُوهُ فَتَنْدَمُوا .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است : از عقل هدایت و راهنمایی بخواهید
تا به رشد و کمال خویش نائل گردید، و از فرمانش سرپیچی ننمائید که نادم
و پشیمان خواهید شد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَضَّلَ الْعَقْلَ عَلَى الْهَوَى لِأَنَّ الْعَقْلَ
يُمْلِكُكَ الزَّمَانَ وَالْهَوَى يَسْتَعْبِدُكَ لِلزَّمَانِ .^۲

● علی علیه السلام فرمود : عقل را بر هوای نفس برتری و فضیلت ده ،
چه آنکه عقل ، تو را مالک و فرمانروای زمان میسازد و هوای نفس ، تو را
بنده و برده روزگار میکند .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْسَتْ الرُّؤْيَةُ مَعَ إِلَّا بَصَارٍ فَقَدْ
تَكْذِبُ الْعُيُونُ أَهْلَهَا وَلَا يَغْشَى الْعَقْلُ مَنْ اسْتَنْصَحَهُ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : بینش و درک واقعی همیشه با دیده ها
میسر نیست ، زیرا گاهی چشم خطا میکند و بصاحبش دروغ میگوید ،
ولی عقل ، در اندرز و نصیحت بصاحبش خیانت نمی نماید و هرگز خلاف
واقع نمی گوید .

۱- مستدرک الوسائل، جلد ۲ ، صفحه ۲۸۶

۲- شرح ابن ابی الحدید ، جلد ۲۰ ، کلمه ۲۰۹

۳- نهج البلاغه فیض ، صفحه ۱۲۱۲

عاقل کیست ؟

قالَ آمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ، وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ.^۱

● علی علیه السلام فرموده : عاقل آنکسی نیست که تنها نیکی را از بدی تشخیص دهد ، بلکه عاقل کسی است که وقتی در مقابل دو بدی قرار میگیرد ، آنرا که خطرش کمتر و شرش خفیفتر است بشناسد ، و با تن دادن به شرّ کوچکتر خود را از شرّ بزرگتر مصون نگاه دارد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَقٌّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضِيفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْعُقَلَاءِ وَ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْعُلَمَاءِ.^۲

● علی علیه السلام فرموده : سزاوار است انسان عاقل رأی خردمندان را برای خود بیفزاید و دانش علماء را بردانش خویش اضافه نماید .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ فِي حِكْمَةِ دَاوُدَ (ع) : عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ.^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده که در حکم حضرت داود آمده است : انسان عاقل باید زمان خود را بشناسد ، بکاری که موظف است روی آورد و آنرا بدرستی انجام دهد .

۱ - بحار ۱۷ ، صفحه ۱۱۶

۲ - غرر الحکم ، صفحه ۳۸۴

۳ - بحار ، جلد ۵ ، صفحه ۳۴۲

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الدِّينِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ وَاصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده : پس از ایمان بخداوند سرآمد تمام اعمال عاقلانه، بشردوستی و نیکی به همه مردم است خواه خوب و درستکار باشند یا فاسق و گناهکار .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَا يُلْسَعُ الْعَاقِلُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ .^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده است : انسان عاقل از یک سو راخ جانور دوبار گزیده نمیشود . یعنی خردمند در هر مورد از اولین آسیب درس عبرت میگیرد و دوباره به آن کارزبان آوردست نمیزند .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : كَفَى مَاضِيًا مَخْبِرًا عَمَّا بَقِيَ وَكَفَى عِبْرًا لِدَوِي الْأَلْبَابِ مَا جَرَّبُوا .^۳

● علی علیه السلام فرموده : کافی است که واقعه گذشته، ما را بر معیار دیگر قضا با آگاه سازد، و کافی است که خردمندان از تجاربی که اندوخته اند عبرت بگیرند و آنها را سرمشق آینده خویش قرار دهند .

۱ - مستدرک ۲ ، صفحه ۶۷

۲ - بحار ، جلد ۱ ، صفحه ۴۳ ۳ - شرح ابن ابی الحدید ، جلد ۲۰ ، صفحه

۲۷۴ ، کلمه ۱۶۳

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : التَّجَارِبُ لَا تَنْقُضِي وَالْعَاقِلُ مِنْهَا فِي زِيَادَةٍ^۱

● علی علیه السلام فرموده است : تجارب آدمی پایان ندارد و معلومات انسان عاقل بوسیله تجربه همواره در افزایش و فزونی است .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ^۲

● حضرت رضا (ع) فرموده : نصف عقل آدمی اظهار دوستی و محبت نسبت بعموم مردم است .

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِذَا ارَدْتَ أَنْ تَخْتَبِرَ عَقْلَ الرَّجُلِ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ فَحَدِّثْهُ فِي خِلَالِ حَدِيثِكَ بِمَا لَا يَكُونُ فَإِنْ أَنْكَرَهُ فَهُوَ عَاقِلٌ وَإِنْ صَدَّقَهُ فَهُوَ أَحمَقُ^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده است : اگر بخواهی دریغ مجلس ، عقل مردی را آزمایش کنی در خلال سخنانی مطلبی را ذکر کن که ناشدنی است . اگر متوجه شد و انکارش کرد عاقل است ، ولی اگر آنرا پذیرفت و ناسنجیده تصدیق کرد او مرد احمق است .

۱ - فرد الحکم ، صفحه ۵۸

۲ - وسائل ۳ ، صفحه ۲۰۷

۳ - صفیته ، جلد ۱ ، (حمق) ، صفحه ۲۴۱

عقل : عاقل کیست

حضرت موسی بن جعفر (ع) با هشام بن حکم در باره عقل و عاقل
بتفصیل سخن گفته و اولین فضیلت بشر عاقل را در آزادگی و حسن
انتخاب او بیان فرموده است .

يٰ هِشَامُ : اِنَّ اِلٰهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى بَشَرًا اَهْلَ الْعَقْلِ وَ الْفَهْمِ
فِي كِتَابِهٖ فَقَالَ : فَبَشَرُ عِبَادِ الَّذِيْنَ يَسْتَمِعُوْنَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُوْنَ
اَحْسَنَهٗ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ هَدٰىهُمُ اللّٰهُ وَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْاُولُوْا
اَلْاَلْبَابِ .^۱

● ای هشام : خداوند باهل عقل و فهم در کتاب خود بشارت داده
و فرموده است : مؤدّه بدّه بکسانیکه سخنانرا میشنوند و از آنچه خوب و
پسندیده است پیروی میکنند . اینان کسانی هستند که خداوندشان
هدایت فرموده و اینان صاحبان عقل و درایت هستند .

قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ اٰلِهٖ : وَ لَا بَعَثَ اللّٰهُ رَسُوْلًا وَ لَا
نَبِيًّا حَتّٰى يَسْتَكْمِلَ الْعَقْلَ وَ يَكُوْنَ عَقْلُهُ اَفْضَلَ مِنْ
عُقُوْلٍ جَمِیْعٍ اُمِّیْهِ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرمود : هیچ پیغمبری از طرف خداوند بر سالت
یا نبوت مبعوث نشد مگر آنکه واجد عقل کامل بود بحدّیکه عقل وی بر
عقول جمیع امتش برتری داشت :

۱- کافی جلد ۱ صفحه ۱۳

۲- سفینه ۲ ، «عقل» صفحه ۲۱۴

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَاقِلُ مَنْ وَعَظَّمَتْهُ الشَّجَارِبُ^۱ .

● علی علیه السلام فرموده : خردمند کسی است که از تجربیات زندگی پند و سرمشق آموزد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ عَقَلَ اعْتَبَرَ بِأَمْسِهِ وَاسْتَظْهَرَ لِنَفْسِهِ^۲ .

● و نیز فرموده است : انسان عاقل از وقایع دیروز خود عبرت و سرمشق میگیرد و آنرا در زندگی ، پشتیبان خود قرار میدهد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يُقِيمَ عَلَى الْخَوْفِ إِذَا وَجَدَ إِلَى الْأَمْنِ سَبِيلًا^۳ .

● علی علیه السلام فرموده است : سزاوار نیست انسان عاقل در خوف و نگرانی بسربرد اگر راهی بآرامش و ایمنی داشته باشد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَاقِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى عَمَلِهِ وَالْجَاهِلُ يَعْتَمِدُ عَلَى أَمَلِهِ^۴ .

● و نیز از آن حضرت است که فرمود : اشخاص عاقل بسمی و کوشش خود تکیه میکنند ولی مردان نادان بآمال و آرزوهای خویش متکی هستند .

۱ - بحار ۱۱ ، صفحه ۵۳

۲ - غررالحکم ، صفحه ۶۷۸

۳ - غررالحکم ، صفحه ۸۵۱

۴ - غررالحکم صفحه ۴۲

فساد و زوال عقل

قالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَلْغَضَبُ يُفْسِدُ اَلْاَلْبَابَ وَيُبْعِدُ عَنِ الصَّوَابِ .^۱

● امیرالمؤمنین (ع) فرموده : خشم و غضب آلودگی باعث فساد و تباهی عقل است و آدمی را از راه صلاح و صواب دور میسازد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ .^۲

● و نیز فرموده است : بیشتر فرو افتادن و سقوط عقل های بشر در زیر اشعه فریبنده و تالاولو خیره کننده آرزو و طمع است .

قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : ذَاهِبُ الْعَقْلِ بَيْنَ الْهَوَى وَالشَّهْوَةِ .^۳

● علی علیه السلام فرموده . عقل آدمی در زمینه کششهای هوای نفس و شهوات از میان می رود .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِذَا غَلَبَتْ عَلَيْكُمْ اَهْوَاؤُكُمْ اُورِدَتْكُمْ مَوَارِدُ الْهَلَكَةِ .^۴

● و نیز فرموده است : موقعیکه هوای نفس بر وجودتان حاکم و غالب گردد شما را به پرتگاه تباهی میکشاند و هلاکتان میسازد .

۱- ۲۰۱ - غررالحکم ، صفحه ۴۹ و ۱۹۵

۲- ۲۰۲ - فهرست غرر ، صفحه های ۴۲۷ و ۴۲۶

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : زَوَالُ الْعَقْلِ بَيْنَ دَوَاعِي الشَّهْوَةِ وَالْغَضَبِ .^١

● علی علیه السلام فرموده است : در کشاکش انگیزه های شهوت و غضب ، عقل بشر تیره و تار میشود و فروغ خود را از دست میدهد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَمْلِكْ شَهْوَتَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ .^٢

● و نیز فرموده است : کسیکه مالک شهوت خود نباشد مالک عقل خود نخواهد بود .

مرکز تحقیقات علوم دینی

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَثْرَةُ الْأَمَانِيِّ مِنْ فُسَادِ الْعَقْلِ .^١

● و نیز فرموده است آرزوهای زیاد، ناشی از فساد عقل آدمی است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ الْحُمُقُ الْإِتِّكَالُ عَلَى الْأَمَلِ .^٢

● علی علیه السلام فرموده : تکیه کردن بر آرزو از ابله‌ی و حماقت است .

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلٌّ

١ و ٢ - مستدرک ٢ ، صفحه ٢٨٧

٣ - غررالحکم ، صفحه ٥٦١

٤ - غررالحکم ، صفحه ٧٢٦

عقل : فساد و زوال عقل

عَلَىٰ ضَعْفِ عَقْلِهِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : خود پسندی و بلند پروازی هر انسان ، دلیل بر ضعف عقل و نارسائی فکر او است .

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَكُنْ عَقْلُهُ
اَكْمَلَ مَا فِيهِ ، كَانَ هَلَاكُهُ مِنْ أَيْسَرِ مَا فِيهِ .^۲

● حضرت سجاد علیه السلام فرموده است : کسیکه عقل وی از
سایر قوایش کاملتر نباشد هلاکت و سقوط ، از آسانترین حوادث درزندگانی
او است .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا شَابَ الْعَاقِلُ شَبَّ عَقْلُهُ وَإِذَا شَابَ
الْجَاهِلُ شَبَّ جَهْلُهُ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : وقتی افراد عاقل ، پیر میشوند نیروی
عقل در نهادشان جوان می گردد و موقعیکه اشخاص جاهل به پیری میرسند
جهل و نادانی در وجودشان جوان میشود .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَلْهَوَىٰ بِقُظَانٍ وَ الْعَقْلُ نَائِمٌ .^۴
● امام صادق علیه السلام فرموده است : تمایلات نفسانی در ضمیر
بشر بیدار است و خرد در خواب .

۴ - بحار ، ۱ ، صفحه ۳۲

۱ - کافی ، ۱ ، صفحه ۲۷

۲ - بحار ، ۱۸ ، صفحه ۴۲۴

۳ - فهرست غرر ، صفحه ۱۸۹

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ هَوَاهُ أَفْلَحَ ، وَمَنْ غَلَبَ هَوَاهُ عَقْلُهُ أَفْتَضَحَ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : کسی که عقلش بر هوای نفس غالب باشد برستگاری و سعادت نائل میشود، و آنکس که عقلش مغلوب تمایلات نفسانیش باشد ، سرانجام رسوا و مفتضح میگردد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَبَاتِ الْعَقْلِ وَقُبُحِ الزَّلَلِ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : پناه میبرم بخداوند از اینکه شرائطی پیش آید که عقل بخواب فرو رود و از راهنمایی و هدایت بازماند و در نتیجه آدمی بزشت‌ترین لغزشها دچار گردد .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَإِنَّ الشَّقَى مَنْ حُرِمَ نَفْعَ مَا أُوتِيَ مِنَ الْعَقْلِ وَالتَّجَرِبَةِ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : بدبخت و زیانکار کسی است که از سرمایه‌های عقل و تجربه سودی نبرد و از ذخائری که بوی عطا شده است بهره‌ای برنگیرد .

۱ - مستدرک ۲ ، صفحه ۲۸۷

۲ - نهج البلاغه فیض ۱ ، صفحه ۷۰۵

۳ - نهج البلاغه فیض ، صفحه ۱۰۷۳

آفات و قصور عقل

لقمان حکیم بفرزند خود نصیحت کرد :

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ^۱.

● فرزند عزیز ، هرگز بتکبر و خودپسندی از مردم روی مگردان و بر روی زمین با غرور و نخوت قدم بر مدار که خداوند خودستایان متکبر را دوست ندارد .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : شَرُّ آفَاتِ الْعَقْلِ الْكِبَرُ^۲.
● علی (ع) فرموده است : کبر ، بدترین آفت خرد است .

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا دَخَلَ قَلْبَ امْرِئٍ شَيْءٌ مِنْ الْكِبَرِ إِلَّا نَقَصَ مِنْ عَقْلِهِ مِثْلُ مَا دَخَلَهُ مِنْ ذَلِكَ ، قَلَّ ذَلِكَ أَوْ كَثُرَ^۳.

● امام باقر (ع) فرمود : در دل هیچ انسانی کبر وارد نمیشود مگر آنکه عقلش بهمان اندازه ناقص میشود ، خواه کم باشد یا زیاد .

۱ - سورة ۲۱ آیه ۱۸

۲ - غرر الحکم صفحه ۴۴۸

۳ - سفینه البحار (کبر) صفحه ۶۰

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفُطَيْنَ عَنْ حُجَّتِهِ وَالْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : فقر و تهیلمستی ، انسان باهوش را در بیان دلیل خود لال میکند و انسان کم بضاعت در شهر خود تنها و غریب است .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ .^۲

● امیرالمؤمنین بفرزند خود محمد حنفیه فرموده است : فقر و بی چیزی ، زمینه مساعدی برای شکست دین و حیرت زدگی خود و جلب عداوت و دشمنی است .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَكَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ عِنْدَ هَوَىِّ أَمِيرٍ .^۳

● علی علیه السلام فرموده : چه بسیار عقلی که در برابر فرمائروائی هوای و خواهشهای نفسانی اسیر و گرفتار است .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْكُفْمَانِيَّةُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ قَبْلَ

۱ - سفینه فقر « صفحه ۲۷۹ ۲ - نهج البلاغه ، کلمه ۳۱۱

۳ - حررالحکم ، صفحه ۸۶

الإختیار من قُصور العقل^۱

● علی علیه السلام فرموده است : پیش از آزمایش بهر کس دل بستن و از وی در باطن ، سکون و ایمنی داشتن ناشی از نارسائی عقل و کوتاهی خرد است .

فقدان عقل

قالَ امیرالمؤمنینَ عَلَیهِ السَّلَامُ : مَنْ اسْتَحْكَمَتْ لِي فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ احْتَمَلَتْهُ عَلَيْهَا وَاعْتَفَرْتُ فَقَدْ مَا سِوَاهَا وَلَا اَعْتَفِرُ فَقَدْ عَقِلَ وَلَا دِينَ لِأَنَّ مُفَارَقَةَ الدِّينِ مُفَارَقَةُ الْإِمَانِ فَلَا يَتَهَنَأُ بِحَيَاةٍ مَعَ سَخَافَةٍ ، وَفَقْدُ الْعَقْلِ فَقْدُ الْحَيَاةِ وَلَا يُقَامُسُ إِلَّا بِالْأَمَوَاتِ^۲

● علی علیه السلام فرموده : کسیکه در پیروی مکتب من یکی از صفات پسندیده را در وجود خرد پایدار و محکم سازد او را با آن یک خصلت خوب می پذیرم و از اینکه فاقد سایر صفات خوب است چشم می پوشم . ولی بی خردی و بی دینی برای من قابل گذشت نیست و از آن چشم پوشی نخواهم کرد چه آنکه بی دینی مایه نا امنی است و زندگی بدون امنیت ، تلخ و ناگوار است و بی خردی از دست فادله حیات انسانی است و انسان بی خرد ، جز با مردگان قابل مقایسه و سنجش نیست .

۱ - نهج البلاغه فیض ، صفحه ۱۱۷۲

۲ - کافی ۱ ، صفحه ۲۷

دوران عمر و زندگی

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ .^۱

● این خداوند بزرگ است که شما را از نطفه ضعیف آفریده، و در شرایط ضعف و ناتوانی دوران کودکی پرورش داده است، پس از دوران ضعف به شما قوت و نیروی جوانی بخشیده و سپس برای شما روزگار ضعف و پیری مقدر فرموده است، خداوند آنچه را که اراده فرماید خلق میکند و مشیتش براساس علم و قدرت استوار است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ الْعَبْدَ لَا تَزُولُ قَدَمَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ عُمْرِهِ فَيَمَّا أَفْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فَيَمَّا ابْتَلَاهُ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده است که در قیامت هیچ بنده ای قدم از قدم برنمیدارد تا به این پرسش ها پاسخ دهد: اول آنکه عمرش را در چه کار فانی نموده است، دوم جوانیش را چگونه و در چه راه تمام کرده است.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ فِيما وَعَظَ بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ يَا بُنَيَّ وَاعْلَمْ أَنَّكَ سَتُسْأَلُ غَدًا إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَنْ أَرْبَعِ شَبَابِكَ فِيما أَبْلَيْتَهُ وَعُمُرِكَ فِيما أَفْنَيْتَهُ وَمَالِكَ مِمَّا اكْتَسَبْتَهُ وَفِيما أَنْفَقْتَهُ^١.

● امام صادق علیه السلام فرموده است از مواعظ لقمان حکیم بفرزند خود این بود که فرزند من بدان فردا که در پیشگاه الهی برای حساب حاضر میشوی در باره چهار چیز از تو میپرسند: جوانیت را در چه راه تمام کردی؟ عمرت را در چه کار فانی نمودی؟ ثروت را چگونه بدست آوردی؟ و آنرا در چه راه صرف کردی؟

ایام زندگی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ الْإِيَّامُ ثَلَاثَةٌ ، فَيَوْمٌ مَضَى لَا يُدْرَكَ وَيَوْمٌ النَّاسُ فِيهِ فَيَتَنَبَّغِي أَنْ يَغْتَنِمُوهُ ، وَغَدًا إِنَّمَا فِي آيْدِيهِمْ أَمَلُهُ^٢.

● امام صادق علیه السلام فرموده است: ایام زندگی سه روز است: اول روزیکه گذشته است و برگشت ندارد، دوم روز موجود است که مردم در آن قرار دارند و در اختیار آنهاست، باید آنرا مغتنم شمارند و از آن استفاده نمایند، سوم فردائی است که نیامده و تنها آرزوی آنها در دست دارند.

١ - کافی ٢ ، صفحه ١٣٥

٢ - تحف العقول ، صفحه ٣٢٤

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : اِصْبِرُوا عَلَى الدُّنْيَا فَإِنَّمَا هِيَ سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهُ فَلَا تَجِدُ لَهُ الْكَمَالَ وَلَا سُرُورًا ، وَمَا لَمْ يَجِبْهُ فَلَا تَذَرِي مَا هُوَ وَإِنَّمَا هِيَ سَاعَتُكَ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَاصْبِرْ فِيهَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَاصْبِرْ فِيهَا عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ .^۱

● و نیز فرموده است : مجموع عمر آدمی در دنیا ساعتی بیش نیست آنچه از این ساعت گذشته است معدوم شده و لذت و المی از آن احساس نمیکنید و آنچه از آن هنوز نیامده است تمیدانید چیست ، سرمایه موجود و پر ارزش عمر ، تنها همان لحظات نقدی است که اینک در اختیار شما است و در آن بسر میبرید . مالک نفس خود باشید و در حال حاضر برای اصلاح و رستگاری خود بکوشید ، در مشکلات و وظیفه - شناسی و اطاعت از اوامر الهی پایداری و از آلودگی بگناه و نافرمانی خداوند ، خودداری کنید .

باقیمانده عمر

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : بَقِيَّةُ عُمُرِ الْمَرْءِ لَا تَمَنَ ، لَهَا يُدْرِكُ بِهَا مَافَاتٌ وَبُحْنِي بِهَا مَا آمَاتَ .^۲

● علی علیه السلام فرموده : باقیمانده عمر آدمی آنقدر پراچ و گرانها است که به ارزیابی نمیآید چه انسان میتواند با تتمه عمر ، خوابهای فوت شده را جبران کند و فضائلی را که در وجود خود سرکوب کرده و میرانده است زنده نماید .

۱ - کافی ۲ ، صفحه ۵۴

۲ - مجموعه ورام ، جلد ۱ ، صفحه ۳۶

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ لَمْ يَأْخُذْ بِمَا مَضَى مِنْ ذَنْبِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ أَخَذَ بِالْأَوَّلِ وَالْآخِرِ^۱.

● رسول اکرم (ص) فرموده است: آنکس که در باقیمانده عمرش دارای حسن رفتار باشد و به پاکی و نیکی قدم بردارد خداوند او را به گناهان گذشته اش مؤاخذه نمیکند و کسیکه در باقیمانده عمر نادرست و بدکار باشد به تمام اعمال دوران عمرش مؤاخذه خواهد شد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اُعِدُّ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا وَإِذَا كَانَ تَكُونُ لَامِبًا مُتَلَدِّذَا^۲.

● امام باقر (ع) از رسول اکرم (ص) حدیث کرده است که فرموده: صبح کن و روزت را بگذران که یا عالیم باشی یا علم آموز، و پرهیز از اینکه عمرت در لذات غفلتزا و کامجوییهای زیانبخش سپری گردد.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ أُجِلَّتْ فِي عُمُرِكَ يَوْمَيْنِ فَاجْعَلْ أَحَدَهُمَا لِذَنْبِكَ لِتَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى يَوْمِ مَوْتِكَ^۳.

۱- سفینه، «عمر»، صفحه ۲۰۸

۲- مشکوٰۃ الانوار، صفحه ۱۳۳

۳- روضة کافی، صفحه ۱۵۰

- امام صادق علیه السلام فرمود : اگر از عمرت فقط دو روز باقی مانده باشد ، یک روز را بفرما گرفتن ادب و تربیت اختصاص بده تا روز مرگت از سرمایه های اخلاقی روز قبلت یاری بخواهی .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُوتٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمَيْهِ خَيْرَهُمَا فَهُوَ مَغْبُوطٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمَيْهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَرَ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ إِلَى النُّقْصَانِ وَمَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ فَالْمَمُوتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ . ۱

- امام صادق علیه السلام در باره رشد مداوم شخصیت و کمالات روزافزون انسان فرموده است : کسیکه دو روزش در بهره زندگی و رشد انسانی یکسان باشد در معامله نقد عمر مغبون است و کسیکه امروزش بهتر از دیروز باشد شایسته است که مورد غبطه دگران واقع شود و توفیق او را تمنا کنند و کسیکه امروزش بدتر از دیروز باشد محروم از رحمت حق است و کسیکه نفس خود را پیوسته در کمال تازه ای نه بیند و در معنویات خویش احساس فرونی ننماید در معرض کمبود و نقص قرار گرفته است و کسیکه در راه نقص قدم برمیدارد مرگ از زندگی برای او بهتر است .

عمر: پست‌ترین ایام عمر

پست‌ترین ایام عمر

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّيْكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ اِلَىٰ اَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا^۱

● خداوند شما را آفریده و سپس میمیراند و بعضی آنقدر زنده میمانند که به پست‌ترین ایام عمر میرسند و بر اثر آن تمام معلوماتی را که در طول ایام زندگی فراگرفته بودند از یاد میبرند و پس از سالها دانائی دچار نادانی میشوند.

عَنْ اَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : اِذَا بَلَغَ الْعَبْدُ مِائَةَ سَنَةٍ فَقَدْ لِكَ اَرْذَلُ الْعُمُرِ^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده: آنکس که به صد سالگی میرسد در آن موقع به انحطاط نهائی پیری و پست‌ترین ایام عمر رسیده است.

رَوَى اَنَّ اَرْذَلَ الْعُمُرِ اَنَّ يَكُوْنَ عَقْلُهُ عَقْلَ ابْنِ سَبْعِ سِنِينَ^۳

● در حدیث دیگر آمده است که پست‌ترین درجه انحطاط عمر در پیری آنست که عقل آدمی آنقدر تنزل نماید که بسرحد عقل کودک هفت ساله برسد.

۱- سورة ۱۶، آیه ۷۰ ۲- تفسیر برهان، صفحه ۵۷۸

۳- بحار، جلد ۱۵، جزء ۳، صفحه ۱۶۴

مقیاس عمر

عمر هر فردی که سرمایه^۱ نقد او در بازار دنیا است محدود و معین است و اغلب مردم ، سال را واحد عمر می‌شناسند و دوران زندگی خود و دیگران را با آن می‌سنجند . اما علی علیه السلام روز را واحد عمر خوانده و دوران زندگی انسانها را با آن مقیاس اندازه‌گیری نموده است .

إِنَّمَا أَنْتَ عَدَدُ أَيَّامٍ فَكُلُّ يَوْمٍ يَمْضِي عَلَيْكَ يَمْضِي بِبَعْضِكَ^۱.

● ای انسان ، تو مجموع تعداد ایام زندگی خود هستی . هر روز که برتوی گذرد یک واحد از عمرت سپری می‌گردد و در واقع با گذشت یک روز ، قسمتی از دوران حیاتت گذشته است .
معمولاً انسانها عمر را با حساب سال یا روز می‌سنجند و مقدار آنرا تعیین می‌کنند . اما نزد حضرت باری تعالی مقدار عمر مردم به حساب ساعات و دقائق و حتی به تعداد لحظات آن معلوم و معین است .

عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ : قُلْتُ لَا يَبْعِدُ اللَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ « إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا » قَالَ : مَا هُوَ عِنْدَكَ قُلْتُ : عَدْدُ الْأَيَّامِ قَالَ إِنْ الْأَبَاءَ وَالْأُمَّهَاتِ يُحْصُونَ ذَالِكَ لَكَ لَا لِكِنَّهُ عَدْدُ الْأَنْفَاسِ^۲.

۱- فهرست غرر ، صفحه ۳۷۱

۲- کافی ، جلد ۳ ، صفحه ۲۵۹

عمر: زندگی انسان شایسته

● عبدالاعلی می گوید: از امام صادق علیه السلام معنی این آیه را پرسش نمودم فرمود: تواز این آیه چه فهمیده ای، گفتم مقصود عدد ایام عمر است فرمود: این پدران و مادرانند که عمر را با شمارش ایام اندازه می گیرند. مقصود این نیست. بلکه مراد تعداد تنفس است و خداوند حساب عمر آنانرا با تعداد تنفسشان اندازه گیری می کند.

زندگی انسان شایسته

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: حَقِيقٌ بِالْإِنْسَانِ أَنْ يَخْشَى اللَّهَ بِالْغَيْبِ وَيَحْرُسَ نَفْسَهُ مِنَ الْغَيْبِ وَيَزِدَّادَ خَيْرًا مَعَ الشَّيْبِ.^۱

● علی علیه السلام فرموده: شایسته انسان است که در پنهان، خدا ترس باشد، خویشتر را از عیوب و نقائص محافظت نماید، و در ایام پیری بر اعمال خیر و خوب خود بیفزاید.

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ أَبَدًا: مَنْ لَمْ يَخْشَ اللَّهَ فِي الْغَيْبِ، وَلَمْ يَرْعَ فِي الشَّيْبِ، وَلَمْ يَسْتَعِزْ مِنَ الْغَيْبِ.^۲

● امام صادق علیه السلام فرموده است: آنکس که در نهان از خدا

۱- شرح ابن ابی الحدید، جلد ۲۰، کلمه ۲۰۰، صفحه ۲۷۸

۲- وسائل، کتاب جهاد، باب وجوب زیادة التحفظ، صفحه ۶۳

نمیترسد، در پیری مراعات اخلاق و اعمال خود را نمی‌نماید، و از عیب خویش احساس شرمساری نمی‌کند، به خیر و خوبی او نمیتوان امیدوار بود.

درباره وضع زندگی و روشهای اجتماعی علی (ع) آمده است:

لَمَّا يَفْرَغُ مِنَ الْجِهَادِ يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَالْقَضَاءِ بَيْنَهُمْ
فَإِذَا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ أَشْتَغَلَ فِي حَائِطٍ لَهُ يُعْمَلُ فِيهِ بِيَدَيْهِ
وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ تَعَالَى

● وقتی از جبهه جنگ برمیگشت به تعلیم و تدریس و همچنین بقضاوت بین مردم میپرداخت و چون از این کار فارغ میشد در باغچه شخصی خود بکارهای دستی از قبیل بیل زدن، نهر کندن و آب کشیدن میپرداخت ولی در همانحال نیز از یاد خدا غافل نبود.

کار و رفتار شایسته

إِنَّ الدِّينَ أَمَنُوهَا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ
وُدًّا ۱

● کسانی که در باطن با ایمان و در عمل نیکو کار هستند ، خداوند مهر آنها را در قلوب مردم قرار میدهد و در جامعه عزیز و محبوبشان میسازد.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الْبَشِيرُ الْحَسَنُ وَطَلَاةُ
الْوَجْهِ مَكْسَبَةٌ لِلْمَحَبَّةِ وَقُرْبَةٌ مِنَ اللَّهِ ۲

● امام باقر علیه السلام فرموده است : بشاشت و گشاده رویی در برخورد های اجتماعی ، مایه جلب محبت مردم و قرب بخداوند است

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَحَلَّوْا بِإِلَاخَذٍ بِالْفَضْلِ وَالْكَفِّ
عَنِ الْبَغْيِ وَالْعَمَلِ بِالْحَقِّ وَالْإِنْصَافِ مِنَ النَّفْسِ ۳

● علی علیه السلام فرموده است : خویشتن را با فضائل اخلاقی و ملکات انسانی بیارائید ، از ستم خود داری کنید ، بحق و درستی رفتار نمایید و با قضاوت وجدانی خود نسبت بمردم منصف باشید .

۱ - سورة ۱۹ ، آیه ۹۶ - ۲ - بحار ۱۷ ، صفحه ۱۶۴

۳ - فروع الحکم ، صفحه ۳۵۲

عَنْ عُبَيْسَةَ بْنِ الْعَابِدِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا يَقْدَمُ الْمُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِعَمَلٍ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ أَنْ يَسَعَ النَّاسَ بِخُلُقِهِ .^۱

● امام صادق علیه السلام به عبسه بن عابد فرمود : بعد از فرائض دینی هیچ یک از اعمال مرد با ایمان در پیشگاه الهی محبوبتر از آن نیست که با تمام مردم بگشاده روئی و حسن خلق برخورد نماید .

جاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ ، فَقَالَ : مَا أَحَبَّبْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَأَتِيَهُ إِلَيْهِمْ ، وَمَا كَرِهْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَلَاتَأْتِهِ إِلَيْهِمْ .^۲

● مردی حضور رسول اکرم (ص) شرفیاب شد عرض کرد بمن چیزی بیاموزید که بوسیله آن داخل بهشت شوم ، حضرت فرمود : آنچه را که دوست داری مردم نسبت بتو رفتار کنند تو نیز درباره مردم همانطور عمل کن ، و آنچه را که میل نداری درباره تو عمل کنند تو هم نسبت به مردم آنطور رفتار مکن .

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَقْصِرْ نَفْسَكَ عَمَّا يَضُرُّهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُفَارِقَكَ وَاسْعَ فِي فَكَاكِهَا كَمَا تَسْعَى فِي طَلَبِ

عمل : کار ، علم و بینائی

مَعِيشَتِكَ فَإِنَّ نَفْسَكَ رَهِينَةٌ بِعَمَلِكَ^۱.

● امام صادق علیه السلام فرموده : از آنچه برای جانت زیان بخش است اجتناب نما پیش از آنکه مرگت فرا رسد ، و در راه آزاد کردن نفس خویش از قیود سیئات اخلاقی کوشش نما همانطور که برای معاش خود تلاش میکنی ، چه آنکه خودت و جانت در گرو اعمالی است که انجام میدهی :

کار با علم و بینائی

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ
كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ^۲.

● رسول اکرم (ص) فرموده : کسیکه کارش بر پایه علم و معرفت استوار نباشد ، زیان و فساد عملش بیشتر از خیر و مصلحت است .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا كُمَيْلُ : مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ
أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ^۳.

● علی علیه السلام به کمیل بن زیاد فرموده : هیچ فعالیت و حرکتی نیست مگر آنکه در انجام آن بعلم و معرفت نیازمندی .

۱- وسائل ، جلد ۴ ، صفحه ۴۰

۲ و ۳ - تحف العقول ، صفحه ۴۷ و ۱۷۱

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا.^١

● امام صادق علیه السلام فرموده است : کسیکه بدون بصیرت و دانائی ، بکاری دست میزند مانند مسافری است که در بیراهه می‌رود ، او هر قدر بر سرعت سیر خود میافزاید بهمان نسبت از جاده دورتر میشود.

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ يَفْعَلِ السُّوءَ بِالنَّاسِ فَلَا يُنْكِرِ السُّوءَ إِذَا فُعِلَ بِهِ.^٢

● امام صادق علیه السلام فرموده است : کسیکه خود درباره دیگران بد میکند، اگر دیگران بدی او را با بدی تلافی کردند و به او عکس العمل بد نشان دادند، حق ندارد از آنان عیب‌گیری کند و از کار بدشان منع نماید.

إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِمَّا وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ.^٣

● کار خوب را هر کس انجام دهد خوب است و از تو خوبتر است زیرا بما بستگی داری و کار بد از هر کس باشد بد است و از تو بدتر.

١- کافی ١، صفحه ٤٣

٢- بحار، جلد ١٧، صفحه ١٨٤

٣- بحار ١١، صفحه ٢٠٩

عمل : پاکی عمل

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : 'مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلَ'.

● امیرالمؤمنین (ع) فرموده است : کسیکه آرزو را درازگرداند رفتار خود را ضایع و بُد ساخته است .

پاکی عمل

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ'.

● آیا کسیکه از پروردگار خود حجت و برهانی در دست دارد و برطبق آن عمل میکند مانند کسی است که رفتار زشت و ناپسند خود را زیبا میبیند یا آنانکه از هوای نفس خویش پیروی میکنند .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : 'فَطُوبَىٰ لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَعِلْمَهُ وَحُبَّهُ وَبُغْضَهُ وَأَخَذَهُ وَتَرَكَهُ وَكَلَامَهُ وَصَمْتَهُ وَفِعْلَهُ وَقَوْلَهُ'.

● علی علیه السلام در ضمن وصایای خود بحضرت حسین (ع) فرموده : خوشبخت و رستگار کسی است که علم و عملش ، دوستی و دشمنیش ، گرفتن و رها کردنش ، سخن گفتن و سکوتش ، رفتار و گفتارش تنها براساس رضای الهی استوار باشد و برخلاف امر پروردگار قدمی برندارد .

۱ - نهج البلاغه ، کلمه ۳۵

۲ - سورة ۴۷ ، آیه ۱۵

۳ - تحف المقبول ، صفحه ۹۱

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ حَقِيقَةَ السَّعَادَةِ أَنْ يُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالسَّعَادَةِ وَإِنَّ حَقِيقَةَ الشَّقَاءِ أَنْ يُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالشَّقَاءِ^۱.

● علی علیه السلام فرموده : حقیقت سعادت عبارت از اینست که عمل آدمی به سعادت ختم شود و حقیقت شقاوت در اینست که عمل آدمی به شقاوت خاتمه یابد .

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : أَوَّلُ عُنْوَانِ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ^۲.

● رسول اکرم (ص) فرموده است اول عنوانی که در نامه عمل مؤمن دیده می شود آن چیزی است که مردم در باره اش می گویند ، اگر خوب باشد خوبی به حساب وی می آید و اگر بد باشد بدی .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّمَا يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحِينَ بِمَا يَجْرِي اللَّهُ لَهُمْ عَلَى النَّسْنِ عِبَادِهِ^۳.

● علی علیه السلام در عهد نامه مالک اشتر فرمود : از جمله چیزهایی که گواه شایستگی و پاکی افراد صالح است آن چیزی است که خداوند در باره آنان بزبان بندگان خود جاری می سازد .

۱- معانی الاخبار ، صفحه ۳۴۵

۲- بحار ، جلد ۱۷ ، صفحه ۱۷۰

۳- سفینه ، جلد ۲ ، (صلح)

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ : يَا قَيْسُ إِنَّ مَعَ الْعِزِّ ذُلًّا وَإِنَّ مَعَ الْحَيَاةِ مَوْتًا
وَإِنَّ مَعَ الدُّنْيَا آخِرَةً وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَسِيًّا وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ
رَقِيًّا وَإِنَّ لِكُلِّ حَسَنَةٍ ثَوَابًا وَلِكُلِّ سَيِّئَةٍ عِقَابًا وَلِكُلِّ أَجَلٍ
كِتَابًا وَأَنَّهُ لَا بُدَّ لَكَ يَا قَيْسُ مِنْ قَرِينٍ يُدْفَنُ مَعَكَ وَهُوَ حَيٌّ
وَيُدْفَنُ مَعَهُ وَأَنْتَ مَيِّتٌ فَإِنْ كَانَ كَرِيمًا أَكْرَمَكَ وَإِنْ كَانَ
لَسِيمًا أَسَاؤَكَ ثُمَّ لَا يُحْشَرُ إِلَّا مَعَكَ وَلَا تُبْعَثُ إِلَّا مَعَهُ وَلَا
تُسْتَلُّ إِلَّا عَنْهُ فَلَا تَجْعَلْهُ إِلَّا صَالِحًا فَإِنَّهُ إِنْ صَلَحَ أَتَيْتَ
بِهِ وَإِنْ فَسَدَ لَا تَسْتَوْحِشْ إِلَّا مِنْهُ وَهُوَ فِعْلُكَ.

● پیامبر گرامی فرمود : ای قیس ، با عزت ، ذلت است و با حیات ،

مرگ است و با دنیا آخرت . برای هر چیزی در نظام آفرینش حسابرسی
است و بر هر چیزی ناظر و مراقب . هر کار خوبی را پاداشی است ، هر عمل
زشتی را عقابی و برای مدت هر چیز . و شته و کثافی است . ای قیس ، ناگزیر
برای تو هم نشین و مصاحبی خواهد بود که با تو به خاک سپرده می شود ، موقع
دفن او زنده است و تو مرده . اگر هم نشینت بزرگوار و کریم باشد تو را
اکرام می کند و اگر پست و فرومایه باشد آزارت می دهد . او با کسی جز تو
در قیامت محشور نمی شود و تو نیز در محشر جز با او برانگیخته نمی شوی و از تو
سؤال و پرسشی نمی نمایند مگر از او ، پس مصاحبی این چنین را جز صالح
و شایسته انتخاب مکن زیرا اگر صالح باشد با او مانوس می شوی و اگر فاسد
باشد جز از او هراس و وحشت نخواهی داشت و آن هم نشین ، عمل تو است .

۱۱۰ . عیادت

[الْعِيَادَة]

عیادت بیمار

در موضوع عیادت مرضی نیز اخبار بسیاری رسیده و اولیاء اسلام آنرا یکی از سنن مهم اسلام معرفی فرموده‌اند .

عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ قَالَ : مِنْ أَحْسَنِ الْحَسَنَاتِ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ .^۱

● علی علیه السلام میفرمود : عیادت مریض یکی از بهترین حسنات است .

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

پیغمبر اسلام، نه تنها عواطف مرضای مسلمین را با عیادت خود ارضاء میفرمود بلکه مردم غیر مسلمان نیز از مهر و عنایت آنحضرت بهره مند بودند .

عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَادَ يَهُودِيًّا فِي مَرَضِهِ .^۲

علی (ع) فرمود که رسول اکرم (ص) از یهودی بیماری عیادت کرد .

۱ - مستدرک جلد ۱ صفحه ۸۳

۲ - مستدرک جلد ۱ صفحه ۸۳

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مِنْ تَمَامِ الْعِيَادَةِ أَنْ يَضَعَ الْعَائِدُ أَحَدِي يَدَيْهِ عَلَىٰ يَدَيِ الْمَرِيضِ أَوْ عَلَىٰ جَبْهَتِهِ .^۱
 ● علی (ع) فرمود : عیادت کامل آنست که عیادت کننده، یک دست خود را بردست سربس یا بر پیشانی او بگذارد .

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : تَمَامُ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ أَنْ يَضَعَ أَحَدُكُمْ يَدَهُ عَلَيْهِ وَيَسْأَلَهُ كَيْفَ أَنْتَ ، كَيْفَ أَصْبَحْتَ وَكَيْفَ امْسَيْتَ . وَتَمَامُ تَحِيَّتِكُمُ الْمُصَافَحَةُ .^۲
 ● رسول اکرم (ص) میفرمود : عیادت تام آنست که دست خود را بر سر سربس بگذاری ، احوالپرسی نمائی ، شب را چطور گذرانیدی ، امروز حالت چو ن است ، نیکی و بر کامل ، آنست که بمریض دست بدهی و مصافحه نمائی .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : مِنْ تَمَامِ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ إِذَا دَخَلْتَ عَلَيْهِ أَنْ تَضَعَ يَدَكَ عَلَىٰ رَأْسِهِ وَتَقُولَ كَيْفَ أَصْبَحْتَ أَوْ كَيْفَ امْسَيْتَ .^۳
 ● یک قسم عیادت کامل از بیمار آنست که دست خود را از روی محبت بر سر او بگذاری و احوالپرسی کنی .

۱ - مکارم الاخلاق صفحه ۱۹۷

۲ - مکارم الاخلاق صفحه ۱۹۶

۳ - بیمار جلد ۱۸ صفحه ۱۴۵

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تَمَامُ الْعِيَادَةِ لِلْمَرِيضِ أَنْ تَضَعَ يَدَكَ عَلَى ذِرَاعِهِ وَتَعْنَجَلَ الْقَبِيَامَ مِنْ عِنْدِهِ فَإِنَّ عِيَادَةَ النَّوْكَى أَشَدُّ عَلَى الْمَرِيضِ مِنْ وَجَعِهِ .^۱

● امام صادق (ع) میفرمود : عیادت کامل از مریض آنست که دست خود را ببازوی مریض بگذاری ، پس از چند لحظه از جا حرکت کنی و بروی . عیادت مردم احق و مزاحم ، برای بیمار از دردناخوشی ، سختتر است .

ملاقات بیمار و تحفه

چند نفر از شیعیان بعیادت مریضی میرفتند . بین راه با امام صادق علیه السلام برخوردند .

فَقَالَ لَنَا آيَسَنَ تُرِيدُونَ ؟ فَقُلْنَا نُرِيدُ فَلَانًا نَعُودُهُ .

● حضرت سؤال کرد کجا میروید ؟ گفتیم بعیادت فلانی . فرمود آیا میوه یا عطر ، خلاصه تحفه ای برای مریض دارید ؟ عرض کردند چیزی با خود نداریم .

فَقَالَ أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْمَرِيضَ يَسْتَرْيَحُ إِلَى كُلِّ مَا أُدْخِلَ عَلَيْهِ .^۲

● فرمود مگر متوجه نیستید که تحفه ، باعث آرامش خاطر و راحت روان مریض است .

آرزوی سعادت دیگران

عَنْ أَيْعَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ
مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ خَيْرَهُمَا فَهُوَ مَغْبُوطٌ وَمَنْ
كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَرَ الزِّيَادَةَ
فِي نَفْسِهِ فَهُوَ إِلَى النُّقْصَانِ وَمَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ فَالْمَوْتُ
خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ .

● امام صادق علیه السلام در باره رشد مداوم شخصیت و کمالات
روزافزون انسان فرموده است : کسیکه در روزش در بهره زندگی و رشد
انسانی یکسان باشد در معامله نقد عمر مغبون است و کسیکه امروزش بهتر
از دیروز باشد شایسته است که مورد غبطه دیگران واقع شود و توفیق او را
تمنا کنند و کسیکه امروزش بدتر از دیروز باشد محروم از رحمت حق
است و کسیکه نفس خود را پیوسته در کمال تازه‌ای نه بیند و در معنویات
خویش احساس فزونی ننماید در معرض کمبود و نقص قرار گرفته است
و کسیکه در راه نقص قدم برمیدارد مرگ از زندگی برای او بهتر است .

خود پرست و مغرور

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَفَى بِالْمَرْءِ مَنَقَصَةً أَنْ يُعَظَّمَ نَفْسَهُ .^۱

● علی علیه السلام میفرمود : بر نقصان معنوی یک انسان همین بس که خویشتن را بزرگ پندارد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَفَى بِالْمَرْءِ عَرُورًا أَنْ يَتَّقِيَ بِكُلِّمَا تُسَوَّلُ لَهُ نَفْسُهُ .^۲

● و نیز فرموده است : بر غرور و فریب دادن یک انسان ، همین بس که هر چه را نفس او زیبا جلوه دهد ، بپذیرد و بر آن اعتماد نماید .

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ سَأَلَ فَوْقَ قَدْرِهِ اسْتَحَقَّ الْحَيْرَمَانَ .^۳

● و همچنین فرمود : آنکس که بیش از حد خود ، از مردم تمنا کند سزاوار محرومیت و ناکامی است .

غرور : خود پرست و مغرور

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سُكْرُ الْغَفْلَةِ وَالْغُرُورِ أَبْعَدُ إِفَاقَةً
مِنْ سُكْرِ الْخُمُورِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده : کسانی که مست غفلت و غرور هستند
خیلی دیرتر از مست شدگان از شراب ، بهوش میآیند .

خود پسندی افراد مغرور و خویشتن پرست ، دلیل بر نقص معنوی
و غرور اخلاقی آنها است . کسانی که باین بیماری مبتلا هستند و از
مردم توقع احترام بیش از حد شایستگی دارند ، بدون تردید با محرومیت
و شکست روبرو خواهند شد و پرائر آن دچار عقده حقارت میشوند .

أَقَمَنَّ زَيْنَ لَهُ سُوءَ عَمَلِهِ قَرَأَهُ حَسَنًا .

● آیا کسی که رفتار زشتش در نظروى زیبا جلوه میکند و اعمال نادرست
خود را خوب و پسندیده میبیند (مانند کسی است که با پاک نظری حقیقت را
مشاهده مینماید ؟ !)

۱ - غرر الحکم ، صفحه ۴۴۰

۲ - سوره ۳۰ ، آیه ۸

بی خبری و غفلت

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَرَفَ الْيَوْمَ لَمْ يَغْفُلْ عَنْ الْإِسْتِعْدَادِ.^۱

● علی علیه السلام فرموده است: کسیکه اوضاع روزگار خود را می‌شناسد از آمادگی در مقابل مقتضیات آن غفلت نمی‌ورزد.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَاسِبَ نَفْسَهُ رَيْحَ وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرَ.^۲

● و نیز فرموده است: آنکس که بحساب نفس خود رسیدگی کند سود میبرد و آنکه در این کار غفلت نماید زیان میکند.

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُكْرُ الْغَفْلَةِ وَالْغُرُورِ أَبَعَدُ إِفَاقَةٍ مِنْ سُكْرِ الْخُمُورِ.^۳

● علی علیه السلام فرموده: کسانی که مست غفلت و غرور هستند خیلی دیرتر از مست شدگان از شراب، بهوش می‌آیند.

۱ - تحف العقول، صفحه ۹۸

۳ - غرر الحکم، صفحه ۴۴۰

۲ - نهج البلاغه فیض صفحه ۱۱۷۰

غفلت : بی خبری و غفلت

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِيَّاكَ وَصُحْبَتَهُ مَنْ اَلْهَاكَ وَاعْرَاكَ فَيَانَهُ يَخْذُلُكَ وَيُوبِقُكَ^۱.

● پرهیز از رفاقت با کسی که اغفالت میکند و فریبت میدهد که سر انجام مایه خواری و هلاکت خواهد شد .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : مَنْ كَثُرَتْ تَجَرِبَتُهُ قَلَّتْ غِرَّتُهُ^۲.

● علی علیه السلام فرموده : کسی که تجربه بسیار دارد کمتر دچار غفلت میشود .



قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِنْ كُنْتُمْ لِلنَّجَاةِ طَالِبِينَ فَارْقَضُوا الْغَفْلَةَ وَاللَّهُوَ وَالزَّمُوا الْجِهَادَ وَالْجِدَّةَ^۳.

● علی علیه السلام فرموده : اگر طالب نجات و رسیدگی هستید بی خبری و غفلت را ترک گوئید و پیوسته ملازم کوشش و مجاهده باشید .

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ^۴.

● آنان دنیا را از جنبه مادی مینگرند ، بامور ظاهریش توجه دارند و از جهان آخرت غافل و بی خبرند .

۱ - غررالحکم ، صفحه ۱۵۲

۲ - فهرست غرر ، صفحه ۴۲

۳ - غررالحکم ، صفحه ۲۷۷

۴ - سورة ۳۰ ، آیه ۷

روابط فرزندی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمُّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَيُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَيُطَهِّرَهُ^۱.

● رسول اکرم (ص) در حدیثی حقوق، پسران و دختران را بپدران خود، شرح داده و در ضمن فرموده است: از حقوقی که پسر، بپدر خود دارد اینست که مادر وی را احترام کند، برای کودک نام خوب انتخاب نماید، بکودک قرآن بیاموزد، و او را بپاک‌گی و پاکدلی پرورش دهد.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَلَدُكَ رِيحَانَتُكَ سَبْعًا وَخَادِمُكَ سَبْعًا ثُمَّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ^۲.

● علی علیه السلام فرموده است: فرزندی در هفت سال اول، برگ خوشبوئی بر ساقه درخت وجود شما است. و در هفت سال دوم، خدمتگزار مطیع و فرمانبردار شما است. و در هفت سال سوم، ممکن است دشمن بدخواه شما یا دوست خیرخواه شما باشد.

۱ - کافی جلد ۶ صفحه ۴۹

۲ - شرح ابن ابی الحدید، جلد ۲۰، کلمه ۹۳۷، صفحه ۳۴۳

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ .^۱

● امام صادق عليه السلام مي فرمود : طفل هفت سال بازی کند ، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد ، هفت سال مقررات زندگی و حلال و حرام قانونی را یاد بگیرد .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ .^۲

● فرزند خود را هفت سال آزاد بگذار بازی کند .

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

عَنْ اسْحَقَ بْنِ عِمَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : إِنَّ اللَّهَ لَيُفْلِحُ بِفَلَاحِ الرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ وَلَدَهُ وَ وَلَدَ وَلَدِهِ .^۳

● اسحق بن عمار از امام صادق (ع) شنیده است که فرموده : با فلاح و رستگاری مردان با ایمان ، خداوند فرزندان و فرزند زادگان آنها را خوشبخت و رستگار میکند .

تأدیب فرزند

قال بعضهم شَكَوتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ (ع) أَبْنًا لِي فَقَالَ :
لَا تُضْرِبْهُ وَلَا تُجِرَّهُ وَلَا تُطِيلْ .^۱

● مردی حضور حضرت ابا الحسن (ع) از فرزند خود شکایت کرد .
حضرت فرمود فرزندت را زن ، و برای ادب کردنش ، از او قهر کن ، ولی
مواظب باش ، قهرت طول نکشد و هر چه زودتر آشتی کن .

مسئول تربیت فرزند

قال رَسُولُ اللَّهِ (ص) : الْأَكْلُكُمُ رَاعٍ وَكُلُّكُم مَسْئُولٌ عَنْ
رَعِيَّتِهِ فَأَلَا مِيرُ عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ
رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ ، فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَّةٌ
عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ . إِلَّا
فَكُلُّكُم رَاعٍ وَكُلُّكُم مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ .^۲

● آگاه باشید که همه شما تا حدودی فرمانروا و نگهبان هستید و
در مورد فرمانبرداران خویش مؤاخذ و مسئولید ، زمامداران کشور
فرمانروایان جامعه هستند و در برابر آن مسئول ، مرد که رئیس خانواده
است فرمانروای زن و فرزندان خویش است و در برابر آنان مسئول است ،
زن بر کودک کان خود فرمانروا و حاکم است و در برابر آنان مسئولیت
دارد . آگاه باشید همه شما فرمانروا و نگهبان هستید و همه شما در مورد
فرمانبرداران خویشتن مؤاخذ و مسئولید .

فرزند : مسئول تربیت فرزند

حضرت سجاد علیه السلام در ضمن حقوق فرزند فرموده است :

وَأَتَكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالْأَلْفَالَةِ عَلَى رَبِّهِ ۲

● پدر، در حکومتی که بفرزند دارد مسئول است که طفل را مؤدب و با اخلاق پسندیده پرورش دهد و او را بخداوند بزرگ راهنمایی کند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمُ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافُ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَأَتَكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَّيْتَهُ . . . فَاَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلُ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعْذِرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيَّنَّكَ وَبَيَّنَّهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَالْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ ۲

● حضرت سجاد علیه السلام فرموده است : حق فرزندت بتو اینست که بدانی وجود او از تو و نیک و بدش در این جهان وابسته بتو است و با دارا بودن قدرت و سلطه پدری، مسئول تربیت وی هستی، باید رفتار تو در باره فرزندت همانند رفتار مربی شایسته ای باشد که تربیت صحیحش در این جهان مایه زیبایی و جمال اخلاقی فرزند گردد و در پیشگاه الهی دلیل و وظیفه شناسیش باشد.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَلَدُ السُّوءِ يَهْدِمُ الشَّرْفَ وَيَشِينُ السَّلَفَ ۳

● علی (ع) میفرمود : فرزندان بد ، آبرو و شرف خانواده را از بین میبرند و مایه ننگ و رسوائی پیشینیان خود میشوند .

نیکی به فرزندان

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْنِ أَعَانَا
وَلَدَهُمَا عَلَى بِرِّهِمَا .^۱

● رسول اکرم فرموده است : رحمت الهی بر پدر و مادری باد که
فرزند خویش را در انجام نیکی و خیر یاری نمایند .

قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِ
عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا .^۲

● حضرت علی بن الحسین (ع) در ضمن توضیح حقوق فرزند ، بپدر
دستور میدهد : با فرزندان آنچنان رفتار کن که اثر نیکوی تربیت تو مایه
زیبائی و جمال اجتماعی او شود ، او را چنان بار بیاور که بتواند در
شئون مختلف دنیای خود با عزت و آبرومندی زندگی کند و مایه زیبائی
و جمال تو باشد .

علی (ع) میفرمود :

خَيْرُ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْآبْنَاءَ الْآدَبُ .^۳

● بهترین ارثی که پدران میتوانند بفرزندان خویش بدهند ادب
و تربیت صحیح است .

۱- بحار ، جلد ۱ ، صفحه ۶۷

۲- تحف العقول صفحه ۲۶۳

۳- غرر الحکم صفحه ۳۹۳

فرزند : نیکی به فرزندان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بِرِّهِ . قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بِرِّهِ ؟ قَالَ يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهِقُهُ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ .^۱

● رسول اکرم فرمود : خدای رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری بفرزند خویش کمک کند . راوی حدیث پرسید : چگونه فرزند خود را در نیکی یاری نماید ؟ حضرت در جواب چهار دستور داد :
۱ - يَقْبَلُ مِيسُورَهُ .

آنچه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است از او قبول کند .

۲ - وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ .
آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرماست از او نخواهد .
۳ - وَلَا يَرْهِقُهُ .

اورا به گناه و طغیان وادار نکند .

۴ - وَلَا يَخْرُقُ بِهِ .

باو دروغ نگوید ، و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود .

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَاحْسِنُوا آدَابَكُمْ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرمود : فرزندان خود را احترام کنید و با آنان مؤدب برخورد نمایید .

حقوق فرزند

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَآمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنْ تَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافُ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ بِهِ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَاعْمَلْ فِيهِ أَمْرَهُ عَمَلِ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابٌّ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ .^۱

● حضرت سجاد علیه السلام فرموده : حق فرزندان بتو اینست که بدانی او از تو بوجود آمده و در نیک و بد زندگی وابسته بتو است ، بدانی که در سرپرستی وی ، مسئول ادب و تربیت صحیح او هستی ، مسئولی که او را بخداوند بزرگ راهنمایی کنی و در اطاعت از او امر حق یاریش نمایی ، باید رفتار تو در تربیت فرزندان توأم با احساس مسئولیت باشد ، رفتار کسی که بداند در حسن تربیت فرزند ، مأجور و مثابست و در سوء رفتارش استحقاق عقاب و کیفر دارد .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَحَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَيُحْسِنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ .^۲

● علی علیه السلام فرموده : حق فرزندان پدرش اینست که او را باسم خوب نامگذاری کند و بخوبی ، ادب و تربیتش نماید و بوی قرآن مجید را تعلیم دهد .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : أَوَّلُ مَا يَبِيرُ الرَّجُلُ
وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنٍ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدُكُمْ اسْمَ
وَلَدِهِ .

● حضرت ابی الحسن (ع) میفرمود : اول نیکی پدر بفرزند خود
اینست که او را با اسم خوبی نامگذاری کند ، البته مراقب باشید اسم
خوبی روی فرزند خود بگذارید .

فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : يَا عَلِيُّ حَقُّ
الْوَلَدِ عَلَيَّ وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَآدَبَهُ .
● رسول اکرم در وصایای خود به حضرت علی (ع) فرمود : انتخاب
اسم خوب و ادب و تربیت ، حق است که هر فرزندی بپدر خود دارد .

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنْ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُ أَحَدُكُمْ
وَلَدَهُ الْإِسْمُ الْحَسَنُ .
● اولین عطا و بخشش هر یک از شما بفرزند خود ، اسم خوبی است
که برای او انتخاب میکنید .

۱ - کافی جلد ۶ صفحه ۱۸

۲ - وسائل جلد ۵ صفحه ۱۱۵

۳ - بحار جلد ۲۳ صفحه ۱۲۲

عَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ : مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ ثَلَاثَةٌ ،
يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَيُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ .^۱

● پیشوای اسلام فرموده است : سه حق از جمله حقوق اسلامی است
که فرزندان در عهده پدر دارد ، اول آنکه برای او نام خوبی برگزیند ،
دوم به وی نوشتن بیاموزد ، و سوم آنکه وقتی به حد بلوغ رسید وسائل
ازدواجش را فراهم آورد .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى
وَلَدِهِ فَسَرَّهُ كَانَ لِلْوَالِدِ عِتْقُ نَفْسَةٍ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده است : پدری که با چشم مهر و محبت
بفرزند خود مینگرد و با نگاه گرم و پر عطوفت خویش او را شاد و مسرور
مینماید ، خداوند به آن پدر در مقابل این عمل ، اجر یک بنده آزاد کردن
خواهد داد .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى
وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمُّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ
وَيُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَيُطَهِّرَهُ .^۳

۱ - مکارم الاخلاق ، صفحه ۱۱۴

۲ - مستدرک ، جلد ۲ ، صفحه ۲۲۶

۳ - کافی جلد ۶ صفحه ۴۹

فرزند : فرزند نیکو و صالح

● رسول اکرم (ص) در حدیثی حقوق، پسران و دختران را پدران خود، شرح داده و در ضمن فرموده است : از حقوقی که پسر، پیدر خود دارد اینست که مادر وی را احترام کند، برای کودک نام خوب انتخاب نماید، بکودک قرآن بیاموزد، و او را بپاکی و پاکدلی پرورش دهد.

فرزند نیکو و صالح

پیغمبر اکرم (ص) میفرمود :

أَرْبَعٌ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ : الْخُلَاطَاءُ الصَّالِحُونَ وَالْوَلَدُ الْبَارُّ وَالْمَرْأَةُ الْمُؤَاتِيَّةُ وَأَنْ تَكُونَ مَعِيشَتُهُ فِي بَلَدِهِ .
● چهار چیز از سعادت مرد است : رفقای خوب و فرزند نیکووزن مطیع و اینکه کسبش در بلدش باشد یعنی رفاه اقتصادی.

إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُشْبِهَهُ وَلَدُهُ وَالْمَرْأَةُ الْجَمَلَاءُ ذَاتَ دِينٍ وَالْمَرْكَبُ الْهَيَّ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ .
● از سعادت مرد مسلمان شباهت فرزندش با ووزن خوشکل با ایمان و مرکب خوب و خانه وسیع است .

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَالْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ .
● از سعادت مرد زن خوب و خانه وسیع و مرکب خوب و فرزند صالح است .

۱- بحار جلد ۲۳ صفحه ۵۵

۲- بحار جلد ۲۳ صفحه ۵۱

۳- مکارم الاخلاق صفحه ۶۵

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : مَرَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ (ع) بِغَيْرِ مُعَذِّبٍ صَاحِبِهِ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ بِمُعَذِّبٍ فَقَالَ يَا رَبِّ مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلِ فَكَانَ صَاحِبُهُ يُعَذِّبُ ثُمَّ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ بِمُعَذِّبٍ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا رُوحَ اللَّهِ إِنَّهُ أَذْرَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقاً وَأَوَى بَيْنَهُمَا فَغَفَرْتُ لَهُ بِمَا فَعَلَ ابْنُهُ .

● رسول اکرم (ص) فرموده : حضرت مسیح بر قبری گذر کرد که صاحب آن معذب بود . سال بعد از کنار همان قبر گذشت و صاحب قبر را معذب نیافت ، از پیشگاه الهی درخواست نمود که او را از علت تغییر وضع آگاه سازد . خداوند حضرت مسیح و حی فرستاد که صاحب قبر ، فرزند صالحی از خود بجای گذارده بود او در این فاصله بالغ شد و به دو کار خیر دست زد یکی آنکه راهی را برای عبور مردم اصلاح نموده و آن دیگر بنیمی را مسکن و مأوی داد و من گناه این پدر را به احترام عمل فرزند نیکو کارش بخشیدم .

خلقت فرشتگان

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ :
الْمَلَائِكَةُ أَفْضَلُ أَمْ بَنُو آدَمَ فَقَالَ : قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ
أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلاً بِلا شَهْوَةٍ
وَرَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلا عَقْلٍ وَرَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلْتَيْهِمَا
فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتُهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَمَنْ غَلَبَ
شَهْوَتُهُ عَقْلُهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ .

● عبدالله بن سنان می گوید : از امام صادق علیه السلام پرسش نمودم که
آیا ملائکه افضلند یا بنی آدم . حضرت در پاسخ از جدش علی علیه السلام
حدیث نمود که فرموده است : خداوند در ساختمان ملائکه ، عقل را بدون
شهوة مستقر ساخته است . و در حیوانات شهوت بدون عقل . اما در اولاد
آدم ، عقل و شهوت را با هم و در کنار هم قرار داده است . هر انسانی که عقلش
بر شهوتش پیروز گردد برتر از فرشته است و هر انسانی که شهوتش بر عقلش
غلبه کند بدتر و پست تر از حیوان است .

علی علیه السلام در بارهٔ آفرینش آنها چنین فرموده است :

وَمَلَائِكَةٍ خَلَقْتَهُمْ وَاسْكَنْتَهُمْ سَمَواتِكَ فَلَيْسَ فِيهِمْ فَتْرَةٌ
وَلَا عِنْدَهُمْ غَفْلَةٌ وَلَا فِيهِمْ مَعْصِيَةٌ هُمْ أَعْلَمُ خَلْقِكَ بِكَ
وَأَخَوْفُ خَلْقِكَ مِنْكَ وَأَقْرَبُ خَلْقِكَ إِلَيْكَ وَأَعْلَمُهُمْ
بِطَاعَتِكَ وَلَا يَغْشَاهُمْ نَوْمُ الْعَبِيدِ وَلَا سَهُوُ الْعُقُولِ وَلَا فَتْرَةٌ
الْأَبْدَانِ ١.

● و فرشتگانی که آنها را خلق نمودی و در سراسر آسمانها و اجرام کیهانی
مسکنشان دادی، ضعف و سستی ندارند، از وظائف خویش غافل نمی شوند
و پیرامون گناه نمی گردند . معرفت آنان به ذات اقدس از دیگر موجودات
بیشتر ، ترسشان از تو زیاده ، و از جهت معنوی به تو نزدیکتر و به اطاعت
و فرمانبرداریت عالمترند . نه پردهٔ خواب ، چشم آنها را می پوشاند ، نه دچار
سهو عقلی می شوند و نه به سستی و ناتوانی بدن مبتلا می گردند .

چگونگی خلقت ملائکه همانند حقیقتشان بر ما مجهول است . اینان
نه در اصلاّب پدران بوده اند و نه در ارحام مادران . بلکه موجوداتی هستند
که با انشاء باری تعالی هستی یافته اند و به موجب بعضی از روایات ، آفریدگار
جهان آنها را از نور آفریده است .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ
الْمَلَائِكَةَ مِنْ نُورٍ ١.

اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ^۱.

● آگاه باشید که ملک عالم وجود و همچنین فرمانروائی در سراسر جهان هستی اختصاص به ذات اقدس الهی دارد. او است که منزّه از نقائص، منشأ خیرات و پروردگار عالمیان است.

بنابر این مدبّر واقعی و اصل در نظام حکیمانه عالم، ذات لایزال الهی است و فرشتگان مدبّر که به فرمان خداوند عهده تدبیر امور جهانند در واقع وسائط و رسول او هستند که او امر تکوینش را بموقع اجرای گذارند. از اینرو خداوند در قرآن شریف، گاه تدبیر امر را به خود نسبت داده و فرموده است:

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَيَّ الْآرْضِينَ^۲.

● او است که مدبّر نظام حکیمانه عالم از آسمان تا زمین است. و گاه تدبیر امر عالم را به فرشتگان برگزیده خود که واسطه بین آفریده و آفریدگارند منتسب نموده و فرموده است :

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا^۳.

● قسم به فرشتگانی که عهده دار تدبیر امور عالمند.

امام سجّاد علیه السلام در صحیفه کامله از فرشتگان حامل عرش الهی که مأمور تدبیر جهانند سخن گفته و در پیشگاه الهی عرض می کند :

اَللّهُمَّ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِي لَا يَفْشُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ وَلَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيسِكَ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ وَلَا يُؤْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ وَلَا يَغْفُلُونَ عَنِ الْوَلَاةِ

الْبَيْكُثُ وَالْهَابِطِينَ مَعَ قَطْطِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ وَالْقَوَامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيحِ وَالْمُوكِّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ وَالَّذِينَ عَرَفْنَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ وَكَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَعَوَالِجُهَا^۱.

● باراها ، حاملین عرش استحقاق درود و رحمت دارند کسانی هستند که از تسبیح تو دچار ضعف و سستی نمی شوند . از تقدیرست ملول نمی گردند و عبادت ، آنانرا خسته و فرسوده نمی نماید . این فرشتگان در راه انجام وظیفه ، تقصیر و کوتاهی را به جای جدّ و جهد اختیار نمی کنند و هرگز از جذبه و حیرت در مقابل عظمت تو غافل نمی شوند

باراها درود فرست بر فرشتگانی که موقع ریزش باران با قطرات آن فرود می آیند ، فرشتگانی که علل و عوامل وزش بادهای در فرمان آنها است ، فرشتگانی که مأمور مراقبت کوهها هستند ، فرشتگانی که تو آنانرا از سنگینی آبها و وزن مواد مخرب و مضر بارانها و همچنین علل تراکم و فشارشان آگاه ساخته ای .

فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا^۲.

● قسم به فرشتگانی که از طرف حضرت باری تعالی مأمور تقسیم امور عالمند .

۱- دعای ۳ ، صحیفه سجاده

۲- سوره ۵۱ ، آیه ۴

مَا مِنْ مَيِّتٍ يَمُوتُ حَتَّى يَتَرَأَى لَهُ مَلَكَانِ الْكَاتِبَانِ عَمَلَهُ
فَإِنْ كَانَ مُطِيعًا قَالَا لَهُ جَزَاكَ اللَّهُ عَنَّا خَيْرًا قَرُبَ مَجْلِسِ صِدْقٍ
أَجْلَسْتَنَا وَعَمَلٍ صَالِحٍ قَدْ أَحْضَرْتَنَا فَإِنْ كَانَ فَاجِرًا قَالَا :
لَا جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا قَرُبَ مَجْلِسِ سَوْءٍ قَدْ أَجْلَسْتَنَا وَعَمَلٍ غَيْرِ
صَالِحٍ قَدْ أَحْضَرْتَنَا وَكَلَامٍ قَبِيحٍ قَدْ أَسْمَعْتَنَا .^۱

● هر که می میرد دو فرشته نویسنده ، اعمالش را به وی ارائه می کنند .
اگر از افراد مطیع و فرمانبردار باشد به او می گویند : خداوند بتو پاداش خیر
دهد . چه بسا در مجلس صدق و راستی ، ما را نشاندی و در محیط عمل صالح ،
ما را حاضر ساختی . و اگر از افراد فاجر و گناهکار باشد به او می گویند :
خدا بتو جزای خیر ندهد که بسا در مجلس بدی و بدکاری ، ما را نشاندی
و در محیط کار ناصالح ، ما را حاضر ساختی . و سخن قبیح بما شنواندی .

جبرئیل

(فرشته وحی الهی)

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الرَّسُولُ الَّذِي
بَأْتِيَهُ جِبْرِئِيلُ فَيُكَلِّمُهُ وَيَرَاهُ كَمَا يَرَى أَحَدُكُمْ صَاحِبَهُ .^۲

● زراره از امام صادق علیه السلام حدیث کرده است که فرموده :
رسول آنکسی است که جبرئیل نزدش می آید ، با وی سخن می گوید و او را
می بیند همانطور که یکی از شما همنشین خود را مشاهده می کند .

ملک الموت ، فرشته مرگ

اَللّٰهُ يَتَوَلّٰى الْاَنفُسَ حِيْنَ مَوْتِهَا ^۱

● ترجمه : این خداوند است که موقع فرار سیدن مرگ ، ارواح مردم را قبض می کند .

قُلْ يَتَوَلّٰىكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ^۲

● ترجمه : پیامبر گرامی ، به مردم بگو : فرشته مرگ که برای قبض روح شما گمارده شده جان شما را می گیرد و سپس به خدای خویش بازمی گردد . در آیه اول ، خداوند قبض ارواح خوانده شد ، در آیه دوم ، ملک الموت و در چند آیه از قرآن شریف قبض روح به گروه فرشتگان منتسب گردیده است . یکی از زنادقه تفاوت این آیات را تناقض تلقی کرد و بر قرآن شریف خورده گرفت . حضرت علی علیه السلام در ردّ پندار او پس از ذکر آیات مورد استدلالش فرمود :

فَهُوَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى اَجَلٌ وَّاعْظَمُ مِنْ اَنْ يَتَوَلّٰى ذَلِكُمْ بِنَفْسِهِ وَفِعْلُ رُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ فِعْلُهُ لَا تَنْهَمُ بِاَمْرِهٖ يَعْصَمُونَ فَاَصْطَفٰى جَلَّ ذِكْرُهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَسَفَرَةً بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ وَهُمْ الَّذِيْنَ قَالَ اللّٰهُ فِيْهِمْ (اَللّٰهُ يَعْصَمُكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنْ النَّاسِ) سورة ۲۳ ، ۷۵ فَمَنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ الطَّاعَةِ تَوَلّٰى قَبْضَ رُوْحِهِ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَنْ كَانَ مِنْ اَهْلِ الْمَعْصِيَةِ تَوَلّٰى قَبْضَ رُوْحِهِ مَلَائِكَةُ النَّقِمَةِ وَلِمَلَكِ الْمَوْتِ اَعْوَانٌ مِنْ

مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَالنَّقِمَةِ يُصْدِرُونَ عَنْ أَمْرِهِ وَفِعْلُهُمْ فِعْلُهُ
وَكُلُّ مَا يَأْتُونَهُ مُنْسُوبٌ إِلَيْهِ وَإِذَا كَانَ فِعْلُهُمْ فِعْلُ مَلَكِكَ
الْمَوْتِ وَفِعْلُ مَلَكِكَ الْمَوْتِ فِعْلُ اللَّهِ لِأَنَّهُ يُتَوَقَّى إِلَّا نَفْسٌ
عَلَى يَدِ مَنْ يَشَاءُ وَيُعْطَى وَيَمْنَعُ وَيُثَبِّبُ وَيُعَاقِبُ عَلَى يَدِ
مَنْ يَشَاءُ وَإِنْ فِعْلُ أَمْنَائِهِ فِعْلُهُ ۱.

● خداوند بزرگتر از آنست که خود بنفسه متصدی قبض روح باشد
وکاری را که فرشتگان مأمور الهی انجام می دهند کار خداوند است زیرا
به فرمان او عمل می کنند . خداوند از فرشتگان ، رسولان و سفیرانی را بین
خود و مردم برگزیده است و در قرآن شریف گزینش آنانرا خاطرنشان
فرموده است . کسی که اهل طاعت باشد به تصدی فرشتگان رحمت ، قبض
روح می شود و آنکس که اهل گناه و عصیان است فرشتگان نعمت او را
قبض روح می کنند ، برای ملک الموت ، اعوان و یارانی است از فرشتگان
رحمت و عذاب که عهده دار عمل وی هستند و به جای او قبض روح می کنند .
عمل اینان عمل ملک الموت است و هرکاری را که انجام می دهند منتسب به او است .
بنابراین کار یاران ملک الموت ، کار ملک الموت است و کار ملک الموت
کار خداوند است . او است که جان مردم را به دست هر کس اراده فرماید
قبض می کند . او است که می بخشد ، محروم می سازد ، پاداش می دهد و کیفر
می کند . به دست هر کس که خواسته باشد و در واقع کار امتناء و برگزیدگان
خداوند ، کار خداوند است .

آخرین زمان توبه

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِسَنَةٍ قَبْلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ : إِنْ سَنَةً لَكَثِيرٌ ، مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِشَهْرٍ قَبْلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ، ثُمَّ قَالَ : إِنْ الشَّهْرَ لَكَثِيرٌ ، مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِجُمُعَةٍ قَبْلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ : إِنْ جُمُعَةً لَكَثِيرٌ ، مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِيَوْمٍ قَبْلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ ثُمَّ قَالَ : إِنْ يَوْمًا لَكَثِيرٌ ، مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ يُعَايِنَ قَبْلَ اللَّهِ تَوْبَتَهُ .^۱

● رسول اکرم (ص) فرموده است : کسی که یکسال پیش از مرگش توبه کند ، خداوند توبه او را می پذیرد سپس فرمود : یکسال زیاد است . هر کس یک ماه پیش از آن که بمیرد توبه نماید ، خداوند توبه اش را قبول می کند . باز فرمود : یکماه زیاد است . هر کس یک هفته پیش از مرگش توبه کند توبه اش مقبول درگاه خداوند است . باز هم فرمود : یک هفته زیاد است . هر کس یک روز به مرگش مانده توبه کند توبه اش در پیشگاه الهی مورد قبول واقع می شود و در پایان فرمود : یکروز هم زیاد است . هر کس پیش از آنکه فرشته مرگ را مشاهده کند و به عیان او را ببیند توبه کند توبه اش نزد باری تعالی پذیرفته می شود .

اعتقاد ما به فرشتگان

أَمَّا الرَّسُولُ فَمَا نُزِّلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ .^۱

فرشتگان : امر خداوند به فرشتگان و ما

● پیامبر الهی به تمام آنچه خداوند بر وی نازل فرموده ایمان دارد و همچنین پیروان با ایمان او به خدا و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران الهی مؤمن و معتقدند.

امر خداوند به فرشتگان و ما

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ
كَانَ مِنَ الْغَیْبِ فَقَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ
أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا.
مَا أَشْهَدُ لَهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ.
● به ملائکه گفتیم آدم را سجده کنید همه فرشتگان اطاعت نمودند جز

ابلیس که از جن بود و عصیان نمود. آیا شما فرزندان آدم از امر الهی سرباز می‌زنید و به جای آن از دستور شیطان و ذریه‌اش اطاعت می‌نمائید با آنکه آنها با شما دشمنند. این عمل ناروا برای ستمکاران مبادله‌ای است بسیار بد و زیانبار. ما آنان را در آفرینش آسمانها و زمین و همچنین در آفرینش خودشان احضار و اشهاد ننموده‌ایم.

ارزش فرصت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنْ لِرَبِّكُمْ فِي آيَاتِهِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ إِلَّا فَتَعَرَّضُوا لَهَا .^۱

● رسول اکرم میفرمود: در آیات زندگی شما، لحظاتی فرا میرسد که در معرض نسیم حیات بخش الهی قرار میگیرید، و فرصت مناسبی بدست میآورید، بکوشید که از آن فرصتها استفاده کنید، و خوبشتن را در مسیر فیض الهی قرار دهید.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : قَالَ مَنْ فُتِحَ لَهُ بَابُ خَيْرٍ فَلْيَبْتَهِزْهُ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُغْلَقُ عَنْهُ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده است آنکس که برویش درخیری گشوده شد غنیمت بشمارد، و از فرصت استفاده کند، زیرا نمیداند چه وقت آن در برویش بسته میشود.

وَعَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنْ لَلِ اللَّهِ مَلَكًا يَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ فَيُنَادِي يَا أَبْنَاءَ الْعِشْرِينَ جِدُّوا وَاجْتَهِدُوا .^۳

۱- صحیحۃ البیضاء ، ۵ ، صفحه ۱۵

۲ - مستدرک ، ۲ ، صفحه ۳۵۰

۳ - مستدرک ، ۲ ، صفحه ۳۵۳

فرصت : ارزش فرصت

● و نیز فرموده است که فرشته الهی هر شب به جوانان بیست ساله ندا میدهد کوشش و جدیت کنید و برای نیل به کمال و سعادت خود مجاهده نمائید .

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : فَلْيَبْتَأْ خُدَّ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ ، وَمِنْ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ ، وَفِي الشَّيْبَةِ قَبْلَ الْكِبَرِ وَفِي الْحَيَاةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ .^۱

● رسول اکرم فرموده : بر مرد با ایمان لازم است که از نیروی خود بنفع خویشتن استفاده نماید ، از دنیای خود برای آخرت خویش ، و در جوانی خود پیش از فرا رسیدن ایام پیری ، و در زندگی پیش از مرگ .

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَوْقَاتُ السُّرُورِ خُلُوسَةٌ .^۲

● علی علیه السلام فرموده : مواقع تفریح و شادمانی فرصت است ، (افراد عاقل فرصتها را مغتنم میشمارند و از آنها بنفع خوشبختی و سعادت خویش استفاده می کنند) .

سَمِعْتُ عَنْ إِمَامِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ الْحَزَمِ ، فَقَالَ هُوَ أَنْ تَنْتَهِيَ فُرْصَتَكَ وَتُعَاجِلَ مَا امْكَنَّاكَ .^۳

● راوی از امام هادی علیه السلام معنی حزم و محکم کاری را سؤال کرد ، در جواب فرمود : حزم عبارت از اینست که فرصت خیر را مغتنم

۱ - وسائل ۴ ، صفحه ۳۰

۳ - مستدرک ۲ ، صفحه ۳۵۰

۲ - فهرست غرر ، صفحه ۱۵۷

بشماری و بقدر ممکن در استفاده از آن تسریع نمائی :

استفاده از فرصت

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا أَبَا ذَرٍّ اغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ الْخُمْسِ ، شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَفَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ .^۱

● رسول اکرم (ص) به ابی ذر غفاری فرمود: پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت بشمار، جوانیت را قبل از پیری، سلامت را قبل از بیماری، تمکنت را قبل از تهیدستی، فراغت را قبل از گرفتاری، زندگانیت را قبل از مرگ :

مرکز تحقیقات علوم و معارف اسلامی

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا . قَالَ لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَقُوَّتَكَ وَفَرَاغَكَ وَشَبَابَكَ وَنَشَاطَكَ وَغِنَاكَ وَأَنْ تَطْلُبَ بِهِ الْآخِرَةَ .^۲

● امام صادق علیه السلام از پدران خود، در تفسیر آیه «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» روایت کرده است که سلامت، نیرومندی، فراغت، جوانی، نشاط و بی نیازی خود را فراموش منما، در دنیا از آنها بهره برداری کن و متوجه باش که از آن سرمایه های عظیم بنفع معنویات و آخرت خود استفاده نمائی .

فرصت : استفاده از فرصت

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بَادِرْ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ .^۱

● علی علیه السلام فرموده : در باب جوانیت را قبل از پیری ، و سلامت را قبل از بیماری .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ، فَإِنَّتْهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : فرصت مانند ابر از افق زندگی میگذرد ، مواقعی که فرصتهای خیری پیش میآید غنیمت بشمارید و از آنها استفاده کنید .

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْفُرْصَةُ سَرِيعَةُ الْفُتُورِ وَ بَطِئَةُ الْعَوْدِ .^۳

● و نیز فرموده است : فرصت خیلی زود میگذرد و دیر برمیگردد .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَدَكَّرَ) تَوْيِخُ لِبْنِ ثَمَانِي عَشَرَ سَنَةً .^۴

● امام صادق علیه السلام فرموده است که این آیه ملامت و سرزنش جوانان غافلی است که پس از هجده سال رسیده‌اند و از فرصت جوانی خود استفاده نمی‌کنند .

۳ - غررالحکم ، صفحه ۸۹

۱ - نهج البلاغه فیض ، صفحه ۱۰۸۶

۴ - تفسیر برهان ، صفحه ۸۸۲

۲ - غررالحکم ، صفحه ۳۴۰

عَنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ : يَا بَنِي آدَمَ إِنَّكَ لَمْ تَزَلْ فِي هَذِهِ عُمْرِكَ مِنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بَطْنِ أُمِّكَ فَخُذْ مِمَّا فِي يَدِكَ لِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَتَزَوَّدُ وَإِنَّ الْكَافِرَ يَتَمَتَّعُ^۱.

● امام مجتبی علیه السلام میفرمود : ای فرزندان آدم تو از روزی که شکم مادر را ترک گفתי و بزمین قدم گذاردی پیوسته سرگرم نابود ساختن عمر خویش هستی. از فرصت زندگی استفاده کن و از آنچه اکنون در دست داری برای منزلی که در پیش داری بهره بردار که افراد با ایمان از دنیا زاد و توشه برای فردای خود تهیه میکنند و افراد بی ایمان تنها از آن لذت و کامروائی میخوانند. مرکز تحقیقات علوم تربیتی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِيَّةُ^۲.

● امام صادق علیه السلام فرموده است : احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی ، تسریع نمائید پیش از آنکه مخالفین گمراه ، بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاله آنان جای دهند و گمراهشان سازند .

۱ - سفینه ، (وعظ) ، صفحه ۶۷۱

۲ - کافی ، ۶ ، صفحه ۴۷

فرصت ازدست داده

علی (ع) میفرمود :

لَمْ يُمَهِّدُوا فِي سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ ، وَلَمْ يَعْتَبِرُوا فِي أَنْفِ الْأَوَانِ ، فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضَاظَةِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَانِيَّ الْهَرَمِ .^۱

● در ایام سلامت بدن ، سرمایه ای مهیا نکردند و در اولین فرصتهای زندگی و نیرومندی درس عبرتی نگرفتند و درخشنده ترین ایام عمر را برایگان از کف دادند ، آیا کسیکه در جوانی اهل تن پروری بوده میتواند در پیری جز شکستگی و ذلت انتظاری داشته باشد ؟

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا أَقْرَبَ الدُّنْيَا مِنَ الذَّهَابِ وَالشَّيْبَةِ مِنَ الشَّبَابِ .^۲

● و نیز فرموده است : چه نزدیک است دنیا را گذران و رفتن و چه نزدیک است جوانی را ، پیری و درهم شکستن .

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِمَا لَا يَجِبُ ضَيَّعَ مِنْ أَمْرِهِ مَا يَجِبُ .^۳

● علی علیه السلام فرموده است : کسیکه خوشتن را بکارهای غیر ضروری سرگرم کند با این عمل ، کارهای ضروری خود را ضایع و تباه نموده است .

۱ - نهج البلاغه فیض ، صفحه ۱۸۰ ۲ - غررالحکم ، صفحه ۷۵۴

۳ - غررالحکم ، صفحه ۶۶۱

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْآعْمَى لَا يَبْصُرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئًا وَالْبَصِيرُ يُنْفِذُهَا بِبَصَرِهِ وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ وَالْآعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ وَالْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَالْآعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ^۱.

● علی علیه السلام می فرماید : دنیای گذران چشم انداز نهائی کور دل و نا آگاه است و عوالم بعد از آنرا نمی بیند. اما انسان بصیر و بینا آینده را هم می نگرد و می داند مقرر ثابت و خانه دائمی انسان در وراء این جهان است. انسان بصیر از دیدگاه دنیا به عالم بعد از مرگ نیز توجه دارد و فاقد بصیرت، تنها به دنیا چشم دوخته است. انسان بصیر از این منزل برای منازل بعد از مرگ، ذخیره و زاد تهیه می کند و کور دل فقط برای دنیا توشه برمی دارد.

عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ : بَيْنَ آدَمَ إِنْكَتَ لَمْ تَزَلْ فِي هَذِهِ عُمْرِكَ مُنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بَطْنِ أُمِّكَ فَخُذْ مِمَّا فِي بَيْدِكَ لِمَا بَيْنَ بَيْدِكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَتَزَوَّدُ وَالْكَافِرَ يَتَمَتَّعُ^۲.

● امام مجتبی علیه السلام فرموده است : ای فرزند آدم ، تو از آن زمان که از شکم مادر به زمین فرو افتادی پیوسته از عمر خود کاسته ای ، پس فرصت را مغتنم شمار و آنچه هم اکنون در اختیار تو است برای منازل و مراحل که در پیش داری ذخیره ای بردار که مؤمن از دنیا توشه می گیرد و کافر تنها به تمتع و کامکاری توجه دارد .

پستی و فرومایگی

قالَ اميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ
فَلَا تَرْجُ خَيْرَةً .^۱

● علی علیه السلام میفرمود : آنکس که خویشتن را پست و فرومایه
بداند به خیر و نیکی او امیدوار نباشد .

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ (ع) قَالَ : مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ
فَلَا تَأْمَنُ شَرًّا .^۲

● امام هادی (ع) میفرمود : کسی که خود را کوچک و موهون
بداند و در خود احساس حقارت کند خویشتن را از شر او در امان ندان !

عَنْ عَلِيٍّ (ع) : هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَمَرَ عَلَيْهِ لِسَانُهُ .^۳
● زبان مردم فرومایه و بی شخصیت بر آنان حکومت میکند ، هرچه
میخواهند میگویند و از گفته های ناروای خود ، بعلت حقارت نفس ،
احساس شرمساری نمیکنند .

۱ - غررالحکم صفحه ۷۱۲ ۲ - بحار جلد ۱۷ صفحه ۲۱۴

۳ - نهج البلاغه فیض صفحه ۱۰۷۹

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا سَادَ الْقَوْمَ فَاسِقُهُمْ
وَكَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَذْلَهُمْ وَأَكْرَمُ الرَّجُلِ الْفَاسِقُ
فَلْيَسْتَنْظِرِ الْبَلَاءُ .^۱

● رسول اکرم (ص) میفرمود : وقتی گناهکاران ، سرور مردم شوند
و فرومایگان پست ، رؤساء مردم باشند و در جامعه بیدکاران احترام
شود ، باید در آنجا منتظر بلا و بدبختی بود .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا سَادَ السُّفْلُ خَابَ الْأَمَلُ .^۲
● علی علیه السلام فرمود : موقعی که فرومایگان در بین مردم
سروری و بزرگی بدست آورند آرزوی خوشبختی و سعادت آن جامعه
از میان میرود و درهای ترقی و تعالی برای مردم ، بسته میشود .

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : زَوَالُ الدُّوَلِ بِاصْطِنَاعِ السُّفْلِ .^۳
● و نیز فرموده است : کارهای بزرگ را ب مردم پست و فرومایه
سپردن باعث زوال دولتها است .

قال الصادق عليه السلام : وَلَا تَكُنْ فُظًّا غَلِيظًا يَكْرَهُ النَّاسُ
قُرْبَكَ وَلَا تَكُنْ واهياً يُحَقِّرُكَ مَنْ عَرَفَكَ .^۴

فرومایه : پستی و فرومایگی

● امام صادق علیه السلام روش برتری طلبان خشن و خودخواه را و همچنین رفتار مهر طلبان زبون و پست را مطرود شناخته و ضمن سخنان خود به عبدالله جندب فرموده است : نه بد اخلاق و تندخو باش که مردم به ملاقاتت بی رغبت باشند و از تو دوری گزینند و نه پست و فرومایه باش که آشنایانت تو را بادیده تحقیر بنگرند و آنانکه تو را میشناسند خوارت بدارند .

طبیعت بشر

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الشَّرُّ كَامِنٌ فِي طَبِيعَةِ كُلِّ أَحَدٍ فَإِنْ غَلَبَهُ صَاحِبُهُ بَطُنَ وَإِنْ لَمْ يَغْلِبْهُ ظَهَرَ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : بدی و بدخواهی که ناشی از هوای نفس و حس درنده خوئی بشر است همواره در نهاد همه انسانها بطور پنهانی وجود دارد . اگر آدمی با نیروی ایمان و صفات انسانی بر آن غلبه کند تمایل بدی بضمیر باطن رانده میشود و همچنان پنهان میماند . و اگر نتوانست بر کشش حیوانی خود پیروز گردد تمایل بدی بروز میکند و از پس پرده اختفاء بیرون میآید .

احیای فطرت

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ^۱ .

● بآئین فطرت و دین حنیف توجه نما ، بآن فطرتی که خداوند تمام بشر را با آن آفریده است ، فطرتی که در خلقت انسان همواره ثابت است و هرگز تغییر نمیکند ، این است آئین استوار و تزلزل ناپذیر الهی .

مرکز تحقیقات علوم دینی

یکی از وظائف بزرگ پیامبران الهی بیدار کردن فطریات بشر و بکار انداختن سرمایه های الهامی انسانست . علی (ع) در این باره فرموده است :

فَبَعَثَ اللَّهُ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَآلَيْهِمْ أَنْبِيَائَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذْكُرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِغِ وَيُشِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ^۲ .

● خداوند پیامبران خود را برانگیخت و پیامی بین مردم فرستاد تا بشر را باداء پیمان فطرت وادارند و نعمتهای فراموش شده خدا را یادآوری کنند و بافعالیت های تبلیغی خود نیروهای نهفته عقل مردم را برانگیخته و بکار اندازند .

۱. عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) مَا الْحَنِيفِيَّةُ ؟
قَالَ هِيَ الْفِطْرَةُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا قَالَ فَطَرَ هُمْ عَلَى
مَعْرِفَتِهِ .

● زرارہ از امام باقر (ع) سؤال میکند دین حنیف چیست؟ فرمود
فطرت است ، فطرتیکه خداوند در نهاد تمام افراد بشر آفریده است .
خداوند انسان را با فطرت معرفت خویش خلق کرده است .

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ : فِطْرَةَ اللَّهِ
الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا قَالَ : فَطَرَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ .
● امام صادق (ع) در تفسیر آیه فطرت فرموده است که خداوند
بشر را با فطرت خداپرستی آفریده .

رسول اکرم (ص) میفرمود :

۳. كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونَ أَبَوَاهُ
يَهُودَ أَوْ يَنْصَرَانِ .

● هر مولودی با فطرت مذهبی و معرفت الهی متولد میشود که پدر
و مادر او را باین یهودیت و نصرانیت بار میآورند . مفاد حدیث اینست که
اساس اولیه پذیرش دین در فطرت تمام کودکان بشر وجود دارد .

تنگدستی

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ :
يَابُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ
الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ ، دَاعِيَةٌ
لِلْمَقْتِ ١ .

● علی (ع) بفرزندش محمد حنفیه میفرمود : فرزند ، برتو از فقر و
تنگدستی میترسم ، از آن بخواوند پناه ببر ، زیرا فقر باعث نقصان
دین ، و پریشانی فکر ، و مایه دشمنی و عداوت است .

قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ : اَعْلَمْ أَيُّ بُنْيٍّ إِنِّي قَدْ ذُقْتُ الصَّبْرَ وَ
أَنْوَاعَ الْمُرِّ فَلَمْ أَرَ أَمْرًا مِنَ الْفَقْرِ . فَإِنْ افْتَقَرْتَ
يَوْمًا فَاجْعَلْ فَقْرَكَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ وَلَا تُحَدِّثِ النَّاسَ
بِفَقْرِكَ فَتَهُونْ عَلَيْهِمْ ٢ .

● لقمان بفرزندش میفرمود : پسر ، من صبر و انواع تلخیها را
چشیده‌ام ، چیزی را تلختر از فقر نیافتم .

۱ - نهج البلاغه فیض صفحه ۱۲۲۸

۲ - سفینه (فقر) صفحه ۳۷۹

فقر: تنگدستی

اگر روزی گرفتار تهیدستی شدی باحادی اظهار نکن که در نظر مردم حقیر و خوار خواهی شد .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفُطَيْنَ عَنْ حُجَّتِهِ وَالْمُقِيلُ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : فقر و تهیدستی ، انسان باهوش را در بیان دلیل خود لال میکند و انسان کم بضاعت در شهر خود تنها و غریب است .



قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْمَسْكِينُ طَوْقُ الْمَذَلَّةِ تَسْلُبُ الْعِزَّ عِزَّهُ وَالْحَسِيبَ حَسَبَهُ .^۲

● علی علیه السلام فرموده است : گدائی طوق ذلتی است که عزت را از عزیزان و شرافت خانوادگی را از شریفان سلب میکند .

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : إِنْ أَلَّاهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ الشَّيْخَ الْجَاهِلَ وَالْغَنَى الظَّلُومَ وَالْفَقِيرَ الْمُخْتَالَ .^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده : خداوند ، پیر نادان ، ثروتمند ستمکار ، و فقیر متکبر را دشمن دارد .

۱ - سفینه فقر ، صفحه ۳۷۹

۲ - غرر الحکم ، صفحه ۹۹

۳ - بحار ، جلد ۱ ، صفحه ۳۱

اسلام شناسی

عَنْ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الْفِقْهُ مُفْتَاخُ الْبَصِيرَةِ وَتَمَامُ الْعِبَادَةِ وَالسَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَحَازَ الْمَرْءُ الْمَرْتَبَةَ الْجَلِيلَةَ فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا .^۱

● حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده : دین شناسی کلید بینش و دل آگاہی و عبادت کامل است . آدمی بوسیله آن میتواند بمدارج عالی دست بابد و در امور دین و دنیا رتبه بزرگی را احراز نماید .

عَنْ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : الْفِقْهُ ثَمَنٌ لِكُلِّ غَالٍ وَسَلَّمٌ إِلَى كُلِّ عَالٍ .^۲

● امام جواد علیه السلام فرموده : دین شناسی ، قیمت هر متاع گرانقدر و نردبان ترقی برای وصول بهر مقام بلندی است .

اسلام شناس متخصص و متقی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يَسْتَفْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةٍ يُفْزَعُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ فَإِنْ عَدِمُوا

ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا فَقِيهٌ عَالِمٌ وَرِعٌ وَآمِيرٌ خَيْرٌ مَطَاعٌ وَطَيِّبٌ
بَصِيرٌ ثِقَةٌ^۱ .

● امام صادق علیہ السلام فرموده : مردم تمام بلاد از سه طبقه بی نیاز نیستند تا در تنظیم امور دنیا و آخرت خود بآنان پناهنده شوند و اگر گروهی فاقد آن سه باشند زندگی وحشی و حیوانی خواهند داشت نه زندگی انسان ، اول ، فقیهی که عالم و متقی باشد ، دوم حکومتی که خیرخواه و فرمانروا باشد ، سوم طبیبی که در کار خود بینا و مورد اعتماد مردم باشد .

آموختن علم دین

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ لَا وَجَعْتُهُ^۲ .

● امام باقر علیہ السلام میفرمود : اگر جوان شیعه ای را نزد من بیاورند که تفقه در دین نمیکند او را به مجازات دردناکی کیفر خواهم کرد .

عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : لَوْ وَجَدْتُ شَابًا مِنْ شُبَّانِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَضَرَبْتُهُ عِشْرُونَ سَوْطًا^۳ .

● حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام فرموده : اگر یکی از جوانان شیعه را بیابم که تفقه نمیکند و در صدد دین شناسی نیست او را بیست تازیانه خواهم زد .

۱ - تحف العقول ، صفحه ۳۲۱

۲ - بحار ، جلد ۱ ، صفحه ۶۶

۳ - بحار ، جلد ۱۷ ، صفحه ۲۰۸

۱۲۱ . قرآن

[القرآن]

قرآن کتاب هدایت

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْنَمُ^۱.

● قرآن شریف، این کتاب آسمانی، بشر را بمستقیم ترین و استوارترین صراط سعادت راهنمایی میکند.

اسلام دعوت روحانی و هدایت آسمانی خود را با احیاء عقل بشر آغاز نموده و پذیرش تعالیم قرآن شریف را بوسیله تعقل و تفکر از مردم خواسته است. مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ^۲.

● کتابی را بر شما فرو فرستادیم که حاوی عزّ و شرف شما است آیا تعقل و تفکر نمیکنید.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: إِنْ أَعْظَمَ آيَةً فِي الْقُرْآنِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ^۳.

● رسول اکرم فرموده است: بزرگترین آیه در قرآن کریم، آیه الکرسی است.

۱- سوره ۱۷، آیه ۹

۲- سوره ۲۱، آیه ۱۰

۳- تفسیر روح المعانی جلد ۳ صفحه ۱۰

قرآن : قرآن کتاب هدایت

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ .^۱

● قرآن، بشر آزاد و مختار را در پیمودن راه سعادت نصیحت میکند و میگوید اینست صراط مستقیم من ، از این راه بروید و در بیراهه ها که مایه تفرق و پراکندگی است قدم نگذارید .

حضرت موسی بن جعفر (ع) با هشام بن حکم در باره عقل و عاقل بتفصیل سخن گفته و اولین فضیلت بشر عاقل را در آزادگی و حسن انتخاب او بیان فرموده است .

يَا هِشَامُ : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَشَرَ أَهْلَ الْعَقْلِ وَالْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ : فَبَشَرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ الْأُولَوْنَ^۲

● ای هشام : خداوند با اهل عقل و فهم در کتاب خود بشارت داده و فرموده است : مژده بده بکسانی که سخنانرا میشنوند و از آنچه خوب و پسندیده است پیروی میکنند . اینان کسانی هستند که خداوندشان هدایت فرموده و اینان صاحبان عقل و درایت هستند .

۱- سورة ۶ آیه ۱۵۳

۲- کافی جلد ۱ صفحه ۱۳

تعلیم و تعلم قرآن

قالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمُّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَيُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَيُطَهِّرَهُ^١.

● رسول اکرم (ص) در حدیثی حقوق، پسران و دختران را بپدران خود، شرح داده و در ضمن فرموده است : از حقوقی که پسر، بپدر خود دارد اینست که مادر وی را احترام کند، برای کودک نام خوب انتخاب نماید، بکودک قرآن بیاموزد، و او را بپاکبوی و پاکدلی پرورش دهد.

● علی علیه السلام ضمن نامه مفصلی، روش عالمانه و نظر صائب خود را در طرز تربیت حضرت مجتبی علیه السلام، جوان نوحاسته خویش، توضیح داده و برنامه خود را با احیاء عواطف مذهبی آغاز فرموده است :

..... وَ أَنْ أَبْتَدِثَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْأِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ .^٢

● و اینکه تربیت تو را با تعلیم کتاب الهی و تأویل آن شروع نمایم، مقررات اسلامی را بتو یاد دهم و حلال و حرام آنرا بتو بیاموزم.

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَ حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَيُحْسِنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ .^٣

١ - کافی جلد ٦ صفحه ٤٩

٢ - نهج البلاغة فیض، صفحه ١٢٦٤

٣ - نهج البلاغة فیض، صفحه ٩٠٥

قرآن : تعلیم و تعلم قرآن

● علی علیہ السلام فرموده : حق فرزند پیدرش اینست که او را باسم خوب نامگذاری کند و بخوبی ، ادب و تربیتش نماید و بوی قرآن مجید را تعلیم دهد .

امام عسکری علیہ السلام فرمود : خداوند پیدرو مادر ، پاداش بزرگی عنایت میفرماید

فَيَقُولَانِ يَا رَبَّنَا اِنْتَا لَنَا هَذِهِ وَلَمْ تَبَلِّغْنَا اَعْمَالَنَا ؟
● آنان میگویند پرورد گارا اینهمه تفضل در باره ما از کجاست ؟
اعمال ما شایسته چنین پاداشی نیست .

فَيُقَالُ هَذِهِ بِتَعْلِيمِكُمْ وَلَدَكُمْ الْقُرْآنَ وَتَبْصِيرِكُمْ
ایاهُ بَدِينِ الْاِسْلَامِ *مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی*

● در جواب گفته میشود : اینهمه عنایت و نعمت ، پاداش شماست که بفرزند خود ، کتاب خدا را آموختید و او را در آئین اسلام ، بصیر و بینا ، تربیت کردید .

عَنْ اَيُّوبَ بْنِ اَللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قَالَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِدَحْمِهِ وَدَمِهِ .
● امام صادق علیہ السلام فرموده است : کسی که تلاوت قرآن میکند اگر جوان با ایمان باشد قرآن با گوشت و خورش آمیخته میشود و در همه انساج بدنش اثر می گنجد .

۱ - مستدرک جلد ۱ صفحه ۲۹۰

۲ - وسائل ۲ ، صفحه ۱۴۰

قرآن

(سنجش خوبیها و بدیها)

امام باقر علیه السلام در این باره به جابر جعفی چنین فرموده است :

وَأَعْلَمُ بِإِتِّكَ لَا تَكُونُ لَنَا وَلِيًّا حَتَّىٰ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْكَ أَهْلُ
مِصْرِكَ وَقَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ سَوِيٌّ لَّمْ يَحْزُنْكَ ذَلِكَ وَلَوْ
قَالُوا إِنَّكَ رَجُلٌ صَالِحٌ لَّمْ يَسُرَّكَ ذَلِكَ وَلَكِنْ اضْرَعْ
نَفْسَكَ عَلَىٰ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَإِنْ كُنْتَ سَالِكًا سَبِيلَهُ زَاهِدًا
فِي تَرْهِيدِهِ رَاغِبًا فِي تَرْغِيهِ خَائِفًا مِنْ تَخْوِيفِهِ فَاثْبُتْ وَابْشِرْ
فَإِنَّهُ لَا يَبْضُرُكَ مَا قَبْلَ فَبِكَ وَإِنْ كُنْتَ مُبَايِنًا لِلْقُرْآنِ فَمَا
الَّذِي يُغْرُكَ مِنْ نَفْسِكَ!

● آگاه باش که زمانی در گروه دوستان ما بحساب میآیی که اگر تمام
اهل بلدت بگویند که تو مرد بدی هستی سخن آنان غمگین و متأثر نکند،
و اگر همه آنان گفتند تو مرد شایسته و خوبی هستی مسرور و خوشحالت
نماید ، بلکه خود را به کتاب خداوند عرضه کن ، اگر دیدی در راه قرآن
قدم بر میداری ، منهیاتش را ترك میگوئی و خواسته های آن کتاب مقدس
را با علاقه و میل انجام میدهی و از کیفرهایی که در آن آمده خائف و ترسانی
در روش خود پابرجا و شادمان باش و بدان که گفته های مردم بتو زیانی
نمیرساند ، ولی اگر برخلاف کتاب خدا قدم بر میداری و رفتارت مباین با
قرآن شریف است چه چیز تورا از خودت غافل و بی خبر میکند.

ایمان و قرآن

(شفای دل‌های مؤمنین)

دو نفر از محترمین، مسافرتی در بیابان سوزان حجاز نمودند، راه را گم کردند، نزدیک خیمه‌ای آمدند، سلام نمودند. زنی که در خیمه بود جواب داد. پرسید کیستید؟ گفتند راه گم کرده ایم. اجازه داد وارد خیمه شدیم. گفت بنشینید تا فرزندم بیاید از شما پذیرائی کنم. موقع آمدن فرزندش نزدیک شد. زن چند بار از داخل خیمه پرده یک طرف را بالا زد و به بیابان نگاه کرد. ولی یک‌بار که پرده را بالا زد ناراحت شد، گفت شتر فرزندم میاید ولی دیگری بر آن سوار است! وقتی سوار نزدیک خیمه رسید بصدای بلند گفت: ام عقیل، خداوند در مورد فرزندت بتو اجر مرحمت کند. زن پرسید مگر فرزندم مرد؟! جواب گفت بلی، پسرت در کنار چاه آب بود، شترها بهم ریختند و او در چاه افتاد. زن مصیبت زده، خود را نگاه داشت و گفت تو فعلاً بیا و از مهمانهای من پذیرائی کن، سپس گوسفندی آورد و باو داد ذبح کرد. زن در حال مصیبت و داغ‌داری برای مهمانها غذا تهیه کرد. پس از صرف غذا نزدیک آمد و گفت: هیچکدام قرآن میدانید؟ گفتند بلی. گفت برای تسلائی خاطر دل من در مصیبت فرزندم چند آیه بخوانید. یکی شروع بخواندن قرآن کرد:

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ الْمُصِيبَاتُ خَوْنُوا . زن با هیجان شهادتی با و قسم داد اینکه خواندی قرآن بود؟ گفت بلی و الله از قرآن است. زن از جا برخاست، چند رکعت نماز خواند و گفت:

اللهم انی فعلت ما امرتني به ، فانجزلی ما وعدتني به .
 ● خدایا من امر تو را اطاعت کردم و در مرگ فرزندم صبر میکنم ،
 تو نیز در باره من بوعده خود وفا کن ، و با گفتن این جمله باشک و آه
 خود در مصیبت فرزند خویش خاتمه داد !

چه نیروئی جزایمان بخدا قادر است با این سرعت و سلامت ، دل
 مادر داغداری را آرام کند ؟ کدام قدرت جزاعتقاد مذهبی میتواند شعله
 سوزان اضطراب روح مادری را در مرگ ناگهانی فرزند جوانش با این
 فوریت خاموش نماید ؟

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : « فَقَدْ اسْتَمْسَكَتْ
 بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى . » قَالَ : هِيَ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
 لَهُ .
 ● امام صادق (ع) رشته مطمئن و ناگسستنی را که در قرآن آمده

ایمان به یگانگی خداوند بزرگ تفسیر فرموده است .
 سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ : « هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ
 السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ . » قَالَ : هُوَ الْإِيمَانُ . قَالَ قُلْتُ :
 « وَآيَدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ . » قَالَ : هُوَ الْإِيمَانُ . وَعَنْ قَوْلِهِ :
 « وَالْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى . » قَالَ هُوَ الْإِيمَانُ .^۱

● راوی از امام سؤال میکند : مقصود از سکینه و آرامشی که خداوند
 بر قلوب مؤمنین افاضه فرموده چیست ؟ فرمود ایمان است . عرض کرد :
 روحی که خداوند مسلمین را بان تأیید کرده چیست ؟ فرمود ایمانست .
 مراد از کلمه تقوا چیست ؟ فرمود ایمانست .

بِشَيْءٍ مَّا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ^۱.

● چه بد معامله‌ای با خود نمودند که از روی ستم، نعمت قرآن را که خداوند فرو فرستاده بود کفران کردند و از آن روی گردانیدند .
در بازار دنیا کالای توحید و شرک ، کفر و ایمان ، عدل و فسق و خلاصه متاع سعادت و شقاوت فراوان است و مردم هم در این بازار پیوسته سرگرم دادوستدند .

متاع کفر و دین بی‌مشری نیست گروهی این گروهی آن پسندند
قرآن شریف دربارهٔ معامله‌گران با ایمان فرموده است :

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ^۲.

● آنانکه کتاب خدا را تلاوت کردند، نماز را برپا داشتند و از رزقی که خداوند به آنان عطا نمود، آشکارا و نهان انفاق نمودند ، امیدوار به تجارتی هستند که هرگز زیان و زوال نخواهد داشت .

۱- سوره ۲ ، آیه ۹۰

۲- سوره ۳۵ ، آیه ۲۹

داوری

ان امرأَةً وَلَدَتْ عَلَى فِرَاشِ زَوْجِهَا وَلَدَا لَهُ بَدَنَانِ وَرَأْسَانِ
عَلَى أَحَقِّهِ وَاحِدٍ فَالْتَبَسَ الْأَمْرُ عَلَى أَهْلِهِ أَهْوَ وَاحِدًا وَاثْنَانِ
فَصَارُوا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْتَلُونَهُ عَنْ ذَلِكَ
لِيَعْرِفُوا الْحُكْمَ فِيهِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ :
اعْتَبِرُوهُ إِذَا نَامَ ثُمَّ اتَّبِعُوا أَحَدَ الْبَدَنَيْنِ وَالرَّأْسَيْنِ فَإِنْ
اتَّبَعَهَا جَمِيعًا فِي حَالَةٍ وَاحِدَةٍ فَهُمَا إِنْسَانٌ وَاحِدٌ وَإِنْ اسْتَبَقَتْ
أَحَدُهُمَا وَالْآخَرُ نَائِمٌ فَهُمَا اثْنَانِ وَحَقُّهُمَا مِنَ الْمِيرَاثِ حَقُّ
اثْنَيْنِ .^۱

● زنی از شوهر قانونی خود فرزندی آورد که دوسر و دو بدن روی
یکت کمر داشت. خانواده مولود دچار اشکال شدند و نمیدانستند آیا این
نوزاد یکت فرد است یا دو فرد. بمحض مبارک حضرت علی بن ابیطالب
علیه السلام شرفیاب شدند تا از حکم الهی در این باره آگاه گردند. حضرت
فرمود: بچهره در موقع خواب آزمایش کنید. باین ترتیب که وقتی هر دو در
خوابند یکی از آن دوسر یا دو بدن را حرکت دهید و بیدار کنید. اگر هر دو
با هم در یک لحظه بیدار شدند این دو یکت انسانند. ولی اگر یکی بیدار شد
و دیگری در خواب بود آن دو، دو انسانند و ارث دوفرد میبرند.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَتَنِي رَجُلٌ مِنْ آلِ أَنْصَارِ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ هَذِهِ ابْنَةُ عَمِّي وَأَمْرَأَتِي لَا أَعْلَمُ إِلَّا خَيْرًا وَقَدْ أَتَنَنِي بِوَلَدٍ شَدِيدِ السَّوَادِ مُنْتَشِرِ الْمِنْخَرَيْنِ جَعْدٍ قَطَطٍ أَفْطَسٍ إِلَّا نَفِ لَا عَرِفُ شِبْهَهُ فِي أَخْوَالِي وَلَا فِي أَجْدَادِي فَقَالَ لِأَمْرَأَتِهِ مَا تَقُولِينَ قَالَتْ لَا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا اقْعَدْتُ مَقْعَدَهُ مِنْهُ مُنْذُ مَلَكَتْنِي أَحَدًا غَيْرَهُ قَالَ فَتَكَسَّ رَسُولُ اللَّهِ رَأْسَهُ مُكْبِتًا ثُمَّ رَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى الرَّجُلِ فَقَالَ يَا هَذَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بَيْنَهُ وَبَيْنَ آدَمَ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ عَرَفًا كُلُّهَا تَضْرِبُ فِي النَّسَبِ فَإِذَا وَقَعَتِ النُّطْفَةُ فِي الرَّحِمِ اضْطَرَبَتْ تِلْكَ الْعُرُوقُ نَسَّالٌ اللَّهُ الشَّبَّهَ لَهَا فَهَذَا مِنْ تِلْكَ الْعُرُوقِ الَّتِي لَمْ تُذَرِكْهَا أَجْدَادُكَ وَلَا أَجْدَادُكَ خُذْ أَلَيْكَ ابْنَكَ فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ فَرَجَّتْ عَنِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ .^۱

● امام باقر (ع) فرمود مردی از انصار با همسر خود شرفیاب محضر رسول اکرم شد . عرض کرد یا رسول الله این زن دختر عمو و همسر من است ، زنی پاک و با عفت . برای من فرزندی آورده است که چهره اش سیاه ، لوله های بینی گشاد ، موهایش پیچیده ، بینیش پهن است ! خلاصه طفلی با تمام کمیزات نژادی یک حبشی متولد شده است . نظیر چنین فرزندی در خانواده و اجداد پدری و مادری نیست . رسول اکرم از زن سؤال کرد چه میگوئی . قسم یاد کرد از موقعی که من بهمسری این مرد درآمده ام با هیچکس نیامیخته ام . حضرت مانند کسی که بفکر فرورود سر بر زیر انداخت و سپس سر بلند کرد و دیده با آسمان گشود بعد رو کرد

۱- وسائل جلد ۵ باب ان الولد یلقی بالزوج صفحه ۱۲۸

بشوهر و فرمود : بین هر انسان تا آدم ۹۹ عرق وجود دارد که در ساختمان فرزند همه فعالیت میکنند . وقتی نطفه‌ای در رحم قرار گیرد عرقها بجنبش افتاده و همه از خدا درخواست دارند که فرزند به شبه آنها ساخته شود . این بچه غیر مشابه شما از همان عرقهای دوردست است که در اجداد و اجداد اجداد سابقه ندارد . کودک را بگیر ، او فرزند تو است . زن عرض کرد یا رسول الله عقد مرا گشودی و از غصه خلاصم کردی .

قضاوت و روانکاوی

جوانی برای دادخواهی نزد عمر خلیفه دوم آمد . فریاد میزد خدایا بین من و مادرم حکم کن . عمر گفت از مادرت چه شکایت داری . جواب داد او نه ماه مرا در شکم پرورده و دو سال تمام شیرم داده . چون بزرگ شدم و نیکو بود را شناختم مرا طرد کرده و میگوید بچه من نیستی ، من تو را نمیشناسم . عمر گفت مادرت کجا است . جواب داد در سقیفه بنی فلان . عمر دستور داد زنرا احضار کنند . زن باتفاق چهار برادر خود و چهل شاهد در محکمه حاضر شد . عمر بچوان گفت چه میگوئی . گفته‌های خود را تکرار کرد و قسم یاد نمود که این زن مادر منست ، نه ماه در شکم بودم و دو سال شیرم داده است . عمر بزن گفت این پسر چه میگوید . زن جواب داد بخدای نادیده قسم ، بحق نبی اکرم قسم است من این پسر را نمیشناسم و نمیدانم از کدام خاندانست . او میخواهد مرا در عشیره و خانواده ام رسوا کند . من زنی از خاندان قریشم و تا کنون شوهر نکرده‌ام و سهر بکارتم محفوظست .

قضاوت : قضاوت و روانکاوی

عمر گفت شاهد داری . زن جواب داد اینها همه شهود من هستند .
چهل نفر شاهد شهادت دادند که پسر بدروغ ادعای فرزندی زن را
مینماید و میخواهد باینوسیله زن را در خانواده و عشیره اش رسوا کند ،
شهادت دادند که زن باکره است و تا کنون شوهر نکرده است .
عمر گفت پسر را زندانی کنید تا درباره شهود تحقیق شود . اگر
صحت گفتارشان ثابت شد پسر را بعنوان مفتری مجازات خواهم کرد .
مأمورین او را بطرف زندان بردند . بین راه باعلی (ع) برخورد نمود .
پسر فریادی زد و گفت یا علی من جوان مظلومی هستم و شرح حال خود را
بعرض رسانید و گفت عمر بزند انم امر کرده است . حضرت فرمود پسر را
نزد عمر برگردانید . چون برگشتند عمر گفت من دستور زندان دادم
چرا جوانرا برگردانید . گفتند علی (ع) بنا دستور داد و ما از شما
شنیده ایم که میگفتید با امر علی بن ابیطالب مخالفت نکنید . در این بین
علی (ع) وارد شد . فرمود مادر پسر را بیاورید . آوردند . حضرت
بجوان فرمود چه میگوئی . او مجدداً تمام شرح حال را گفت . علی (ع)
بعمر فرمود آیا موافقی که من در این باره قضاوت کنم . عمر گفت
«سبحان الله» چطور موافق نباشم ، من از پیغمبر اکرم (ص) شنیدم که
میفرمود : علی بن ابیطالب از همه شما داناتر است . حضرت بزن
فرمود آیا در ادعای خود شاهد داری . گفت بلی . چهل شاهد همه
نزدیک آمدند و مانند دفعه قبل اداء شهادت کردند . علی (ع) فرمود
اینکه برضای خدا حکم میکنم حکمی که رسول اکرم (ص) بمن آموخته
است . سپس بزن فرمود آیا در کار خود بزرگ و صاحب اختیاری داری .
جواب داد بلی ، این چهار نفر برادر و صاحبان اختیار من هستند .

حضرت ببرادران زن فرمود آیا در باره خود و خواهرتان بمن اجازه و اختیار میدهید . گفتند بلی شما در باره ما و خواهرمان مجاز و مختارید . حضرت فرمود بشهادت خداوند بزرگ و بشهادت تمام مردمی که در این مجلس حاضرند این زن رابعه ازدواج این پسر در آوردم بمهریه چهارصد درهم وجه نقد که از مال خود پردازم و به قنبر فرمود فوراً چهارصد درهم حاضر کن . قنبر چهارصد درهم آورد . حضرت پولها را ریخت در دست جوان ، فرمود بگیر ، برخیز و مهریه را در دامن زنت بریز و فوراً زنت را بردار و ببر و نزد ما بزن گردی مگر آنکه آثار عروسی در تو باشد یعنی غسل کرده برگرد . پسر از جا حرکت کرد و پولها را در دامن زن ریخت و گفت برخیز برویم .

فَنَادَتِ الْمَرْأَةُ : النَّارُ النَّارُ يَا بَنِي عَمِّ مُحَمَّدٍ . اَتُرِيدُ اَنْ تَزُوْجَنِي مِنْ وَلَدِيْ هَذَا وَ اَللهِ وَلَدِيْ .

● زن فریاد زد : آتش ، آتش . آیا میخواهی مرا همسر پسر مرا دهی ؟ بخدا این فرزند منست . برادران من مرا بمردی شوهر دادند که پدرش غلام آزاد شده ای بود . این پسر را من از او آورده ام . وقتی بچه بزرگ شد بمن گفتند او را انکار کنم ولی اکنون اقرار میکنم که این بچه منست ، دلم در مهر او میجوشد . مادر دست پسر را گرفت و از مجلس قضا خارج شد . عمر گفت :

وَاعْمَرَاهُ ! لَوْلَا عَلِيٌّ لَهْلَكَ عُمَرُ .^۱

● اگر علی نبود من هلاک شده بودم .

حُبِّ وَ بُغْضِ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : جُبِلَتْ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَبُغْضِ مَنْ أَسَاءَ عَلَيْهَا . ۱

● رسول اکرم (ص) فرموده: دل‌های مردم با این تمایل فطری آفریده شده است که نیکی کنندگان بخود را دوست داشته باشند و بدکنندگان به خویش را دشمن دارند.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

جاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ، فَقَالَ: مَا أَحْبَبْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَأَتِيَهُ إِلَيْهِمْ، وَمَا كَرِهْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَلَاتَأْتِهِ إِلَيْهِمْ.

● مردی حضور رسول اکرم (ص) شرفیاب شد عرض کرد بمن چیزی بیاموزید که بوسیله آن داخل بهشت شوم، حضرت فرمود: آنچه را که دوست داری مردم نسبت بنو رفتار کنند تو نیز درباره مردم همانطور عمل کن، و آنچه را که میل نداری درباره تو عمل کنند تو هم نسبت به مردم آنطور رفتار مکن.

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : طَهِّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنْ الْحِقْدِ فَإِنَّهُ دَاءٌ مُؤَبِّيٌّ.^۱

● علی علیه السلام فرموده است : قلبهای خود را از کینه های نهانی پاک کنید، چه آن یکک بیماری مهلکی همانند وبا است.

وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِيَقْلُوبِ خَوَاطِرُ سَوَاءٍ وَالْعُقُولُ تَزْجُرُ مِنْهَا.^۲

● و نیز فرموده است : در دل های بشر ، خاطرات بد و خواهش های زشت پدید می آید ، عقل است که از اعمال آن خاطرات جلوگیری میکند و بشر را از بدکاری و گناه محافظت مینماید.

قلب ، خلقتی شگفت آور؟!

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَقَدْ عَلِقَ بِنِيَابِ هَذَا الْإِنْسَانِ بَضْعَةٌ هِيَ أَعْجَبُ مَا فِيهِ وَذَلِكَ الْقَلْبُ وَلَهُ مَوَادٌّ مِنَ الْحِكْمَةِ وَأَضْدَادٌ مِنْ خِلَافِهَا فَإِنْ سَنَحَ لَهُ الرَّجَاءُ أَذَلَّهُ الطَّمَعُ وَإِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ وَإِنْ مَلَكَهُ الْيَبَاسُ قَتَلَهُ الْآسَفُ وَإِنْ عَرَضَ لَهُ الْغَضَبُ اشْتَدَّ بِهِ الْغَيْظُ وَإِنْ أَسْعَدَهُ الرِّضَا نَسِيَ التَّحْقِظَ وَإِنْ غَالَهُ الْخَوْفُ شَغَلَهُ الْخَذَرُ وَإِنْ اتَّسَعَ لَهُ الْأَمْنُ اسْتَلَبَتْهُ الْعِزَّةُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَّهَ النُّجْزَعُ وَإِنْ أَفَادَ مَالًا أَطْفَاهُ الْغِنَى

قلب : قلب ، خلقتی شگفت آور

وَإِنْ عَصَيْتَهُ الْفَاقَةُ شَغَلَهُ الْبَلَاءُ وَإِنْ جَهَدَهُ الْجُوعُ قَعَدَتْ بِهِ الضَّعْفُ وَإِنْ أَفْرَطَ بِهِ الشَّبَعُ كَثَفَتْهُ الْبِطْنَةُ فَكُلُّهُ تَقْصِيرٌ بِهِ مُضِيرٌ وَكُلُّ أَفْرَاطٍ لَهُ مُفْسِدٌ .^۱

● علی علیه السلام در باره قلب آدمی که خلقتی بس عجیب و شگفت آور دارد فرموده است : در این کانون تمایلات عاطفی ، مجموعه ای از خواهشهای حکیمانه و تمایلاتی ضد آنها گرد آمده است ، اگر امیدوار شود تمنای طمع خوارش میسازد ، اگر میل باز و طمع در ضمیرش جنبش کند خواهش حرص تباهش مینماید ، اگر ناامید گردد اندوه و غم او را میکشد ، اگر حالت غضب بر وی دست دهد بشدت خشمگین میگردد ، اگر خشنود شود خودداریهای لازم را فراموش میکند ، اگر دچار خوف و هراس شود در جستجوی راه نجات ، حیرت زده و مبہوت میگردد ، اگر در امنیت و گشایش قرار گیرد غفلت و نادانی آنرا از کفش میرباید ، اگر بمصیبتی دچار شود بی تابی رسوایش میکند ، اگر مالی بدست آورد توانگری بطغیانش وامیدارد ، اگر فقر و تهیدستی آزارش دهد گرفتار بلا میشود ، اگر گرسنگی بر او فشار آورد ناتوانی ، زمین گیرش میکند ، اگر در خوردن زیاده روی کند فشار شکم ناراحتش میسازد ، پس هر کوتاهی و کند روی در تمایلات ، برای بشر زیان آور است ، و هر افراط و تندروی نیز مایه فساد و تباهی است .

وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِأَلَا دَبِّ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبُكَ .^۲

● علی علیه السلام ضمن نامه خود بحضرت مجتبی (ع) فرموده است:
دل جوان نوحاسته ، مانند زمین خالی از گیاه و درخت است، هر بذری که
در آن افشانده شود می پذیرد و در خود می پرورد . سپس فرموده : فرزند
عزیز ، من در آغاز جوانیت به ادب و تربیت تو مبادرت نمودم پیش از
آنکه عمرت بدرازا بکشد و دلت سخت گردد .

رقيق القلب ، قسى القلب

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أُوصِيكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا
فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةٍ إِنْ اللَّهُ بِمَعْنَى بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَخَالَفَنِي
الشُّبَّانُ وَخَالَفَنِي الشُّبُوحُ ثُمَّ قَرَأَ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ
فَقَسَّتْ قُلُوبُهُمْ .^۱

● رسول اکرم (ص) فرمود : بشماها در باره نوبالغان و جوانان به
نیکی سفارش میکنم که آنها دلی رقیقتر و قلبی فضیلت پذیرتر دارند .
خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را برحمت الهی بشارت دهم
و از عذابش بترسانم . جوانان سخنانم را پذیرفتند و بامن پیمان محبت بستند
ولی پیران از قبول دعوتم سر باز زدند و به مخالفتم برخاستند . سپس به
آیه ای از قرآن اشاره کرد و در باره مردم کهنسال که مدت زندگی آنها
بدرازا کشیده و دچار قساوت و سخت دلی شده اند سخن گفت .

حضرت رضا (ع) درباره علت حرمت خون پس از بیان اختلالات بدنی
فرموده است :

۱ - کتاب شباب قریش ، صفحه ۱

قلب : قلب مؤمن

وَبِئْسَ الْخُلُقُ وَيُورِثُ الْقَسْوَةَ لِقَلْبٍ وَقِلَّةِ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ
وَلَا يُؤْمَنُ أَنْ يَقْتُلَ وَلَدَهُ وَالِدَهُ^۱.

● خون خوردن آدمی را بد خلق میکند ، قساوت قلب میآورد ،
عطوفت و مهربانی را کم میکند تا جائیکه خونخوار چنان خطرناک و
ناامن میشود که ممکنست فرزند خود را بکشد یا دستش به خون پدر
آلوده گردد .

قلب مؤمن

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ أَبِي يَقُولُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ
عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خَفِيفٌ وَنُورٌ رَجَاءٌ لَوْ وُزِنَ
هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَلَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا^۲.

● امام صادق علیه السلام از پدرش نقل کرده است که میفرمود : هیچ
بنده مؤمنی نیست مگر آنکه در قلبش دو روشنی وجود دارد یکی نور ترس
و دیگری نور امید ، این دو احساس در نهاد مردم با ایمان آنچنان متساوی
است که اگر سنجیده شوند هیچ یک بر دیگری فزونی ندارد .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ
الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَاحْبَبَهَا بِقَلْبِهِ وَبَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ^۳.

● رسول اکرم (ص) فرموده : از همه مردم برتر و بهتر در پرستش
الهی کسی است که با عبادت خدا عشق ورزی کند ، معانقه نماید ، بندگی
پروردگار را در دل دوست بدارد و با بدن انجام دهد .

۱ - بحار جلد ۱۴ صفحه ۷۷۲

۲ - کافی ۲ ، صفحه ۸۲

۳ - کافی ۲ ، صفحه ۶۷

قوت قلب

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : بَيَانُ الرَّجُلِ يُنْبِئُ عَنْ قُوَّةِ جَنَانِهِ .^۱

● علی علیه السلام میفرماید : سخنان هر انسانی حاکی از قوت قلب و نیرومندی روان او است ، یعنی بهر نسبتی که روح آدمی قوی تر و اعتماد به نفسش بیشتر است کلامش قاطع تر و سخنش نیرومندتر است .

بعضی از جوانان با آنکه خوب درس خوانده اند ولی جرأت نمیکنند که در کلاس از معلم مطلبی را سؤال کنند یا آنکه در موقع امتحان شفاهی آنچنان خود را میبازند که گوئی تمام مطالب و محفوظات خویش را فراموش کرده اند، حتی در برخورد با مردم نیز بطوری دچار دلهره و خجالت میشوند که نمیتوانند مسائل عادی را بخوبی توضیح دهند و مقصود خویش را بدرستی بیان کنند، گوئی خود را کوچکتر از آن میدانند که با مردم سخن بگویند یا از معلم مطلبی را پرسش نمایند .

قالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَتَدَارَكَ نَفْسَهُ بِإِصْلَاحِهَا
أَعْضَلَ دَاوَاهُ وَاعْتَبَى شِفَاؤَهُ وَعَدِمَ الطَّبِيبَ .^۱

● علی علیه السلام فرموده است : کسی که به اصلاح نفس خویش نپردازد و هر چه زودتر خود را درمان ننماید بیماریش تشدید میشود و علاجش سخت میگردد و فاقد طبیب معالج خواهد شد.

۱- غرر الحکم ، صفحه ۳۴۳

۱- مستدرک ، جلد ۲ ، صفحه ۳۱۰

اعتماد بنفس

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ : لِيَجْتَمِعَ فِي قَلْبِكَ الْإِفْتِقَارُ إِلَى النَّاسِ وَالْإِسْتِغْنَاءُ عَنْهُمْ . فَيَكُونَ إِفْتِقَارُكَ إِلَيْهِمْ فِي لَيْلٍ كَلَامِكَ وَحُسْنُ بَشْرِكَ . وَيَكُونَ اسْتِغْنَاؤُكَ عَنْهُمْ فِي نَزَاهَةِ عِرْضِكَ وَبَقَاءِ عِزِّكَ .^۱

● علی علیه السلام همواره این درس را پیروان خود میداد که لازم است هر انسانی در باطن خود نسبت به مردم دارای دو احساس باشد : یکی احتیاج بآنها و دیگری بی نیازی از آنها. احساس احتیاج را با سخنان نرم و روی گشاده خود آشکار کند ، و بی نیازی خویش را بوسیله اجتناب از زبونی و حفظ شرافت شخصی خود ظاهر سازد.

مرکز تحقیقات علوم دینی

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ .^۲

● و این مخصوص برنامه های تربیتی پیغمبران خداست. روشهای علمی و عملی روانشناسی فقط قادر است مردم را متکی بنفس تربیت کند ، ولی برنامه های تربیتی اسلام علاوه بر پرورش اعتماد بنفس، افراد را با ایمان و متکی بخداوند بار میآورد ، و این خود یکی از بزرگترین امتیازات مکتب تربیت روحانی اسلام بر تمام مکاتب تربیتی جهان است .

۱ - کافی جلد ۲ صفحه ۱۴۹

۲ - سوره ۱۳ آیه ۲۸

برد و باخت

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ .^۱

● شیطان قصد دارد بوسیله شراب و قمار روابط شما را با یکدیگر تیره کند و بین شماها دشمنی و کینه برانگیزد .

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ جَلَسَ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ .^۲

● رسول اکرم (ص) فرموده : مطرود از رحمت حق است کسی که در کنار سفره‌ای بنشیند که در آن شرب خمر میشود .

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَمَالِهِ فَتَنْهَاهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ .^۳

● امام صادق علیه السلام فرموده : قریش مال خود و زن خود را در معرض برد و باخت قرار میداد و قمار میزد . خداوند این عمل ناروا را تحریم نمود و آنانرا از این کار بر حذر داشت .

۱ - سورة ۵ ، آیه ۹۱

۲ - بحار ۱۱ ، صفحه ۱۱۵ ۳ - کافی ۵ ، صفحه ۱۲۲

عَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَهَى عَنْ جَمِيعِ الْقِمَارِ وَأَمَرَ الْعِبَادَ بِإِلَاجْتِنَابِ مِنْهَا وَسَمَاهَا رِجْسًا فَقَالَ رِجْسٌ مِمَّنْ عَمَلَ الشَّيْطَانُ فَاجْتَنِبُوهُ مِثْلَ اللَّعِبِ بِالشُّطْرَنْجِ وَالنَّرْدِ وَغَيْرِهِمَا مِنَ الْقِمَارِ وَالنَّرْدُ أَشْرٌ مِنَ الشُّطْرَنْجِ.^۱

● حضرت رضا علیه السلام فرموده: خداوند تمام اقسام قمار را تحریم کرده و به مردم فرمان داده است از آن اجتناب نمایند. خداوند قمار را پلیدی خوانده و آنرا عمل شیطانی دانسته و مردم را از آن برحذر داشته است، مانند بازی شطرنج و نرد و دیگر بازیهای قمار، و بازی نرد بدتر از قمار شطرنج است.

قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَدْخُلُ فِي الْمَيْسِرِ اللَّعِبُ بِالشُّطْرَنْجِ وَالنَّرْدِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ أَنْوَاعِ الْقِمَارِ.^۲

● امام باقر علیه السلام فرموده: قمار ممنوع در اسلام شامل بازی شطرنج و نرد و سایر اقسام قمار است.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ قَالَ ذَلِكَ الْقِمَارُ.^۳

● در قرآن شریف آمده است که اموال یکدیگر را به باطل و بطور غیر مشروع تصرف نکنید. امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده است: مقصود مالی است که از مجرای قمار بدست میآید.

۱ - مستدرک ۲، صفحه ۴۳۶ - ۲ - تفسیر مجمع البیان ۳، صفحه ۲۳۹

۳ - وسائل ۴، صفحه ۱۱۷

۱۲۵ . قیامت

[القیامة]

حسابرسی براساس عدل

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا.^۱

● ترازوهای عدل را در روز قیامت مستقر می‌سازیم و در محاسبه آنروز هیچکس مورد کمترین ستم واقع نمی‌شود.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَاللَّهِ لَا أَنْ آيَتَ عَلِيٍّ حَسْبُكَ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا أَوْ أُجِرَّ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفَّدًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَغَاصِبًا لِبَشْيٍ مِنَ النُّحُطَامِ.^۲

● علی علیه السلام فرموده است: به خدا اگر شب را تا صبح روی خارهای تیز و برنده سعدان، بیدار بمانم و در حالی که دست و پای مرا با غل و زنجیر بسته‌اند به این سو و آن سویم بکشند، نزد من بهتر است از اینکه در قیامت، خدا و رسولش را ملاقات نمایم با وضعی که به پاره‌ای از بندگان خدا ستم نموده و چیزی از اموال این و آن را غصب کرده باشم.

۱- سوره ۲۱، آیه ۴۷

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : لَا تَزُولُ قَدَمَا الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ : عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ عِلْمِهِ كَيْفَ عَمِلَ بِهِ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ^۱.

● رسول اکرم (ص) فرموده است : قدمهای هیچیک از بندگان، در قیامت جابجا نمی شود تا مورد پرسش چهار سؤال واقع شود. از عمرش که در چه راه فانی نموده، از جوانیش که در چه کاری فرسوده اش ساخته، از عملش که چگونه بوده و چطور انجام داده و از مالش که از کجا به دست آورده و در چه راهی صرف نموده است.

مرکز تحقیقات کلامی و علوم اسلامی

عَنْ يَاسِرِ الْخَدَّامِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : «إِنْ أَوْحِشْتَ مَا يَكُونُ هَذَا الْخَلْقُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ يَوْمٍ وَلَيْدٍ وَيَخْرُجُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَيَبْرَى الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَمُوتُ فَيُعَايِنُ الْآخِرَةَ وَاهْلِيهَا وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا فَيَبْرَى أَحْكَامًا لَمْ يَبْرَهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَقَدْ سَلَّمَ اللَّهُ عَلَى يَحْيَى (ع) فِي هَذِهِ الثَّلَاثِ الْمَوَاطِنِ وَآمَنَ رَوْعَتَهُ فَقَالَ «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا» سورة ۱۹ آیه ۱۵ وَقَدْ سَلَّمَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَى نَفْسِهِ فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْمَوَاطِنِ وَقَالَ «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» سورة ۱۹ آیه ۳۳^۲.

● با سرخادم می گوید : از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود :

وحشت بارترین مواقع برای این مردم ، سه مورد است . روز ولادت که از شکم مادر خارج می شوند و دنیا را می بینند . روزی که می میرند و عالم بعد از مرگ و اهل آنرا مشاهده می کنند ، و روزی که دوباره زنده می شوند ، به صحنه قیامت قدم می گذارند و احکامی را مشاهده می کنند که در دنیا ندیده اند . و خداوند سلامت حضرت یحیی را در این سه روز اخبار نموده و حضرت مسیح در این سه مرحله برای خویشتن سلامت خواسته است .

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ : كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْآخِرَةِ عِيَانُهُ أَعْظَمُ مِنْ سَمَاعِهِ .^۱

● علی علیه السلام می فرماید : آنچه از ثواب و عقاب و دیگر امور مربوط به آخرت پس از قیام قیامت مشهود می گردد بمراتب بزرگتر از آن چیزی است که در دنیا شنیده شده و تصورش می رفت .

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ : كُلَّمَا ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ مِمَّا فِي الْجَنَّةِ وَسَمَّاهُ لَيْسَ لَهُ مِثْلٌ فِي الدُّنْيَا وَلَكِنْ سَمَّاهُ اللَّهُ بِالِاسْمِ الَّذِي يُعْرَفُ .^۲

● ابن عباس می گوید : هرچه را که خداوند در قرآن از نعمت بهشت یاد کرده و از آن اسم برده است در دنیا همانند ندارد ولی به منظور معرفی ، از هر نعمت به اسمی که در این جهان شناخته شده نام برده است .

۱- فهرست غرر ، صفحه ۵

۲- لثالی الاخبار ، صفحه ۴۳۶

روز حشر و نشر

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يُحْشَرُ النَّاسُ عَلَى نِيَّتِهِمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱.

● امام باقر علیه السلام فرموده است : مردم در قیامت طبق نیت
باطنی و ملکات درونی خود محشور می شوند .

شبهات و همانندی خواب و مرگ در نظر اولیاء گرامی اسلام
به اندازه ای است که رسول گرامی (ص) وقتی از خواب بیدار می شد خدا را
این چنین حمد و سپاس می نمود .

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ^۲.

● سپاس و ستایش خداوندی را سزااست که ما را پس از میراندن زنده کرد
و حشر و نشر مردم در قیامت به سوی او خواهد بود .

قِيلَ لِمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: مَا الْمَوْتُ؟ قَالَ: هُوَ النَّوْمُ
الَّذِي يَأْتِيكُمْ كُلُّ لَيْلَةٍ إِلَّا أَنَّهُ طَوِيلٌ مُدَّتُهُ لَا يُسْتَبَهِ مِنْهُ إِلَّا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۳.

● از حضرت جواد علیه السلام سؤال شد : مرگ چیست ؟ در پاسخ
فرمود : مرگ همان خواب است که هر شب سروقت شما می آید جز آنکه مدت
خواب مرگ طولانی است و آدمی از آن خواب بیدار نمی شود جز روز قیامت .

۱- مشکوٰۃ الانوار ، صفحه ۱۴۷

۲- سفینه ، جلد ۲ ، (نوم) ، صفحه ۶۲۶ ۳- معانی الاخبار ، صفحه ۲۸۹

یقین به آخرت

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ
وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ.^۱

● و پرهیزکاران کسانی هستند که به تمام آنچه از طرف باری تعالی بر تو و پیامبران پیش از تو نازل شده است ایمان آورده و به عالم آخرت یقین دارند .

راغب می گوید : اليقين من صفة العلم فوق المعرفة و الدراية و اخوانها يقال علم يقين و لا يقال معرفة يقين و هو سكون اللهم مع ثبات الحكم.^۲

● یقین از صفت علم است و آن بالاتر از شناخت و درك و دیگر کلماتی نظائر اینها است. در لغت عرب گفته می شود علم یقین و نمی گویند معرفت یقین بنابراین یقین عبارت است از اطمینان خاطر با قطعیت حکم.

در یکی از روزها پیامبر گرامی نماز صبح را در مسجد بامردم به جماعت برگزار نمود. پس از نماز متوجه جوانی شد که چهره ای زرد و چشمی خسته و خواب آلود داشت. آشکار بود که شب گذشته را بدون خواب و استراحت گذرانده است. حضرت به جوان فرمود : چگونه صبح کردی ای حارث ؟ پاسخ داد ، صبح کردم در حال یقین. رسول گرامی از سخن جوان بشگفت آمد و فرمود : هر یقینی حقیقی دارد ، حقیقت یقین تو چیست ؟ عرض کرد یا رسول الله این یقین من است که مرا به شب بیداری و ادار نمود و نسبت

به علائق مادی و دنیوی بی اعتنایم ساخته است.

كَأَنِّي أَنظُرُ إِلَى عَرْشِ رَبِّي قَدْ نُصِبَ لِلْحِسَابِ وَحُشِرَ الْخَلَائِقُ
لِلدِّيكِ وَأَنَافِهِمْ . وَكَأَنِّي أَنظُرُ إِلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ يَتَنَعَّمُونَ
فِيهَا وَيَتَعَارَفُونَ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَكِيْنٍ وَكَأَنِّي أَنظُرُ إِلَى
أَهْلِ النَّارِ فِيهَا مُعَذَّبُونَ وَيَصْطَرِحُونَ وَكَأَنِّي أَسْمَعُ الْآنَ
زَفِيرَ النَّارِ يَدُورُ فِي مَسَامِعِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) هَذَا عَبْدٌ
نُورَ اللَّهُ قَاتِبُهُ فِي الْإِيمَانِ ثُمَّ قَالَ الْإِزْمُ مَا أَنْتَ عَلَيْهِ . فَقَالَ
الشَّابُّ ادْعُ اللَّهَ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أُرْزِقَ الشَّهَادَةَ مَعَكَ فَدَعَا
لَهُ بِذَلِكَ فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ خَرَجَ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِ النَّبِيِّ (ص)
فَاسْتُشْهِدَ بَعْدَ تِسْعَةِ نَفَرٍ وَكَانَ هُوَ الْعَاشِرُ .^۱

● گوئی می بینم که عرش الهی برای حساب خلایق مستقر گردیده ،
مردم برای محاسبه گردآوری شده اند و من نیز بین آنان هستم . گوئی اهل
بهشت را می بینم که در آن از نعمتهای الهی برخوردارند ، یکدیگر را به بخوبی
می شناسند و بر سریرها تکیه زده اند . گوئی اهل آتش را می بینم که در آن
معلذبند و پیوسته فریاد می زنند و استغاثه می کنند . و گوئی هم اکنون صدای
وحشت زای زبانهای آتش دوزخ در گوشم صدای کند . رسول اکرم
فرمود : این بنده ایست که خداوند دلش را در پرتو نور ایمان روشن کرده
است . سپس به او تذکر داد که این حالت روحی و صفای دل را در خود
نگاهداری کن و مراقب باش که از دست ندهی .

در این موقع جوان عرض کرد یا رسول الله دعا کنید که خداوند

شهادت را در رکاب شما نصیب من فرماید. پیامبر گرامی به خواسته او دعا کرد. طولی نکشید که آن جوان با دیگر سربازان در معیت پیشوای اسلام برای جنگ از مدینه خارج شدند، در عرصه کارزار ابتدا نه نفر از مسلمانان شهید شدند و آن جوان دهمین سرباز شهید بود و بدین ترتیب، دعای پیغمبر مستجاب شد و او به افتخار شهادت نائل گردید.

علی علیه السلام درباره این گروه بزرگوار چنین فرموده است :

فَكَانَ مَا قَطَعُوا الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ وَهُمْ فِيهَا فَشَاهَدُوا مَا وَرَاءَ ذَلِكَ فَكَانَ مَا أَطْلَعُوا عُيُوبَ أَهْلِ الْبَرْزَخِ فِي طُولِ الْإِقَامَةِ فِيهِ وَحَقَّقَتِ الْقِيَامَةُ عُقُوبَاتِهَا فَكَشَفُوا غِطَاءَ ذَلِكَ لِأَهْلِ الدُّنْيَا حَتَّى كَانَتْهُمْ بَرَوْنٌ مَا لَا يَرَى النَّاسُ وَيَسْمَعُونَ مَا لَا يَسْمَعُونَ^۱.

● اینان گوئی دنیا را به پایان رسانده و هم اکنون در عالم آخرتند و شاهد و ناظر مراحل هستند که از این پس باید روی دهد. گوئی به امور پنهانی که برای برزخیان در طول اقامتشان اتفاق افتاده است واقف شده اند. گوئی قیامت برپا شده و وعده های آن تحقق یافته است و اینان پرده های آن را بالا زده اند تا مردم دنیا از آنچه در پس پرده است آگاه گردند. گوئی اینان می بینند آنرا که مردم نمی بینند و می شنوند چیزی را که دیگران نمی شنوند.

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً. وَنَرِيهِ قَرِيْباً.^۱

● قیامت در نظر آنان خیلی دور می آید و ما آن را نزدیک می بینیم.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عُوْدُوْ الْمَرْضَى وَاتَّبِعُوا الْجَنَائِزَ يُدْكَرُكُمْ
الْآخِرَةُ.^۲

● رسول اکرم (ص) می فرمود: بپاران را عیادت نمائید و از پی
جنازه ها بروید، شما را پیاد آخرت می اندازد.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَوْ كُنْتُمْ تُوقِنُونَ بِخَيْرِ
الْآخِرَةِ وَشَرِّهَا كَمَا تُوقِنُونَ بِالدُّنْيَا لَأَثَرْتُمْ طَلَبَ الْآخِرَةِ.^۳

● رسول اکرم (ص) فرموده است: اگر اطمینان و یقین شما به خیر
و شر آخرت همانند یقینتان به خیر و شر دنیا می بود البته آخرت را انتخاب
می کردید و در راه آن سعی و کوشش می نمودید.

فِي الْحَدِيثِ مَنْ مَاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ.^۴

در حدیث آمده است که هر کس می میرد قیامتش برپا می شود.

۱- سورة ۷۰، آیه های ۵ و ۶

۲- مستدرک، جلد ۱، صفحه ۱۱۹

۳- علم الیقین، صفحه ۸۴۹

۴- مجموعه ورام، جلد ۱، صفحه ۱۳۴

سخنی از "علی" علیه السلام

فِي حَدِيثٍ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلَ سُوقَ الْبَصْرَةِ
فَنَظَرَ إِلَى النَّاسِ يَبِيعُونَ وَيَشْتَرُونَ فَبَكَى بَكَاءً شَدِيداً ثُمَّ قَالَ :
يَا عِبَادَ الدُّنْيَا وَعُمَمَالَ أَهْلِهَا إِذَا كُنْتُمْ بِالنَّهَارِ تَحْلِفُونَ وَبِاللَّيْلِ
فِي فِرَاشِكُمْ تَنَامُونَ وَفِي خِيَالِ ذَالِكُمْ عَنِ الْآخِرَةِ تَغْفُلُونَ
فَمَتَى تُجَهِّزُونَ الزَّادَ وَتُفَكِّرُونَ فِي الْمَعَادِ .^١

● علی علیه السلام به بازار بصره آمد و مردم را دید آنچنان سرگرم
خرید و فروشند که گوئی خود را از یاد برده و از هدف انسانی به کلی غافل
شده اند . با مشاهده این منظره طوری متأثر گردید که بشدت گریست .
سپس فرمود : ای بندگان دنیا و ای کارگذاران اهل دنیا . شما که روزها
سرگرم معامله و سوگند خوردنید و شبها بایبختی در بستر خواب آرمیده اید
و بین روز و شب ، از آخرت و حساب و کتاب آن غافلید پس چه وقت ،
خود را برای سفری که در پیش دارید مجهز می کنید و برای آن توشه
برمی دارید و در چه زمان به روز قیامت می اندیشید و به فکر معاد می افتید .